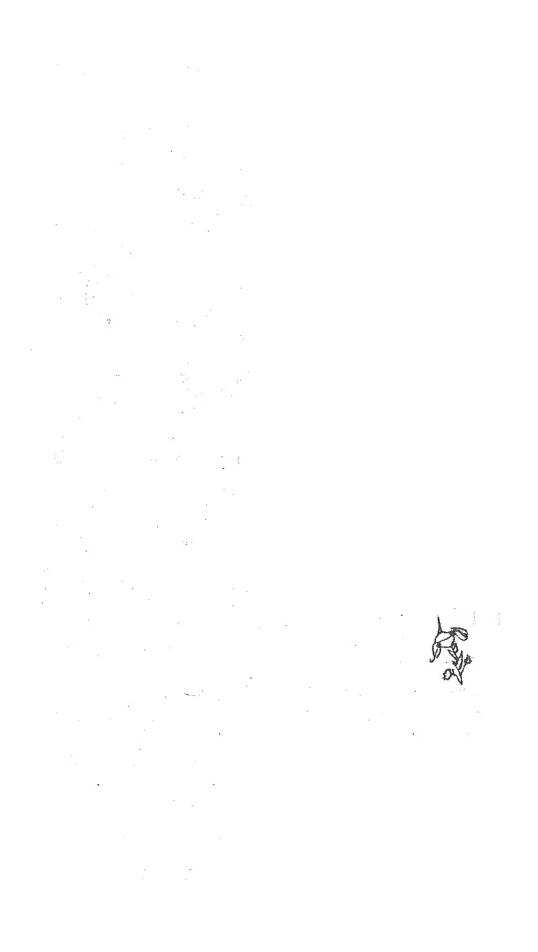
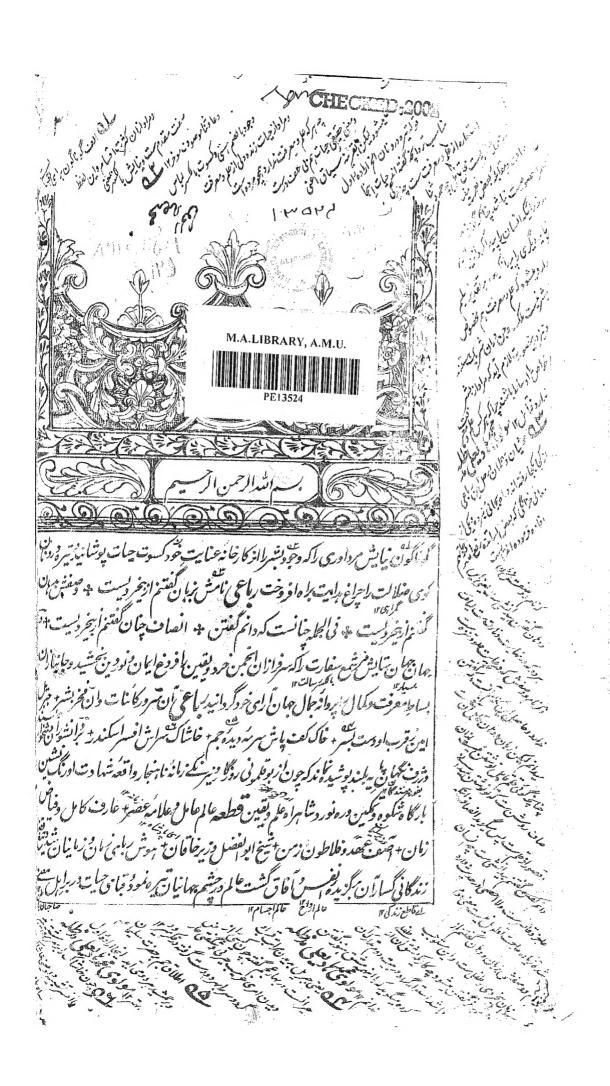
91500,00







ه استخبران روروا به آورون آن کرسهی ریستی دو انتظام آن نظریم مه در در به در در کان دوزم کوبسته در ما و سبجنوا که لهکر این بردگیا در در ی ندرده م در ایم که جها دیمان از عود رسیا وخریده رعنا امنیاطاًی نووه بر ذاق می وانایم لاجره بزار گابوی قریمتی و نافره بر حابهم رسانیدم و بنونندل نیست انگارسته و دید ان کاته بین اکدنوکر ده نامانیای از معنوست جلای وافویخشیدم وعنوان بر مک البقد رویافت خو ذکاشته سه مساختی شود وفرامين كماززبان حضرت شامنشايي علوك الإن وأولايت عانی بیج گردانیده اندو و هم عرا تصن خطوط کدخو ترج رطبوه گرساختم وارنهانخانی دطبوه گرساختم وارنهانخانی^ض کیسموج رمحرطبع فهامی شده مربنگوندازکشو عدد بنهرستان جود طبوه گرساخته وارنهانخانه صمیر برفراز پیدا کی آوردم رساخته این اوردم رساخته این نور انجام گرسان به که موج رساعت یک می ایجام گرستان موشل فی الند که رساعت یک می ایجام گرستان موشل فی الند که رسیفته شهو د حلوه گری آن خوان میاند و د لفویسی ایجالاک اما بازنظری این بیرکدار نظاری اینها ول اکدخاد ککدر در کیک می میت TOTAL MAN TO THE STATE OF THE S المراد و ال

A Charles and the second less of the state of th Sharing Ministers پرائه زوانی بوشانه و شهراکه تا برآن کاخ د ماخست از آفتاب جال شان د تو زگیبن ساندامید که بردا و تا ده می گفتن اندن و نهالان مین نیش در میشد به ارانصاف په درش او ته اسسبزی و شادایی از آ نزاد و می کارد این دارد در این در ای Service of the Property of the Service of the Servi مورن د عوري مواد موان مورس المان مورس شار شاري الرادين محراك إنباغاز بعيد بلد آور كي مدار كالعيدا مروره و مورد المراد ال سياستفرسي المهبه بهته وكرعا لمركونا كوناكون المجيندين بتيلوق فنون كرعبارت أرصوكم بنیروی قدرت امای از خانحانه بداد ن ببارگاه ظه و آور د وطوالف انام لاگاه و رقه رکان دادا معنی کدفعوس قدسید انبیا درسل علی نبینا وعلیه العملیة ولسلام اندور وحد نه الادی نجنب ساخته انتظام والدیا خشید د گاه درسطوت جلال سند ادایان صورت کداساطین بارگا جروتندانسلاک ده بوحدت قهری نظام کارگاه فطا جری لاً رایش و اسکان شاخصه به ایمالا نیایش بروان قاولیه الایان شاسراه قصور د کرسالکان احل معانی و اسکان شاخصه به ایمالا از امون شاالت وبها بال خلاف بالملك مبد الوات وروهم ولعافية وسعوالا بخارت في المائية في المراب با ورعالم عالم أيدات علوى وتوفيقات ساوي قرين روز كارزر كافلاً الله بخارت في المراز في المراز في من والشوب حاوث زمن تكام مهشته المحى ممت عليام صروف في المراز المواقية كراه بحال الارتسفي وختلف دراساط امن ولب يطعافيت و المستد وجموري خواب آما و الم State of the State مسرت ميكر شندگر دانو در نكام و فورنشاط وتمول أمبياط كه زاند راسعادت بود وخاطر ابهجت زمهت او كابن شا به دمطالعه لوصفیت وصفائه با جرزت وصطفا كه كارنام نه گارتان كميال سور ونشر شد ونشائم فدانی خلت و ولا و دوائح رخانی بسطت و ضیا ارشقالت صدارت مبانی و آن مضامين معاني أن شام فيض انتيام رق طراوت تاز ، گرفت و و ماغ قر و كون انتيام

باین البی استیمهٔ رضیه که و حقیقت ملافات زوحانی درگی برمانی سیمسرت افرای ماهی میمانی مان فارند فورس موطرب پرای ضمیرمانی مهان فواند بو و و مجالست صوری و مواست ما البیرای البرای ا شهروا كارتم فيرخامه لوخات شما مدكرويه وبو وكدور توكيدمياني صلح وتصفيه منابل وخا الهمام روووم ندوكه وفعا بين كأشد برنسطر ستعسان جلوه مودسد است كامري شرفيتر درعاكم ا د دنشارتعلی *غیراز نو*د دو توا ف*ی نشان ندا*د هاند که انتظام سلسای *ایانات* بان منع دادم به برگاه اینمعنه دطیقه سلاطین که اساطین بارگاه جروتند نظمه آمدیگی شمریر کان و منتج حساک ا وفال خوابربو ووالوت نفوس وصنوف فيسي حيات درجها خافيت أراه نحالهن رياف وإناسار مراسم معالمت دابرازگوازم معادقت ما دابستی ما دهی شدگه گی مرت آرایش آه از مباری شاد مسیم معادت برخلاف اکثری از فرما نرلویان گذشته با صنابت بنی نوع به اروبر نیجواتیلات دارنیاط مسیم معادت برخلاف اکثری از فرما نرلویان گذشته با صنابت بنی نوع به اروبر نیجواتیلات دارنیاط بوده وسركاه كدبا وي ايرخ اوي آن والاقدرشده باشند وربن مرسيسيا ألى ومت مرسم ایر نیسبت ومراعات این ابطه لارمست لهذا دربن ایام گرحاکم ایران نظر و تقی معرفت ایران در ایران سبت ومراعات این ابطه لارمست لهذا دربن ایام گرحاکم ایران نظر و تقی معرفت معرفت ایران حقوق أشنائي وأشته اوكارسلطان شاطوا فرستاه و بتعانت نموه وهاوه رب دننه شاش من الروى آن وثبت كدور كابل با ورشميه با ورسوا و بجوره اله المالا رت جاكيروات تدباشد ملاحظة قرب جوارفرمو والمتمس وباجابت بقرون أث ورصوبيا لوه جاكيروا ويم ونيزميزايان قندلم رابدركاه ولاطلبه شتهد واست أن باركه أقدما مها لك محروسه بهت بملازمان مابري تغويض افت كدمها داجنو د توران ن صرورا أرضه وتاييا اندیشیده قصدنا نید دنیزخلط نظیم درمیان الایت آن دالاشکه ه دممالک محروسهٔ اقع شو دُنُورُ کی ازاد داشش بطینت در کوستان بیشنان سربشوش شِنْهٔ مرعی آن شد که فرز شِنَا هرج مزام فنهادار فامرز الأربي المعادلة المراث الموادية

of Charles of the Color To the state of th المعرض ال West de Wilder hird testing the A College of the coll Name of the state of the state

مینحوارد برصورت این ساخه مینیان مینی گراید که شایان بزرگ کرد نامی ایزدی باشد فی الواقع آ نیف ساطین ۱۱ این مینان و لا ویز که فاصلی نامیگرارسش نماید صورت میند دازین چه متهر والا جائی مقر را بیری ت پشو د وی میا بخیمبری مفاصد دبنی و دنیوی و طالب ومعنوى بدبها تنقيع واسراز تحقيق روشس كردد وحيان بمع بايون رسيدكم بسما گرطینیان . ری الور در دود نیاب وشت او نرسخی ساخته ایینی که مخالف مبانی دو تی آ مذكور ميكروه الرعا شاامري كدورخلوتسرامي ل نباشد مبيسكا ه زبان ظهور يا مدوانخ بطرازتة بين تتحربهم نددعل مرجلات آن رود ما أنكراب ومهوا وسيروشكاراين ديارخوشس كده بو دحيان بخاطر سرركه بعب دالافلافة اگره مغمت فرائيم ما زمان تانزخايا ن بسته آيرواني تتحري فوانروايان والأشكوركة مطالع انوارالهي ومظا براطوارصفوت وصفاا ندغيا راكفا ويمسرا لطباع واستقراني نديرواز سارطيعات جكونه واركبر دعلى فيصوص كمنشاران فروسالي وماور المنت حرانه لال عفو وصفح محولكرد وواواز خود كامي كدمور وقصير آت نسيسة بأين قودما في الاشدا إعنامات المستشنّه ونيوت شدّه بن باينات أورونعوش بلامت أزماضيط ل وطهور د البيمن الله والمدانية والكه اليا في فرنت بو وكه البيامي شامن مرزا و فرزندان مي حكيم الرابا ل بيتاً و البيت درگذرانيد و شد والكه اليا في فرنت بو وكه البيامي شامن مرزا و فرزندان مي حكيم الرابا ل بيتاً

به المراز المراز مربب خروسالي خابش چند كه نه وزولو با شديمه وي مين كراست ذار و ار العارى بروامن تحبت نشه وراستعذا رّان تفصيلے رفته بود قاصر میشتراز ورود وابطاقات فديم اضوا بط مجت حديد بلائكو نه انتظام ولتيام نيا فتنهت كه اگر العرض حزر بيده وخيا وال حقق نازگوند به اشترخصوصا بأن والارسّاكا وأكربا مرلّان عجازى نيزتمعنى نبطه وكريدجه و ورست سعا ومنّ فرزندى كرونياه في پدروهه بمت اوبوده وزگهها نی این سررشت نه کا بوی ناید سان حلائل عهدو دسته را نه که خورد اللجنان کاردان مرز بعداس بری ترایافته دخاطرت کی نده است. وسیدا و درسیم اسلام و آمین کرام از رای انهای ارکان دوشی و کیمنی عام چقیقه ساک نیان فتوت شناخ يرآن دا في وكا في ت وانكرم قوم بو و كر بعضه بورشها با مرن احر عي أياليق توقة يوضع يبوست حقيقت بدرووكرون اوجان كذران ابسم تتركيب كرسيدة في الساز خصت این مزماگزید مین آمریکذانی وا گاه دلی بوداگر بحفل فدسی سیدی بسال از مصافحت وغواض موا فقت اززبان است گوی او معلوم آن والا گوسرمین بسراراه و کا مکنور آنمیسه صواب اندليش فبشداز مكامن قوه بفعل وزند بركونه معافةي كدلازم نشاره وتري واحتيال سدا بلاغ نايند كدوان مساعي شكور و لوامع ظهور و برتسالحد كار عنفوان جلوس اولك فوانروائي اعال كرسنه عاشره بت ازقرن في واكن كمشاف صبح اقبال ومبدا وأنسانها اطلال سن وكل من من ساس لين مارسند وركا والهي است كراغ اض وومنظور ورا عمواره دالنيام دانظام حمانيان كوش وارميامن بن كردارسهاوت برتو ملكت بين مبتداد كرجن بن وما زوامان والاشكوه نفسام افته بود ورصط تصرف واحاط النت إما درامه

وطبعات الرجال فركته وقلاع صينه ومحال مشكلة تارك بشكبارو بجبار برزمين طالبت نیا وروه ال منحالفت میسیر دند مفتصای دستی میت را هاطاعت دارا دت مسلوک میدا رند طوآ ﴿ رَكِمْ إِلَيْ رَبِّهِ وَجِودٌ تِهَا مَنَ أَوْصَلَعَ وَتَحَالِفُ الْعِوارُ وَالْطِيهِ وَمُدِيدِ مِدارِ شَدِيمِ إِنْ تَحْنَا إِنَّ لَا وَيُرْ ازنائج درستي نيت وكه تي كفتار وص إعال ما بايغاكث يد ناگزير مذكر برخي اد تعسيل لهي انيايين ايز دوستان الادار بتقديم رسانيده بزه عجبتى الثادى آمو دسيكرداند ربقرات في اً إنطباع بذيراشا قات المرتبي مت منى وقب ناندكددر منولاكه ورو دموكب والابصوب والمرابع المرابع المرا تشويه البن زان قدم ساطين روز كار دران سرزمين كدورات كام واتحصان سبيم وعدل ودر رست العافت ضرب المثل نظاركميان شخوارب ندست نرفته بودييز مركوز ماطن بووك روبرسیاهی معام ان دیار سامع قدسینرسیدتا سادی ما دران سرق مواره بدادی معام ان دیار سامع قدسینرسیدتا ساات ما وی ما دران سرق وغايان شهاست اندليش دراؤك وصلى أن مل را درا حاط تصوف دراوره شاكر حيكا أنجا ورضك وحدال تفصير كرونداما جون نيت حق ساس محفن خب ربو و باحسن وعرفتني ت دوخود مروان سرزين محب ترايين كدار عطيا مع مجددة والعي وركسيده شك يه وروالا رجا اور ويم وتيريون سيروته كار كابل فلكتنت اعشرت سارى ما نوس طبعي لويويل ولا أن الم ولات كلى ودمتوركه ارتص و مبال وتراكم كريوه ومفاك بحت افيز أسان واوغم طبندي بمائ عبورازان كرفي كالمذوشواميداندجس يدفو ولنشين كان رسيده شدونزاز كمنه مات خاطري ريت آن بودكرك كم تهديل راك

به وبود با بال الما رياد المادي ولفا راتفا نام نهاد هاكترى بندناى الدي رك

المراقبة ال عنظوطِه وَمَا شدوا زِرُكات مَيَا عَالِمَا عنظوطِه وَمَا شدوا زِرُكات مِيَا عَلَيْهِ مِا أَمَا وانی که باچهل نزار که در منحن ت میزد نسبعی هجا بدان نصر مند گرفتا رآمد و میده سرکشا و گردن از رزنهارخو شدغاست ينمراج برووش كشيدند وازما لع سوانح آنكه ورمنگام آ وردن ا و fellion with the بعث خلافت خود اکیشت دیما گاصلحت جنان بو دکه خاطرمهرگزین رکشتن وی ویدمنیال آسان John Market Comment را بی طاحطهٔ تام دارو وغالب آن بو و که چون دینشگا و نظر می اور دند بسلامت میماند و نیز باینمام The state of the s الرحوادت روز گارینا و با بیجانب آوروه بود ما در میکی خبر معدلت آن ملا دیم. آفات ۳ عَنْ مِنْ سِيدَاو البعواطف جليد مُستَّال فرموه في خير وكن لاموقوف وم نسته بو وم ع عَنْ مِنْ سِيدًا والبعواطف جليد مُستَّال فرموه في خير وكن لاموقوف وم نسته بو وم عِنْ ضرطفيان هنم سِيدًا مِنْ السيدامُ إلى ولايت ما لوه وخاند سيد علم والا إ كارسند شده ربان للک را کومت آن ولایت دا ده معاودت نمو دند چن کوتا ه حرصله بود تا به می می از دو از برای با بین می می از دو از انجاکه رسیک سیاسی شافتری ترمی ارسی می از دو از فرزندان اونا ندوست در از کرمانی اثری از دو از فرزندان اونا ندوست در از کرمانی اثری از دو از فرزندان اونا ندوست در از کرمانی اثری از دو از فرزندان اونا ندوست در از کرمانی اثری از دو از فرزندان اونا ندوست در از کرمانی اثری از دو از فرزندان اونا ندوست در از کرمانی اثری از دو از فرزندان اونا ندوست در از کرمانی از دو از فرزندان از اونا ندوست در از کرمانی از دو از فرزندان از دو از فرزندان از دو از در ندان از در کرمانی از دو از فرزندان از دو از فرزندان از دو از در ندان از دو در ندان از در ندان از دو در ندان از در ندان آن سلسله لابروم في تنخف آلامي شدند تباسدا ت ايزوي عشه ا رُطفر طراز سير كري غرناصيرافال ترواصره دولت واجلال فرزنرسعا وتمت سلطان مرادل خصيف رفيات أن مل وسع المهندوستان وكرست ورخوز وتعرف وراورونه وي بروازمان عيف مندوا تصامى الدوشر قير والبت ويع اوديسكر متصل مرر الشوت ين إرسهاى المن افسيورسك المازمان عدر خرفت لا ورامرندي

تعدا دنعای ایزدی در شنانی درازست بای انبسا طرخاط آن عظمت و شکاه مهمین فدر بند نموده برويا جراعلان منبكا روكرجون مولانا حسين بلامت بتنه بحارير دازان شفال لطنت اشارت شدكه بزودي رحصت ارزا في ارز درين أناج نخت دبح صرانش کشمیرآغا زفتنه وفسا دنمو د واب خراوا د دم غما لفت ومنا رعت وکب اقبال ماجمعی از مقرمان بساط عشرت برسم نسکار را مر د مربطا بر وررسایز درج شده. لتشوده بووكمان شورش سموع شدبا وحروطفيان با دوباران بطرليل للفارته يثي غازيا وبصرتمت فطه كربونانمودة بالاعك والميز يعضي أرسعاوت والمن طوفا ن بنرى في وه و در فابويا في سركر و وأنها أور دره و ن والديا معددا مان فاغتان فيزان عبورافا ده وبران كن مين غن تن سناراد صوري وهمته ويمود فرسكاد والبلجي ورثعوبي انجرن لايات بهايون المجعب ممود وراثناي راهجه والقر مولان في كوابلاى متلادر كذشت وجب مزيرًا سف كشت بنابران بعض سفنان مجت ازازك ا الاوليا بالعظام وخلاصة الاصفياءالكرام خواجا شرف كداز قديمان إين دود وان دالا رشاه ومشارا سرجفيفت حل إمشهوه ميانورگرد اندويم مين روابط عهود واندي كرب and the state of t ئة أفرا ويقرُ باطن اطراوت تحشَّد فع

الاي شيدار كان خاعت وشمت موسس نبيان التعظمت سنتين عز صدًا إى بابركاه جاه وعلال ألفًا تُزمِن مَا دِي لَفِظُ وَبِهَالِ الْهُمْ الْمُنْ سَيَامِ الْفَوْرِ وَجَلَامُ المتعفى بدوازات أسان وطع كوبرافزاى كمين بتنغ عبداسطان إشف اورابيدان توركار المراكب والمرودة والمراكبة واب وعبت العداليدي وتشييري وقوامه صافت مين المهيدي را مورث صفائ ططور تمرانجلای باطن فطا برشد مبانی تیمنی دیگانگی آمجیکام نیر رفست و فوان منته تا سا ويستى ويكما ولى اشطا مرفت برمرات صميانوروعا طرضيا كتشركه الاست وافات عالم عدر والهامات معالم نس البلياع مي ندر ومنفي وتتجب نها ندكه الابتداسي طبوس اورنگ جها برا أعل كمبادى ون انى تباعث بوقت وقتى الى ومعاصّدت ابيد عادى ورساط ا في بيت جيا ن طبوه كايش م ا د وكر تقيمه و أرساطنت و فوانرواني وابهت وكشورشان القديم السينياني واقدام بلوازم ليباني ت نتجمع ال وسال كردن و دخطوط ننسان في و وسلة التبيهاني ووفتن ليفاطريق سلوك وسلوك طريق ابن بيا زمند در كا والهي باوو وديمن ووليت م بكانه بغير إزمارات وبواسات ومعاطفت وعاسات امرى وكمر نبوده وم واره فاطر و ترفيه احوال وأسدو كي اوضاع عموم خلائق ومب مه و أم مصر و ب عنان توجه بإطن أبين تقصد عبنه ومطلب أثمب معطوف عق جل وخسيل شا مرست وفي بالدشهيب اكتسني وقفت عالك بهث وستان كرمساحان بريم مسكون وسيأحا كوه ولم مون سواد وطن وجها ردائك عالم شخيص وه اندوار سيطرت بدرا محيط ا المقضائ اوبوس وم بوش بها ومت عيراز رعايت الدوفان وكسمايت علاوا

نابيد ما فكان در كاه كرماين كالهي أمروهمذا روابط اشنا في جانبير م صوالبط محبت فيامين موافقت وموالات وسيكه ننظا احواع لم دعالمها ن ونظام اوضاع جها ن وقط ایمانیکه دروادی وانع ارسال سک وسائل مرقوم شده او دم رضد د نظر عقط ج م قوم شده بود مرجند ولطرعفا و ورسي من وان باب ناکردن ترجیح سیخن کردن و بشت المانع این ازان وادی در زنگ تطویل کلا) در ان مقام ما ملائم مید ششته باین مطور که از اجاز کا بردین مقولست اکتفا نمه و فیلوست وإن عام الملائم بيد مِيْنَ إِنَّ اللَّهُ وَهُ وَلَا يَعْدُونُ مِنْ اللَّهِ اللَّهِلَّ اللَّهِ الللَّهِ اللَّمِي اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ ال سهاوت قربن بمواره طم بعلت منه و و بر المن ووین وسلک سند بری و بیمن بود ولای) برجب للگات والدّین آبوامان ارتفاع مراج معطنت بها بون واعلای علام ولت روزاو و كمال دنيدارى الوليلي فأطع وعبى ماطعت استعالى مكنانرا ومرضيات حوليش ليته وتابت قدم والأدوج ن المع مي سلاطين عالا وبالكداك ودائع حضرت صحربم ت روای مدین ایت با ران در بی د وسن وسيح دمقر چندين سلاطين اليمقدار وسطام ذوي الاقترار بورسمى فيموه وبعنايت آبرزو كيشا مطال بن از مند درگاه الهي بو ده از سرانجام مهام اين مالک فراغ کلي رسياد كمست وعال كدارز مان طلوع نيراسلام آلي نرالا يام هوافر خيرول سلاطين كشور كشا المعات سيوف حواقين فرمانر وابيرامون آن گر ديد ولا دمساكن ومواطن إبل ايما معدوكنا كمنص ومعابل كفرو فذلان مساحبطاعت وشاغر غبآ ونشاراب إيقان گرویدالمنهٔ میدتفدس و تعالی آنجها ن کردل نیوست نقطام والنیام افت وسید لمگرسا ما وسانجام ندپرفیت جمیع سرداران وگرونکشا ن ارجنو در نو و نویس م حاههٔ اطاعت مگوشراع تقا بته واحسان وقطرات مطرات فصل وامتنان تازه وسرسبر بداريم وميثرنها وم يناط وأفاض كن بوده ست كيمون ازين عهات واع كل وست د برمي رقوعنات الهي ويوت ازلی گفارهٔ نگ که در حزاکر دریای شور در امده سرنشوا نگینری براور دره اندو دست تعسدی بر ٔ ایران مرمین شریفین نادیها ایمه شرفا دراز کرده و سیسی نیرانبوه ک ته سنگ راه زار^و سرشد واندغود بتونسيق ايزدي متوحب شده آن راه را ازخار وسي ماك سازد ليكن ﴿ نُشْنِيهِ رَمْشُووكَ بِعِفْ ازْامِلِي عَرَاقَ نسبت بِوالي خود مُرْمِت مِن مِنامِي عَلِيَّه بو و عدول موده معض ب اندامها کرده اند ورنا طرش شناکس می گریند كي ارف رزيان كامكارنا مداركه بارفيس وت ازناصيد طال ايشان

12 Wald

10 ایران علی قبلی سلطان تهران وغلی الابتحت و بدایا بالتماس کمک. و مدورواند کروه که 1010 عالى من ما واجب لازم ت كدعما ن غرمت ب خياع سنروجلال گرد وا ن سلطنت نيا ونيزاز ولايية صرودتشر بعيث شريق أزاني دار ندما أن رزمين بمع المحرس عن وعلاوم وبهاگرد و وبالمشافه یک بی وساطت فاصد و پیغام اساس مح وخن رستى كد بقدرستعدا دما فاضت فياض على الاطلاق وبيافته ست وأرنفائس تقانق الهي ومشرائف وقائق أكابي كدبرخاط عاطسكرن ابهت وستكاه يرتوانداخته باشدنير إساع نايدكه خلاصه زندگاني وزيد أكاه اني صبت شباخ انساني وست اجهام روط نى ت فكيف كيناعيف ورميان دور لزير وخرا ورونط نى باعث شمول فعن وسموم صل خوابد بو و وران رمان كه المرقب المراقب المراقب

منايت الهي اين ارزونو قوع أبيعين تمت منطوران الهي وسرفرازكرواي حت معصب رضای ش تعالی ست نه تعصال نام وت طرا وا دا نام نیاران مرکو زخاطری و نهست ایسه که مطلبی نیشر باست را ن دگریست بشرضای خاطراه الازم دنهسته درهام کمالی مجتی بودار جسال ا در نگذر در اسال کنیت پیاسی واتفاق رجسا لیان خلابر واست کاراننده ب دربارهٔ اما در کمک حاکم عسرات م فراسان انج صلل ويد الوشعاخا بربو وازكمن بطون بسالم طورخوا برأ مروسك زكي ٔ درباب مندیت فرزندشا مبرخ مزا رقمب زدا*ه کلک مجبت نگارشد*ه بورستی خاطرانصاف^{ی ن} افنا وانحق كم مشا الب بوب طب خروساليها وخروك شديها ازر كمذركم فطست وبرصائتي منشار چندین اموزالائت گردیده بود که سرکدام ازانها با نفراده سندعی آن بوده که کارا دیان صريب ريداولابو مط اغلى بعض كونه بينان ازلوازم اطاعت ومرسم عبودت ا بمسارتسا بل مود وْمَا نِيَا مَا عَظَمْتُ وَسُكُمَّا وَكُمْطِعِ لَعُنْ الرَّمُوا ومُودِ تَدُولِ بِسَ كَدَمِيان ا أن رفعت وسلكل واقع ست ازر في جلالت ورتبت طرف نسبت منتوا نرست دي إدبا نه بیش کمثرا نثا بجد دنرگوا خود کر حند مین حقوق دنیمی و ونیوی بر ذمرا و دشت آخیا ن سلوک نمود تېرنېنځيږي کرنسبت با وواقع شدارقسرالفاسه بانی دالهام نردانی بودالها احوان م ازخوا بغفلت بېداروازست عن روبشيارشد والمجشا وعنصام بعب روزه تقاسي عاطفت انموذعيرازان كمتبغفت ات وتلطفات عن إتنيا وبخشمام ي ديگر مخطفه وامول أواسرم ووت ومت ابت أن غطمت وستكا فيز أنت كاز زلات وت ام او اغامن نايند دنجت تشبيرماني محبت وسمحام فواعد موريتا فاون فجمت نا زميقم مواغواه وعمس مده محوفان كاراكا حكيم عام اكم تعلقه است لفتا ومرمر ورست كردارسة

14 بموقف عرض برسا نذاكر ومحلس نسرتعيث ايشان بهم اين سلوب مرعى باشتركو يافيا بير مجالما ينجفران ناه رضوان توثكا واسكنه خاناا بطربيض امور دخيرتراخي افما ده بوه دربنولا برفاقت حكمت نيا مشا اليسه وشا ديم دانموز هي ازتحف ومدايا بتحويل عمدة المخواص محمة على مبوحب تفصير على مهرال نموديم بالدكيم تقتضاى عراى تها أؤوائتا تواعل فرموده بمواره ارطرفين طريق ال چرخ و بازی آنها یا دارنسبت شوقی و مناسبت دوقی ار پایش و حبرمید مهر وموحبه يبشو ووكر نهضرت واجب تعالى ببهرائر ضائر أكابهت كشتغال صورى أعيانًا إشال ب امور ركال توجيميداً جلبابي مبش نسيت محمب شرال ويرظام ري اكتفاى فاطرح الدش اميدكه بهواره إرسال شرائف صحائف مجبت حبلائل سائل ووت تحركب أخلاص اسيسها في اختصاص كم نير شعر نامد بروف اختصاص كويشد و الاموالارا its Elister Ciologicales مشام كلرسته بهارشان كمياولي ويك في والمستلك والمستطلاع كالماري رسان دوبيني فوزا نان بوسانسای منسنائی ونکات تنقت پیمیندان کارخاشا مر المراجع ال المولان المولان في المولان في المولان في المولان في المولون في المولون في المولون في المولون المولون المولون ا المولون المولون في الم

work grape day, got Girly ول فروزی و کشنا نی آن والاه و دمان مجسته خاندان گویرا فرای افسروا و رنگ پرده کشای چرهٔ دانش و و دنگ صدرنشین ایوان شه بایدی جا بم جرام بیشگاه به سدار سيدسالا زميرو كاه ولاوري و دليسيري شهسوار حولاً كا وسشيرمردي وشير کامگارکشور دا دکستری نوامین نا مدارتجب این دا نسش پروری فروزند کوچپ آغ · فرازند ٔ وشرکیا نی بود درخشترین نبگامی که کوس نوروزی اوا دُه جهان افروزی دگرنست میگر الله ون مبند ساخته ونیاعظم طبیخ شرعاله بینی آقی جها آنی به که سلطان جها را بشت ا ایام وقیصه مان مفت آفلیم عناصر واجرام ست سایه فرخی و وخندگی ترنا رک جست در ا المارين المرادي المراد انداخته بودوبا وبهاري روح نبآني دركالبه نورسان شهرستان آب وگل دميده وابرا و ر بای نورسدگان نشکر بهار را ازگرد را م شست وشودا دوسیدای نوشدلی وخری وسطریهٔ ولکشانی وشا ده نی مشد نبیا د و وستی اُرسه رنو ملبندی گرفت وامین متیا دلی تا زهار مند^ی یا فت سخنان دلا و نراز دویتی وخویشنه و گانگی دنیک اندیشی کهنجار عمن برن شا مه . نگارش یا فقه بو و و کلک گوم برین سلک گزارسشس بندیر فته لوضوح پیست بردل دیشن. وديده سمان بيوندككنجيب نرازخ اوندي وابيب نزجره ببوشه ندي سايوشيده نخوا مدبع و کداین نیا زمند درگا ه بی نیا ز درین سال کداز نیروی آسانی تبخت کا مراسے مبیده دمیشه بیش دید و کهشه بینوشس آن و کهشته کداینهمه جهانگیبری و قرمان رو آ وتنغ گزاری وکشورک نی راسے ہجا اوردن گیرو دار شبانی وسسرکردن کا رواب پاسبانی ست ندگر د آورون گنجهای زروسیم واراستن بخت و توسیک و یا بگل ماندن درخواشهاست نایا بداروسه فروبردن درگریان ارزونای نایا چانچد سشرا دوست و د شسن و نولینه و سکانه و نیک و کوایی بردی گر

نزوكب ودوركو ششر منيو وضداآ كالهت كماكساختن جمار دالك مندوستان و وخاشاك فتن ازین بوستان كدارسه بهلو بررای شور پیوسته ست ارسزودخواسی و نود کامی نبوده ومیش نها دارز و جزنوارش خاکسالان وگدازش شمطاران نشده اربیت بهرسوكه روآ ورده كارغ مي دشوار باساني كشايش يا فته وچهر وارز واز پر دره اميد بخوني مات پدر فتدسر کا مکشیوهٔ وخت دها با ویکه بند اسے ضاحینین باشر بان والا دوروان کوارنزرک باریافتگان درگاه سنداوندی اندوبا این عنی سوند دوستی قدیمی وخوسیشنز در یک ورميان بانتدبر منتجيت ان خروه مبن مويرست كديمي ارتينها ورئكا نگي ويكد لي بسند سنطح ه اینهمهٔ کیجاشده باشد پیدست که جزیگانگی درمیان نخوا مدبو د واین گیانگی و مکید ایس آبا دا نی جهان وسوند جهانیان خوابد شد وانکه در دیر فرشادن نامهای گرامی وعدم اطحهار لوازم دستی ایمانی آزموانع سنه رسه رفته بودیمچنان دربردهٔ کتمان پُوسَنسیده و بینهان ماندس دل نگرانی کتٔ نازدشمنان وگیسِده دا زمبر د مابیکشان روز کا رچون می بین خوا بدرد المرابع المراب يفت گوری منيدی ارتبخن سا زا ن بيباكي وتب کاران کج نمص ونظر نيحوى مندزعة وتجنب عيب بسندند برغم تنمر دووشو زار مدما عي رسد اوشو ندار يحرا المراها المالية والمراجع والم والمراجع والمراجع والمراجع والمراجع والمراجع والمراجع والمراجع که ازبیرگی درون وکو تا ہی دیا فت درینجا ساختہ بعود ندوگروہی ازسا وہ ولان المديهي المرابي والمرابي وان رار وگر دان کر در سخت ن اشایت بفتراک نیک سیستران و گوایشت می اینمف در است با شد جد در وغ بفسه وغ این گروه نی سانیام برم دمی کداند که برلود در فت دارند به برست آن دالا دو د مان که برگزید و در کاه حت دادند سے اندودورات والمناع المناع ا Minimizer el وبارمك بنيحايث ن رمم ... روشن عرفها يشس و مثنة باشد كركو شس موس بالمائي المرزاج المرز ", 20 1/2 " 1/2" 1/2" ; 1/3" "

اربن سخنان اسزاانداخته از نامه ومینهام دوستی مازالیت شدواگر حنید سے ازراند کا ی درگاه و در ما ندیم می گرا داز بهند و ستان از دوه ول رفته باست ند د برا هسالوست در ا مره در وغ را لاست دانموده خوابهندكه راه عن ما بند وخو بهشه قرم زونی كندند و بران شوندكه گردی بم وين دوتنى نشيند دسرختِرُرُ كالكي نجا نئاك بيكا نكي انياشته شو دسك را دار و وشي آن بو د كه ألجيان دانا وستاه ونغرسخن فيشكا فت ندوازته كالأكا ومشد ندخدا سخواستدباشراً بوئی اُرسخ**نا**ن دوراز کارسیافتندروش دوتتی آن بودکه دانشوان شجیب و افرستادهٔ ﴿ لِيَكُونَكُي ٱن مِي رِيسيدند بارى كَدِشْت اپني گُزشْت اكنون جون لاله زار دوستى تبازگى خرم وسرمنبر شده دانبغ ش ران شد که ندی ارسرگذشتههای پشین نگاشته خامیرا رسا زوسو ثانه كدازمترين كباب ومنت برساحة ضميب لأكامل نافية وبشبها وت نظر وس انتارت ارباب كشف وتحت ياعت أوياً فته والبحله باتعنا في أبل مكل وتعل مقرش تست كدعمه رويبوج إت شرف رنبت ورفعت نترلت نوع كرامي انسان كه شال اقل المنوقيع وقبع قضائنا منهم كي كشرقمن ظفنا شرب تشاكو شرطراع عملت كرشا ست حداده ا با و والبحث و در با فت كار كا ه ا فرينس با و باز سوسته و با نفاق اصل ب انقل وارباب عقل نوانيت آي كوسرشب تاب إيا د نتاع ن بزرگ منش فيته منشاع ن الاثلا ازمر روشن ودارندود نهشوري ماحدالان عنت بلند توعت بان واستراس ندائر بيشترسته چهرگاه كدوركارخاندا وزيش سركس لافراخواختياج و سنعدا مرو است إسدادها شديرارينا بنطا كف عليم فريقهم وذكاموه ون والمتدبور النول وال وبنشر وسلكاه مولانام زاجان تراام دنشمندان امار و كانداوسها دان روزكا والاكارعلاجي بين اعاطف إصابين ست برحث يا دشا كان و الشور را

rl ي نوع مرد معيا بداما پيدست جائيکه خرد د ورمين و نهش ضدا آ فرين آغ بخطرت تفڪاه این اقرت بی بها وفیروز و خاتم کریا استطال کمذار ندویمواره درسالک معاش و تعنی و این اقتات به بها وفیروز و خاتم کریا استطال کمذار ندویمواره درسالک معاش و تعنی بنعانت و استداداز وطلبندخصوصا دروقت صبت باخوند کا می سیاه دل دسیکارا نیره درون کداز برای خومهش حاه وزبر دستی وخودی وخود پرستی چشم برگ^{ین} دوخته اندونوا نآساني ونامه طإوداني راكه فرمستنا دُوخه ورسانيدة مقميه شاهراه کردانید و برنگ دیگروامیسایند و مجلات نصوص اما ویلات و تسویلات ایماری به ن که در فوانز دانی و کارگزارے شرکیب با د شاہی بائٹ ندازین مگذام دل درنش*یں گزیرنی ہموارہ وتحصیب مرضیات الهی میاشد ج*ون اخلافات بسیار درسری^{ا ،} بسره تأييون شرسد دربطالب علمي وعمى طلب دلائل وبرابين مثيايد ومهمواره متكشات غومض مسائل دين وننتي مقاص بسكين ستينبطات عقائدسلف وما خذا قا و الحلف السينة مرموار وخلاف وتصفح مواقع اخلاف وننشا رخلافی که درین کمیزارسال میان تا مای آ منازع فيدبود خانج كتب متداولة مبسوطه برتفاصيل أبشتن ست مينايد وورسادي احوال لفتكوى الينعف ماعت ببيرونقي وكسا وازاري نادانا ن كه تلبيس وتزويروراباس إباب د انش د را مده عهت ما ترنام سپید اکر د ه لو د ندمیشو د وموحت بیش آمدیک جمنگی ازار باب دلیش دعت بارگرفتن آنها که بوسطهٔ رنفنسی طالعت اولی در زوایا سے خمول بو دیرمیگر دو^و این ادا این دا نا نا بموج و تشبیم سررت و سورسیرت خود تر شده وارط بی کنت ته تبغیق Sin Jaro and Single Color مقدمات الائن الشهيرت واده موجب مزيداغوائ في يت ازامراس بنگاله كه Secretary of the second of the المراجع المراج

مراي المرابية برای نامدن درخانه و باعی Charles Toy كاسي نسبت اوعاى الومات وكاست مسبت وعوى موت باليجاب موده حور گرداب بلاوموج حیت عاز ده بیواسه خاص و مام ت پنه رخاک مذلت وگر دیجات بزق وزكار خودا نداخت بدارالهوار شتافتند في الواقع سأحث قدر برای ایم ایم منط شاک امکان چنسبت و درسرار و قصمت نبوت برای الهی ایم منط شاک امکان چنسبت و درسرار و قصمت نبوت تا يبديا فعنكان ليلح انداشال اين مقدمات رسبيل إحال عم جرا مكذر ووفيها أن بيصرفه كول رای چه اجازت ایل مقدمات باست دخی تعالی ست برست کرچه ن سنگریمت مصروف بتعصيل يضاى الهيت البغت أن فركورُه اراب نفاق عيها رى ومشرك مذ فياط راونييا فت چېرگا ه حفرت وآجب تعالى از دست طعن كوته دستان كم بن حسلا نشده ابت روض انبياار سررك بنجردان رآبين نجات بانست باشنة بندلى عداراازان جدائديشه وازبرنامي حيط الطف الحربسروالمنه بينش فرموده فضاوينيمبرا دبوده وروزا فزونى نخت بهايدن گواه طال كبست بمكنان را درمرضيات خود اسنح دم و تابت قدم دارا دوسيون ملى يمت سلاطين عدالك فتا أنت كدورهاى خالق وأسودك طلائق لوده نبو-الأسيب ارباب شرارت درامتن بؤده درلوازم غودفارع البال باشتنبابان محن ازراسي رفاميت كالتشرو وعاسرًا الكرمدائع ووائع ليه اندورين ي سال دياك كرون زمين بندوستان

چندان کوششر کا ورد مرکت البے دشوارار پندین راجهای فرمانروا وسراشان میزا برست امروعي سرانجام أن ملائكوندكه باليت شاخ الخير شخانهاى مندوان كبريشر خانفاه د وبیشان خدااندلیش گردید و بجای اواز نافیس ب پیستان بانگ فاز بندی گفت و المدي لي اينا جنا بخد ول منوست مينا ن شرواز دي خومش سامان سرنجام فيت ومدسروالان وكردكشان كمريث كالرميان جان بيت وكوشواره فرمان بروار وركوث فروتني كشيده للشكر فيروز ساشر درامه ندواننيمه مروم كونا كون را بام بيوند وست واد وانيزسرنازبررس فاكسارى واكساسد مركاه فداوندكارى مهاه وبوسسان ارزوى ابن مروم را بسرختيم داد ووست سرسنروشا داب ساخت يم د بست مسا د خاطران بودكرج ن الين كاروماريا ان وسدانجام بايد شورير خت ان وزيكم ه دریا مستورد رامه مسرنیتوانگیزے براورو داند وسنگ راه دریا نوروا ای فت كشور شده ميارزاران مون شرفين زادما اعد شرفازارب إرب خود بورست موده آن راه الزين عارونها نتاك پاک ساريم کيکن حون شنيده مي شو کو اوباش قرالباش ازجاد معقيدت وإضلاص برون آمده والي حودي ادبها كرده انتراط *ق جوی سرنسد که یکی از فرزندان کامگا را بران جانب تعین فروائیم قطع نظت از انگدا*ز شابراهنت وجاعت انخاف دارندرعايت خاعران نبوت برومت بمت الازمرت على الخصوص كرحقوق لسلاف ما بقدورميان باست ولخاطرازين ربكذرجم فشوو تنهضت سجاى دنگزنكنيم والحال كمهاطان روع تمهو وجد دييز ترگوا رخو درا كأن كم مكين أكاشته نظر صعف صورى الى واق انداف بعب تا فولى وستاده اندوسموع بيتود كوالى واق سلطان على المران اوعلى البحب طلب كمك باين ج المرابع المرابعة المرابعة المرابعة المرابعة المرابعة

بر بر از الرابع المار بر در الرابع المار بر الرابع المرابع المرابع المرابع المرابع المرابع المرابع المرابع الم الرابع المرابع المار بر در الرابع المرابع الم

واعلاى اعلام امداد واعانت بروحاتم واخسن فائيره در دل مينان ميكذر وكرحي رأبيري كأنكى وسعاوت وتدكل وميرورش استحكام إفته ميغوا هم كدجون زويك بخراسان برسيده شو دأن والا دو دمان نيزازانجا ازراه دوستى آمرة را چهرایین بدیدارگرامی شا د کام سا زند وگفت و شنو و دلاوزیر د دکشای عهره گاه - تى درول أن والادو د ما ن يرتوا نداخت باششنيد ، أيدخوسشاً وخنده جانى كه آچنين دوبرگزيد و خدارای خدا فرا به آمره زبان لز کشایند و خنان دلنواز با ۴۰۰ نگویندوچون مین دیدسرفراز کردنای خداخه است را ورون نام بیند وسه افرازی مود نگویندوچون مین دیدسرفراز کردنای خداخه است ببنبدلك وكرنيست دل خيان يخوا مرواميدكدا يشان تهم خيان عير سندا شندكد ورتبركي كهفلانشاسي وحت داند لينته بيشتر باست آن ديگري سيدوي و و محرافي اوخوا به ورکمانو ويكروني او فروگذشت ننايد والحال كنسبت ليخانكي واتفاق برعالميا ن ظا برشد وربار هاماده كمك ابرع اق وخراسان وافق صلاح ديداً جشمت وتعكا بعمل جوا مرامد ديكرا پنجه از فسنسرم شاهر مرزانوشة اندبسيا خوب نوشته اندخن تبت كمازانجا كدخر وساليها وخودسنديها ا د بود وا انبهر کوتا مبنی بنشینان شرت سرادار خیدین ماشا کیست د د بود که سرکدا ازانها باین پاییمیرساند چهازان بی په وائیها که از بندگی اکرده وجهازان گستاخیها که بان والاودومان نموه ومرجد از دوستى وخوست كربا دارز حبث بوشده وشودا وراح يايران بود که به ادبانه مین آید و چه از بداندگیشیها که بهب در کلان بزرگوارخود نمو ده

The second secon

برجة باورسسيدازخدار سيبتكما ن شايسة انهم أواركها بودكتون عون شاهر زميم از خواب پر مشان سدارشده از سرگرانی سنی به شیارگنشته با بیجانب رسیده ۲ مهربانی نمود وار کاربای او فراموش کردن چنری دگیر در و ل میگذر د واسیدار د و ستے و حیث أن والا وووان نيرخيا نست كدار الستاخي وجيم ليست ندوج تشييدم بالي محبت و الشحكام قوا عدمووت افاوت وكمت نيا وزيد مُقربان مبواخوا وعمد محسيمان كاراكاه The Control of the Co ه هم هم مخلص راستگفتا رومرید درست که دارست دا زانتدای ملازمت ملازم بساط عنه به بوده دوری اورابهیچ و جنجوز نکر د د بودیم رسیست رسالت نوشا دیم حون درملازمت ط شرليت ايشان مم جنين اسلوب مرعى ماست د گويا مكا كمه فيا بهن بيو مطه خوا بود مشرف تعنففران بناه رضوان وسنكاه سكندرخان أأإسدر لآ و المرابع المرابعي ماب صدر خان را كداز عطب سادات كباروا جلهٔ القيامي اين دمار مقرر distribution of the state of th وه او و عروب ملك ليض المور ورغر زاحي افيا و و بدو و يؤلا رفاقت عمت بنا ومشارب of the city of وساويم والموذح بارسفوعات بتحول عمة المخواص خوا جمحه على بموجب تفصيل علهم وإسال نمود عرقب الكيفتضائ عسراي تها و وانتحا بواعل فرموده بسماره أرطف طريق المروس المالية والمرادة والمرادة المرادة المرا رسال سرام اتحاف شحف مسلوك باشده كراز وستاه ن كبوتران ي برواز وآمرن The contraction of the state of بنفشقها زشهيرمرعان شوق دخيث آمد وكلزارخواب للكالتكفت أرتحب مود جزازي بين عنيا يداه در عين يا وازمواهيدا باب وق ميد بين عن إستغال مور باین ستی برنده مون مدید پوشند ده مهین مازمی نگر دح زیر ده رجیب رهٔ ما زمیب بين بال ورصيم المسيد مازنداميد كترب واره مبرين أبين شام بوعي موشال 633 W. 20 13 4 W. 165

المعنى المعنى الموادي ا الموادي الموا وشاوكام ميهاخته اشتر للبث جبون فلم أمر لمفط شاوكاه مرشابه نشابی بشا وعم ساليش نياليث عنبكر إي لحديث جُزِّ حَلَالًه وتقدير بأبندازعهد أورفي ازالتاب اند كدارزبان ببزياني سرامه وتشندلبان وتفسيده زبانان بيداي ماييداي حديقية را بالغربه تربهان متركه كمناً ندنشه از كنگره حلال صديب كه جانهای پاکان آویختهٔ اوست کوماه در شته در جلائز نعوت گروه قدسی شکوه حضرت انبیا ورساسطتخ ت كه راز داران م اركبرا ويرو دكستايا بالندران افزود هاز فروموع تاستدعاي رحمتي تا زه بايدكرلوپ س جين بينج مدارج این طاهرگونی والهی و معالی این مجامع انفشی وا فاقتی ما تهلک درحقیقت حتی وفانی در تعالی مطلق ^ا منظل محامد کبریایی حن داوندی وی^{رت} صفات عليا ع إدى مينا برشايسة نست كدازان داغية تروست باروث تذكلتُه Canada Salas College. ، روا ن گرم روا ر عن ۱۰ سیزاردندگا نيز اروند كان١١ E. C. C.

عظیه و ما بیات و بر باسلاطین مالک مبند و ستاج اساطین گیر مزروم کومساحال حداول اسانی جهار دانگ بخت افلیم گفته اندانف ای افیا ده بود درین مرت مدیم این سوا وعظف با مجمد وسعت فرست که درمهان چندین را یا ف خود را ست و این سوا وعظف با مجمد وسعت فرست که درمهان چندین را یا ف خود را ست و و با ن روایان سب پیداری نقها م یا فته گودود در مرست زمرد و تنجیب ربوده مجمع شده رمان زوایان زبر دست دراجها درایان مبرست و افعت این کونهشی لوّاه مبن و بهوجا ن بادیمای با دیگزین وساگر فلفرشینا ن ورمیدا لان^ن و استقلالا درطل اطاعت وانقیا و درا مرند و درالت میام صدور و ایتلان قلوب طب بقات انام شراکفت مساعی مبت دول شد و بمیامن تون بیقات غیب بی اینچه در بیشکا خیمیر برخی گزین مینا فت بروجه اتم ظهور دا د و اکنون که صورتیجاب *ث.ه مکنون خاطر ختیقت من اظر بورکه-*Charles and State of the State

عالم المراجع ا ما المراجع الم بالعب" زانجا صعب تواند بو دشاتیا ق*ع دف* يبيش بيرفت ندو ورخلع احجار وقطع اشجار بيطولي لموؤورف شنيرها دراندك وصنى أن ولايت ولكشامفتوح شد وعموم رعايا معدلت ستطلال نمود ندوجون أن عشرت آباد كرمدوح ممهونظا ركباك ست ازعنا یات مجت ده الهی بوده خودست ردان کل زمین سب پده مجدا پرورد کا ربجاً وردیم دما بکومها ن تبت سیرکرده ازا ه ولایت میگیے وومتور درنهایت صعوبت عبورنمو ده و صفحت کابل وغونین مخس تنبيها فغانان سي باعسرت وقطاع سرزيت كأوروكايت سنگ راه مشرد دان توران می بودند و ما دیب بیوط ن برنها د و دیگر صفیتی ایش بهائطبيت ثعالب حن لعيت كناراه مسافران إيران ميشد نزيير بطريق أطراد بعد الرسنوج واقعهٔ ما گزیرضرت شا علیصی شکان مزیر الالمدرية زعدم انصباط احوال إن وسرح مرج أن دبار بود كربقصائ سبحالي ت بيغام رسدمعلوه شد كمران اخت للال روى

میخت که درمیوقت محض پرسیدن شایان ایمین مرقبت وفتوت نباشد چان پرسش نظورس که مرگونه کمک دا ما دکه مطلوب با شد بوقوع ایدلین چین تقم فندكم رورميان ببرو ومرزايا ن منجا درلوازم معاونت ومعاضيرت ان دود تقاعدمينمو وندو ورواقع حوادث ومكاره كدمحل تطلاع عيارجوبروفاق ست قطعًا أمّا يكهتم ويحاكى نظهورتيا ورده اندنوسيب بإمن ارفع ماكه موطن صاحبان ناز وتعيسر توس شايسته تبقديم نميرسانيد ندمخطور حاسنته بإطن بود كدا ولا فندلم ررا بكسان خود میا یم ومرزایان اگرنشا روولت روزا فزون دمشته اشند دازماجسهای لفت ايام نا دم كششة اعانت وخدمت أن جانشين نقا و ُ طيبين وطا سرين لا مليز مشونِد درنصورت افواج قاهره^ا ایشان فق بوده هرگونهامدا دی کهمرکوز خاطراً ن قرة لعین بجاآ ورندلكين حون مرزايان ازمنتسان لربط ندان قدسي بووند بي آنكه ستفسار شو و فرساردن جيوش منصوره ورنط عوام كوتاه بين مشتبه بعبدم ارتباط مى شدارين اراده منصرف كشت درين أثنا رستم مرزا ورو وسعاوت نمو دوصوبه ملتان كرسجيندين مرسب زباده ازقندنا ربود با واختصاص افت وخلفه صيبن زاشمول عواطف وروابط را شنبیده والد « ولیب رکلان حوورا اینجا وستنا ده عزمت آمرن وارد بعدازا مرن اوعسا كرفيروزمند ورقنب لمريو وههر كونها ما دومعاصدت بآساني خوا مرنبو وحجون فر أيين لطنت وكيش مروت اتفاق مقدم بإخلاف صلح المتراز وبست على تحدومت ق طویت اکدازمبا دی اکمشا من صبح شعور تااین زما جموار اخلات نذاهب وافراق ایج رب منظور ندست وطبعات الم راعبا والسدوانسة وإنتظام احوال عموظالن

ورَّصِ فِ الله الله عند ولت ولي الله وم معاونت خاندان نبوت بطر زو نخوا ممت طوریا بد درین اثنا بتواتر و توالی ابنت پناه و شوکت و ایالت و ستگاه عبدا میّدخان والی توان محاتبات عجبت طرا ز کرندگر قرابت سابق و مصب لاحق بات لوساطت اللحان كاردان فرشاده وركم سالم ملم وصلاح ومر نبانی دوا دووفا ق گشت چون درخاک رون باسکسے که درصلے زند درنام شرییت غوا و قسطا س عطب عقل مینا نا پسندید فن اسنجیده ست خاطرازین اندلیث بازادرده شد وغریب تراککه بینوزاز واردان آنصوب اخبار تدارک خست لال ایران ايرانيان كرموصب اطبينان تمام گردوش نو دخشو و قراردا دخاطر دولت اساس آن صفوت تراد انکشا صنصریح نمی یا بدامول انکه خاط محرگزین ال متوجه برگو بیطلب مقصدخود و استه وطریق وآبین مراسلات لامسلوک و بشته تنا مقالق احوال بوسیدا اللاغ نايندوام وركه ايران زمين از دانايان كارديد وعاقبت بين بسيار كمشده ا آن نقا و واصلاب کرام را در نظف مهک ولیت یام احوال حب انام جهد بلیغ با پرنمود و دهسد کاری مراتب حزم و مال اند بیشے بکار باید برد وتب فلات ارباب بغض اکا ذہب بنن ارایان مفسد خاطر خود را مشوش نسا وبردباري وعمنه ما ض نطن راز لات احت ام ملازمان مووثي وسند كان حديدى شيئه كرمية خود نموده ارباب اخلاص زاسيت بايراً وردواصحا بفاق ل سرانی زاک زوای طلمت شدودرقتل اوسے وہرمنیا ن را

تيان جاني تحيله سازي و م ولت كوشيده اند ديمرا فيهضا تستعال نشارفاندا برصات ن عيشه بها رصل كل دراورده مروان العين له ایر د توانا برخا ان عملی لشار شلو الاحل وولت افزائي غود بايروس ت والأي سلاطين أبطلال رتوبيت ا ت زیرند که دا دارهان افرین من گروها بالى جمهورعا لمأوروهم لاده در كارونيا كدكنه را ك ونا پايدار ع دره و د استرطا گزیز در کار شیلای قوت عضبی دوستان به Was Carlos and Carlos و و شنان دوست نا لاروانی مکرو فریب نا ندو دریا سفح ل خروبرسندی المين في المن المان والميت المان والميت المان ال كهاسا سرم ولت بإيدار وضمر ليرم بضطولست رضمه وليذرخفي ناند كدارا درجيان بو وكديكي از مخصان حريم عزت المصوب يادكا رسلطان وسستاده شووتا اوضاع ايران از <u> قراروا قع دید دیعرض مقدسس رساند دین اُنیا در ولایت کشمنیمهمی اُرٹیوزنما ن بیخ</u> وطغيان ورزيدندوا جسك بده بالمعيدودي ازمتنزمان ركاب سعادت عتصام وتسكاككا بوديم كداين خرسيد باشاره مهما قبال حروبطريق لمغاريان ناحيت روان شديم مهنوز رایات منصوره مشمیرورنیا ه ره بو و که بها دران تصرت منش که بحسی ضرورت بمراه این قرقه طاغيه كرويه ويوند فابوما فننه سراك سرائه فسا وإبراكاه والا أور دندجون بن حاكت ن *ربات فيروم عالى عبيط امن واما ن كشت معاودت فرمود و مرا (الملكر* ل اجلال شدورین پیگام کا کرمپیوستان و مهمها و نواحی سیند کرسرا واریت بالشكر نصرف قرين ازمخت برشتاكمي دربيكا رود وراه عراق مسدود وكتار ون الميج ورتوقف افيا واكنون كرخاط اقدس إزيمه امور فراغ ما فت وسيوسسان ويهما لكن ی بب نگورا محروسه درا مرومزاجا نی سبک حاکم انجا با شان موسی استسعا و مافت جون نفوش رزی يثرت عقيدت أيند فأزلوح بيشاني اوظا سربو وآن مكات بجناك أفته لامازا ومرتمنت فرمودي وراعمسراق وخراسان نزد كميت بالمين ترازسابق بدمير آمرشا البر انصت قرموديم دسالا آلاام مناه معرضيا الملك را فرستا ويم ا احياب وسلالان چندى أرهد فات محبت اساس كلمات خيرت اقتباس بان وتفويض فت كه روم ديا خدوت ابلاغ تأيدونيز حقيقت اعوال يران لاازسته راوا فع نهمه ومرور ووو انسوعات ايرة بالريتحول خواجه ايونا صروستنا ده نتدكتيفيت ساعت ومكذرا

ورسأئل لأكمه لما قات روحاني ومجالست مسنولسيت بموار ولرشا كالتكونتي وكانكي شاند حق ببجانه وتعاليّان نقاوهُ خاندان صطفا وارتصنا وخلاصب ردوومان اجتباع شلا الازمكاره ومكائدا خرالزمان محفوظ ومصون ومشتذتها بيدات غيب الغيب مؤيد و منيدولادنا كمرت شابعثا بى لوالى ولاست كاشفرك چهان آرای رستایش و آفرین که زمه مالم را بغرف آگی مردم نیر ای نورگردانشاین بنگرمنا نجمن البوامع دا دوسي فرمان روايان والإست كوراً سور سي النوات واردي آيين أكاه ولان سيار نخت آن تواند بو دكه شنا سائ مهين خششسها ي لهي شده يمود نیا پیش برگاه دا داریهال نایند وگزیدگی اندیشه و تبحیدگی کر دارسیاس گزاری ای نهندوسرام كارلى شايست أكدح إغ قدروانى افرخست باندازة آن دوستى ويسكالي بجأ ورندنيا بران شيمه شت ازان نقا و ه وود ما ن عز وعلا وعضا د ه خاندا ن مجب و اعتلا نشت كدنظر روفو عِناسِت ایردی كه دربار ٔ این نیا زمن عست ركه پایر فیسلاین ارسال رسا بي رسائل بهجت بيراي خاطر مقدسس ميكر وندان كوم اكليما سعاوت بمينه فالميس مرج والأباش بحابان المتدعا بالمدعا بالمدعا والمنظران والمستدعا

المن المناسطة المناس Single Market Single Si Service Character fails Are the second of the second o ما ونشيراً في في لهكيل مطنت كرواند و مكرميان ميشكا و باطن وسيدي برتوميد Signature of the state of the s يكازطزوانان محفل بايون لابسيح كرمة ختارخه ووحدووه اناحلال باشرمبوقف ابلاع رسانندوا زابجاكه وتوف براحوالز Signal of the state of the stat معداع افالمراد ومازان الرومي الريض المرومي المرومي المرومي إفزاد أستاني منواهم متست كدارخا خرمتقع درسان نيست البحدارا وضاع به معلوم شده باشتيفصيل قرسنه در كالكالمختصاص گردانند كه فرمان روا یے باکداً ویزش دار د و روست س پاسانی ومعدلت پروہی برجیم ال ست واز ت اندوز تجسر به کارونگی یا نفس فروندن کدامروز دران ولایستیم انگلات رم دارندچه کسانند و رکیب اندواز آدره کاران مهنر سرداز وصنعتهای غرابت بخش کدام عار ه شهرت بروی داردو محمت اکه رخی ارسخنا ن ل اوررازما راش اينترانواص إبهم لا وستاديم فأجاكه ازبار كانان مان نورو Contraction of the second برغاميكندراه وجه نوسيدالسلام أمر حضرت شابنشاى بشرفاى الم مبعظم متوره صانها الما لي عن و ما مرالا نعس الآفاق المريد وكفي وسلام على لمجتبى المصطفا The state of the s باده الذبن لصطط سنيا على معشرالشه فاركه فعاجون كمي توحبانسرون قدس صرو The state of the s انت كه طوائف انام ازخواص وعوام و كافه برایا وسائر رهایا كه و دا نع

بالع صفرت منعم ازجلت نعائه ومرفه الحال وفشرح لبال بوده دراداى مرسب عباوت ولوازم طاعت مانطبث نايند وبوجين الوجوه وست تسلط وتعدى ابناي روز كأكحال خلق سيغصوصا عجمسة ووفقرا درازنكر دروسنالائن بقدر فيسور بوسيكرجميار ماازم وأئد وافرة كدبعنايت الهي تقسيم أن معوض عاشده محفله ظ ومتلذو باست نسياسان أن نيرالبلاد ومتبوطنان كصب للقاع على الخصوص مرؤستنسان عاصدان موقعت مقدب كممحل ورود جنو وللائك وغايت تقصد ومقصو وصد نرشينا ن تنكيين فيها على الارائك ستەشمول نىيومن وعواطف ماباشند نا را على نېرا توارما فتە كەبرسال ئىچدازىلازمان دارگا خلا كىق نېپا ە راكدېزىدىسى نېلىن تىصىف نو د داباندىرىم خاج ساختدا درارات دا نېپا بات از خلا كىق نېپا ە راكدېزىدىسى نېلىن تىصىف نو د د با نىدىم مىر خاج ساختدا درارات دا نېپا بات از تسع وتمانین وتسعائه بعض مکوامان قدم از جادهٔ اطاعت سپرون نها دوط این بیخ بموده بودند وباعث تفرقه خاطرعبا دالسركشة ناران محبت دفع ورفع فهرباعيله عِزه ازم كائداشرار متوجه صوئه ممالك بنجاب وكابل شده بوديم نباييدات الهي وتوفيقا التنائبي باعساكر سبياروا فبأل مشارًا كابل سيروا تع شد دروزي حيند كابل مخيم غروطها لگشت بحریسرکه تا دب ونبیه ما لغان جمسن طرین کرده شد و س تترت خردخال فت ندكره وبودهم عدم رفت مجد والمقتضاى واعزة يعفوح ائم محمر حكم سيرانموه كابل لابا وغنايت فرموديم بشرطيكه داج ماغي جميله نايد و در زفيه ا حال عبادا دينايت حدو محدد كا اورداً. فرموده دارانخلافته العاليد تقرايات ظفرآيات شدوبه اطركعوب وأتات ب درسال مذکورازارسال خیرات میرات حرمان میت دا دام

The state of the s المبلغيكه وطوها وفود متده ويورك الشرفاي غفلام وقصات كرامي وبعض مصارف شركيب وبك المي مشاكِت احدى بالسروالكمان را نندبا بير تفصيل من لغ بمينتي كوشا الرسائيد A CONTRACT OF THE STATE OF THE فالمتأر فالمانان ووري بمهرشرفا وقصنات نوبسانيه متبون كمطاحظ نمو د شود وحين فكم شده بودكه ينصفان المعلى والمراجعة المراجعة الم اشام عرب فينسيكه د نظراً مد وملغ وفائلن ومعضي بلغ معهو د إصرف ان كرده إثباع وابنانمو ونابل تعين نبلغ نشده لكرضائ المسامع عليه سيري بلف اشرار Alien Stranger فجارنست فضائل آب كمالات اكتساب شيغمعين الدين محديا شيمشيراري بقنضاي بعض علاوت وصدتهمتي كرده ورمقام اندار ولانت مشارا ابيت مهو وندو دراك أتنا مذكور نموده بودند كدريها لؤكه نبام ناسع ماموشح ساخته فرستاده بولوجني تنان كه موافق شرفیت اطر وموافق مات افلرنبوده میت رج بودخنی محتجب نباشد که آن مصن بلا أفتراوبتنان وعين كذب وطغيان بوونعو وبالسرمن شرؤا نفسينم اصلا وقطعا أرشا امرے وحرفی کہ مخالف معقول ومنقول بو و مابنتد بسمع اشرف افدس سریہ ہے ازان كديبتبديوس شرف شد ونبراصلاح وتقوى وأتباع شريعت ممصطف صليا مدائياله وسلمامري ديكم معلوم خاطرا قدس نشده بايركذان شرره فجره وصده مرده التنبيه قاليب نایندوشا الیه دازدست طلم و ترایل فتنه و فیا دیجات بخت ندوعجب از بعضه تا تعب ان کداین افت را مای صریح کوفیله و میسانیا می تعب یق نظایت اصعنا نموه وروس دازا راین نوع مرومشوند باید که مهتال این مردم را ازان ا منشر لیمت سرون آورده را ه ندین وحت طرستدوت ما را متوجة تطن م احوال ستوده ما ل عود رئسته دران تعبئة قدسيه أوعميّه ما تو

شر امون الطرف المتقال فضام بيم يم من وأسان كوشيا الأفطاع الباع اووب اي مايداي لامكان قطعة بست ازجها ن اخزاع اومرز له انتظام عالم ونظام بنآهم ببنتياري قل إيشالي عدالت بيشه ولا يمروى عدل طئرا يتلاف والنيام ودبرئي تزاج وسيناس وراوزا وكائبات انواع برووند بدارواح طربته عاشرانها وسل علبهم الصاوة وال له سالكان اصوب طرق ولا وما ن صب مسل اندعموا وخصوصا بعد كه درین عالم ناسوت كرمرات عالم لا موت سندی جزی رجمت فانق ووت لائق في صِنْدَارِ سلل عالم ولظام كون لا بلود دو ودرسرولی که آفیا م محبت بر توانداز دمها ن جان وعالم روح وروان رااطلم يبدواز وكليف وتتكيه وسلاطين كرصالح ايرطا أفذصلك عالم وعالميانسة تتحقق ar individual services South of the state والحاوميان عيا والدر موكد ورش ياشتها وطا كفه عليته لموك كدبر يعنايت المى شرف متعاص إرمصوسانان اطنت أرسلافت هِ وَلَا تُعْرِينُهُ عَنِ التَّعْرِلُونِ وَالتَّوْمِينُهِ فِي كُرُّلُفُونَ لِسُولِ

وعايت حقوق مجارومحيث مأن عمره سلاطين كامار مجقق وموكّدوا زانشرف مقتضيات And the state of t معمت جانى واكمل موجيات مووث روعانى تالعت صورى وثالب طل بريبت جولا Single Market Control of the State of the St بويط سوانع تعفظ وبوعث كبرى احرامشا بدهبهاني دربرد أنوقف مباندام Works Mark to Be and the said طَعْتُ أَن شرف توانشدارسال سل ورماً البت كداراب فطنت وذكا أن را A Min King to July of the Market فائم مقام مكالمه ونائب مناب مجاويمي انزاميد كه على النواز والنوالي الوا رب ورسائل ازجانبين فنتوح باشد وسوائح احوال ولطائف أمالي أرط فعن بين ونشرح كرد درسمير واضح خوابه بو وكه الفاق جميع ارباب ملل وثغل واصحاب ووول فشأتين ديني و ذبيوى وعالم صورى ومعنوى شخص وعين مرال مرسرات موری وسوی در بارنشار معنوی احروی حیات در دار دوعت لای روزگار^و برقني مبرديار وزكميا إبرجالت فانيه ظاهريه جه قدرمساعي مميها ودواعي حب بأنند وخلاص أعار وزيرها وفات لا دانشحصال مقاصوصوريه بهج طرين عرف ميسازند و وريستازات سريج الزول وشتهيات ويب الانتقال هجونه ورومنهك اندامد نعالى مارامجض عنايت ازلى ومراتبت لممزيلي خود ملجب يرن مشاغل وعوانق وروابط وسلائق ظامرے در دطلب خر کرامت فرمودہ الأكدم الك ميندين ملاطين عالى مقدار لاورجوزة تصرف دراوروه ومتقائ ل وانتظام ولهنسيام اين عالك برعجيكة سيسعرطايا وكافترا يام فداكا لضم للبال شندسى المديمود وتوحرين بالدوشت الاالحرسدكرم شوق الموالحق سرجعطالب وفاشح بهماريسة ستعجز كالترابناي دور كارترا بالربرك طريقة أما وجهدا ووافارب وعارف مشابره في كايد الكراكم

كەھلىڭ غائى ايجا ۋىقلىت محسىرەم ئياندىنا براڭ درا دفات طيبىد با دا ئايان مىغ ادبا معبت دىشتەن كلمات نفيسە دمقاصە عالىيە بركدان شغىرىية تىغىنى مىشورى كىلەت الىنىر وتغاير لغات وسيانست لائت أنكه إرسال بن طوركسه كدآن مطالب عاليه بآ عبارت خاطرنشان كذمسه ورسازند وبسمع جايون سيده كدكتب ساوي شاريق وتجيل وزبورنا نعربى وفارس دراورده انداكراك كتب ترجم باعيران كنفعان هام دفائده آن نام باست دران ولایت بوده با شد فرستند در مینولا بجست ماکید میاسم و دا د و تشمیر سبانی اتحاد سیا داشهٔ ب فضائل کنساب منا دق انعقید ته لواضلا يمنطفز اكربمز مدالنفات وعنايت سرفراز ومخصوص بوره فوسستا ديمنمني حب بالمشافه خوا برگفت اعتما ونايب ويمواره بواب مكاتبات ومراسلات رامفتوح ازم المام على من تبع المدى شربيع الاول نيه مدونو ذي الشنه شارف ا رت شابنشای بوان بخت والانزا دشا برا ده او درو المجعث الركث مير وزندسعا وتمند برغوروار قرة باصرة وولت واقبال غرة جهيئه ت وطال درة اساح و في وسير ورمندي و اطتر احمت سا وتمند ع ص بيندى صاحب السداء والرشا وشائراده مرآ و بعواطعت روزا فزوات مشاي ومراحم ازجدب ون طل المي فقهاص لا فستراً وشكرا زدمان آراى لاكروش ع عن الكرث المي شيرخاط خواه ما نجام رسيد ومخالفان دولت قاره بخراى خودسيد رأن كاستان بمشهاراز فس وخاشاك ابل فستذفيها دياك شدازاعت و ونكسارا في شي وعفوان في شيخ ومعدات ردا في المؤمندان الا وول The field the same with the

اندكى قبلا وزى فت بدار تواندى بردكه حفرت وا دارجان مشترخ وا فرين عكوندمرا بزرك ولطفهاى شكرب كه درعه صلكروز كا دريا برياعات فرموده وتنه وتحبروا الجيم از جا توجایات الهی وجزائل عطایای نامتنایهی کدوین کویشنسسب بن نیاز مندگا الهي نظمه وَالمِشْكُولَ مَا مُعَلِّمُ رَا مِن كَفْتَهُ أَيْرُكُ مِنْ مِنْ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ وَلَي مُعَمِدُ مركا منين اشدانه سكه ازلسياران دروفتر فاكواكنا اشتراش ليكن رمى سنجيده وروشي ست بسنديه وكربركان ضرائد كي ارعطا إى اي رائ مناهاك وكاه ومواخانان دولت ميكوند تااولاً بقد زعوا شكراندان سام الناليان والتا براغي درراة ما يك مركروانان ما ويمضلالت افروخند اشام ره عنيديت واحسلاك رميسري فوطيند ازانحله أكله ورووازوهم اوامردا دالهي سندسي ونفت كرعين اشتداوسات وطغيان ووباران بووتهجي كدكهن سالاج لاست ينجاب كمترازين قسم مابران وترتنا حدود فشان ميد دادند محض القاس ما في والهام زدا في غريمت كشمير شاطريها ن كشا افنا ونهضت وموديم إوجروا كأيميع اولياى دولت رامضي بود وانها كديمز روضايت انتصاص شيته زصت خي كردن دربار كاه اعلى عاقاف في التهتند بروي كيخن إلا مراصان بعرص ما نندنا لمائمي موا ومسله إني ماران معرض ميرسا نبدنه عون رہنا مي این کارٹ کون ایز دجمان آرابو دہسامع تعول نیٹیا دوتیا ریح مذکورتو چرسند مودیم وازيدا تعجيب بأنكه درجين وزدولت افروز كدرايات اقبال ازلا ببوبهضت فرمود المغني الرسط كل بخت برك ته مراه اذياً و كارنا بكارة ابت ميرزا يوسعت نما ن بعضه الزاوماش كشير الفاق مودة الغيري وأيقت دفعا وشرواز عالم الكور

يطغبان أن كل سم ر شیت ایز دی درین برامه ن نست که نساری آن میرکه دارداده شکر الهی بجا آ درين كالبهام ونت مخلصات الإيراخلاص فزود وكمراع ن بى اخلاص الهنالم لي والاموعيسباك ورين منكام كنجرشور شكشسيروبي راسبيكن بيدوليا بجن بيدايز دبحيون نربان أآورده كداوراازهمان كشكرا وحبسعي وقت يا فتذبهم آباد سهيع يماني حوام او واين بيت بزران تقدم المرف رو ولدان ات سد تنم الكه طالع من 4 ولدالز اكث ل مرجب تنارهٔ يما ني 4 مُرَّرت برموديم. یم نی طلوع ناید آن کم اصل را سراشید خ اوه حوا برشد ه درا وجو ن از ا وخطائي رفته ست كيجنين ما بالستنكيهما سرميزند وزديك براهران ن ستارُه اقبال ليحضياً نُغَانًا ن اخلاص الدكيش كه درساك منا لفاً نُ نسلك بودنديا تفا ق بعضي تركما با حَيْقَت كَثِيرٌ كُمْ مِمَازَا ن گروه ابو ذیر دوش کی دیخدول ااز بارگران سرکل بمغز اونجات دا دند وارعطيات الهي آنكه خيان بزربان دا ده بوديم كماز آغاز فسا دّنا مگرعدم فروفتر وزما وازجهل وزنخوا مركشيدحون ابل محاسبه سياب روندينجاه وكمآ زان فرو فعتن اوبها وكيفيتن ت وجي ن شبير تقرايات ولت كشت اغاثبتها وستان بو وقریب کماه برای آسد ولی طایای ن مارتوفت اقع شد دری اثنا برزیا

مور المراق ا المراق الم الهام ترجأت گزشت كرچنوسشه باشدكه ورنكا فهضت مجاب مهندتتان چون عساكر گر دون ما تراز گلی گمذر د درا نوقت برون بار د تا هند درستای کر دخل معییکراتیا ل اند وباريدن برف نديده اندمخطوط وسيروركرو ندويتم آسيبي ازكثرت برودت مآن كرم سيران كر چارشت بگی جا میست که جرروی کمشید دار دوسم حاب بهندوستان نباز مرطف نود اکه گیونه عنایتهامیکند سان را ن که ما برولت بعداریما از رسیخن از گلی گذشته کوم كدوراتناى اوبرف باربدن گرفت ودران رورودسه دفعه برف باربد وسرمنه بناسك ابن عوایت شد داسه سیاس لهی احکونه توانم اداکر د و بعداز مور د جندین الطاف بَيِّدُ رَفِدُ اقبالَ الرُّوسي نوز دِهم دَمَّي ما والهي بلامو زيرول *جلال وا* فع شدحٍ ن مها شايني و بعنات الهي انجام الوته بخاط القدس بالمهرسد كدجون كافه خلائق مهند وتيان كذفوكروه نؤتحت بابودند تبييت كدمحروم اندباى خرسندى آنها بيث ترازنو وأعالم افروز كدوواه چنری انده بو دبتوفیق ایز دی متوجه سندی ستان شویم و کا بی بخاطرالهام بروجهٔان سرمد که معدا زفراغ حبث نوروزی اندیشه محالک کشا از کمن بطون منصد ظهور آید باید که شکارنهٔ این مواتب عظمی حاآور دوست برای خاطرگرد و منشور حست شیا بینشای الحافاتان سيلاول عيرفان و فعرام في راعفناد خلافت وفرمان روائى اعتما وملطنت وكشوكث أبي فص خاتم شجاعت ومحت يأراكيم حيقت وجان إي سيف مسلول مازوى شابنشا بي مع مصفول معركه وتيمن كابي طرازاستين بهت واجلال كوسرسرر ورلت واقبال مخزن سرار خليفه الهي محمع اطوار خدادانی و مواخه ایم مقدمتر محیش عارک جهان شانی نقدمته بعیش محافل کانتمشی و كامراني مونس صدت سراى حضورمح مرخاص النجاص سرائر سرور فيق طريق دارالملك

مطرح انطار عنایت مورداعطاف قدسی برایت قدوهٔ خوانین لبندم کان عمدهٔ مریدان مطرح انطار عنایت مورداعطاف قدسی برایت قدوهٔ خوانین لبندم کان عمدهٔ مریدان سعاوت نشان ياروفا دارفرزند برخوردارمباز الدين خاسخانان سبيها لا كبشهول شلائف عواطف سلطاني ووفور حلائل مراحب جهانياني عز أقتار وشروك بتطها يافته مداندكه درين ايام عيش ونشاط ومبطكام جنشن فببساط كداسباب خرمي آما دمج ابوا ببغى كشاده ازمرط رف نويزنت ونصرت بموسش الهام نيوش ميرسير بحسلفيرير چشم رحسنسی مشکونسید زی اثر کذیمت تسخیر ولایت سواد بحج رقعین شده بو د سید باوجودا كدتهم ولاست منكور وحزرة تصرف ورامره بود افاغت طاعنه ورطلاك جبال صفی وستوارے بودند ورؤسس لشکرنی ملاصطهٔ حزم و تربیرتعا قب کیت و اكثرآن مخذولان دابقتل ونهب سانيد ومتوحبهتان بوسي ميشوندج ن امركاز برده عيب طامر شدني بووزه م حت يا طازوست دانا يا ن ت رفته در شعاب صعاب بيونت گران بارروان ميشوند وتوزك ازانتظام مي افتد وازاطرا و يست ل آن اعاقبت اندیشان بقدردست درازی میکنندمردم سراتیمیشده راه را از به اده جمعی شیراز که ده می افتار درین آنا عده محوان راز زبره صاحبان وساز صاصب طرت ما عنوان مشاكن يميث لى نقا و معت مان وركا وخلاصه ملازمان مبوانوا والمجرآ راي آغازین وان بین و مانی بین د قانق اگایی میرم کوشای مجلس خاص محرم خلوت ساری میرم در این میرم میرم خلوت ساری وفا واخلاص ما مرمور عشق ومحبت بخلسان دحدا می خلوص صدق و تقییدت طالب تقرار را و حقیقت طلبی و ق ح بی عاشق طواری گزاری حق گو می نقش بندط از Salar Salar

عالم مراحباني كركبث مي خاطر مشكل ب زميقل نائ صبير اسمان بيوند سرطعت ميراره بازان سرومت رامجم سخن بردازان جلبيه محلبول اندخلوت فالم مصاحب بشوراج ببر ركه خودا ومحنت ما درما ختد بعد وميش از فدا شدن دراه اخلاص المادي فالساخته باوج وتعلق ونيوى كمال في تعلقه وشت وبالرقاري ظاهري سارسرت أزادكي مي كاشت ناكها ن ازين جان فاني وخاكدان طلماني خِت اقامت البيت وقالب عنصرى اود يتمسس وساوك براسى كبهمدا ناكزييت اختيارتموه وتحلباب انتفا ونقاب عدم مختف موتبب گردیازین اقعه جائن فرسای وحادثداند و افزاے عيش منعل مع مشاكل معص كارشد وخاطرويا مقاطر عبا آلوده گرويدا گرم معراج گرم بروا شاسراه وفاووفا قانست كهوركارقبابه كاه حودحان ثبارى وجان سيارى نايندليكيش كمآ المراج المسا أن بو وكدور فدوات بندوترووات ارجمن ابن عصن به ظور سداز صدوف إين يت وتفاقي ملالت تمام روسے داو واقسام حزن واندو و بیرامون خاطرا قدسس مخشت افعير سزارافسو كما وأاين خانه وروالودست ونبات ابن شكرستان بلابل ندودعالم سرابيت تشذوب وتنزليث برفراز نشيب مستى اين نرم را وع خالست وعاقبت أين سو قرا ورسه برنجاري بوسطه و لعضيه موا نع كدا مدن ليليح ومروم بعثرت این طور شده فاطرن ان ارا بعدی شده ست ا ما چون ایم عوام کارواری این گره ورول ماند شده سیکدام ول کدازین و قوم حکر خون نیست

معاد تفرس ظالم والأستن كالبط خاكي وينها ن فقد ن شيح سبا في معلوم كه نيط د د مارا د همتکفالنظام کل ت معموشیدن مبازغروث پذست وارمیدن مبازه شید د د مارا د همتکفالنظام کل ت معموشیدن مبازغروث پذست وارمیدن مبازه شید بایدکهٔ آن رکن لسلطنه نیز را مصابرت معظی فته آزارا در دو وگذ مث ته ارا دهٔ وذكرى حرنى نباشذ خود ثبيدا ندجيسه عيركه از قيد تقليد سخات يافة لبرس في المحتين بى سيبزه در مرزدا نى كمياب وعزيزالوجوداند فرص قت، أنكه با داى وظا كت شكراين عليد عظ كدارشرب مندي تشوى مر و ولي واروم منال موه ووجود باجود مارا لبرى شروه خال كشد كه قرآن زمان كران مشروقات ارزام و الاست اين ساع عما برمنددآن باروفادارفد و مرمومان رازبو درمت واورادران دعت ارهابا کوع نامرالی نسینیم الحال خود ملاحظهٔ ناید کرفینیمت بود ن او درم و رص خوا بد بود عق بجانه و تعالی اورا درسانه دولت اربيوند ما بزحر داركر دانا دوما لابرنارك سعادت اوكام كالإجماع بدائنت انت تا

PICATION TO CAPTURE TO THE CAPTURE OF THE CAPTURE O 7.07.5 ((3)63.3° ت ت بدارک ولما قی عمد الملک احرافوار مل ایا جنود ملا یک و فو تبعین فرمو دیم شا العالينخب يبرادقات اقبال خوابه شدورنيولا كهضاط اشرف متنوع بودع صدشت أي ركن لسلطته سيدجون أرمطا وى أن شائم الادت وصفا فاسح وازفحا وى أنساعم والم ودفالا تح بود في الجليط بين التي ان باعث اطينان واطفاي نوارضمه إنورست النجم وباب نسخه دکن بخاطرآ وروته قصیا نوث ته بود بوضوح بیویت ویمه بشر^{ون} خ شآن ً سياز دفو د نبغ و كما ل شعاعت اوعنقرب ست كه خاطراز صورُ جرات آن ِ فلك راغر ومنظرا شرف اقدس كذراند وارز وى مركوزخا طرا و برايد وآكه درنا ب تعفاكر جرائم كنكا وششتدعاى قرمان عنايت نشان بنام او وعكنات وشاهم خان وغير الله والمروث تديو ديدرج سلقه متلقه گر ديدومنا شيرعاليه مطابق ستدعا بعز صار يافت وبقين كرمحا ليكة بجهت كنكا تعين خوا مرنموه فراخو خدمته كارسے وصلاح وقت المو^ر وآگله دریاب نوزندان لمین خان وجام وکنگا خیال نمود پرت اگرخو د ناحی امدنداولی م ب بو دبهرجال سنچه مقتضای حسال باشد بعبل آر د وانکه درماب فرساون فیلیا ناخیاد التهاس نموده بودمبهامع قبول سيدوآنكه دروادي وستادن شيخ ابزاتم بصوتيجب استدعا منوده ومعلوم أن اعتضا والملك ت كددروقتي كدما برولت والخال الخلأ العالية نزول احلال داريم جميزهات رميداران أن حوالي بإورجوع ميشو و وازفتن او آمخدهٔ أنقدرفا ئده كداين ضرمات لامعطل توابط نينيست قائلها زوزندان خوونوسشة بووكه سركاه معه سامان کردن ۱۲

Sie Grade Willy Land Marie The property of the contract of والمنافئة والموافئة والمرافئة والمرافئة والمرافئة والمرافقة والمرافقة والمرافقة والمرافقة والمرافقة والمرافقة والمرافقة والمرافة والمرافقة والمراف والمرازع والمرازع

ش نظرد ورانندبی کلف خاطراشرت کسخوا بدکدا و وزن سندگونتش رانحازمضت لامات نصرت آمات و مشته باشداگر درین زودی م شود سر شقوق نس بطنةالقا هرةعضدالدولة الباسرة يخلفا كوارضيته ولشائل بع تسال ليل ونها خاط فيع ستهكوس تعروزي طنطنه عالمرآراني وجهالج ويو لمضان شوق أمره الوت مواتاز كالخض ولهاى عات نوبا و همی عالم آب و گل دسیده سیشتوا دوصدای آب نراژهنی آبار ارباب ووق شد ها دبهاری روح نباتی و قالب حیا والأوارى ليي نورسدكا ركث كريها راوازكر واوشه 20 31

William Charling to the state of the state o ث مبوث آشاً مان درا ولَّ ربانید ه آسانیان را بازمینیان انطار جمت وا مازمینیا تخديرافته آبتي علوسے بامطات سفكے انتساق دانتظام تازه گرفته أجسام ارضي ااجرام اوى ارّاط ولت ما جديد في في في في برافق فريند و كاندا واع و تواسي كايد و كا خائة كوين به زان منزو ورس بصوير والان علقه زرق ويا زبان مال خطاب سيندر ملجى زابشكفت كل تويزمروه بنفرة مشدما دروان توباسك افتشرده بسنونه انابراقاب وسينكون ميرب يتكون مايست وافدوه تباوزه لب رك وسان ولكمث فنفلت گذاران زاويّةب وعنابك ان وقت اين زائد موزون بيرون ا د° مرياع خرش كافغة على بقصود ديه از شاخ طرب ميور بهبور وحسية وري نظ مکن کوچون اغضانش + حلوای زازشش بی دودهب + مشهود محسول نظ مکن کوچون اغضانش + حلوای زازشش بی دودهب + مشهود محسول ت كردينو تحت كونه كام رسيدن في فلمت تقطيرا عندان ع مقدمان عالمالارااغيا دُلود كان خطه خاك جدّ عد رنظرافت درجمت زماه وميكر د و محد يسبب التفنهان وكالصبت لاكمام محدونا زكد دراوات شكراي وابساكوناكون ر مردم او + که مرمو رنم ورح أسوده ووفيش كدداع عالميان ازرائح معدلت ص فوائع مدالت باوشا كا دمعتبرت واسات فری آما در وابوات می بروی دولت كشاوه زما ندسره مفروة منتح كموست بيشارت بيوست سرسا نارويس أزرو عا فيسائل وإقعام لفاكس بدايا واصاف ری

يرى برواز وأمدن جوانان عشقبازاعث مسرت خاطرا شرف شدخصوصا مبيد عشقبا إن اورا دلنهر ملكه سروفته منه رواران وسرت عشقبا زیست كرمیش انا نگه زرده سهای شاخ در شاخ کورزازا بیشترا آن میداند که نقیب خان انساب طویفایم سهای شاخ در شاخ کورزازا بیشترانز کشیداند که نقیب خان انساب طویفایم بهت توان کروکه در فن حود پر<u>عسال</u>ست عن الدرخان ازاندها ^ق ود و بالكل كبوتران دلوان هيك ويمر بهصوب ميز وليش رسّاه تعلوم سيت كدوط والنهرد يكركه وتران مانده باست رم دبسلامت سيد تد تعرف توصیعتٰ آنها ازان دورترست کرِمَامیهٔ خامه در بیوای آن اِل کشاید وطا وُس بگارِن زبان درفضاها ان مجلوه دراير شنو مي المريي بيرس مجلوه ناز است چن غشوت رُزانه گرم خویمچه سندرنا یان 🤻 دور دو بمجعل دانایان رەنوردان آسان وزمین وانەحینان خوشهٔ پروت ممرگرم بلن پرواز ازفك كوي روه درباز اتحق مامرفان ولي اجنداز تششيار عرش وطيرانندش ight deplace in the این کبوتران از کموترخانه همیسی عشقبازی بیرمده و کبوتران ناسمے روزگار در بوای Marie Colores برابری این کبوتران چرخ کنان و مطاق زنان بال مساوات نمی تواندکشو واکر حات 6:16:4

40

"اليفر "الحالة بالما كالدن المؤدني الله المان المران البران البوار البران المواد الم الابعيث وبمريط البخصيص كالرينس وانبسا طامنطو زنطر خرشيد ماثرلوه فادأك كسلطق بيثن فيركئيم ودرروز كميكبوتران فدكو إزنظراشرت ميكنرشت وخاطر مكوت ناخرارشا وك أنهاسبيط ومن رحناك ث دبو دان اعتضا وألمالك لعظمة بوك بانيهاي اوًا ورین کارب یا با ومیفرمودیم دحم^{ین} لا ل نیال توہمی نیاط ہے نزا دان زیرک نھا د مذكورسيسيد بزبان بيزاني الباس كزارش مغامهائ حوذمو دندايجا بالملة خطبته رقع وكاكك جوابرسلك ميشو وكرجمي يسرواران كبورخيا خسل سلامها وبيغا مهاميه يعبيت هركم منظورشد مسليمان لرحيون ندانذرمان مرغان لأخصوصاأن سأ جوان عن ميعنيز كار مركار العيدل سلاميكه ولها مي ارماع شق رحمية خ ار ديل بده خاطران أسوده ول اردحسكت وبأرى أورؤيب بياندوا بلاغ مينايدك سخری رخم براهوال مانموه و مساعدت تاییدآسانی مدرگا گهتی نیا وجها نبانی کنصلانیا وتعديث نامل تسرسانيه فالغله شوق حواني دركاخ دلمنعاين آرز ومت رانداختند كآ تأزه وكامرابي بي انداز ومرحت نوموده ست ملتمسر إز مبواخوا با ن ركاهُ ولوتخوا با ناسطًا خصوصاا زان عشق اندكيثه خدكهيثه كرعجيده مربدان وزيرج قعدا كبين بادشاعا لمرنياه ست بشت گرزمز وآنیا حسر طلبی دریا ب نتسبان خاندان مانکند و ننگ تفرقه جمع ::-::::@:: تعبيكة عميله الينداز وكهنتهاى أرزوى جاعت انهت كهتوفيق لهي دولا رمضة أظل الهي بإطهاشرا كفت لطالفت وابرازا نواع بسرواصنا فت شعب وتدارك وثلاثي عمر كذست تُنخو دِناكُم ويُرسلالُهُ فانْدانُ بطافتُ نقا و مُدودوان ولت افع A. (18) D. Te الملال واندى معنى پر صورت جوان سيرت سنركهي كه ذهب سور خطه مشهورً 学学少生学

میگوید که بعدازآرزوی ابسیار و درازی روزگار بسعا و ت زليخا دارمواى حوانى ورسدافنا دسب بيخوا به خديده كدمتورث نشراح خاطروارتياح بإطن فطا مركرد دنبلورآر داكرجيم فسيجيف نام براور ده بو داما احر لند كدا خر بعاشق تنجینید بی منسوقی سر و اگشت خیبد شت از سا رعاشقان وطالبان درگا خصوصًا ازان بیشوانی کربات طلب بهت کیسه بهان متنرکه بسوزحب بسارد وباحوال ا نیرداز د و گیرمنحب ل سروارلبن دېروازمت زبان حال ا وباين مېر سرگرمت والن بسیرت مردم معنی سیدم مگر دو د واعشقها دنست که در پی اوس آن معبتی بزنگاریعنی ما وه کناره دارکه زرم پیس یا دانجلمت ال لیلے میبارید وقوم جنون دیای عشقبا زان می انداز دوسا کرگهوتران نا مدارخوش سخن یک رسار که باصالت نسب وشرافت حب اتصاف دارند برخی ازانها با پرنگا راتعنا فی دارند طائفهٔ باسنه کهی تعنی اند و بهجسه مله حون برپری ربان حال کبوتران فارنج با آست تمام این کهن سالان نورسیدهٔ فلسند از با تع قعاز انصاف آن اعتضا والمالک دارند که با دام که ما با بنا وعشا نروتمام قب الش حود دپرانه سر باستان ملک ترشیا المرابع المراب

كعبه برواز دارندنوليب ندوكرحون أن اعتما ولهن لافته رامهان نو درراه دان باب كمال تها متقديم سأند كوانث را مدسجانه در نصورت مرحمت خوارشه وحصدان مهان نواز جوانهائ وسيده عنايت حكيمة المحلا كرقوجها تبطل للبي ونسائف تفقدات نشابينشا بي سينظيرو بسينديو وموا که در مولاکه نمضت دایات اسان سای وجولان موکتب رمین بیآی جستر س الككشت ولامت وليذر تشميركه ازعطيات حجد وموحضرت صربت ت بالين نياز كبرناشده بود بغزميت أنكبروان كلتان بمشه بهاركه كارنامهُ قدرت يروره كارست ا إيت بمن واوروة بحي خيد تبين زبسجو ومعبود هسيقه وان سررمين گذار ولهة كه درنا ن خوبهای آن ولایت كه از گلهای رنگا زگب ومیولی گوناگرن خمکومشون بود با ثنا بنراولي ي كام كار بخور دار وخلاصُهُ عساكر نصرت شعاراز اه شوامخ جبال

و درنگنای کوه وکمررا بهها بینا و رمیساخیرت ندوقریب کینزار فیل کرمثیل بفراغ بال موت عال مكذشت ودبكرضل وحشمروس وكالتقات فيمماز دادالخلافة لابورا توم جابجا وشهربشهر كذرسشة بوديم حون خاطرا شرون ازالت وروحاني وجساني ومثية عشرت وكامران خينظ وا فربرد تثبت عنان مكران غرمت برا ويكلي ودمتو رنعطه کسائهٔ فلک پاینچرد اگرمفارق ساکنان دیار کابل اندازیم وروزے چندب دیشگا ان صدو دپر دازیم ازابخا که با در همیش این مخانه را بخونا عیست امیخة اندونای لقا للاحت نه بنیات نی را باب وکل ننا انجیخت در منین سطح ناکلا جانكاه روسي نمود كرم عميثس رنبغض اخت وعشرتها لأتلخ كرة مي يرثين المكه واكب عالى ورحوالي ومتورتا بالجست فالبلال رسيده بو دكيبت ايخ توزيراها Marine Respice Street ت مشريوراه لك سنةي وجها ربوافق شنة بخشنه نوزديم شهرشوال فيهصد ونود ويهفت بحسب زوشت ازلى عكيمامي ونحلص كامي قدره فحرمان سلاب misolicity of زبرة بنفسان خبيقت گزار قوميت شناس ها كن معاني عديقه بيراي مهار Sept. Company يوتمن ملطنت روزا فزون متقرب محضرة لهلطا في حكيم العنت گيلاني ازين مراي فا وَتُكُنّا يُظلّما في مِضْ سِها لِ إِنْ الْمُعَالَى مُودِ صَبِرت فراوان أرْسِتْ اق صوري حوول

مون من المراز ا والمرابي المرابية الم و فرمان المارية المارية المارية المركزة وتطأ ئف ذاتى نيجستة ترين صوتى مين ويدخاط حاضرست باريك بينان عالم تقدس مرون نشارخانى لازاون عالم بإتى گفتهاند واسخ صيقت نامى جيه نرفنسه الامرشدهاندو پییټ که روح ای راازگذشتن ظلمت خانه خاک چه تفاوت و د رواقع بغیراز تغیمنسنه لی تبدین مکانی میت ونط^{ین} ربعالم سباب هم غایت امیر حقیقت شناسان ونهایت آرز دی وفاکیشان هین مت که در قدم قبلهٔ دین و دنیای خود جانسپاری کنندان بردج انم وتعريج يافت كسجفه ولقدسل وسيت تموه وسيارش التحكمت أب كر دومالفه وسيان بشيار بوده حيات مستعارا أباكاه ولى وحبردارى ورقدم فاسبيرو بأيدكمران مؤثمن رسعاموند الاشاع اين اقعه جزع وفزع كدارعا دات عوام الناس واب دبستاكان عالم صوب و أباس تنايه ونظر ستقيرا بازه وثهته وقوع أزاار تقديرات فداوزي لينشهة رضابقضا وروبركه بمدابين شابراه وبيثين تستيه وتحقيق سركارس واسبنه يهيكام تحريثس وناغمان عفران ميت اورابيش از وخورد وابيراكنون مستدعاي طول حيات الزحضرت وبهب العطايا برم يعز تقديم نمايد وازا عاظم متناعب وشدائه مصآ أنكه بسين ازين قصنه برعصه بها يزده روزره زويق مبيت وجهارم مردا دماه الهي مطابق سيست بيسوم شوال فاوت وا غاضت بنا ومعا بن وهائق وشكا مثلًا شآلواً فهاستالدواني مذكره اعاظ وكهاى شائين وتبصره اكارقداى حرس موعد حاس شراكف انساني فيرت جراكر حالا كالت نفساني مورو بدائغ ووغنوني فالمكالة افلاطوني كشاف مافدعلم نقا وعوام محسوس مفرم عضبيا لدوله اببرت استقرار بهمان مرص ازین ظلبت کدهٔ فا رحلت نمود واین شیئه و تاسفت بمیزان تازه بود کر وقعم بر حکیم مین فیزسیش کا مصیب انجدان ها و نه فراموسشس شراها چون ایش

بين ويخاطر فد من فرشيت ازلي ومظاهرارا و بنه لم زياست ورتقام أمنا واصطب را مران محمت م ب كه وخران الله المرابع صالى المثلث ورين قوم كما ل بعيت اقدس نايد وخاطرا شرب رامتوجه تتظام إحوال خود واند كه درين مزد عرصه كابل مخيم سرادقات عاه وطلال هوا ويث حيون بشرف شلام عتبرعرث مقام رب كرد وما بواغ تلطفات ثنابهنشام وتفقدات يا وشابي المتياز خوا مريافت ت وشيم شوال سنه مدونوه و خفت كنايسند ما گرز د مك الك بنايس عرش افت فران صرت شابغشاري عطن خان كوسيات والدين محرضان بشكام كه خاطر مقدم منظران بور كدز دوزين ت وْعِشْرَ بن ساعاتِ أَمِر واجراز ولوت المازت كداكسيرها وتت نمايد وشهول إتسام عواطف شائبنشاى وموروا نواع تفقدات خاقاني كرد وجريب يكاوتوجز نبآر حرمين شريفين لادمها التدشر فاشده مهت وابل عمال فرزندان لاوان درياع ونزار بمراه برده ستاعت بعجما شركه شل وبده بإخلاص الخديثة جند برحقوق المنظور المراشقة في توسينا جيكوند متوجاين طلب بيشود ومثل وعاقلي برضا مندي الدة شرفيد فولش جميح الم المدوريما طواج صوصاعا دات سيأطاعات جنين ي شرعا والحار الرده الدوعيا وات وطأعات والرفعاب مراست لذا وكرطليكا رثواب شدة مان عناها Marin Carlo مِنَاطريمانِد من وورنباب جاند في الموق المري الموق الم Shirt of Delivery بنين المرفتن وكياك لا ويخالي لا أركسها على المويد وترين مفاعيت The Medical Control الزيدن باشد فحاطرت كى ازدورين ان باركا مغرت تميرسداه كى اراد داين طلب كروكه ما قبول لتمسل ونف مرودي في الواقع أكر شو تن ن كان مقدس الماليري The state of the s esiis esisentisi

, Jiming la good with of the Property of The Mire of Grand Recity of March سنده بودبالية خصت طلبية تامشقت اوتوت بارجندين انطاراين راه دازمنج كشنة S. S. W. Signis Joseph ا ومثوبات اخروی لآما ده شدی چینجا ط**را ورسید که درسلک بی صِنا ئی ما ده الده خو**د Gillian Julian De volid Selling, were fire to said رفتهٔ ساب خسان دنیا وآخرت مرابخام دا ده ومید برنها تا که مغلوب وآنهمه خرکیش علايم مدل تنور مي الماجين كشته خيالات باطل مخوواه واوه بي مشورت خرو ووين عودكه وزيان تسلط وم معزول بوده دكنج نمول ميباشه مركب جنبين امرى كه عقلاً ونقلاً ستحب نيسب شده سنة ال البقرضة بالمله ورسيده بودوا نرصت عال كرون يوم ورقت ميكنشت حورتوم ling like with این مفرشده بیست که بل عمیال خوایش و فرندان را مرا نهیر د وعرضیشت میکر و کرمرا شوق دامنگیرشده بو د ووصت اندک اشدا دادیمت ملبای شانمه در و وجه نندهٔ الی عيال فزندان وداوكنت مأطفت كرائ شاسيرد مأكرا آيرن من ازسفر محال وإكريس بحال مارندكه فرزندان قال المرستغوانندكه وإياعيب من سامان عبرانجام لابيكاء غابند ببراينه ازانجا كها وراوره كالا اعتمارست وخاطرا وخويها كمنس ا وبعز قبول ميرسيد ولأ Cill Englished أرضنا على مدارج عليامي عاطفت شابنشا بي ين اي رزين دابخ قرار نميدا وبايتي فرنيان وابل وعيال البركاه وستاه ومعروض الشنة كهرين الذوى الوادنوان اجائ شربیت طغیا ن موده بو وزندان ایلارست وستا ده دربا ره برکی خودالتاسی د With the State of إبرافت كباي ماسيكنشت كداين خانه زاوان را بلازمت فرسنا وم برايني رايب جهان آمای اقتصا و ایمبرکدام را بنوازشت ضروانی عزمتنی رخبت کریم آیند سویت ن الموابوثيت بصربلات وأمروجه دول كذشت كربهم طرق خبرالكذنبت والانجاكيف والتج Si de la constante de la const فاندان أنهاعلى مخصوص صبح بمخاطرات ون مركورست با وجرونيين عال الرخاط الكارى رسان بسرزاني بن بيت البيسناري يه وجنست دفاحما C.G. Can Olivery of the contract of the The state of the s

كهاوآوارهٔ وشت غربت گرد واگراز مزاران عنایت وعاطفت مایجه میرنست سرگزین بيرا د وطعون غاص وعا منمثية اكنون تم سيج نرفته ست بيج چزرتفي دشده عالتي دار دكركسس مبينا د مرسيم بخاطرازردها ونهدوخو درااز وبال وكال صوري و مغیوسه بخات بخشد وچون بمواره نجاطرا قدس بود کهاییچ کارداً" ببش سلطان ⁶) زستا ده مبانی مجبت رسسته کام دیراکنون صمی شده ست که شعاقب این منشورالا^{کر} عاطفت مصحوب بكي ما بمرابي من شخص كدار بخل دولت اميبر دتعين فرمائم ويلك به ون انست كدا دا دراك للأرمت نايد حيرخ ش باشد كديميش از رسدن المجي اومتوج أستان بوسي كردو وسطف مثو لعمل حصب شابنشاسه بعال مالك محروسة تبصديان مهات مرجو اين منشو الاوب طل لهي ودستوالعمل كارا كانبي ارنب بع عاطفت وم شابنشابی صدویافته کمتنظان کارا کا ملطنت و کارگر داران بارگا وخلافت از فرزندان اقبال متشف ونويتنان اخلاص نمث وامراي عالى قدروسا ترمنصبالاك عالمان وكوتوالان مابين روكشرعمل نموده دانتظام امضار وقرمات وسائركترات الموني المود المالين و المالين و المالين و المالين المالين المالين و المالين المالين و نومان بنيريابث نداول بطريق اجال آنكه ذرمي مع كالج ازعا دات وعبادات رضا الهى راجويان بمست دونياز مندور كاه ايزدى بوده خود را وغير رامنطور بيت به شرق Charles to be delivered وان كاركند و ميراً نكر ضلوت ووست نباشركه آن طرز دروانيا ن صحارًا بين ست و پيوسندا عام نشسة م دکترت بودن عادت ککن که طریق اس بازات به الجاد داندود توسط وميانه روى بجارره وسررت تداعة ال اردست ندبینی نیکشرت گزیند نه الفرهم ترم و ترتبها در

es distribution of the neswerks of out. 1 : 1/2 por 3 1 1 4 por The state of the s م من المناسلة المناسل بیرنای بخرج در در از میار برای از برای وصدت وصدت وبزرگ کرونای ایزونیجون راعزیز دارد و به بیدار صنع وشام و نیمش و دا المركزة والمضارن ونروه ال عاوت كندود ينتظاميكه كاحت لق خدا نباشدمطا لعُهُنب الإب صفوت وصفال Mind String of كتب علم اخلاق كرطب رقونيست وخلاص جميه علوم ت جرن اخلاق ناصري موجيات of the state of th مهلکات احیا وکیمیای سعادت و نثنوی مولوی روم مشغولی کند تاا زغایت مراتب وبندارى أكل وشده ورنسولات ارباب تزوير فيداع ازجاس نرو وكربهترين عبا وآت ورنشارتعلق سرانجام محتشباً م خلائق ست كه وُرُسَّتني وَبُوسني وخوسط في وبيكا بنگي in the state of th منظورند كشته كبثنا ومبيثات تبقديم رساند وبفقيب إن وسكينا ن غييطوش نشيط A CONTRACTOR OF THE PARTY OF TH ومحبث ثران كدورسنوج ووخول بستدربان بخواش بمي كشايند بقديطا قت خ كندوصجت كوشرنشينا ن صاجري سيد مالياس بمت نايد وقصيروز لإر جرائم مردم رابيزان عدالت سنجيده يائيس يك رابحاى حود دارد وما من سناما إياد باشس بريك نايدوبدل فيعيت شناس سايد كدرين گروه كدام تقصير بويث بيدني وگذشتنی ست وکدام گنا مرسیدنی وزبان آور دنی وسزا دادنی ست کرمساتقصاید Service of the servic سنراوار جزامى كب بيارست وبسالقصير بسيا إغاص كردني ست وتمروان رضيعت و ملاميت ومبرستني وزحى برتفاوت مراتب ومنموني كندوج ن كا الصيحت گذرو بن زون وبرمدن عضو وكشتن رتباين مارج عل ناير و درشتن ويدي كان و أمل واوان مجباى آورد مصرعب كنتوان سرشته يوندكد واتوانان The state of the s اً على الشيش للبركاه وستدوهيقت آزامع وص دارد واگر در كابرشت أن The Residence of the State of t متمرد ما نوستاً دن موجب فسادی باشد دران صورت اورا ازم شف گذراندوازیو كىت ن وور قيب ل انداختن موت ل أن كەسلاطىن كبالركندا خرازنا Color Color Confined in the second The Control of the Co Salva Comments OK THE SEA C

واشتها شفرصت بركدانيمنا شاكسته زعم خود بيند وخلوت بكويد والراجيا أأكونية غلطاكره وباشدا واسترش ننايدكه سرزنش سدرا وكفيتن ست وكسيرا كاليزويجون أن توفيق دا دوباشد كه حق مگبويترسنر ز دارد كه مردم درگفتن حق بغايت عاجسيز إند بخمعى كدمدنوات وشريراندميل عقائفتن مدارند ويخوابندك لاخومشراً مدگفتن عم فرورست و در پرستایدن دا دخوا پنفس خود بعت در و سع ایتمام نایدا بیات برلوان میسنداز فرایداو به که شاید ز دیوان بو د دا دا و پنجود م في او مطلوم له برون سازاً مكرب من موم أنه واسامي دا دطلبان أنبر نة مى رئيسىيده باشد تا پيش آمر محنت انتظار کلث دېيش ښتان خدمت را سرو مر یالی تقدیم و تا خیرناند و سرکه مرمی ایسکے نقل کند درسزای آن شنتاب زوگے نیا منكسندكه من سارمفتر شف بسيارت واست كوى تيك اندليش كمياب دورنها م غفب سررشته عقل ازوت ندبه والميت كديروباري كاركت و بحن مى از تېشنايان وملازان خود اکه بعنه زونی خرد و تېنه لاص متازيا نتا رگرد اند که در زمان بمجوم شب وغصه کرعمت لا دست از بخن بارمید ار ند ت مرماشد كه سوكندخورون خودرا بروغكوني

متن سن ونماطب له برگما نی نسبت دا دن و پزتنام دا دن عادت کمن يو واجلاف ست وورا فزون زاعت وسي الترعايا وتقاري داد الشمك نايدكه مال بسال مصاروت رأت وقصبات أفزون ميشد وباشد وجيان آسان المورس في المرابع المر محبره كه زميرتنا بن راغت بمه آبا دان شو دليس لا ن دا فزاشيه حسر كا مل كوست مكت المرابع المالية المالي المرابع والمالي والمالية والمالية ووستوالعل عامل اكه حبانكا مرهشته ميشنها وخاطرحن كزين خود سازو وبمجسسله و المحادث المح بجميع رعايا برزه فرداً فرداً وارسد واروار بيام ورس رنگره و وسى ا كهسياه وغيران درخانه مردم بي رضاى ايشان فرو ونايند ودركا راع عجمت خرد اغتا وكمند وشورت بإ دا ناتري ارخونا بد واكرنيا بديم مشورت راار دست ، مدكرب يا باشدكه ازنا وافي راجى ابندجنا سيخه كفنته اندقطعه لمحاه باشدر سرشوب برنأ وست تدسری گاه باست د که کودکی نا دان بغلط برون زندتیری ونیز بابسيارك مشورت نتايد كمعقل مرست ومعامله دان داوخداليست زنجواندن وستاه وندروز كاركذ اندن ميسرشو دمبا داستجيعة نادانئ امرى مخالفت نايند وتزا دران كار ضدوك شوه وارعقل خود ودرست كاران كهجميشكمت راشند ماز دارند ومركاري لام المازمان اداشو د نفرزندان نفرا بدوم جيه از فرزندان شو دخورتيكفل آن نشو و كدائيم از دیگران فوت شو د تو تدارک آن توانی کر د دانچه از تو فوت شو د لا فی آن شکل با وغدنيو شيه واغاض نظراز تقصيرات خوى اوباشد كدا دمى بمكنا ووسنت تقصد نيست كاه انبيب دليرترس شوووكا وبغيرت أوارك اختيار مي كندا دى باست كهبكيگنا ةمنب ياوبايك وأدمى بإشدكه سزارگنا هاز وبايدگذر آ ياست نازكترين مهات الطنت ترييتي وفهركتيق hijo de la companya d Circle States

A NOW HAI THE MAN OF

شقا وصت كم داين كروه مركا فراوان وازاط اون وجوانب عرد فركران استعد لان عرض مع مصر واردود رویج و شعر و کسیمال نگیرکه صاحبان متعدا دازطبقات مرومضا کع نشوند و در زبت نیاندا نهاست ت گمار د دارسامان سندگیری ورای عافل نباشد وخرچ را کمتراز دُهل کند که سابحام عامله درگرونست كدگفته اندسر كه خرج اوزیا د واز وجل باش احمق ست و مرکم A CONTROL OF THE PARTY OF THE P نرج الاوخوا ببارد حياسني عاقل ميت احمق تم ميت وطرح اقامت بنداز دويموارة عد Marilla Service Commence To a visit of the second شغال سلطنت ومواره درشق سراندازی وبندوق نداری باشد و سیابهان ورزش فرما مد ولشكام شنعوت باشد وجهت وزش سياه كرى ونشا ما خاطر كه ناكز نشارتعلة سب كا وكابي بأن برداز دويكياره غله رائبنس ازعايا گرفنه نيب گراني انبارنسازه ونقاره را وقت طلوع نيرنوريخش عالم وسيمشب كدور عنى آغار طلوع آزاتكا باستسند ودروت تحول عطب مازجي ببرجي بندوقيان وتوتيان راسرومند المستعبورا فام الكابي فافته تشكرانه مجارند ومكسكس مركاه كذار وكريح المقن وتنطب أشرف مي آورده باشد وأكر كوتوال نياستنه فصول عانون اوانكب عظ مراشته درته وسيح آن كوسف وروشت ما ماندا بن اندلشه بخودراه ندمدكا كوتولك راحون يردازم لكرعبا وت عظم ونستها بهمام المرمد تفصير تخستين لبيركه كوتوال سرشهر وقصبه وده بإتفاق الم فلرخانها وعارات أنزا Sold State of the Control of the Con مدوساكنان سرمحله إخانه خانه ورقيد كياست درا وروكه جيفسم وهراندخا بنحانه يمكرانصا المجنت ومحلات وارداوه ورسرمحكه ميرمح and the second

حاكم آنیخان تنبیه ناید که مروم عرت گیزند واگر کسی از حکمت و بهوشت لیزانی حون دوا بكاربر وتعرض حوال ونيا بدكر دودرارزاني زنهاا بتهام نايد ونكذار وكه مالدارا ن بسيار خريره وحميره كاندوكر ورافروك ما ومحرست عيد ديگر ديم ما وا بان بطريق شب الشجراغان كندو دراول شي كصباح آن عيد باشدتفاره نوازيد وروزيي عيدريسر بهر تهاره نوازند وزن بي ضرورت برسب سوارنشو و گذراي مات و ريا راي سل مروان وآب بروشتن حباساز دوبای زان گذرگاه دیگرمقر رگرواندفومان مضرت شاهنشاسي بشهدا زخان كنبوه ون يرثها ومت اعتدال أين یت آمین بین بیارمند درگا ه نه نیا زازا تبدای علیوس برا ورانشل بنشاگی غللا لأحجت والاى ظل له كانست كهجميع سكنه رعايا وسائر فلا كن ورا ماكه ما

رمعالات ايشان برعك فبول اشرف كوسب ورجميع اطراف واقطاع الكرو برشابراه اعتدال ملوك موده وا دوا وكسترى مبدمتيد وسيامن خد تطرات رميت وترقى كشته بدارج عاليد ومراتب ساميدارتفا واعتلاميان ويوقي عبورت وحدثكاري وسبت وولتخواسي وحالنسياري عمتة الملك ركربساطة لعلنيه عوتن الدولة إستشالكاتنا فانسيم قرب الحضرة لسلطانيه وفهت الاعماء كامل لاعتقا وموروالعباته والاحسان نظام الدين شهارخان كد نراصان طاقد ورور و فطرعی خاص ان اس و از مراحی طارمت اغایت برخدمتی کدیرولفون وموديم بوعيك مرضى فاطالترف ارفع لودوسق بمرمانيده ارتحفل ركبي ودرسي عالها Bar Salar Sa رست در بنولا موصب فرط عنایت و کما ل تنع وحراست اختيا رتق وفتق وقض فيسطتامي كأروبا ولكي ومالي صوبه مالوهك Se south of the last of the season of the se وككشاست لذمهام خالصات ومهات جاكيرداران وزميداران تمام وكما لبط CI-Was Glady bur October بعمرة الملك بشاراليه قررومفوض ابشدكه وعمومي آن ملا د واسصار ونكثه زراعت مصل وتعميره اضع ومزاع ومحافظت سابهان ومرشت فلوث كمسته وعايت غواط رعايا و 2 Triple Strawn عمار وواكل واترعايه وخان كندكه علو ورسيابيان وامرا و المارية الما المراضي المراضية W. North of Book of the State o

in the country in HONOR OF وسالانقلال واستأصلا وصوابه ماوكرشرا بباري تأكبا خرواهال عاخر أندو وخراما وعطاع شرف نفاذات كركسو بصالح وتنصلب أنعية الملك على كمذ محال حاكيرا ورانغيرواده برراه المعلى عضدت بإدشابي وأوامر واحكام حانداري كهسركمي أستسل مبنان لطنت وركن قصرضات ست تابت قدم بو و وراشاعت واعلای آن آداب لهی کمال ایتهام لازم داندوط الهام مواروا متدحا عوال معادت قرين تعييد وتست يميشه اميه وارالطاف أواكون وعنايات روزا فزون اشعيون مواكب تنجم ثواقب شاهنشايي درين نزدكي سخ سنحرت وه اندوسيد ورعايت إوشابي مرتست در لوازم طاعت ابهام مدارم إبديكه أن ركن السلطند نرودي أن صوفيرت بسرانجام أن شكر يوي عايد كرموب تحسين أفن كردوجون ليات اقبال شكاركواليا تهضت وطيران ركن اطه Silver W. المائمين طائب والان موركم لوهم منام من فوايد شركين وراك وكل وتر غزاری آن فک نماید و در اسو و گی و رفامهت مهدر کننه دیار دکن ایسیای وت Chi. A CONTRACTOR OF THE PARTY OF TH بدركا وأورواورا بعداطف ظل الهاميس وارسار وكذوات مسطوع

and die بكه عيا رتست ازارتياطاحوال تعيم ومحصاجرونته عا دل دویده انی شهر ماران دیا د ل طبوه ناه صورت ندیر با شدّ کی از دجو خراج که ب ت وضودا قبال كه حاربيا ن اعاًرواموال وحافظا ن عقائر و وأكسنجيده منيران اعتدال ارباب صيانت وديانت كنقادآن نقوه واجناس كوني والهي ومقومان اعراص لفيه وأفاتي أندكر درمرا ينهجه مصالح بفاسدا بخامد وتمامي Service Services White is a solid of 1,01

وناكت رافذيه واوور وروعن ونك وشكروقها عطيات والواع كرما رشيب و اساب شيمينه وا دوات چرمينه والات مسينه وطروف عوب وسمه رسن و كا ووگاتيا ب و تعدوا خاس كه ما معاشر جمهوا نام و الاك عيشت غواص عوام ت ساوى ؟ ووقت وكوسفندونرو الحدوقاش كدورتامي مالك محروسفيفا واج وركوة وصراكب انجدار فليا وكثير ميكز غيدا ندمعاف م فوع لعبت اليوج ها بتدو تااين ما ن كرمت صدار كان خا The state of the s سلطنت امثال بن مورهم ول ميريث تداند الما حظيف داري بدوه كه دست بطاول اقویا برصعفا درازنگرد دویای تعدی زر سان کوته اندیش سرکوب زیره اجاک پن ممره واكنون كدبيب شفكت وابهت يا دشاهي ورفلوب ا فرادعا المنشيسة والواس عدالت رافت وافت واكنات مالك تق بسته بشكرانه الطاب مع تقليق حاصًلات أنهرانيا كرسنه بنابونوره كيحب بيعمورة بغيرانان مفت جزكه معالح ملكي ستنة الشده تباغي كان محشيدم اليركه فرزندان كامكاروا مرامي نامدار وتصديان مهاست صوبها وحكام الدوحاكيروا را باسمه وعال خالصات وتفاطّه أن اصع وقصبات ميع المهالان وكذرانان ومحافظان طرق وضابطان مسالك فيزميدا لان صدور والمواك ما كم مضمون وطان على لا كموش ميشور حاواده واحرائ حكم حمايطاع كمال بتهام لازمما ووقيقه ازدقائق إمرالزم الاتباع وونكذارة فسنسرمان حشرت شابنشاكي ا براجي على حت أن وما ن قرامي خاندلس ارت ايالت نيا والأو وعقيب ت وستنكل ونعتا وه دوومان عزوسالاعضا و هُ خاندان مجدواعتلاز مخاصاً اسعادت كيش وخلاص مختصان صواب اندنش مور والطاف يا وشابي مصارزً لات خرخوابي ومهنشرالصدق اسنحالبه لإنعمر ابل ول راجي على ن باصنا ف العالمين ا

CULT سلطاني كالرئسيت توى ازعنايات سعاني يختين فتي غظيم فصل في فيم أركمن بطون المن طوريف نمود وحوِن روابط اخلاص وضوا بط خصاص أي عنفس حقيق معك ابت وراسني بو د هموجب مزيداً بروي وازيا دعزت واولا در نظر و ورثين كأ نيأيرژ جهانیان شد دمرکارم توجهات باطن قدسی مواطن شامه نشایمی دمیمنی مهات کل دکن و انتظام مهما م حکام آمنیا بان مصدر خیرخواسیخ بازگشت شخس کند قدرا برجنایت کرجی قو شکراین عطیب عنظمی داست نمچنین بموار ه در شال وامروا حکام مطاعه کمال سیمی^و نهم م^ناید که کا ران ایالت نیا ه روز بروز دا فزونی باشد والتی بمیشازان منظه خیرانت^ی صدمات بسنديد مكدلائت خيرخوانان دوربين كاراكانا ن حقيقت كيسند تواند بو ونظهور آمره وبهين مركوز ومحوظ خاطرفدسي مظالبرست وانتظام احوال آن سعاوت كيش عجبكيه غبارخ تسلال برديهن أبنت يبندميش يضميرعرش مناظرست وازابجا كه نطقت ليم انت متنقيم أن بتيمندسعا دن أمارتيقن باطن قرست بايدكهم وارتهل نظرداست بين طبيح ضميهما وت گزين البشدكة تاييدات الهي وفته حات نامتنا بهي كم لقوش صيرا قبال ورقوم زائجية أحوال است لفتيا وأطاعت حضرت مادما جُازويا معادت واتفای دولت ارباب دین دول ست و مما لفت انوات از قبله گا ، عتبه ما بنباي المجان عنوان شفادت ابدى ودليل زوال سرري اصحاب ملك ملا فريعالميان مويدت كرافيا جلوس اوزيك جمانباني قامروز كرسنه يعست ازقرت في واول بهار اطنت ونوروز ال ا قبال مت برطرت كه لوائ فحمّت برا فرشه ايم وهنان تو دم معطوت وثبت فتح وا قبالطّلا يُرسكُ وجلال تقدم محرد وفضاً الله ويُ درين ترنبه صديرًا يات عاليات كريجا وغي بانفاق أمّا وَوَكُوتِ المرابع المرابع JANG P illiant. المرقع المراجع المراجع

hot walls الرواز (دارور عيب سرارا وه كه وراطن الهام واطن ما كه مرات جها ن ما محسى تنت صورت خوشرالان وغالم ظوامه والركيم بخلاص فبندلل دوميتان بنر مكنون خاطرا شرف J. J. J. بودا احداث مت وشوكت وتلكا وشا عباس كه فرمانروا أي ايران مروست را لطريبي alpha leith سابق استطوره اشترامليان كاردان مع عركهن اخلاص براياى اوى برر كالمر المراجع المراج وستاده اظهار اخلاص فانك اندوده بتمرأ وتبمت وسركونه ستعانت كرده لوق أقيم الا امراما واسلاف اومبدأ ظهور دولت خود را ارعنايت حضرت صاحبقرا بي ميليد 3.74.7.03 لتخلاص أمراس روم و تبطلاق رؤسای ن رزوده م استدعای صربزیک الماقا الرواق عيل منسروج اومنيروي أن جاعت ارجرا بدتوات ظ هرت وروا بطاحة جث اشاني! شا مُبرورمنفورمعلوم كمنان دربنولاكيرانيان الكارميز إست مسكراري بروروكا رمان سروس كهاؤطيات مجد دوله بوده بجاآور وتفعه وعتيصا عده واشجاظ التشتمتراكمه وطفيان أبهاى طون أني كددر نصورهازان جای محال می نمو دیتونسیق ایزدی ورديم وحكم عالى شده بودكه جند سرارحا راتر

الهرتوانديو وأسر لفيسر حودانه مسير وخيان مكنون خاطره واندليش بووكمعي از بها دران شجاعت بیشه را بیشته تعین فرموه و دارین بیشتان را شخلص ساخته بیرا الهزم مستفرا بيملين درين أنابيها ن مكوست بنا شجاعت ومكا عبدالندان وز مکب باشحف و برایای متوافره مکر بطریق تواتر و توالی مدر کاه عالم پاسیدند جون تطح نظر ملبند مبرغ وإرموافقت واخلاص ازاراب ول مرى وكريست لاجرم مدلوت واقبال داجعت نموذه باللك لاموكر مرز فالك محروسهت نرول حلال فرموديم نبييه وّنا دسيا فغانان كو فيثين كو ما دمين نوعي شد كه اكثري طلقهُ بندگي درگوشر شيدند وأنا كدسراز فلأاقبال فتندسزاران مراراسيرحال سطوت جروت اكتظلال فهروطال برباي لهي ت ميكشت و در فندونجا را وزكرت ان بفروضت برفت وجون ازين ايت خاطانشرف بالكل جمع شده تسيت الدنعالي درين رودي ساعت مسعود فرطان محميوك غنب مبند مینان روایای نهایی وختیارهٔ فاکونسشهٔ ناسان اول سانی باشد بدارسلطنتاک^{ره} ميفر مائيم وبغنطران مقدم غالى ابواب فيض وافضال ميكشا ئيم وميشرانه انتها ليققيب jy Control of الويه مواكب عاتى حون المرنشئة أشاعج شرجهانيان مزيد زفيه تومير صوربالاهم لشة شا بزاده كامكا رجوردا غره اصيه ولت قبال فره باصر فطست و اللال ورواساج فرحى وفيروزمندى وبطنه إحقه سعادتمندى وعى كيسندى وزندار ممندشا ومراوات 3 to Canto Months of صور ميفرتنه ولائق أنكر النمع في رامين ولحمت لهي محض ورود معاوت امتناي وسته 3 St. P. Wiring the confict درلوازم اطاعت واخلاص اعجيما تفديم كالدوتيازي حود رامور عايت فراني illy de proposition كرداندوج ن قرب ما فت روى نود ويمواره كسارًا ماع الصل العلاص فرستها وي 718 P. 18 B. Salaria Single Policy of the State of the St

تى تقديم برساني باشد وبرگاه ان زيره اراب خلاص ادرام اسان اموليلى بامداد وكمك شود حقيقت احوال شروحا بعرص كرامي شابزاده كامكار بياند كه سفارش 24(5°, 5)12. آن زید ، مخلصان بحضوراشرت ومود هایم که آن مخلص بوانوا ه رااز کیمتان سناص تُنتِ قدمان شاهراه اخلاص نسته ورصاب نواع الما و واعانت كايد ورين أكام منسبت نعمه واراب عقيدت ابن درگاه بنوعي درست مشده كه بالماس و سته وای او مهات وكلوان ساخته وبرداخته أيدج عابي مطالب وتقاصداً المخلص مواخواه ماكيز بهيجاني اندنشه بخوداه زيرت توب جوارشا منزا درمجوان نجت ازمقدمات دولت روزا فزون حود ونستند ورماسه إطاعت انتهام نموه ومنشرح خاطر وسروربال باشدور بتهمندان فبيتركو ت كرسلاطيد عالى غدار كرنسخ عالم وعالميان بين خعا جمت والأمهت ايشان كام باروولات اقطار خاخلاص اطاعت مطلوب وقصود مرتسته اندود توشد تم فقة وورميني وكارداني خود الينعيز إمنطور وشته درييس مباني اخلاص عقيدت رسوخ نايد سرآينه ننگ دناموس و کال خود ما نده و حب اغرار و ترقی گرود و آن عقيدت نيا ذو دارها قديم ومواخوا بال متم الاخلاص في الكرد إن مرتب كم عنه والمالك العظم عسماد الخلافة الكبري قدوة الخوانير البفطام عمب ة الامرارالكرام ركن السلطنة مبارزالد أعظم خا مدان صدود رفته بودلوازم خدمت أران خيراندليتر لبح جودنيا مدبوبيط كم بعضى اموركم متماح C. شرح نيست بوده نذائكه دحم نسلاص أن اسخ الاخلاص فتورى رُفته ما بشد ولهذا درما رُواد انواع عنايات فرموده مياك عالميان امتيار خبث يديم وازجله مراحم شاسنشاسي الكلمات مض او فی قصب انم جامع کمالات صوری وست و ماظم اثر

وذبيوى علامي فيض البقضل كهازوسا لان زم عرفان سرست مهت ك أجنانج علامي شاكسب نقاوه خلصان وركا وست ان مور باطن وطمئر خاطر كشته وسلك كمال رباب اخلاص ايرسموارها ولينظره حميت مرمودة عناياتي كه وخاطرصال اندييثا وضطورك وارى عالميان كشته وستوالعوا خلاص جميع نزرك تراداعا لم ردد در بنولا مخطوحا طرقدسي شد واد وكهجون ن حيرخوا وقديم محدد المصدر خدا تابيه شدهازومي عزاوا كرام محضوا قدسطلبيد مشمول نواع عنايات رميخ احدى درارة ان افرالاعما وبخن باشاليت بمسامع عاتى نرساندوبازا راباب مساد نډير دا ما بوسطنه انکه آن صدو د اخالي گذشتن مسافت بعيطلب شتن لا أي نبود امان عنان الاده ازین وادی نحرون ساخته بنجا طراشر*ت رسید دکسی را باید فریتیا د ک*ه دید ل^{او} حكم ديدن ما وستند باشد ما حقيقت الطاص عقيد مصيم آن صدراً وأب نيراند لشافعيد بعرض شرف ساندنيا بران افأدت افاضت ما جكمك وموفت نصاحبهم المتقل 30,300 237, 50,50 ولمنقول طومي لفرع والاصول عمدة مخلصان درمكاه زيد فيضوصا والمناس المناس ا لسلطانيهاعثا والدولة إنحاقانيه المخاطب ملك لشعراتينج ابولفيض فيضي اكه وظلال المرابعة المعادية الم غمايت ماتربيت ما فته وسرگزارا كا ه والاتجوز دوی و نفرمو د هايم ورموز د دن ومکه منجي و للمرائدة وفراد مناول ودوبینی دا دیمشناسی مراتب اخلاص فهمی و مدارج اعتقا ژنباسی او در صرت ماطه و کام دار دبیشس آن نقاو گارباب خلاص بوتیا دیم کرصندون عنایات ما ایکیا می خاط زشان دار دبیشس آن نقاو گارباب خلاص بوتیا دیم کرمیندون عنایات می ایکیا می خاط زشان ين في و في المان ا way in the Charter in the service of the contract of the contr رشابتي ومكارم عنايات مناك المراز المرازي المرازي المرازي المرابع وأبار Service Jee Service Contraction

المناد الرياد المرياد المناز The of the second 14.25 M. 12. C.13// di. مهرانی نام کران دامن و تامیخ ودفائق عقيدت وختصا صاولنيرفه يدوبعيار شسنعبد فهوقف بمع عالى عرض القرون مراكم الروازيان دار دباید که ای مخصر خراند سنخان قائق تبیان ارچه از اینچه د فروان عنایت شحون Maid Michigan Market and Market مندست وجيأن كلمات قدسي مات كذرابي بإفاضت في بسالا يد ذعاوت فرمو ديم مع in the state of th ونشراصفانه ووراتب بطائ ضدواني ومارج اعطات خاقاني رابعقل ورانديث الوه اللي المرتبية المامن ورتبا خوروبا فتدانيان تتامخلصا ندكا أكلانا فأبيدكه حكام دكن كلهم على فصوص كوست بيناه The state of the s المات أنتبا بسنطور نظانطا فيا في شمول الطام سيما نيم في نطام الملك كرمجب أل State of the state تربيت يا فتدّاين درگا وست اوازم نيكوخدنتي وقوانيين ح شناسي بروح اتم واكمانظهو رماند وبسخنان كوتداندليثان كاعاقبت ببن أرجا واطاعت وعقيدت الخراف تورزي منابلان نقابلك برمويي المنغف اعشاهما أغجلص حقيقت كزير فيهم موسبكمن الان خلائق والمازوا والوو چون تی بود که و کلاوع انض حکام ذکن مدر کا که بی نیا ه زسید او د درین تربه بحاط اشرف Legitaria de la constitución de نمير سيري يحكام دكن كش وشاه وشوليكيل زانجا كه عنايت بإدشاسي عام ت أن خلص نيرخواه را بانها اتباطام ما زاعلاه معنايت بان مواخوا مقيقه دنسته جندی از مقران اخری و اکه بزرعنایت والتفات مخصوصت بمراه افاضت نیاه ندکوروسته دیم ایمکه درایا G. S. San Color Solation ... مرانجام ان جاعت وبزودی روانه ساختن مرگانه علی کمال سعے لازم داند و مقصا ی ظورالطاف عالية ظهارا في الميت فيوده مطلب مهي كه باست ربوسياً افاضت م مومي لمب معروص فريكا معلى سازد كما زانجاكه كما اعنايت قدى سرايت دراب أن Service Control of the Control of th زمد و خلصان بواخواه ركوراطافعيرست بمده وطرف قول انجام مقرون حاله رو ديمون a de la constantina della cons عن بت والنفات كدمًا ن اخلاص شعار دائي خلعه ني صه شوشيه مرصع و دوراس سپيمرا في د او ه شهر براي Salvin Color وورا فهوار ومك قطارشتر زولاتي حبت أن مخلص خراندلث فرستاديم بايدكه ازجميع P.G. ... Said Selice The state of the s Collins Line Selli Color A State of the sta

Just West of the State of the S Ettle Street & Service Control of the Control of th دران حدو داندها ن كندكه بالكل بمركا معلى سيد تحكمه بشا اليهانجا دار د منبك وحالصام يا مركها زمرصيات خاطراشرت خوا بدلو ديمي شاميد وارعنائيت كو ناگون بيشر فاطراككوت ناظرا متوحصول اني وآمال خود دنو Contract of the state of the st وشاه نشابى بربان نطام الملك The distriction of the second ن درگاه نقاره مخلصان خيرخوا و منطورانظارخا قا ني مشمول الطاف سجاني سط عنايات متوالئ طرح توجهات متعالى كامل الاعتفا دوا والاعتما دبرام ن بطام الملك بجلالل A oprisite the state of the sta ورده بو دیموار مرکو رضمالها میزیر سکیشت که ولایت دکن با و تعویص با و خارین A far have been for امطييل موقوت بسعاوت وقت بووامحدسدان طوتخبكه خاطرقدسي منجوست وخيال در الم يونونه نمى آمر سبوحها قدس صورت يافت وعمدُ لا ماحد عظام لجيعلينيان كه مُرَّرًا بفران عنايت مُوشعُ ورشده بودبوسكيطوران موردمز ماعتبا واعزا ببنشاء التفات سرافراز كشته مآن خدستكم Charles Series and south وعقيدت كسرائي دولت دوجاني بيائية ابروى عا وزيبت جدموفورة كايرودرين شكام المراقب الرفق اللي و بير ولايت الواه وت شرقنا مرادة كامكا Signal South Property of the Party of the Pa المرت المرتبين المرتب Silve

برخوروا زعرئة ناصيئه وولت اقبال قرء باصرتهمت واحلال يرتزاليك فرخي وفيروز مند المعادلة المنافعة وسطة لعقت وسعا وتمن مي وحق كسيتندى فرزندا حميت شا ومرا والأنصوب ميسليم أنزا درود سعادت الكاشة بشور مقل ورازليث وراخكام مباني مواخراسي فراون كومششر بكارر دويوست عركهن ختصاص فرشا و گلش يحتى تازه وار وكه تتوسف ing to object. وحيقت شاسى حزرتنين وصرصين مكك اموست براراب ولهن ونش ظامره الم المعامم المراد باست كدسلاطيرعا بي مقدا ركة ننجه عالم وعالميان ميش ديدمت لولا دارنداره كام ديار و Sign of Party. ولات مصاحز اخلاص واطاعت مطلوب ومقصود ندشته اندوجون ماطرا قدير متوجه ازويا وسعاوت ان عزت نيا رسته امين الدين اكريكي زملازه نطح ص ومزمران بانصلامين وساديم تهنيك نفتح كعنة وطاتوحا شرون اقدس امجد إضاط نشان ادسار دبايركركم بوش صبعنا نايد ونتطنام وانتساق آن ولايت رااز كمال حن روي حق لين چنانچه و طازمت اقدس و فعمیدهٔ ست بقدیم رماند و قوانین مارا برستور*سے* کا ستانچه و طازمت اقدیم مالک بحروسه جاری وساری ست انج گرواندو کریزت شعاران کو تا وبین اکه جزبین نبين ندوعي الافساء واخلال كوث ندورهات وحسل ندمه ودرعايت خاندانها QC -تديم وميث آوردن صحاب خلاص كدرست كفت ارى ودرست كروار سيمشهو موصوف بانسندكومشش نايده وعهت بالارابطم فضاعب لامل لريطمة Total State مسع موفور بحاأور دومنبا روزا درخرت تساك ليعمسه وزاشته انجنان أكاشه W. C. بمدوت اقويا أضعف كوتا وبود وزير ومستان درمطا دامن وامان مرفعه ايحال وفارع لهال إشندوجون منشوعاطفت أبحب مخلصان شرمن صدومي يأبخا المكوت ظريقتضائ شسول افت كها طأعموم خلائده اردسد كه وامد فيضاجه يان Si Re

State Land والقندايام سكوك فإيندجوازان بشركة عقريب تباييده ولت ابرسوندا فالم الفاق أوده ماعث فتوحات فزاكت ال سارينا ورشوندومور ومزاركونه عنايات كذو ربع الله خردسالي وليحوم كوته بينان كربعه مسافت الصريحيين خودخيال كرد بغفلت Single State of the State of th ایندنیر بتروفیق ریا فی و تابیدات آسانی دراندک وصتی تام ملک اتها بان ترمیب کردرهای فوالبركونت الديركه عنايات اعلى خاقاني لامتطب إحوال معادت أشال خوذ اندفع ماك حضرت شابعشارى وطلب عى أفضلاى شيرار النة سرك الأعاد إلى الم مَا رَجِهُ مِنْ الْحَالِمُ مِنْ الْحَالِمُ مِنْ الْحَالِمُ مِنْ الْحَالِمُ مِنْ الْحَالِمُ مِنْ الْحَالِمُ مِن · ethor? of resolution بالم ين المال الما المورق الماليان المورد راخلاق آيي اورباطن لهام مواطن برتوا نداخته توجعلى بطلب دشرف طوري سن كديقاً را لطا ف الهي وما نق مكارخ ابنشابي على سيدا بي مورج واب برو Sign Waring of the State of the وبزدوترين وقتى باستلذا وحضو فالصل لسرور تسعدكره دودرآمرن وأوردن ارباب تعدأ Silver in the si المراجع المراج

بتوه بشابه نشابى عنايت ايزرى شامل حال وليأسى وولتست بهال تباه گرفناله میدکه جمیع سرکشان ونتوت فروشان ببا دا فراه خو وگرفنا آیندها و Molth pariette first چاندنی بی آمند واکیشنیدن ساخی اگزیر شایزا وه ملول شدیون آمدن مرسنب The state of the s شكشاف لهوال تنو واكرجه برمزف وحكايت وكسنيان اعتما ونبيست الاكاربروقدر وشوارست وأرغلاما ن صبش ورآزار سرحند مبيعاً ولرخان وقط لللك كر Milato and interest and in اتفاقى سم زسيد كرمزا شابيرخ رسندو كيسردار د لكركه بحرنعار ورنغار شاكيت Signal Company of the State of المراق والمراق والمراق المراق برميثو ووسنه وى خزينه ناگزرا بخرمن فهميسه وام كا دُكن نسي سانست گراز July Williams And John Took at

المارة المراجعة المر A Charles Single Street بعيشه ايز د تعالى بنحيبت دين وجھے كر دريت شا د اني و دا د گري د ولت روزاؤن معضرت شام منشا بى عرض شبت كمند برند لى الوقص حقیت وان شدن بغریمت سج قوسی مان عرض دشت كر داد بر و درستوس ما المنافق المناف المرازي المراز كروسى از گذشت برآ مهوتر وسعاوت ملازمت شابزا دره دالا اقبال دریافت وازویدا ندود ماره و ما مع در در العرادي Single Control of the ايشان شيم دل رنتني نډرفت از مؤسسيار فراگهي برنولي رياز عقيدت ومهالان بمرككا ومتقدس مركو مدانسه تعالى آن نونها ل دولت را درطلال عاطفت عمال صورى و امعنوی رسانا و تجبت معلوم فرمود ن اطوار وا وضاع شدروز دیگزنگا ، شتند قهمیده و دل O'Ker Armylein & با رستوالعل ما دى ملك نوشته دا د وقريب نه لك روبيه نقدوس، ويراق وطعت سانحام با فنة بود تام را بديشان سير دصاحب س آزروي كرمت فران اقدس دربا J. Color Color *ویتا و کانشکروخزیدها درشد ه بو داگرچه بنایت لهی بای فتح احد نگرانگروا و*اک^ت اليكن تا تمعا ننتشينه ملك بإروملك احد گرضبط نميشو د و با مد كه يجمعه در ملازست مبرادُ ا بهما شند تا اگر جانی مددی ورکارشو دگروی تصنت نمایند ومردم راجا گیربسیار تغیرست م وروست دارند ومك تفسيم لي فقه ست ونه كالم را رساصتن نشيب فراغ صّنها مزاره والله ازنفيرو تبديل جائير صيرى كم يرست آمده وسنرج تونجانه واحديا ن ومردم نوآميندة كالحود اكرخربنه عناست شورقم بالهيشروارد وتوسيميا ن عتد وگولداندازان انطرفها براى فلأع سيز ور کازر و شکة اشان درین ملک بس کم مجم سیند ازانهم اگر خیدی عنایت شو درجای خود ست برصاحب من مجت بارمنازل بنجی کارخانها فیل در کاربود چون دستند که حکم مقد درياب تكايدشتن مملان بيت به داروانه ساختنان قرار دادند كه ماعرضة بيت ميكنيم كاه كذفرا

مشرف گرد دوازگوناگون عنم واندوه رای یا بدوولت دنتا دانی جا و بد باد بهبدار بخت والاقهب ال شاینراد هٔ دانیا اعرضد مثت خیرخوا ه حقيقتي اليلفصت الممواره بطامرو باطن وصورت ومعني مدعاى مافح ولت فاطرأ Tribuliani. رداميد كهم شديعت وتثبت كامرواي مهانيان باشندوگرامي اوقات و رضيد Secretary of the second ارندوخوم شهای مردم لابشا یسته پاسنها چاره گرشوندی شنوه که مردم خیا ميروندوا نا كدېستنداز ده اندوغ كفن مرگاه والا مينوليسندوا تيا سطلب ميرو د Consequent of the control of the con بسیارازنمعنی حیرت روی دا داز بای ضراخه دستو حرمهات شوند و مک یک را درخلوت طلبه شترنان توش دلاسا نايندواگرانيك افريشے رود اغاص نظن ويه ر و على المراض الم المركز منصبان وخد مثلزال نزويك أياتي شاحها ن كرد وسرائي ول برست أورون جدجرست انعام اكر بقتضامي وقت كم باشد نها ن واون واگرنه بعلانيه اطبعت وسب وزروجزان والوش واو ن فتاندن محاب وسخن ومودن ونزديك ايشا ده كردن وتنصب افزودن حاكيردادن وبالنفات ياوكرد ومنازل مردم فتن مشكن شاكرفتن ازنگدشان برخی اشند كرجميع اينها نبسبت آن المرايد فرموه وليضى جيدى مرود والمرام مشيد واندوه يرب ورب ورب ورب وربي المرايد والمرابية والمرا ظاهرا بدفرمو و وبضى حيّدى إ درحوالين إمور بنتكام واخي نبايدا نداخت دولتمزيران المان المان

المام المرابع افع المراجع الم المراق المحالة المحالة متدا دنموون حیا بچه مبقل روزا فزوق مبخت به یدا را زمکیفات گذرانید ها ندازخوا اول ق بمرمكذرة يقين سنت كداينها برخاطرصا في ميكذر وليكزيم قتضاي خيرانية لشف بي ما بانه مجي Signal Signal معقول ميدا ندمع وض ميدار وسره كردن كارالشانست وليصحب بجب ذرا فروك 18 Section of the section بشابزاد وعالميان انيا اعرضه شيخ فيزحوا وتقيقي القصن 1, 10 (1) (1) (1) (1) (1) بمواره خيرت صوري ومعنوى ودواسة ظاهري لوطني آن نوبا و گلش اقبال اازار توانا 31/53.7/51 (30d) ميخوا مدوازاشا دايي دولت جاويرط ازشا ببنشا سيميدا ندائميد كمرآ وازه بوشيارهم وكارشناسي وقد زاني ومعدلت درسي ان تبت بهدار سعادت آمو دروز كارعط آسسنر نشاطافواگر و خطا سرست كدرامي اوقات راقسمت فرمود كاشند و فرمي ابناگزرو ا آبا دباخته بخود مان قدر بردختن شاكستگي دار كويكر شخواني نتطن باش بزي از خلاسه اوقات دریاسبانی فلائق گذرد و در منی آن نیز کار خوش ختن کیکن کرست چنین آشكا اراازخواسيك نفهميده توقع دارد كديرشبار ورختى بشنودن واستان ع ببوشرافواي ستانيان نامزد فوايندكتاب بسياوا فساندي شارست هان تأنيب بحارآ پدرای عبرت پذیری وطرز دانی شاه نامه وطفرنامه دوا قعات با بری و کلیا موت بشنوند نششفان كد كلانان أزاسره يزخاب اندراس أنديس شنتك وبدبيت افت ورمزنا ن وني وسروني چرم وي ناينداخلاق ماصرتي وَطَلاَ في وَصَدا خَرُيم مِي اللَّهِ وَلَهُ عَالِيمُ اللَّهِ اللّ ا ما یون با شد دولت وصحت و مهجت روزاً فزون با د ایصنا بشا مهزا د کروانیا جرجوا وحقيق الفضل محت تناسالي وملكة مورت مگرفت و چون در این شار اسال نم نشو Louis South

ك القرار و مارشود ناصلاح ديد تضرت نباشا عتباً رائمي ثنا يدور ومن مل نعاد ليشوندوا كمحضرت منع فرمووه اندنست كدبي تقريب بانبو ولشكرنان الرباجب دي شكاركها ن تشريب ا درندسيج قصه زيدار د و كارسبها رمشو دو فرا وا ن سود حال الربيج وجربينه خاطرته بعينة خواجرا بوم للمكنونات قديه خاطر واندسا زندسرها كه در المارست كسيكه از ته واج <u>وسته</u> دار دا پوت حداكر دن اوجه صورت دار دا ما ويم حريده درده روز کارکر ده باز کلارست میرسد درسش وزمی آمید و سیرو دب یا را شدیها رروز واكرنده وروزا كراين دوشن نحاط نرسدكب امرعالي صا درشو دكه كمست بن حسيديده بملازمت ببايدصاحب من مازنفرماند كهراء ضرشت نكر دي والربهمين بهج مگذرد بالنمكه كارتحاكث شرحاجه لامهم ضروري ت ورنه وقت ميرود at at his to be a filled ندار وتفصيل مهات كرما بيكر ومازتباز كي حدا نوست تربت براي ضدا ساعتي متوجبده المرابع المراب نغزل وأرسبيده مآخى فرما يندصحت دولت ومعدلت روزا فزون ما دسيرة مسال محم A solo por for the solo por منانيزاروده بحرى برساط گنگ دكن تحريط فت برالانزا دشاه خ ميزر السيره سليما ن مرزا فرما نروالى نيرث ن النفات نامه كه نام زواين فيرخوا فقي مرابان والمرابع والمرابع والمرابع وبوودر واستسرين زمانها ننرف ورود ما فت جو ان صفعن مزد رصحت وعامیت المي المرادر ورود والمراز المرادر المراز الم بوديجت افزو والعدتعالى ازانجه نبايير وكشايد ورحفط عركيتس وثبنته ودمجا سببث باروج مشغول دا راد و در طائم و نا طائم روز گار که زمان بی این ناشد تو فیق برگوشت وا گامی در از مرسال بیناستی است کردرگاه گیتی نیا و خوستا ده بود نرسام مهایو وفراخ حوصلگی کرامت نا وعرصند شتی کردرگاه گیتی نیا و خوستا ده بود نرسام مهایو King Siles Copy July July July 1999. The state of the s , just of silver

Single Si رسيستحسر بإقما ومناسب بل لازم نسبت كدور سروا وعرضات مي أمر وابتند سرحندام Griphin an in the state of the ضرورى لعرص نباشة شرح أرز ومندى وخيرت أن ديار بموازه ما بدنوشت ومكرا أرك وارسال فاصدونا مةعصرا شيم دريا وكردن حفظ لغيب تقضييتهم وتمشة وكرشر لعين محرس The series of the series معلے بوج مسن میشو و عاطفت وعنایت شامنشاہی درمارہ کہنیا ن روزا فروت العاقبة بالحير بمقتداتين حرشه ناسان حق بين يشر كوشفان بالقين قدوه يتما ج قيقت گزين برگه مُو دا ان دُ قانقُ دين عس ا رف کال ب بن شنیخ خضر بوقف عرض حضرت مخد ومی قبله گا بی منظله لعها کی تكفا نطاه حبت ركل كرفيا SAND GROW شربيت ست اگراز سباب حرفی گويد باز با ن شکو در اکند ت توان كر داگرچنظرًا ما فاعل حقیقه این تم کسی ت که دربارگاه اوخاشاک امكان الاهميت ملامت كمام گنجد وحون وسيساكها را وداراي بدرزرگواواي دانا رازاه الفت و مبرن ووجه گویه وجه تصایع دیدا ما ما مهارتها بقد رقوت وت رق مرح اطوارمينوك رنشارصو يدمرنة بطع نظرازاتعاب الأمروشاق نوق لطا وشت با ملی که دار در تخصیری که وقعست انست که در لباسی که تحسیت ایرمخه از طاقت از طاقت این می سر رهامته ازین کسال کاری مطوری اید که حق این نشا را زوت تمت ت در این کسال کاری مطوری اید که حق این نشا را زوت تمت بانت والرانيقدر مدنيشو داين عتب دارهو دي خوا مركة وفيق ليز دي لوازم بكرى ترودى حبث دواقع شو وكه صاحب مربي بن كس ا در تبديت رعايت برعوا مجمتي واطعن كوته نطران كه طالب علمى لأجندين عايت جدمناسب شدنجات يتزوهر بي 6

بدومبح يوملتم بزناحال كدمها دى شاع غلت وأغار شب يجرم صيت ست چر بكروتز وروچ بعلاشيكب نتم وتعدى سلطا قعج المخضبي وشهوى دست جوردًا ذكر دخا نان بين طن لوم ل بتاراج بروه كالبرق الخاطف أكراز مسته وخود برستى آفافة ماً ئى دست ميد مردالين زمان كيهسباب طغيان والواب عصيان ضدان آماده وكشا و نهو وتجرومنشي وخير آند كهنزبا ن حال وتقال مُدكوريو د ملاحظه كر د وميشو دا رخدا كع بدا كغفسه الإره بو ومجر معول *صلئيا خلاق حسنه بهره ندار د فورف أن كداز تنائج اصلحست كجا وست ثنيا شورا* چند که در سدای ما پیالی نسانیت گای مقتصای رعونت نفس منفق آین شرطت ن ونكران ميكرووسركينه حيون مشوب باغراض دنتيهت أرقسم مشتباه ماطل سيخ خواندفو وسركا وخرابي باطرق يرجره شدازاعا ألف برئيجيدكه وظوا سرسالع عامه منذرست أنبأنا وبفنيا وجودا عجب داچركو بيازاكم ككن سرس المكال ككيف مربيح اى سالك سالك طريقت ازكجروبها وناكرت يهاى ين فنسل اره جدنو بسدكة ببيس سخوا بدكيعيو حص بمندا تلابرنكريان جيسيد ومعالجه كماراه وأشته باشرسجان الدوائمغيثاه واغنونا وزياده نوك رصديع أن قبله گامي جدد علميد كه توجرط ل بن بيار دريغ نفر مايند د بگر ملاطفا لامى مرَّه تبعدا ولى وكرة بعداخرى ميرسند وباعث مسرت وبهجت ميگر دندا بعدتعالى ببائير بلندبا بيران قبله كابمي لأبر مرخلصان خصوصا اين تند كاسا لهاى بسياردارا مقبضاً على في والاالتفات فرموده لو وندكه دليضي اموزيكفا نه نكارست ميرود قبله كالا أزامحض سعادت وعبادت ميها ئدنجاطرنا قصر ميرسدكه درني نوع جهار مرستحقق ميشو ومهرمرته جندين درجه

الموادر الموا عى بني نوع حق تعارف وحق قرابت وحق محبت والصال نفع و فير ضرراز لوازم مرسب ا دامی حقوق که ارمشارکت د نوع واحد تواند بو د فلسنه زر دخر ده بن تحقق ومبرزان كليف راتب ديم المحربيد والمنة كرايش كمسته لا نيسبت ابثيان عقوق اربع بمكافح ومآن الان إزويم شهرجا دى لاولى نبيص ونود وميارتحرياف فقيد واستار عي أن شيخ مبارك موقف عن صفرت محدوى مخدوم الامامي فله كابي منظلا العالى ميرسا ندكه خيانجه متعجبتيد اخضرت الدها حبرم ففور ومبرور دازين فاكدان كدور ن طلانیت بسوی شهرستان خیبا وگاستان نوانیت من سرگردا آنهجمان کو بيغرى لآازه ه واساختالته كاز فانه وجزع وقنع وشنته كامروامي نشار طبيع خصري والتعا شطشي الأوقات رابصيلحكام دارطا سرست كدآن ومؤردان كارضافه ككورفي ايجا ولكماريك صبحتميزماطال وحدافي لمطلب فودة بمت واصرف ورصيات لهي موده اندكر دي ازان تذبا وطاوز عظم برم رامم تعلياس أثيثان شنطة باشد المقتضائ صداوع وضافهي ور رافعت رضا تسلیرد ده از دل نورانی حقانی خروجهی لاکه در شیب طبعت گوبشریت مانده ^{در} بيصبرى وجزع افزاني فرفيرت اند ولداربها وأوقه بندكه عطونت بدرى زياد وازافت بآد ت وجون أن خصل مخواص بيم حقيقت لعالم المنفد مب داندكداس سراى بوفا كرخاك تودوندلت وانبارغانه موست كالمستنية وكوششني ست ورائستني وا الونحتني يت وكام مسين ن يا جيداي نابيداي خلاا كابي والبرواسي والقب صورت ومن ومن ومحمد وعمل است كدورس شال بن حوا دست حا مكا ه و فت آزما عياكبريتوس إن خرت افزائ خت بندان المهيبري فين فط فظراز الكيمريجب مون كردن وانفاس فعمر سيرا ذرار مضيات الهي معروف وشترست بأن اوعالم قار

فرقدسى شزل آبران سرزمن لهي نوا في از فرزندان ونتسبان فاصطم إماه ومعاونت دار ومضرت وأزار سديقين ست كداً ن مضرت اين سبان ا البدال أداري أن كلوخ ملذ شد باشند بالفرص ولتفت براكر ناشكيها في مبيع الوزاً دردل أداري أن كليروخ مكذ شد باشند بالفرص ولتفت براكر ناشكيها في مبيع الوزاً أن اتحال فرمودهٔ ملک مقدر سراسو دمنداً مدی ازانجا که این معامله نحالف ضای خدامی جان آفرین ست خوابی خوابی انع سلوک این جا و عیر مرصی خواب ندشد بان راه یا فته سرار معن و دانای سازنها نخانبشیت امثال این مقده ت نکاشتر مقعود نه است كه القاى كلمات قدست يضينت نمو د وتساي خاطر فيض ما نزيما يرحا شا وكلا ببیت مونبود بعدن رفلندن مبریا در کان کو سرت گذان ملكيقصه ولين جران جمن أونين است كدمها داخاطر قدسي استغراق درمامي زر انواله في وصت يا دامرن قضيرتسلي لين كروه وتا معنت كم عمل نيا مدنس ما ناكدات تذكره بستاز براى ماتم زولم ي اسبطيعية و ريوزه گريست از براي اين نا وان نابينا Jan Strait Strait خردكه بمحشيروهم مسرمه وتمثم بينة نيحوا برفعني علمى تنجوا بدكه مدارا لامن عمل ساند وعمل طلب كه بزبتكا وبي لتعلقه وفراغ خاطري روه مومطلت ساخته تصا احقيقي تحنثه ورنفا وخاتيشتر Good of Strains اياني نزبارت قبورانبيا واوليارفت بودققيت شناسان مسافوان ملك عني وقاطعا المخافرة والمجالية المحالية المراج فيا في معرفت راكيا! ذن زبارت اطلال فرمو د هاند دواقفا ن مواقعت فلوب لركم Representation of the second o اجارت طواف آب وكل دا د ماند و هندااگر وقت مساعد تو د سرایندا برسكیر فر د او و کراو و کرا The state of the s A Control of the Cont

مراسم موعظت بل اوازم طبابت بتقديم سواند واين سركردان با ديه وجود ايمام صبرتي ضا آن میشوای خداشا سان ا درین نشار صربری سب پیار دارا د و ما بیالان صورت موعنی ل پزرای فصائح از مندساخة صحت ظاهری و باطنی روزی گردانا دولیخه در سراب ایمانتیو والمرابع المرابع المرا سلامي حوالفاظ تو دوشان بان قبائر سهان سرساند ميدانم حيولسم انجار محرو Jest in soft with the صوری ضروری آن مگاندا فاق در دست فلم بی زبان عاجز و فاصیر حیه نولید و دیراً كزبك ي بسته كاران اي ارائم شريقرا ران احال اين شهام بيا وان سم و دین مستوجب شکرت امید که احوال وا وضاع آن زنهای سرگشتگان باونیخ وآن جبيت بخشر أشفتكان كوى ادانى رجيب بخواه دئوستان فيقي باشدالعاقبة S. Valenting of the state of th يشه معارك جمان تنافي خانخانا ن بسيبالاولد محدير خيان شعر بشرى كَقُدُ الْجُرُ الْإِقَالَ لَا وَعَسَلَهُ وَكُلِّ الْجَدِينَ أَقِي صَعَدًا بعداز دعائيكه فاتح كلام بوشكان سلسائيرورت فاتمدُكا وطقه مكوشان ارم مجت ست مقرون بالوَّتْ بهنيت دمباركيا دي شيء نصنوت حُرَّمي وشِيا دي شحود خاط خطيران نوص وقد واست وختياري ونورصد تفي نصرت وكاسكاري ألكتم صول كالكتم أيتينروصا أنبيكر واندكه تلاطلم واجتنتها وياج تعجا بي سارت فتح نهايت ميت تراكم افوج اماه بای ندای رین مژوره اقبال کزان سوامد Marine Constitution of the No.

No Color 5-10-10 No. Ca でという أن دولت يأسى بوده باشداز قوا المانان ورازار الى ازان جلاكل مور Si Si Jahran Maria Maria كأمروى كار اين كاراز توايدومردان فيست مان ا روكان برو سخرث تحر اتفاقات أنكه بعدارتطا ول مفالات ابل شؤت م المنابعة المرادي Chesh S. J.C. ۱۹۷۰ المراد المالی ۱۹۰۰ تا المراد ال Major المفتل زاوقع بمكنه كماقبل اسولوي توبالوطي وللد بران ولالن واروكر

ازان بوسسيلة كأتيب دوستان معلوم شده باشد شازد بمهمن ما ه جلالي موافق بهفديم محسره الحرام بذكان مضرت برولت واقبال ازامن آباد اله اباعسنان ت بصوب صواحب انتاى فتحييو ترمعطيت ومو وندكه بهسرع اوقات مرارانحلافة أكره زفتة تخفيف بباب زيا وتي تموه ومرسم ليفارمتو حراحم را با وشده اعانت ا تقویت اولیا می دولت فاهره نموه و ه راز روزگا را شرار آن دیار و مجاران روزگارلروز ا باقرب اوقات مراجعت فرموده ورتبقرالخلافة نزول احلاً ل صنبه بايند علوم عار في أبصير وستبصران خبيرت كمغيراز دات قدسي سات صفرت ظل الهي كم مقرو الجال 11. 2018 810 0 12 3 Lyle مَنْ فِي الْمُرْتُمُ اللَّهِ الْمُرْتُمُ اللَّهِ اللّلِي اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللّلْمِ اللَّهِ الللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ الللَّهِ الللَّهِ الللَّالِي اللَّهِ الللَّهِ اللَّهِ الللّ صدق نيت وصفاى طويت ست بأوجو د چندين هرج مرج غبار نحاط اخترف لاه فيت درنهایت *شگفتگے وغایت شجاعت از روی سن تدبیر چ*ندین مسافت را بیش بطن ر دوربين خود درنيا وروه اتحابر طلا كام و مرب حضرت واجب جل شانه كر ده بي شارتكليف شاخیا بان باغی خیسال فرمود هازروی کمال شوق و وارستنگی خرا ما ن حسالان متوحباد وندخیدے دیگراز مہوا خوالی ن درگا و مخلص ان مارگا و کہ بقدر ستعدد و والمبيت بقسموا في ازولاي والابل بقسطا وفي أين حن يوجها ن احتفاظ وا في ي ازاعت أرص دنيه نفسانيب خود بقدرنجات يافتدا ندانها تهم موجب يك نحو الطار معنوى كدبوسيارجميب تبيعيت مرضيات اين نزيع الدرجات متحقق وثابت بت ازروی آزا دی و کمال شا دی در کاب نصرت قباب بوده طی مرحل و قطع مناز اینمود أمحد مدكداً في صحيفه اخلاص مسلك أن سعا ومندان تخط وا فر محظوظ شده تاشاي احوال مذبرب انتاى خواص معوام برا دران طنى نموده متنظر بارقه عنايت مفايرت صفح لمؤوره المراب المراب المراب الماب الماب الماب الماب الماب الماب المراب الماب المراب ال

وسعشرت ونقاره شادى مبندآ واز كهنت دينه إن خوشحالي م فاغ البالى راه يا فتذبو د كربشرح وبسطرهت نيا يداريجا قياس بابدكر د كه دراصل كمالجت . دوست و وتنمن مساوات ببيداكر ده بو د بعدازان مكررًا ب واعتادخان ونظام الديراجمه وشهاب الدين إحرخان على التبتب لمذكو حقيقت كما آي وتهور كدازايشان ظاهرت ه دو وحن مائيسر بيعالى شدوار و فوعناسية النفآ صدبېرارځمئنن وي فرين فرمود و تخطاب موروثی خانجانا بی وسائر حلائل عنايت خا قاسي خصاص يفت نلك ويترحرًا متوارًا ومتوا فرًا ولشك إنشارًا متواليا ومتكاثرا كه خدم بيقديم رسيدكة أوليى بزرگي نفس ميزاخوان مان واغ شدن بناي روز گارمعموري الم كيس لت وسنف ته انتند چرجای مساہم ومتعار ن بی ضمیر رخطا بی وصل ا ن الوجوه وايمن طرق صورت لبست فليفت كربعنايت الهي بالييرا وصاع خطابی که منتهای مبتغای بنجزاریا ن طال وماصنی بودهمیمهٔ ان شد وانحی که این طبیعه بود بقت این ریننزاری شدن نزدعقلای زمان در فراج فاسه روز کارسه لى شائىج كلف باين عالم آورده درعالم شباب خدام كمت نيابى شركب ندارندا گرچه (زمام) والعرام أن شايدكه يعض دوسًا صميمي ويكر إما حلى بالشد وسحن فيانسيكم ببدر في ت رامرى شدندكه بأتفاق إصحاب نفرالامرواربا بعرف وزنفاست فمثرافه مت ابتيال بين حزومات نفسالكمرميركه درنظرا لغان^ك الغ عرفي منها كي حلائل تبهيج وحبشياج كونه ندارديها ناوقت أن سدكه حضرت م العطايا بإظار و المرادة المرادة المرادة المرادة المرابع المرا

بدائع شعاراسته داوعالی نها و آن اقبال قاری راکداز نظرد و درع علای را جمجیب بود ظاهر ساختابل صد داعتان اربنا برادانصاف أورد غنيب الى حفرت فاقا لامالمغ وجره براقاصي وا داني خاطرنت ان ساخته وجره تعوق ايشا ان ا درد گاعرش إنتاه برسائراراب دولت وانتأه شخص ومبيش بازدين كونا ومقاصد بسارت كم بذكران فيشتع كرامي اوقات شدك بقضائ فالخص وستحنات بل ضروريا بشمالة وقطه نظرار وانع دمكرزانه درصول فرصت نعايرت غيل بصد شعبده أزوحيله اندوري بن كمال النّاس وربوزگی این قدر فرصت دست دا ده كه از بسیاراندگی واز سزار كی يكرد دوبالحب ملد بعدازا تطارب بالبت وتجمشهر صفرسال بهصار نودور مغتد فولا ودلوانه سيدوالماطئة نامي موشح بتوقيع حصول اللواماني سانيدعت فانع! لى ومورث موشالى شدرماعى إن ياب عبستى وان سوى ريد جرف او عنبرین اوی سید وتنش ادیم که نامهٔ دوست گرفت دریاش فتم کزان سرکوی سید تبدأذان كدارمطا وثي فحاوى أن نشراح تمام وارتاح الاكلام حاصل ف ومقض بخاتنه كام سد شدامضون اكدشي تباكيرات تسميه بودم چذ بنطرامعان مامط مخدره مقصودارنقاب اتجاب وي تتمو و وسرقدر كدبديد لصرت منطورت كشف عطاازان نمودهك نوسل نجش خاطرشرو ووتحيرتوا ندشذ نشدحيا بعايت اليصم در كوز خاط چندين ساله آن قبال آناري نوبترين دجره صورت ے داوہ باشتہ سنوز ناگرم کروہ جا اطہا کا مدن ہے فيم متعالم كزاران الصحل بواندبو وخصوصا وروسف كدوان صور وور درخانه لف بكشكفا جهات أن صوبة نوائد

Con Con Rose Chair Lite Share Charles ببقيده ايشان أن عبارات ما فعافيا والابقتضائهم أ The state of the s The state of the s براي المنظمة ا ي بالمحالة والمحالة المحالة ال والمنا المنابئة والألع ور المراجعة Single Ministra 12 saple of the post of the -10 % January منمن المعالم المنافلة الموادلة الموادل

Participation of the state of t ٩ ١٠ من المراق وفاخ البال خواب بووا فالمقتضائ بحصلكه وكمتحريكم از فيدارد كي وأدكش بواط ويعمو أنا وضمير يتقب وزارده لعقو وجهود شناني الدمر كاه كريا يحالهي بمرسانيده Sheling to he had a fact of the second روزى جند بكروزورا بجب تقدير درساك عثناق فيانساك شده بت تباراج فهد Marin Marin Salar والامن عا وترشدنا في شايان كما واشال بن توزعات كما ماري لمني عال حيث أن West of the Control of the Control مقدمات معروض وشهتا متهام بسيانه و و و دند بالضرورة فهيدكهاى خاطر فا ترخو والسع The last training of نها در درت اعتنا بطوا برآن مقاصدر دوماً تفاق دوستا صبحی بعد گفتگوی بسیاویش وكايات بنتاك شايد نفصيل أن إمكانيك بصى احبا معلوم شده باشداري لي في رامات نصرت آبات بصوب مالوه بعيش نوروزي ووستا دن خزانه عامر وساكر مطالب كه ومطاوي فرمان عطوفت نشان كمصعوب الوطالب بإ دعبد الزاق وفولا دولوانا رسال فيقترست شايداع بضرفه كلامي نشان ح آن مفهوم تست الموارة رجانج بطفالا كن واسبالهي واثق ست كتفبل زوصوا طبقسات مذكوره باظورة مراد صوتى بداكندكه جسس وجوه لباس المام وطعنا نتنام بوسنسيده رنطعية وعشرت ا جلوه كرى تمايد و تفلصها ن ازار لوازم شها أي رامده ابند الدمكا يدخل صى بب ای بنومت چیروای نافر فظی قطع نظار مرفت فرفت و کربت عربت که ار فرات لاکی زاتيه انكريت وما ووصدفرما وازائك بعضه مطالب عاليب مركوز خاطرميشو وكراجلا آن فاطريسيج وحراطينان نميا بروحال كانشار مسالك اعلامي ازوجوه تحق الريسيج چاز ركبتر لطافت وعلورتب أن مربعالى مربت كدوع صلايا رات باني واشارا تسيالي دور كاركم فطرت وناتوان منيني وحسو وسي

90 Wind Strain Strains Constitution of the contraction مرغا إلى عارفا الم عامرول ال دوسة وفاطروهما وق وطوق المرااح بلازم دروافيال مارغار بيوس ت کام آو وول المراجع المرا

بعضه مروم طلاع ما فتد مفد مرئه مرور فوا دی شده بو داماً نُمیّاً البَّهُ مُرَقَّتِیمًا لِکُمیْ وَاین اِشَاتِ عالی انتارت رسب ید وارز دگیها ویریت اینها بکام اینها و ثنا د ما نیهامبدل شکیفتسسید ونت انكه روزما زالم تسره ري كوف واندوه رانبزودل ويك بود وان شدكه گفتي از دروكو خرشد تينج آخته بالمبنك بوس آخريسان ي بشادي يزد أخروع ويمل فينكر خندة زكرد وأناكه بنجونيه والزغصة لك نو أمول ازحفرت جواط وسنول اذور كاه كريم رحق أنستك بهوارفتي ونصرت مقارن احوالح بسته مآل بشاك بوده ابواب نتا دانی بردلهای درستان فتوح باشد بلطهٔ عظم نه فرط توجه وکثرت التفا خطر دریا متفاطر صرت خلافت نیا ہی صائد الله رتعا کی بحن آلافیات والدواہی که نبست آپ مصدرضا تالأنقه وظهررودات فالقة است جاد بسدكه كما وكيفا برون ازعالم باكن وبالجابية وجرًا وخلوةً وطبوةً درمجالس السومحافل قدس حلائك مفاخر وشرا بف شائل اليثان مٰرُكوريشو د واعدا دركِما الكفت وواغ نسدن و دموستان ازرومي نهايت فهليد المنشرح وسرو اندو مكرات ومرات بندكان حفرت متوج شده فرمو ذيركه مناصب بالمحافا كربصوتهمجات متعين إند بعرض لشرف اقدس ساند كربهركدام دا واخرجاله في فعروفيا خلال وعقيدت نزياد في منصر فبسائر تفقدات خسروا ندخص ص اخته نومان عطوفت نشان محتوي صنون عنايات خاقاني ونطوى رالوب عايات سلطاني فرشا ده شودين بوب طئه لوازم عدوت ها بات ما موالت منا بالما المام الله من البين منطري بالترخو وساختا العرام من منطري بالترخو وساختا العرام مام كافيا نام مفرايين فران عناست نشان خاسخا ناني كرب بين اكر و في مناسخا ما منام كافيا نام مفرايين فران عناست نشان خاسخا ناني كرب بين اكر و في مناسخا ما مناسخا ناني كرب بين اكر و في مناسخا مناسخا مناسخا مناسخا مناسخا بين مناسخا مناسخا مناسخا بالمناسخات المناسخات ال وكم بندونجروسي قد دريره وقعف منده وكليفي بلط فشات بي ماكه دامرن نوروزره

وروبشرون خواص عوام وسفيرات ووس رابازران منزلت وتبت بمقضاىء بلت ونعفت بحلائل مواسيا وثالمذوح والراج فسرواذف واون ومائر ماكرام واصان برك اليان شوون وبرك اراد وازامال بشان روكرد الن مغير يا كال مروشه انشاران تراءانه وقعالي بي تعنّا مي لهي جيون زوكي س ازین شاغل بت دبر زودی بی فرمان وم شرون صدویا فنه بست ایمال موسوم خابه شد بضمیر نیرکدایین مشوقعت در و فهرست کمایت شنج بیرست مجتب و مختفی نخوا بداده تتجيه ووستان فنيق أنست كتهمواره الاحوال واوضاع كيديكي وافعرجا خروز فط معائب انداخته ازنقا كص عيوب كدير اطلاع بخشند ومكى بمت تامي ن دارند که دوست ایشان بعیوب میرمزاطلاع جمت ندویمای بمت تمامی مت صروت ن دارند که دوست ایشان بعیوب کلی دخروی خودها فرشده ازالهٔ این طالت نایدندا کند ش وشامرگه مان دوست نایا دوستهان نقصه انتاکه اصلارون و کایت آویب يندج أرفهيندكى ونفاق وجدازنا وانستنك واتفاق كليعب طاكفة ا درست جند كربلا وظئه فوائدومية وبيمية فانيه يا بسبب مخاطرة مبانية مرنيه غود كذرا م صول أن يرت ومرّر و تروي المرابع سوى عنده الامير والفقير قبات قدرته قبائح رذا بالمنتف اراب A CONTRACTOR OF THE PARTY OF TH مانل فواسل حلائل ويه منيا نيدوخوشا مركه دط To Minister Minister of Minister of the Control of كهبسمع جمعا بيطا كعذُ مرخ مريس من أختيا كما ل شاداني بهم سانده خوشامرگو ما في كور الاجلهٔ مبواخوا با ن درگاه بل فعر ما ن اين اوميانند د باندک روزا تا غرسته بريتم ترشيده Straight of the straight of th To State Care Signal and the state of the sta

Signature of the state of the s انواع كالووبا بطصول حوال ايشان شدة مسالدنيا والاخرة ميشو نرعيا والإستعالي The state walk چانج حقیقت این اس براراب فعلنت وخبرت ارشا براه مقول وسارطرق منقوالطا بعابط معلوم المشهورت تباران اقتفارً لأ أربك لطا كقدالعالية والبغار المضياته برگاه کدیا ن مره اصحاب خرت وانتها مجالت صوری دست دا د خطری ازاندقت مرکاه کدیا ن مرت دراساع معائب گذرانده ایمضی دراصفای آن صرت نمو ده برخند که این حا Constituted the مطابق فسرالكم متم نبوده اندحون فشائ ن كمال لسوري ونيك اندوزي بو وكدارك A STATE OF THE STA ت ولطف طبیعت درمن بروزامه و نوایت حوشحال و فارغ البال میود و در نبدلاکه ازبر وسفادت محرومت توقع آن دارد كدايشا ت تحراين راسني استراشند كدادان طريقة انيقة واين شير كرمه وركاتبات كرازاعاظم طرق فحاظبات وكالكات ست سلوك ودقيقارة فائق برخشا مدومطارهات عرفيكر وزكارتيني نباشد بابران بخرات كدوزن عربينة الشوق اولا فصله عندارها أن حكت ظفيه كما تفاق إربابهال وتحالثه وعلوم وتفعة والذات أرجميع تفاصطلته وطالب عميست درساك عبارت درا ورده ومرقوم المازدكازعائب سوالخ دوركا دائست كدبا وعروا ينعف علا علانس ف شده وي الأما القاس الدكونط انصاف وببيالهم يرتب طاحظ تام فرموه ويكري تبنه تامل فرايندك انطاز نبكدا بربطاله فليمنف عليه عقلاى روز كارست في الواقع بحاطر خوارج بسر ساعكما معلوض وكرونهات مقولت وأنحرفلاف اوست نمات لطلال وفالان وادنا نئا استعاى أن ما يركه أرسروز باشد وفرت وار درهنه بالتدور والأ ما بى نما شد درسالى مطالعد فتر عمر كراى كنت شدرك على نقويم بارشه بدراكر و أرعنفوا شعه وتمنز ما حال عاينه و تي صديع منري وازارا وستا دي بي مجا نا نه درخار تحت الدول - Barrier State of the State of

State of the state 99 الى المستقيلة من المستدن الرسول المستنالية المستقيلة من المستنال الموضلال الذراندوا ويتمكن لذا الاجتمال كروكدا يتحرث ملاوحران ابكارا فيحوصان أتكاز برعما فانتوم البطيمة وي ومكرارووك وكان عالميان كاروباران الف طالفارتر الصاياتناق والأسك الكرراط لقرائب شخوا بريود كالمكر اويدازروى دوس وعدالت باشراعال مرن وأدف لذره والاازوال لله ولاق الرئاى ويدون ان واردك الدو شواردارام الروالط كمام وروزة

فريية ووضع وعمواره بوسيار نقات بالواطم حدكس كم عاضر مكر بأرباطناني كا فشاسه إرهاب وشرور بآرور أن خاد خرداربوه فصد في اوكرب زابقا دوريمي كرون دوم تعافل وبرد مارى ومزلات وقصيرات وورسان رااغاض وو والزنوا إرنقسا بينك اوكل نود وتحاوزكره وارجاز ووعفوراأ حكرضرورات خود واندسوفا والو Contract of the second واون وطر فالوور زابت الراسطورة تتن مهام جوانمردي ت كدونيار بنظ وتمنى طورسا حدابندا وتبرين راخاطرك وخوان زمان ساختر في ي-وو بطه الناس حائج مرده ونسته انجاح مرام انام نمو و في بيع طريق دراموال مرده فظركم نینداختن دنیا دتی جاه ومال دارتشم کما انشمردن نمیت را وانصاف سلوک کروفی ترک تعصیب نمو دن میصنطا کفهٔ را که برامین میغی روشش فند بهب او نباشه بیشیم تصارت وعاد نديس ندوازروى رفق ومرارات أكرتوا نرخاط نشان اوكن ماازروى سنترها والتا أشكثاف وستبصارتفاصدازان نايرو باي حال مخالفت ندم بسلت لاوسيالغض فساده واطاك واموال وراازرت تصرف وتعدى محفوظ ومصون دارواي ومزاين كل يضد خلاصهُ افادات عماى شيريت كدا زوط مراني مبت انتظام احوال كرات وجهاعا ويكت على مرقوم كل جوابرسك باختداند والكي الرسول لل الكاغ فردينه صوبهت ومحض خير وخذر تحت أكديهم وضاشنيد وأنحق انتأل موبذكوا شيرمردان رادست كمتبستيا آن رسّان تأدم كالمستال ماختدا ووست ودي بسروا جانبي عليمانوري ميفرا يوقطعه تيج داني كشيرروي عيست شيرمر ذواندوا فكسيت أكدا وشنان تواند ساخت + وانكه ا دوتان توا نزاييت + وأين وسيار تحصيه وخير وعالم

بره بود ميخ ات كخود راازاتحات آن گذراند جها وجود ردارت تاع و زارت سات. ساز بحون اندک ازخوا غفلت بدارشه برخلاف عقیده همو دسخوس مدومطارحات عرفیه بمیزه وکل أكوده مافت ودرزر بإخجالت مين خود كراقبح افرا ونحالت مت دماند وانحت كدايم عوض في بانصاغ مطارحات وميرج كندوج جاره سازوكي للك ناقصك قيمار وضعا ينفساني ووساوس شيطاني لاسودمنه ميك اندها ميش وشول ما رفروشي ما بموحه في الش كواز مصوص آشنا كي ومراعات اختصاص نسبت فذا كي ما ملاحظه أنكه رجت ومحدث جوا بهزروا به ولا في تلا الي اونه وأشرف بنيش انتيان برامز يست ستصفه المساح الأن عنصا والانامي وسوم شدوب بابلغ برام ی دیگر که دخاطر حقائق انزایشان سیده باشدان حوف فوت A STATE OF THE STA The state of the s بالفرورة اين وكل ريشاكيم م ازان مقوله ست مرقوم شرسر خد قوت عليه اين تردوستيم در مقام آن ي آر د كه سرست كانصاف الحكم كرفته بعنى شفان صدق كم بن كاشته ملا في فقد ركيد ed to the state of General of

مقاع عمل قوائ كلى كدغوت محارث وقارت شدهت ومرحندازين فضع علما والمسالة والمعلى كما والمعلى المان روحانى ونداكره يست نفساني لابطه معنوى ميكندار وكدازين وادى خو ولا مكذرا ندوخوا بك مورت مصرت دهاری طوار اولوا برشد باشد جها به دارراه مسلول بسس میبرداین بست اون سهام کام نسازدا با نما بیشوش ازالام و سفام ایر بیشت که را قر سطور و با قرار استان ایران ا سال دنیاخصوصا درین واز در سال کوشکر شرا ناشی زان قا و بهت نه قدر شکید مینم قوت گرزونه طاقت پرمنزدار دلب ارت دراورده اعلام آن ستطه الاناسے ناید قطعه صبری ند کرازعشق مبزیمن سخست درگها دوست دامیزمن وشت ند کرقصب دراویزمن پائے ندکد آمیسا ند گریزم من ونبذى ادتحارت وتباعض فعاى روحاني وحياني وغالبيث مغلوبيت كدام مرة لغاج

وكرة بعداه لي تروم ماخته خاطرنقا دوقا والتاعتضا والكرامي الطلاع فحث الم حول دجا ت ميد بدكه بي اروام عليل وشفاعليل سراينه اطهارا بن سكوه الرس داز رنگهز ماتم و آمنن بن روهٔ لان زنده تن کدارست و عات ضم ازا وصاع عجائب آثار غرائب شعارطوا كعت أم رقمز دُه كُلَّه ونشوران روز كاروبيان حلقها قبال ممكن ومن عيان معرفت وص خورسنديهاي شباعقل وكياست وسهيان عيب وتن ابناى روز گار مرطقه پیشوایا ن مهج سدا و وس می رئیس را ونمایا ن میل شاوانده حال مرادى مديرت يحيران سركروان وادي كالأس مندوست انتكارا ساخته مجلس على ماز د الصرورة اولا بايدكه الرفضياليس نشود و برفروا يا بطراق خصائه ما مع علىدر رماند كه ما تفاق خلامنشر ما ن عالم ذوق وشهو دُّه وياكث ان تشنيك بزم خالجُم الهجب ديافت اليافت حقيقت مفرت واجب الوجرد ومنزه وتهتن زيال عزيت والز غاصفات صوف وامكان ت وبقدرطاقت وتوان مصنب الاخلاق تمدن و بحضرت واجب بداكردن كدافعاي عاى مطبيا القدر شخافة أبا طلاق اللبركدازيان بيزياني رامر مستع مع روحا في التي المرودة الدونانيا بايد كمشرح حقيقت إنساني بيزياني رامر مستع مع روحا في التي التي ورودة المدونانيا بايد كمشرح حقيقت إنساني

يحقيقت ومفردان مالك طريقت بقضا ليخام كستعدا دات احلاقك واوعات بوجب صفاى سربرت لوطف طبيعت دا ودبسورى دا و لانواع بحن فرمو د واند و انجيار جميع تفاصيل فكوره بطورخ وخرايان ما وخيقت متيقن بمظنون ميشو رئت كلط البح وشرنفية بسيتنا تتنابي سواي بن ركيبي نصري وجحون مبسولا ني كه دران تهرس بمحائم شركب وسياسم ت وبعدازا بضاح ايرج واساستك فيض اقتباس ضرارا والبصا بشومنداني دبين عشاكزين تقيقت بهبق ظاهروم ويراميكر دور وستسن ميشو وكداخيا اوالإ وكارما درمسكات نقيض مقصود سلوك نموده درتقوست وتربيت مغائر نشارا دميت عي يما وقتيكه برده ازروى كاربرش تنشرح عدوستلذات مردم ازمشار رُندُوخطوط بنی آدم نماید و شاعب والام ن راک اندوخطوط بنی آدم نایم ا مرومتاع وملالبتن وسائرا اسبات ت طارت واعتبيا والرا رغور ديمالا ياوداده اندوهم إنقال داتعاب قواي برني إعمره لذ ونهتداما چرن بیش از صلاح اوضاع خود که لازم و تنت و فرض حال سه ازافسا وسارعباد كفتر ارقانون بايو بانبرحود إمازا وردعن نالابرجند كدمزرنه يغبم عتبرومتعا رفها فليمحن وكشو مراسلات كعبارت أزح غصيامنا ببرخلاص وتبيين لواع فستسأس بلهاى فأطرأ زروه برب いりないかいからいっちいっちい

كافلة بالإان وفار Too. ۵ چشم دارم که مجرز وی کرم بدفاغ يرحوصله ووكلاى اليشان كذبجمت بمين ضدمت والصاتفا وتف كه در بلعضا حال مذكوركيم بشرازين بإندك وص ازده نه ما از ده ما زده کم و کیش نخوا مربو و دران بار نازه وسرات بى اندازه كدور مالك شكر W. College با مرا دات جعانی از مانده و تروان ا اور بید م منظم فی موسد آن دیار را از زر دنیان مصحوب شيخ ابراسيميكري ل بدركاه طالميا ت اور واقعطلهان رور كاروه وست طأزا بالضام كمال شهرت في مخالته عنت اسرين فرت كرم الاين Siris Con Ministra Meritage Color John Mister

سرت آنارازمسافات بعیده دراندک مرتی کرقوای مبت ری درایصال آنها وفانی کسند ا ولیای دولت فاسرومیرسد دیگر رحمت خدای برست دام عالی تقام محبت اطواری اخلاص آناری طن مالدین احد قلیج خان کیروعرضد شت فضل فتی تا نی که بدرگاه عرش اشتباه وستاه وبودا فلماراحت لاص يلجهتي خود را بلاز مان ايث ن نمود و واولوازم انصاف دا د واو و وتباریخ سوم اردی مشت روزش بایز و هم ربیع الآ كدبند كان حضرت ورنهايت تكفت كي يوه زعر ضدشت و مكرايشان كتضمل بنه اءل نصرت مّال فتح مّا ني بو درسيده مزارتح مخاطب ومعاتب ساخته دنصب لرم مهام مذکورهٔ ناکید بلیغ فرموزندامید و ارساخ درگاه پرورد کاری درنهایت وژوق ست کرجمیسهٔ مطالب و مقاصدالیث ان بروجه دمخواه و وستان میمیمیسر محصل گردوسیجان الدیمیاعیدت صوری آن بروجه دمخواه و وستان میمیمیسر محصل گردوسیجان الدیمیاعیدت صوری آن آزرد كى شده ست دارقام اقلام نحالصت انجام جمت ره الاکلانم خشیده سه ا ما این قدرست که مرکا ه می خو همسد که ایر

106 The state of the s معقولیت ان مخصوص را ن دُون زمان نباست دفنون غموم وصنوم بخاطرفا تراه بافت كرست ع أن بطومار لا ذكبنج مرف بتوای کاست آسا سرگز ای زیب وزمنت بخش عقل مهاشه أمل دراوائل وعواقب أمور كلاحك فرموده مقتضيات حصائه دراكس خودكه عرست مساجت باطن خود جاندا وعمر گرامی ا که دو کم ساخت و سس سیمان ۱۱ نداردخوش گذراندو درست و ه وشکایت نداردخوش گذراندو درست و ه وشکایت الله المرازة ا initial desired in the second شش مى ايد ورمداق اخوان أين روز كا رخصوصا فوتكير کے زماند درمقام سنج و دلال ت مدازیشکی میب گذیسیا رسی مناید ورا قوا Shared Market Market امثال اين مقال لا بي درد ونسته مطالعه اين خناق موجب مزيد كلفت خاطر ميشو دا ط Since Stricker چون مبرمن وميين ست كدان زيره ارباب ولت اقبال ورگزيد اصحافضل وفهضال أبين جاكت في حلاوت بغايت دوروارً ستلع كلمات نفس لامريم برایدا برازاین عسی مود وسر جند فرار داد انست که راه مرک The state of the s Six distributions Pour Congress Cold Transfer of the control of

كفالباشارع عام ست سيدورساز واكتفامر والطروحاني وظاهري كرمحف و حكايت سرتهان روز كارنبا شدنمايد با وحر داميسي بمقتضا ي جنفرت وخامي ازاريد الملطفة شريفية بالكركسيا وستفاده بودسرجندا زمكتوبات نامغوب كرمجالينوس الزمان ارسال پیشته بو د نه ظام لو د کداین مخلص سم ما د شد ه لیکن جدکن که مجت تقضیفیرست قبة الغيرونطف بنجانا ن قطعة الآيائية العَنْبِي بِنْ عَلَيْتِ + الأَمْنَ مِنْ الْمُعَلِيِّ اللَّهِ الْمَانِ مِن يَ وَمَنْجُنِيةٍ * وَقُلْ مِا رَحِيْدَ الدَّسْرِ أَرْجِيْتُ الْبَيْنِ مِنْ مِنْ عَلَيْقِي وَمُوْعِي وَلَوْقِي لِعَلَىٰ عَرْ وَجُهُ كُنَ مُقَصِّدُ + لِقَارُكُ قَصُوْدِي وَ وْسُلَكُ مُنْ يَتِي + بَرَحِبْ بِنِ ت يرى حال متزم كما أن وي وزمان قاصرالب یان وقلم د وزمان الشیخمانی نفن مایم اینه مرحمه الرونوني المارية باشده المستريز و المراق ا و ما أقل من في في المون التي المون المراق الم كوش مه زه ن زه ن براه كاروان آير به وآلك اقعا غوله درباب ملاطفة گرامی وعربضه خو دمرفوم ساخته ستای بديع نموده بودحاشا كه درحواشي آن قصدا براز گله لامه سنطح با شريا فالشكير في ازمگامن طن طن اخلاص مواطن جازت شکو فهمیب دگاشد سرگاه خود بعلی الیق امیدند پرشیدگی از مهاری از ۱۵ آن از از کارشده ست خبمیراً ن کثرت مشاعل نتیست که مراسلات صوری شعار مترسمان زورگارشده ست خبمیراً ن کثرت مشاعل نتیست چگنجالیش گلددار دوش که خوش طبعی که نجاط شرایین افات

Prodice The state of the s Carle Washing

The state of the s Spart Mail is The Chile of his work Service of the servic عالم فانی که در میتینی عدم بی ناموسیها وزمده فی فک ا بخاص مقاصد وقب می ورز ولاً ای و ضد شات دراز محاشته موافق اراده آمر واکمه آزروی النفات ازاحوال این محست المعلى تقدير صيدرية المعالى في الأمريب سلوك خوا يوكر دخو دلدالم مسألك في الأمريب المركبة والمركزة وللدالم تقدرا جل خيدروز محلت اده ست اگرا با دراز ليست كراين والحديد كنفس طقه ازآلام بنى كه درمت سلها وشا لم لوه وس ورين ولاعبارت شرى موافق حال مطرورا مد بعينه نوست ميشو واكسو زعايت قصري اغرجات كمان ت الرحم سطن ت كرقبيب دروى كدور ن چن صالبی اوقات بجسار قد د بول رصناک شرچ ن صالبی سوابی اوقات بجسار قد د بول رصناک

حکت وسکگا ہی اَ دَامُ اِللّٰهُ کِمَا کَهُ وَاَ دَامُ لِنَّا وَصَالَهُ وَسِبَّرِيْتُ وَرِسَ از دُسن که دربنولا دمخاطباتِ دوستان میمی تعبسیراز دبعباس د موانع نبايث وفقه هائق احوال ركبشرج وبسط خوا برنوشت زيا وه جرنوب برغور داری دونوع مروم را دان + یا باخبری از خه د واز سرکه لبرو به یا بخبر ازخود دازسر و و محب ان ما آندتعالی در سرحه بهبو د نشا ئین باشد دارا در درین شد که نبگارشد نامه نیجهتی تقا عد د شت نه آن بود که درز م نشکا ه خیراندلیشی ایرکسس غمار فتورسے مبند شده باست جو دران اب اعراض این جمان نایا پرارکہ م طورنبو د وسینه درگشش مرای دوستی-لاه نیافت چران بر برج مصفی نفسانی اساس نیافت از روی فهمیر ديانت تجرعى نهال نشاندها فبطعب ل عالم الأنسان + كزسران

حاشاكة برزبان چزرے رو وكه ورول نباشه ظاہرا و روانت است نا في درا فتہ باشنگر ازمیا دی تح نیزاین کسانگره و تجروگونیان بود دادیجت مبانیا ک ل سرووی فاطرون بروشت أساني باركا أوسل درامانا فاكران موى شده لادور والمارة والمنافع المان من المان من المنافع الم كرشيده في وترجيه من والمان وتركاني وصادف الله العث في المحتث الكس فرسيكر وورين فافليزرك وكوس مكالوي وسيم من فور مرور سده البرام وقدى شرورادروات كراسك رين القطيعي وشرف كمرك كنا ومنا عدان وإشا والفتي اولها وعمرى لرائست ووم اف مربرها و تربستنی کرنسته یکا م اطلاق ما فایلی شد شرک وزیان کویا ی زیان عارو التي المان ومدانت الورزمري الري المان كشاوري مووند حدا كالم كالم الم الم وركاه والى زور ورا توانيسا عيما العرفية المنف خال و تعربال المال كفته طلبخارى فرمودى درن جينسه كله ويوى الان معنى بمشام دورا بالمشت سيده با دغير ون وستى كرون مريع سية ان ما انتائج با ده اشاى ونيا الميد مت واصلاح ایت واردامانطا برخود ازنوشن بازاور دجراه دو الناب المراكر والمستايط في وروا في والراكر ورقيت الراكر والمالية بودی اگزیمن کردی کمن بها ن طورکداریا بالمیک نرسی مرکزوی درامده ادار عشرت الرم وارزاين طماشان ترن بروش وحزت واروبعت راوانا وراوازم ان سيكوش جون أوسما وابن في سي العار اوازم ان متروك

پیدار و پوداین سازتعلق روی در براگندگی نها د وا فسروگی واتی ورمیهٔ سيار ۽ کنون بين اوسرنا ڪاڙا بشته خواسي نخوله بيد درگروه تعلقها لى كرنى ففس بروازم + درباغ الديم شياني-بشب سگان دوزخی اندازم 🕂 این حکه نیم د شوارنفل کرد اخبرلوازم *میرخوای و د و*ی ^{بای}ش Charles in the best of اوال عنائى از قرار و انط خاط نشان درگا و مقدس شدا زا سخه سرما بره ازجا مند نود کردی و بها۔ يدويول حود دواووم St. Jones Vision

The state of the s The Section of the Se راه مالاز فت عقل وفنون توای دانای کتیاج شدیرا برخو دلرزید او دازبارگران عطارستے وریاکہ نیدارا ندی جے قدر کاربود کہ تبویرا ونمی شدول شاہرا وہ ا برای خاطرصاصی خود میرا برست نیا و دی و بعبد از انکه درین مرت سیمال از الروال المراجعة المرا مرست عن شنودي وخود راه راست گذشتي بنوزا واست نيگيري ميغوران Jakob Barran بجيثهم ونبرار دسنشام وسم وول خو دراخا ساكنزا فازيان حومرات مت شرلفيسة The state of the s حيفت لديير شنام الوو وكرو وكرفتم كدابله بووى وقل مرشتى اخلاص كواس De to the state of . 315 Juli سوگندخوردن اگرمیش شناسا بی این حیران آنم بستی گنا و نبو دی نیرا وسیم حرره اره تم این کارشرگ بود با نیم شخصی و شمن کامیها کدجها نیان چه دیمنان و چه دونا مريد ك من موست ماركرو دو يخن من كاركر أير مكررا فصت ازور كا طلب اكنون مقنعناى لشرت كذشت الخدكذشت فقد درازك فرصت زه الرم سازه وجنان بمت مگارد كه خانخا بان ارصلحت بیشا بزاده مبرون زود م النا ن رازصيردل تقديم را ندسو وسندنيا مربا انكد در بن عرص مهما ا این جرغواه حقیقه است که بات و غوی خودنمودهٔ طرمقدس از گراند Con Control of the Co

110 ين كاركوا ليكن الي بردارند سرارشکر کدبرار وتصرف ماند واین لاازا نار توجایشان میدانم وان ناحت إنت اميدكه بالكليه بط ف كروووبد ذا مان عشى كنند اجب برايد الرور م تناسى ووجا علما كردي و Philipsh Mary Charl Colore ال المان المان وستهنده تتبستان بخشد سخراب بارودون دوجهان إدوشاخ كل اند وزانانع فيوه وكرجر وكزي كان michael and the ب اکتفا مینا بر است South Mark British Color & Color Bilion Ello Goleninger زراف ون زشرے وہا نستان کی ایردمان تحق مان افری ادات است ان کی ایردمان تحق مان افری ادات است الله در اوردی کامای صوی ارادرده در الله د مركزم كردانا وأمروزكم أن ام دوست عيس كزين لا يحس الله دوليت المنظمة المرادية اخترااز بدرش فنظ ارشته اخترااز بدرش فنظ ارشته ن کیدات خوش نیت رمجنب این کیدات خوش نیت رمجنب این این از در از این در این دانیدند پالینی دیگران نیکذات خوش نیب

وورا تدلیف رخصت میدو که وستان گله مندسے اکه در قرطاً سنا محای گدشته اياكى بدان رفية بت شرح وبدو وجره اين راحاً ظر كشال مُحاطَّك مصعت خود Bry Wy (Schiebly ا نا پداگر جدیشتها قت خاطر ماک این نیا زمند که تجب ریرکه در فست بشارت تجرد گزنیا Signal Control of the Property کم تصنع که درت بنتی آنها منطبون آنین کسست نزدیک سیده که خاطر شرایت آن گلیست معنوی از سرزمی که درین زمائه ممتد ویدیت یکبار گے اسایش ماید a de la visita de la companya de la ورت وتدبيب رصائب وسين تكابوي وتبات قدم أن رزم أفر ورزم أفرا صورت ومعض لازمار كا والهي طلب الاو عطاشو و وتصوت انجار كوري · فرط مجت ومعالمهٔ نساسی عونت نفش از زیشگاه دل بشورستهان کاعنه نه أورده اولًا نقد حو داكه تقلا وزي نجت بيدار كه نشأ نهُ رضامندي دا دارست أنب ولغيض دوست وثويمن ألوده اميدوياس نميشو د وثانيا باطر مخاطب حو درا كه موطن مزارا ندنشه ست وازخت لل طرحبه وإنام وومرحالات ايشان كما ل مكى وانجا ا زارکسا د دار د وازنجت تمیز مبیان دوست و ترخمن که اعتا دراشاید کم برست می ات لیکن از سنت طبینت و لطف سررت خوبی مرد وطا کفدرا و حیث آخفا را کمامید فرونميگذار و دعين كما است غل كرفهت ای وسیاز ميان خيروشكر انداخة بوداگر دیصن آن کوت گنجالیش دارد و درآبین کا روان نیزیکا

ن عيما يركيك و ن دوتي ا بسيرنان نطانه فواترك اقناده خفزشي حيدبنجا طريونضول راهيبيا مركه ازبارواني الأزوه يشود شعر گرخو مشي كندول شه ياماح جرم بعشق بابشد كه درير بصنع بجازر ده ام آنها كه روزبارارم دهي ت ما تا تر ما شا آبی کرم اشال من الموير آمون أن مزويوم تواند كشت جرجاى أنكه كارالان كذ (13) شرح أزاواتيات آن لاكروار سكزارو تقرامي نجران ية وار دوستاين حران دستان دست او و بنانه ورخرت دای افزار دارد و دربن وزمانیارخو د فروشان اگرشه مهازخه و نیشه ختی دستانی خید واقع ششها وولسوريها واحمانبان باي بإمركارأن دانا دل حران سبيجار فتر لى نوشتى اما حيكهم كهمرا دير وبنيا ول خود فاندلیشید ن از نبرار عی واز لب خالت و دسگذار و که ارمنا ب ساز را در معاماد ان بهای گران مخزد حرفی زند برج ندارى كشرح احوال ترابروس الاستراد و المراد و ال منكذار وكان

A Constitution of the cons Townson State 1 مراسعا مله ، فطرت افعاً د طبیعتم را قدری فیش فطرتم بدیدیست سسیمان الله استی صح<u>ال کی لا</u>یای مند مدینه ساختن و درسندن گفتگو انداختن کمیست تاگزیژ Standing of Second المرادي والمرادي المرادية المر روز گارام نیزین تصدیل خود داده کاغدسیا و با بدکر در جندین خن انوشت امالحیا اگر د الباشي كالزكار خانة تقديرنا بن كمن عطاشده مهت الزيرادازم ابن لباس حاآ وز في شك The said of the sa اين باس كرون ساس منامندي ل الحكام دادن ست بين بان بشركه ازين داو حرثى جِندُكُفتْه أيداول وسترنشت كمرتوجُ والتفات ظاهري وباطني بندگا ن خلافت بنا ولاده از ان كما بن احما بان كروه أمر وعدمات وترودات بسنديده ايشان ك ALIGARH. مجرئت وعكوية مجراست وسعام الون منصدالان كدخدمات ايشان البشري لالن K. Grander The Contract of the Contract o كمراوشنة انتثمه وروضع خودجاى كروسة عنقرب آنا لآن عائد وزكاريتان مشاكتنا جنگی حکم شده کدد بهردیا رموح و سازند بردودی سرانجام میا بدوتوب ولوازم آن متعاقب اله تعظمان خودغافل تصوففران رحكها ليش أين ارود وتنحان راسفارشهاى حب كرده شدانت إلىدتعالى بيقا صدخو دبرسداوكي وولت ازاطرات حالك محروسهمنا مها تلاقره موروهم بتحسروانه شرهاعاميد كدحتفريب إيشان نيزاين كأهسيما البنتام رسانيده كامياب صورت ومنى شونداناءال كشرالاخلال حود چاول كماز كثرت مشاغل و وطومهات نديوعا لمرقصت آن ا سنخان قدم نیوس لا مربیگفته شوه حضار درخانه در مهاه بهرس و مجرص شان فر منخان هیبت رنترنی الله ربیگفته شوه حضار درخانه در مهاه بهرست وید و این و که مط که اگرامیه اماحر بی ارمعدن ها نیت گفته آمه حب شدان ناخه سنتے وید و این ا STATE OF THE STATE

119 Con Charles State of the Color ومنزويا ن كم صحبت روى ميد به جبا أر لبظا ببرمبرو دارشور أشغه to Billion State of the State o Chi Constant اكرتنها بشبها جانجه عا دنست رفته میشود صاحب یا دمیفرایند بسيرتي مردما ينجامنحصرد ررادرگرامي حكيم بها مهت كه اكثراوقيات مديدن افتريم رحيان عزبزنيز درميشاغل حيان فرونرفته سك كأكامئ هرفي ارخدا كع لفسط C. C. C. غنة آيد ونكوم بن كيرمكركر و هاين لفس لها ره را منجاري پديد آور ده شعره از فيال آ مارًاساب نیوی سرت ندارم که زمان بیش نظیم میگذرانیده میشم برا درگرامی کا راکه کرده باشیم وارشها جداگشته خیال ایدکر دکه برقرآن معاملهٔ فهمانین بیچاره جیبه یکه زموم از حال خوداگهٔ بیمانیک اینقد دانم که نو+ هرگه نجاط بگذری افشکی ر داه ن مگذرو+ متومندا كاه دائم فرزكه ازصورت مشاغل صورت افما ديهت وكمر داز فرط خيرخوا بهتاتوا له در بنولا ظفر نامه وخنگیز نامه و شابه نامه مطالعه فومین زعرص نسست که مهنگام گفتگه ران اساس باشراما بيوسته تنها بحاسب إحوال حود ومطالع كتب اخال وعسك الخصوب و المروز كار اي درين دوزاي نصف اخراحيا شتغال نايند كه نفس الاره دكمين ت مبادا فرصت يافته كارى برا Control of the state of the sta خودسرانجام نایر که علاج آن دشو ارباشد و پیچیسه اشندان نفس کیاست که مگورکه بس بعلانیه جا "ميميراه" ئىدەرجوما ئى ادميان غرصن كمنوس كۇ ت كد مكبوركربهن لعلانيه ها خرنمود و مكزار ريد كه ناشاليسكي دعض عفلوت بطورا را انتقدر كوست أفكت في وريت كامثال بن مردم راا ينالت اشدكه وخلوا حرفی چنداز سنی تواندگفت زمینها را زاشرار چرب زما فا ن کریجرب زما نی گفایت وولنولی ويخرارت ببرون ان معمل في خود وانموده مزار کارتا و مسراه مینایدای دولت را وقت کم و کاربسیار وحوش مدکو فراو ا عمر المرابع الثاني المرابع ال Na Na Secretaria de la constanta de la constan مرين والمراب المراب والمراب المراب والمراب المراب ا A CONTRACTOR OF THE PARTY OF TH The state of the s

Jane of the Comment 11. J. J. P. . W. in State History رمخانخا أن للمي مشرقر والا لمغارفيا يتماين في المالية ي فرومي بمشام جان سيه Control of the state of the sta رساناه والجدوراب Jenes John State Alle Marie Constitution of the Constitution of آورد وتخت دوتني مجاأور ولعروة الوثقامي ا لامت كروبيشت گرمي ان انعلقات صوري ومعا ببرون أورد ما در هي يرد وكثرت جال وصدت بنظر درامد وهال جهان أراي ي خليفه وقت كه وزيقا ب كثرت وعي بسلطنت ونظر ساً ده لوحا ن ظا بربين كالطرا كج دان محتنف بوئة شود خاطرى ريست كشت اين برابه برا واقما واميدكية مقصود ببت افتدومه تدى كرودكه والعضى ازفهم يدكيهاى خود اكد سركت صدق خوش المركوني وسخرة إلى بيرون نبهته وخاطرحا مي مبنداي لا دابي مساله في اوالهم ا The state of the s فرارسيديت ليكن بدع جهان آراي G. Color نون لول لا يالميت نست كراطبقات الماهم شي الداخة بباطهاء كتروكيس C. C. C.

111 . نینته زمان ونیوی اُختیار نکند ضررا خر ری چر ن خرا برگزیاب بها نا سرکدرا ، ماطل و دیشا برگ توتئ بشفكه درنب اردح اي انترسالكان طريق الميت اجزرهم ران كس جه تواند ووقح نجات برطائفه وسعادت مركرويني دروضع كمعيّن نها دهاندار ما بستجر درابرياض تعلق لبدالت ونشرح مراتب این بسیارست ومجل مین را بقین شناسد که نجات سیابهیان نصرت نشعاروغازيان حقيقت آثار درم للاص صاحب خودست مبرخيدكم أن لعمت ازا باظ براشدنه که درعب وات برنی ومالی که ان سرمایی تجارت و گیران ست سرگرم باشد ملكة خوسنه قي آن ارجهت انتظام عوا مهمت جمعی ارتحاصان کوند بین اورین راه The standard of the standard o خطا کی فهمت دو کارشان انتجمت هرروز را بی ترشو دو آن نسبت که سوست نظری سنست اندام خود بست تندمانند و چرن این حالت درمرد مرکمته را پند بست نوارش و انتخار برم دوش خود نهند وصاحبان مج ن منشوقان عميقي اندستنغنا لازم آن خصوصا كرعاشقان ربت اندكيت بسيار باست ندبي نيازي ايشان افزون حوابد بودازين حجت كوشه بخيال تباه فهست ذكه كرصاصب فميرسديا اخلاص اثر نعيت واندليتهاي ادرست أشامان امعالمهم عوش كركرى مميرفيها دشا ن كت ته عنقريث كوخسيران لانديس لمركم باقصاى دانب خلاص شرب كشنة مقصوره وراد رمناي صاصب محوسا زندندكيم الديشه اخلاص أزوت مشيرتني نغ نهرانبخت درسرانداخته وتقا مزع مشهاى كونا كوت فند بالمنظمة المناسخة الم سؤة واخهار حق وكارسارى ولى فعمت دوستى وتمنى منطور ندار ند للكدار المكسرير كش The property of رمیان باشد وا ن مص مجارصا حب می آمده باشداین ابناطرنیا ورده در رواج کارون The state of the s خوداست واكرنها وووت تقصور ويست اوراز بات ويجب بهار مضارف واخلاص فشاكل باست كوبرى شاك ينها ن توان كرداكر في الواقع أوفع مدي الأرب المربي المرب

و المرادي الم IPP Jeron المبرنمة موال فالم فارا و الروائي الأركاء بحصاندار داكريمه عالم را درم الاران والمرابع المرابع المراب المنور كالموركر في المارزون A faile of a lithing of توک رازمرخر د درگردن مهار درش^د بهنی انداخته گذار د ک سيرسد كدبهك ترك ادني نابهت ناحي حيربر ركبت ترقيبيله ول ي نهند معاملة شهوت سي راك ادقات شركف راضا كع نساز نداشتم ارصحت خوشراً مركز بقدرامكان اخراز نايند كمبيورة الميان بن را هارتبرگاين شورخان بلاك نه ت گویان که ظاہرتها ن تلخ وباطرتها رتبسر بر بلج ^{ت ا} یا ن^{این} کمبودخو دچه دولت وگرنه مبرط کدازین گروه نشاید: یا بیند بلاژش شين باشد سخن عن بوارج گفت آيدا لديس وشر استغطفه وخانكه إيافته بود منوشت جيشاغل المراهان و الماليان الماليان المالية ا

جندین طبی^ک ن بزامی رد ومش افکن (فطارگی) احوال آثار ثبك في أتى واخلاص فراوان شببت خليفه وقعت ديد ازناصيه سعا وساليشان حوانده شداين وكلمه نوشت والاازنارساني روزكا روكويني لمولا را بسرورك حرث زُدُن نا زرمت العاقبة الخرسج الشيخ أ ما ن قط الزيقو نير أ اربي لأنديه مخواه ديده بنا فتكت ماعملي بد دوكو زرنج وعذاست جان مجنون واجه بلای صحبت کیلی و فرقت کیلی په مخلص که در حضو تیویت و در وصال و فرقت از دور ودونني وورستي خوداز دوست اسيار دوست خو داي زودست زو ورشيار شوتن دار خودآزرده سبطالعه شورمجبت كمرحم دخان آورد بحقرين شادى شدويم قوان عمست نتاه نخستين كالملط أرغ ترسطاكدان دنياكه ندروست برغدمتنگارمخصه ص آق دوست بیگانه خوی که مراجه ن من دوس فبالبطان خربدا إقادع سنطم ولأنكه بزربان زمانه مازا وكقعليم آن دون نون وقت *ست گذشت که مرامحض از برا-*فرشا ده اندشا دی دوم آنگه نطن برنار کوث ی که خاط آرزوس آن و دواقع غردوماً نكاتش مهاجرت أمشايه وان شبه عال گفت وخوكر د و بحران را تباز كی لنشه رهمرد شاوى سوما نكه خطاروح برورس متملفه كمنسب حآن دوشي باضطاب أميخة ست معلو كمشت أكرجه ارتباك طو ن المراد الم دوتنی متعاریت روز کا فراترکت میخن کرد هاندا ماچون شیخه نظفت بود ه اندوه فرا كشت شادى جيسا رم أكداين قاصد وفاسد باخب أسترت إنيار Control of the Control of Control ت دات وتوجُرب بابي وابتهام محسمات المسال دار The first of the wide of the first of the fi

رسيه و بو و كه در تقرضات پاد نشا هي معذر تي حيند كه درا مين اخلاص وروش عقيد *خت بروگفته باشناعم ششم آنکه درمنا ب* برقعن عر*من* ای بولفضالب کن قصت جواجی افساندگوی نیسته که تعدا د شا دی و مذکار سن نائي قطعة تونقش تقشبندان راجه داني * توشكل مكرجا زاجه دني * توخو دنيشنا بانگ دہل را+ رموز سرسلطا ن راجہ دانی + تہر چید فطرت این جران آم بہتی مثبتا رسدن خطشانيت ليكن ايتعدر ميدانم كه خاطر مثارا في مدارا مدوستي فروش سنسمان ناسه وفرستنا ون بيغا مرتخرمسته فراوان حكونه إزامه ووعين كمت اصلاح احوال ن ميكاندُروزگا گفت بودم كارم سكين معا ملفه سرده ايروان بخاطب خودميني فتركه مراند بيشة كه بو دارج نساماص وا فرشا بو د كه مبا دا انكابرا ن نموده - ادن مروم خود ابهال نایند فومیر <u>سیستر ان</u> طبيعت أكدقرة العين دولت ميزاليج رامكما ويسلمام وطاسطة كفرناي رزاق خانه فرستهاده اندبر حند كفرنفس الامراع ومث ياعتفت ونداري بن ميگونم كم درموث مله دوستي در

مالت مناير و دلوازم دوسى ازغود يون كويم كدور ونع كفت إشم حدابها خريهاى ان كلا يمحيت وليب و معدام دالهای مروم مردانه وفرایم آمدن سیاب د منافق میزست اندرادی کا فرو فی را مداند از سیک ويتكسك ول ورفتها ت عارن رو كارت آزار كاندرا الاوال والم خد تنظر اخلاص محرين تسامين المن الم ونظري و گرفته ته قفات اوا ختياري نبود ورُفتار وکردا أيد كلوى اومكير واواويسان وميردا وباش ب برای خاطر خردهٔ ان نبوده از نقوش کا لائم کرصفیه جهان ازان گزیرندا از سباب والای ایروشناسی دازامورورا فت سراعودیث ول دورمين آن عشوق سرافراز وأن عاشق بزحر دارمن كه جرعاشقي من وهنام فرود ودود ورايد ورايد ورايد History of Solling Strate of the Solling of the Solling Strate of Control of the second

IFH بالموتعبة المراقعة ال نبر الرسمة الموادي المراجع ال ينبو دوراه معاملها فرمان روائ هيقى سلوك وشته نبراران مقاصد صورى ومعنوى ال Best of Color Williams وامر سترد م سیرد دواگر آجدای صوری دوستان عرفی دستنایان ظاهری کدان سباب ننظام مهات صورى اند درتعب اندخو د بغايت عجب ست كة بمعنى أرموجب شكركزارى West of the principle o نباشد باعث كلفت كارشناسان كام ايزدى جون تواندست واگرازدوري صور دو تحقيقة أزرده ولندخو دازكم فكرى وبيجا سبيكه تواندبو دحيجبت حقيقى روى بهجران نهبينك ظا ہری موجب اختلال احوال نستو دجہ درمنرل کہت کہ محل نزول مو د ت تحقیقی غ غصه نیباش بیرای دوستداریر حوصله کم حصله بسیار درار کم بردار من امروزان رفرت كشاازغه ومحرفوربود وهبدر قدخرد والاوتباييزميت درست عم فحصدل بمحدد راه ندا فمثليت مهات مرجوعه اسانجام نموده واغ تبيشاني بزرگان جمان نها د هجت آرای طرو وستا التقیقے گردندجین از ناسی عطوفت بیشانی آن نزرگ جھان راگر ہ الودہ فت ل مدرد كار من زوشت دعل وردن آن يا دوېشتها كومششر فرايند كه نها تبدر يجميوه كوارا أ ميد ، إزاحال خروجه نوليد بعد الحرك نفس أما خرسيلي دريي را فف مطلبة مكت وووارة و عنصرى كداذ كوطب طفي از در وصورى در نالث ست اميد كدجون صلح كل درسيانست 'الشرط زامه يصحت گراييشه عامتنج بي درباض على رخ فرند بريشه وآبوه وانتجاب حلا ورخير بعدازان متخب شده باشد نوكيا نيده كيجا وستت دولعب الان سنجه شو د حزاد إبفرسا دن آن مها ني دل ناتوان فرما يندقرة العين ولت وسعا دت وسسر يميز لااير وداراب وظارك برخور دارصورت ومحسين شوند وقت ان يا مرب كهان ال رصت فرسيد بران عن ان الله الله الله الله وي كه كافل محسسات الينان ت

يتموارها زرميات وحثيرتيا شاليث ن لاكه منسار وزي مگذر وصحوب كمي ازحاشيرگردان بساط عزت نوست به نفرشاره بانت زیاده چنولید سخامخت اگاک رباعجي قل بانوديم رسنه برانديشان لا وزنوببرم ستيزه ايشان لا عور سين اندرسروكا رتوشور مقرتومبراث وتم خركيت ان لا ستخاط قدسى نزا دحقيقت إساسا كشا چەجاجت كەگمە بىخ طرا لودىيىت ناسا مراج ما دىيىت روز گاران معدن ئىكذا تى بايركەنگذر د درصد منرار فرستنے این حمین تهشیمهاریم عبورنشو و که درحرف معامله خلا فی بخاطرحق گزار^ن راه با بنجلیعت در و ستان دوستی بخن از عالمنا راستی برز با ن حق گوی من بنیت مدارا بم مگذر دحیه جاسی انکه مقدمات قدمسی صداقت وانگاه بان درازی سخن و نهم امتیاد زمان البرشل منی که در ترازوی انصاف و قدر دانی اوجمیه ع اشرار روزگار و زنی پیدا لروهازجهات ننتى وطب رق نحتلف ارمغتنات روز كالزندنا بسو وه دست تؤول فط برزبان مرزه گوی دیدا ما چه توان کر د که نحاطب من نظار گی جال خوزست طبیعت اورااز بحوم مدسعا ملكان فرصت مشورتي ما وقت شنيدن تصييحنة ازبطرت لبند حوول ت بنید توبیست معنی را در جا و بلادیدی به اورایشهنشایی ورهر کیا دید ی لدا مركه بعب ازنيا مدن مفا وضات گراست كدما وار فراموشی میسددا و وقع سرازن المرابع المراب توا فل خطوط که نقوش میشانے آنها گره آلو د و برگمانی ونافهیسیدگی لود توسی کرمکم رورغورمحبت این کترنها شدیانداز دهت رنا مناسب روز گا زماس الفريق المرابي المجاورة المرابي المرابية المرابي ن چون نے رہے تا وی ہتی + شود سامان فند ہی تا ہی گئے شامانی

Sall St. No. ن المالية الما Jagle by Bar in the first ای غرنباز کلی که سهای من میشند سرور به دهم سال می اطران The state of the s أنه يزمله تر ماروسرفي مندورت كارداد ليكش عاطر خورا وعون مع نايساخت ومبكا فتأشد ودرات فانصد باختر بركم الفتاندانيم في ولاز زالست كردكدا بوط زطا لفدة أرست وشااط The state of the s انتاك ولي ويكت بيش في الأوال الم السيم وزيكو وسك and the state of t الموراز عالن بمسرء ونشدوه والاساسيا واشد مرالان الم فروزى وزيران كرفت المبيسة وعندي يسيان ولايد مفترح تدوزتها The property of ت درنان ویکیست رازیک سی شناسکدر دیما ستانی ویکرکدور يعام إن خوست كرة وشيرا بحاكيره وقبول كرد واين كم ترب كار داراله واستدال من حرف الوسن ي استاكون كه كاريته و The state of the s انطام الدين عاعم والوستي ملوك دايشان مكند ورزيتكا وتساطرها تدولين وولت فان لوده مي الهيشده بت كردها نطت أدال تناك Control of the second of the s بدا وا ومشورت نميكت أكزمر دوه زن ندار فيب ما ندكه ما رارسود وزيان Contract of the second of the منى بريد في ما بري و شاردم منه المعدولواق النت + من مرخو وصفت وات توام بانقش وانديشاس المراست به الفاطوعيا إت توام به طبیت عثم ي اندوي سناي بركا فرما بان مها اي اسلا يافت عيس كامن فراخ موصله اوزشرح شدائد دوى فيصيل فرطشوق تك ظرية اليست آبادي اندازوا تفسيمنا كام ل بارولا المراساطان Control of the state of the sta Since Property Charles Girls Colon

119 اكنون يمكى مهت صرف برامد كارى كديشتم دارم اربيرانان كوندنظر زرنباموسس خرست كدمبيا دابيقدمات ولاونرخاط بمراج مرابين وي أرنده القندلي رقوت راي ان ازاضار تقات مجبرة ابوضيح بيوسته ابشد دران حيشرح ومدحاصاسخ بست كدقيذ كاراسمة قت بس notice of good in her with h is die weiter like which with Service Constitution نوا بندنمو دکه ناموسه درگرواینهاست و روباری و موشیاری را دوستدا The control of نو ذوابه زساخت ومذا کرمجلس شا ظفر نا مدوشاه نامه وهنگه زنامه با میرکه باشد نداخلاق کا حر المام والمرابع المرابع ومكتوبات شيج شرف منسري وطاقاني وحدلقه كذان گفتگوي تحروست تعلقیان نرم کترت الروائد المناباتي والمنابية والمرود والمرابية ب داد كه خود ماز دران افت زخلوت زارى وتضرع بدرگا ه آیز دى لازم شاردد المرادة المرا از المرادة ال

Control Market Property شمرونشاط مفرط دازمح التق عي زهسته ديوز داز دلهاكرون وگردخاط كشتن ا Self Mall Style John بيشتركر دنيكا ترتزكان آراستن ول ماجيكان تكارشتن شعا خودسا زدوشلاك في Service Control of the Control of th ليفيت آزا بكيت اوا فزودك عادت كردن وخلوت كم طربق مستربات ما بس بست نوشت کے رامی کلان رامہ خیرشو و ورکنیا ن ملام ت بالفعل ووخر دُوا بدكر وساخت وشانبت لااز و كم باخت و وقار دُالرو The south the beauty of the ماني يك راتعلى زرگ منشر بايدكر وكدبس عوان كارام فيست ملاتفيك را در العاد تاكودن والوائل أمال ازرالان اردالان المراهان المراها المالية ووروقت مي سائيده باشد الماسكنية أأزرو آورد که بم کارنرم آیدویم درروز زرم فهرخاموش برطاعنا ن ابل شعاوت نهدر آ محبت کار که بترجانی دل دوست ارمقرست انزخن کردن میری ندار داما چه کنم کم پیزون نوالا - پياول ازرسيدن نسيل ان دمين وبعدازان ارفهميدان آن خطر وص سقبال موه ن ورسيدن ركما ما ن ارجان فنه م^ا ب وشر بصو^{سال} الران سرائيصدگونه شا دى شدانعالى» بهيشان كويرواللتي بزرك را وتشيت مهات عظير سرملند واما وغررمن ت نامونش و نامر لمبند نزر خریده میشو دامید که قرص ده و یا نزوه

للموجيز كميه مئ لا يركبفتن ارمطالة مفاوضه الت على الفاظ وسرون دلتنگی آن رموز دان شورستان ماطرشد حیازیشا راز بزره گوئههای من و په شدار که فرط دوستی از نهانجا نه حوست با رگاهم ملول ل بوده اندخيا يخه بايما كنفاً نكر درست بدعاي نوشتهاي مهرانيا نومه ده انداسی زرگ زهانه مهره بی نه نهست کهشل نای یا نند شعرا یا طرزنده یکشو دورومان دنيام كاتبات عود البقيرمات عوش أمد ومقالات ثناار Just With the same Bake die ole de Linicipio No. 185 Color of the Marie E. J. John Johnson L. المواقية والمائية وال العادر ال سى كدرزان واوه اندوگفت گوى صداقد بعكم ونعت ره درميان افيا ورست ازاجه بايدكر وتحبت جا وستم وعاشق ال والمرابع في المرابع ال The season of the state of the Jan Standille Strictly of the server in fail light with the

که بسیسالارجهان روباه بازی نایم در و فکوی مرزه مرای میشم که بی تقریب خین بهود 3 A Marie C و در الماري الرون الموتران بخاط فاغ بوش رامي والهافته استبرطون شايد كتيره رايان عيب بين ريك والمرابع المرابع المرا بقدر راست ومروا بمحفهميد فاشندم احيبيش كده باشكه نكهاني حرف سراني جود بحنم وارى كد گفته ام پایس ندارم وارخیرخوایسی آن منبع خوبهها باز آمده در تقام آزرگی و عاشا نم حاشا بديس گرنگوني ران بلغن د پاي تو ورنگويم بيجازان ي واي و اي را درغزيز سرگاه خيرخوا بي مجنوان ميش نها ديمت باشد شا كه باصاحب و اوال Significant of the significant o واربدور نیکذاتی و قدر دانی موصوف اید و با صدخویی دیگراین حرال مجن مشتر ل دوست میدار ماگراندازهٔ نیک سگالی را مقیاس عقل دوربین خود گرفست کارد تو^{ان} يكجت ابطبيت خوسش كمددوست بي فكرحواله ننائيب ركنجا لينز دار داي تعين وجود وای سرة الصدر بل شهود شوگند که کا رنا دانان کوی ناابلیت ست چنورم که ورین نشارتعلق بحب سربوشت آسانی مه وکسرالطه محبت بدیداً مردل از فروغاً Commence of the state of the st أنواني شدوريان نكاربن گشت اندوه حدائي من راخ حصله بلند مردمت باراول ابوان قانعت ربودكه مراوقت فرصت نصيحت گفتن يارد وم كه دريما نا د نبودين چەكىم كىردوسىتىها مراخوابى ئخوابى مىغتىگو دار دىسامحى ازردگى كداز والامكتوب رو دا د ه بود بی آنکه نیخت معدرت کر د بیعت و و اندلیش معالجه من کر د و مراخورس ساخت داز نیال ضی گردانید نفصیه آن دکینم که دوره درازست اسد تعالی شارانخور مند دا ادبجت اشخانان ببیت آئی خواج سلام لک در ترستا چونی ای عد زیبائی دای کان وف جونے بی شائی کلف خاطراز وری آزردہ

The Control of the Co شظل لهي بحاشتهاند مین استین مهوار مینوبی وزرگ واخلاص ندگو خلوت وطوت اندم کرده که درمرفوان می وال عاص بی باردفا دلدنویس ند وصومت عظم خان را که كارشاساخته بودندا ينهمه أرجأتي فابدرفت ودامثال بين غراضات كهجرصور بیشن سب شود رازیکر نونها رصد سرار زنها رای چازا خراض گونها در تیم شا مازار به در مشاغل پیشت به گشت عقل دوراندیش مجاشد واگرخو د مکنداید بدحانبونتها منبنع شوير كدشت الجير كذشت بإحى خاطران دوت مهيجيز ت منوم كدا بنجايج قضيفهت وشرب عذب شامنشا سهُ دې تحسين فطرت وکوېش طبيعت و دريافت مارس فلارس و من المارس الم و شاخت پایهای مراتب روزی با دلست جهارم آبان سال سی ششن نگارش یا المروم الرازان المرازة والمرازة منحانا رع بيت سفروخصت بإ دشابي ومنزل نوج ن فتح قندا رومته بير عيران Service Market Service خجسته ومبارك با دخیال مکنند که دل دو شوداسرتعالى ازعروابرووبرد بارى وواخى عصله برخود اركردانا د ازدورى ووتان زن طبیعت كانظر برتفصوع وانداخته از جائى آزرد شى بند منا كمانشوند ونجور سندى د ون المراقبة المراجبة الم دورمین مرداند که آبروی دوست و برا مرمه صاحب را مربیم خراحت طبیعت بجران دخت شوسل درگاه ایز دی از نفس طفته گرامی را مهانی کنیسنید والوشی بطبیعت حوم کزئیا نی برزداند وستند اگرچه میدانم که با مخت بیدارخر دکیشین میرم ارزداه دل محبت گزین مبتا آ والمود المرابع منونس که درین پورشش مجاردارندا ول آنکه زاری ت^شو دم شیس^{ما} چون ای سرروزه Control of the state of the sta दे अर्ग रेग

Town The second ين والمروال المروال ال I comparison with the والمرابع المناطقة والمرابع و الميليم و المائي المراكي المرافع و Shipir Live of house ای تقامی نوجواب سرسوال «مشکل آزوی حل شده بی قبیل و قال « آزم عالم تعريبية المالية ا William Sandring Control کو ن مسخنے مراودل جد کہ حرفی بنراق عرف کدا زفر فی ع صدق بهائی دم بطون بنصنطور نتوان أورد واكرنه كلمه جند نوشتى ومعت رمه دوسه در كمفاطبقمن طبيث فرازان ازا ونهجت ازامى ميان بمي فارع شدعو شومستنج اكنون كه باين حالت سرخن گزارى ندارم خودجه توان نوشت بسرحال ل شور ميره أييج <u>سید</u>وا د مینویسد کرمعاطفهٔ نامی که اگراشال این مقدمات را در محاتیب مشتایا ن مله بم زند مراخط^{الا} روها ندی مرحت که بعداز فراموست بسیاراً مده بود جل محبت نام انها دی رسب بعث توآن نه که دل ارجبت مح برگیرم ۴ و گر ملول شوی لبر الرحيسيدن من منورب ندى نتجت بدواز ديدن أن خوشالي ومت

RA Comment of the second الموادية المراجعة Salar de la companya ودرما فت ایشان وسرگاه آن مشوما رت نسبتن راجينا قبوان نها واكنو خاطر بووتو تتبروالاى شامنشا

ولاتعاد والوبيت وهايك The state of the s Mill of the last o وبكراز دست مرمند فير فرمندى صورى وعنوى قرين روز گارفر خند وآثاران مگانه وودها ing Valve May and the side فطرت ادسخانشحانان جارة اندوه ازبروان طلبي وعلاج آن در انست اردي ورُ الموراد الفريد و المورد المراد و المرد وينش تست وتوازد مكران طمع وارتصيحت كر توخر ودور بين تست وتو بدريوز وگر د مگر دُر (Jagger Wer Million St. S. S. S. ى تنى اين شك ضلالت بايطلب آمدة يسترروان عرص المادت الب وراورد شيخ عراقي ميفوا فيطعت وقائب اندرون خاندوما ورمدزمرويم ذروال الموالم ما ما دو مورث داع المواد گنج در آتین سیگردیم + گرد سرکوی مبرمک شفال + آین تنها رهروان عرصنی بسب و کشای عسنی ایپش که ملکه کوه نوردان کریوهٔ صورت را نیزمیش آمه ه که ارحال خود ماند چشیم طمع درال دیگران و خوست اندخانهٔ خو در اجار وب نکر د ه خیال نقاشی کار آم The state of the s وارندوبموجر ذفت عت نكره وحركص مسدوم اندوخته خود انديده دركروا وردكوا د ل بنه اندنفه اناره واکه دانترن دنمی و کمید برقدیمی و دشته رجانی ست دوسته صاوق الماست تنفيرلاكسعى او درنيك ومداخر ندار دو دخمن قوى داسته ماخو درا وباجهانيان نظائه رزم كراستداند كجوست وسركرداني خود والكرنيك كاران شغيضانه ونياست را درام فلك واجسام علوى مئ سد وبرا دران بني نوع خو درامعت موسي أو والاجون سباع وبهائم در تبخم تت درخيت آبروي مكد مكرست ما بخون جرسد شاكه سباع وبمفائم از مزاران على وبمجنسا ن حو داين خوشي كداً دى از سبرائي وسيدورو يكند مرخو ومي كبيند والرجهانيان بي حقيقت طاهر شدى سراينه بنعت وثمنان معالمه فافهم النسه كداز ميقف وركر وانتقام اندبراست لقا وه كوسشستن في اثرنكر وي تويه فاعلى رزحود ننها دى وحون ل خصت أين كمنو تعيني وا دكه أصلوتسرائ طريعركم notice of bearings in the

وسیابی و کاغذ و رار د برای مرابت عالمیا ن از نوکر واقا فیقیروغنی و وس اول سموم خطا نی که کرشت زار نوکر فریده آنگه سررت تهمسکینے وسعا ملیهمی وشیس بلیخ اول سموم خطا نی که کرشت زار نوکر فریده آنگه سررت تهمسکینے وسعا ملیهمی وشیس وخاطر دارى وعمفه ارى كه درزما ن كم تعلقه وثثت ورمنيگا مرحوم دنيا ورعوع انباى روز نميدارد ومكباركي ورق گردانيده چون گويم آن مامراهمال ی ده توقع دیگر برکونین تواضع ونیا زمندی از مجھ ان شیم میدار دنا کاراز تبہتے بهائی میرسد که حبالات اضلاص کست میگیرد دوباونی عمت وصاحب جو د تغییر ف جه دراطوارضات وجه دراوضاع اطاعت جه در ملاوجه وخلا ما فرست ر بجائي ميرسدكه مبت خود درگر داب ملاكت مختفي مشود ومبركا و نوكر كه خاراحتياج مميش د شخه او هٔ خود کامی شنبی ازان میت گشته جه عربه ه ما مینا پداگرصاحت جندن د شخه از د منتورکامی شنبی ازان میت گشته جه عربه ه ما مینا پداگرصاحت جندن مِسَى سَرِشُورِشْ دَبُّ تَه باشد جِهِ دور باشْ ^{وَلِه} زَالْرُصاحبان برَث رَ^{لِ}مِی خودابهان نظرخردي كهورمبادى احوال ديده اندمنظورة مشتدكا بواشت اعتباجود ن نیفرایندآن نک مصلها که در بندسووریان خود موخی سواگری مرف اخلاص برزیا ادين ديره ميمالاه ميارديو نياود م صدرت بحارد ازبداز دیدایر حالت کوراطی ششه سو دخو درا درزیان خودی انکارندو دید والمرابع والمرابع المرابع المر اندنشهاى تها هاقعاده ما يال حوادث ميگر دندواين كم خردان برست توقع توضعاً ار و مودور مان المان المراد و مان المراد و المر يهابي انصاحب خوده اشته درگوخسان فروميانند کارنج سوم مهزويجه درسال مرار المناس المعام المعام المرود نكار شريا فت سخانخا ال مبت بهي ندانم طار فراق فيست عجب كميخ ركز J. 75 6 1 2 1 3 (0 , 1) نودکر ده رانداندهار لیکن زوجیون و جاره گیست اگر وزی جند نظام دونتان حقیقی را در گدازش محران میداردا ما درسی ساب دوام و صلت سرانجام میدکا Self roll of the property of السرتها بی برودی محنت دوری سیری گردا ما د که نه ما ب بیان شدید حدا-نزير في المورد D. Sind

الم المراق المر Capricia and Line by No. W. A. W. N. S. in Prof. Co. Speling at نصرخامون بدن حاشا اگربیان نواستی کردکی بزیان آری که درخور حصله و ستعداد و المراز مشمعان زمازمت ونه خاطرمشغول بسيار ووست آن ستعرضطاب سرخن شنيال از جنت شن صبري حرفي هيذ تراوش ميكن قطعه زدومت دورم ادين زارتره ب ومنابير تعمل تناردوري ا مال زیار فرد مازین صعبته جه ما شد کار میان آتش وآب اندرون گرفت ایم عدید به ما المراجع المراج عصم اتش كان ست وويده وريابار شكراني دراكه مروه وصال سيدخاط رااز بار ويتوادنا ورايا المرام المرام والمحاري رع نيدىعنى دبست وسوم صفرتم التُدبي ليطف شركرامي فاصدير سيدومفا وصف The of the stander طراوت بخش ل پزمرده ونضارت وه خاط افسرده بو و دعین را ه آور د که مرزاجاتی المران المرافق المراجر ے سفا وت اتی و بخت ملبندی و دلتمت می آمرہ دیروور اعدا دروا شدن ست چگویم کمچنوشالی رودا د کوقدرت گفتار د کجا قوت نوشتن این وصت کیا تانبذى زمرات حردازنام اشعار وقت نهت كمياران طرب ازسركيرند طروشر نبرح دون به من المران راوندیمان را آوازد بهنید تاساع خوشویشی بنوا در گرند المنته در از يكاززا نهمآنا روصله عالى ظاهرت كرچندين شاق دانواع محن كدالان ماز كدمندو مفتدح تشتين واقعن وبوداب آورده دارتفاع مداج كمال كوست يدندنو انواشجاعت كهترس عاياى داتيهت ازلمعات شيوف مارقد آن اقبال مندرون كشت كنبرد تاى مردّازماى وموده خطفر ومنصورت تندويم فنون تنرمي وساكران بكا زان برخرد وبزرگ و دوست و تیمن پداآمه همراتب دانشوری خاطر نشا رجلا هرمینان شدوسم مرسم مردمي ولوازم فتوت وبإياعلى منصد برقر طبوه كرا مرضانجه ولايت تب آور دند و و کرخوب بهم رمانید ندول بنتین سکا طرح و وستی نفس لامری اندوستی مقدسان عالم علوى آافرين گرخو وگزان زرارى محبوب دلها گشتن مفت و بي تقريكي Ohn State of the s 199. Co. Co.

Jan Contraction A Company of the Comp China de la company Contract of the Contract of th Edicon Confidence of the Confedence of the Confe د با دُهُ کامروا ئی مہوشش کفزا فی نصیہ S. C. S. T. يذانا دانسدلسسر للقي موس دواز دعم أورما والهرم To the second se ى تراو د حكيم الجير درا و ندمن وبغور كاروسيدن شيمه اليشان ست وسيدانندكه آن متاع چرب زمانان خواب طن شوریده خاطرمیست ازین را دبش بی اختیاری آزر دگی خاطررا همبیا برآماخفیفت کی Service of the state of the sta ייינוני לא ליונים הביצורי ن بیز درین زوسی روانهٔ آن *ح* را المرسه كه بایران و توران شرک نفاذیا به رست مزده کاک تحقیق مث واد^د The search of the state of the per political والمراز والمعرف المرتبي والمراث مرابع المرابع و المالية و المالية و المالية الموادية الموادية الموادية الموادية الموادية الموادية الموادية الموادية الموادية Market State of the State of th 3,30,000 A. S. 1,100° J. S. A.

المريان المارية المرياد ومعفي كي دوه خي نيخانان منت خداي اعزوال كتبد برات شايسته وتروات بآ My salisa or William Organ ایشان کائیگرفت باتام سیدشکرشا دی ل آن گیا نذره نه کنم با سیاس شكين جودنائم أيكسى لأكنيت تورت كارشن بتبرين جره بانجام ميرسد جرهاجتك ٧٠٠٠ ويُرْتَى ودال كُونَ الْمِورِ من مامي كاري رئيس وشركين حين ن بدا باشد آما د وشوم الري مسيعان والمعنود والمرابات والمعالم المرابع المعالم خودآرایان تیره رای بطرز دیگرفهمیده پاروستس دیگرفها نیده بووندا اکلات مال وأنبالهم ويتأره شرمنع Prisit and Jackson. اساس خرنشا سرج شعاجب بقائي زارد بهان في بقائي اوجب الى كافي ست يحرا بهرزه دربن اب مرف سرانی نایم وخو , را بنقدو دان سیج مضطرب شوخاطشر لفه الکرا المراجع والمراجع المراجع المرا مودارنسيدولضطاب اندازم عزيسن مركاري راستكري قراريا فته زفت لرياه مردگان بوسیده آخوان وار داوخرد والا که هرگزنمیر د شکرامثال این خیرمات لاتفه که میند پر المحار میت فطرت دا د فاکهها نی گفس و د فریشو با میکر د که مها دا دست نوارشش و و Sole Constitution of the C كشيد يشوري نداز والحريسدكه آن نونها ل قبال را راي مخاسب والنجيه أرقستن كاليت نوشة مشوداين البراي ميان فطرت مو فطرت شماست الطبيعة The state of the s إبطبيعت شمانها ببت موفقت وخرسندي داروارا وروقت بحوم اندنشهاي سورنخوانده انطرت طبعت جاك بمنداز ندمج شهرونفي ركو سيراز كارش سيانا ال اسيدكن فيروزندي Contraction of the second of t مهوی و معنوی وکشا نشرط سری وطنی قریج ل آن کیا نه زمان گرو و خاطر مجت اگیرا در TE STORY امورسو جة ديشر فإنند شاراً انطور سيخوا يم كا گرينزاركس في مي مي كونيد تواندشي اورانب أرجي شده فقا خاط نشال كنده فعَّداه بارا كه صدى وكذب طرازا وست دريا فته فوي بانتي Par Contraction of the Contracti Carried States of the States o Sold War Williams

Follow Residence of the Confession of the Confes بفراخی حوصله که از نواژم نرگیسی حجی اله کرده انشاط رااسا سر مهندهگیف که بداندنشی مکی Control of the sales كالمشتة فلخدا ندلشي شووا زارشتي مدانند وانجد برعم كالصيحت ونيكوخواسي اورااگر درخاط حای د هند کمیا رگی معاملهٔ خوستس ارگویان باید واج میرسد که دیگ مت روزا بان حرور درا وسند مجون محاسحا يا ن ابولهفن مسمند كه از وان نامه كاره وازوستا دن قاصير سكريت واركفتار تنگ آمه م شتاق كر دارست Ly Winder Top J. ازكم وصلكي خرد وفط عطوفت أن كانه در خوخفت درومندي صوري خو والنيوكيت و المناور والمناور والم چون مسرت خاطرخطيران گومروالاي معدن فطرت منطوست ازاندو خو ص عوام فرط Control of the state of the sta نى نەرىشدا سەتعالى نظرىرنىشات ھەھىگەلى ماكردۇ گەنلەر تەرىپى نها داراز فەرسىلىلا 19 A. S. C. Comming. این سرعا مزمه عات دارد یا مدولنها نه فنا رما ندما با وج تحرد برد وحورشد دارد در ری جندگاه And the state of t ببت أن راه ما فته متركمو من عاكب مرفيس مارة بينج فرد الدع طار قدس بريم برغم والمراجعة المراجعة ال ميكذرد فود ببرد بارتست وكوزه كروه اندمل مبنور للخ فراجم زمرك شيرين كار سركاة لحرا The state of the s رتهت تحصيرا كمال علاته بمشترا فتدخوال تجردوهمول مبندخاط بولبعب اينيت To Collins of the Col عليمتاني سنروش ميدارد فرو أفرنيش نارخ ق وشد برمين حسان رانشا The state of the s The Experience The state of the s

The Control of the Co W. Jie W. J. Lewis Priviles at office والمونيات والمراجع المراجعة المراجعة Secretary of the second Jan Go Halling نشارا وه وآرواش مبت عطار کا وجم خم ا د ومیوشدو کا دیالیاله شراب م کی استن قاضی شده وایز مجیض شخفی راضی شده و وق دی وشوق کروز کانشانه ت بمطالعة علوم كث ه بود وصبط ردر بإى طلب بعونقيني آن كال افت علوم مشود كراير كالشت وجب ديداران ميكانه روز كارج نوايسه كالمرشدائدا وقات كدارْعا لمركون سيرشيه خاطران Rapposition of the state of the SU TON

كرُ خِيدِ نوسيداماً أَمَا الْمُتقدمين خواجِعطا بِكُ كريمواره ازاحال خِرميكُ فِت امتدا ذِحوانْ اوباعث این تحریشدالعدتعالی مسرت ذیصرت ویا حوال خیراً ل ایشان اا وعرقه رجب على شد بخاشخا أن جهارويم أذياه الص متحت عنى ششش والانامة كربعدان وزيدن نسائم سنتح وفيروزي وسرنبر شدن كاستهان اقبال ونصرت مقردو وكالمحبسة شده بودنيطا فارسن ضديوجهان گارندهٔ ملک معنی آرایندهٔ جهان صورت کنشاکها ورازعارت بخن خرابر روز گازه و برسید نینظر تحسین انتسان درایده لوازم شکراییزو ومسرت ازه وي نوداولياي دولت واصفياي فطرت خورسندو تادان شتند فردامروزروزشادی وسال ال کل+ نیکوست حال اکه نکو با د حال کل ازان ایک افوا دانسانی در بازار حدوث وچارسوی کون دمکان بنگا مدارای شده اندار اعتب له باطن کیشان بنیات جیراً را مسته وظا بارشان با گاهی وا داب فاصله بیرسته کنارآردو ين گروه غدس از مقصد وتهی نبود وازائچه و حبیمت علیای ایشان بو داحمه و حبصور آنام ما فنة ست أن مع اخلاص معدن في دا اگر خيبن فتما ردى د درج بديع وچه بعيد ن نقب ركيخ عير منا مي زوه راكه برجوام ولا لي كه در دوصله أسان در كمنيد و درصدف المرتبة والمراج المراج كارورنيا بدؤست يافته است ارجنين تقاصه جزئيه ومطالب محقره كما غرسندي يشود ا الميويم كطبيعت من خوشما ل نشده اين كارْسگرف راحقير شمروه واسودا گرمن كومر Control West of يكوفرون ككوس كالارا بخاطراً ورداوازم فروست كما ينبني نيرواخت أيكن فطات وأشام أسقاشعار تالاق طاب حرور في جنديتا باندميز مرفو وخارجو من مرا بى طبيد كنيست جان الطلهاى جام كفات بناشخا ما ن بيت الله وعان المرابع المراب

أفرنيش وي كوم كان أفرنيش ايزوجان عشجها كاراي بيكوداندكاين مرائطهن كم نظارگی جاں جهان آرای ایشانست اگر نفتح قند ناریم کامروای شاد مانی مشود خیا اِنشاخ الميك يمقرب والالهن منهد لااتوس م خاشاك روز كاليصفي ساخته ببب يسخير خواسا وفتح ايران زمين ببت ورون فندا ردار وزاول سفرقع أنجام خود وسبت أكر تبستار نباتنه كه در حصالی خشک روزگانی گنجداز تدبیران غافل نبود عزاله ن کشای مررکاه المصليان المنطق المستان جرانديين را باعال ندبا قوال مها في كنست كامياب روا ووسر خطدور ساعت ما مشرنوارد شرين روزيا تراز سيق ولخال ر وست ميداره ندراي الكاول تيكه ساخته ست ليكن مكي مرتبه تقليد شماميكندومك مرتب ازجهت وطاخلاص وكدنشا فهست وفارومكين رابيشتر ينحا مذكره روابشد ورعوست نیکه خدستی اولا ایسد که بیست نساز و ملاتفیا را که در بزم وزرم کا را مرا بدگریخو دهگی کنده و ا انام اگر بعجا ترالوقت صلح کمنداسته ی و نه خود چیست ملاسکیب که شایستهٔ مراتب حقر كاشك نظا وراعت إلى فتا يفتا وي ازوة رمغير كشة بسيم الاخاشانان السدتنا ليدر مضيات حلين حسبوي خت كرامت كنا داكر در فرسا دن امها ابهال يرو عدّبت نهازا فروني شاعل حيان سلكيت كدوان سرطا كفدرا عبوست اها دركواريم إقيت فروكذ شت السية في المت كدان الوامط بت من مراطبية چن دریش نهائم مسنوی ایش آن گرامی را دوشا فرطرتم سیدی خاطرال آن مكاتبات كدسكالمه روحاني تبيت ترشدي مهيد كرورياس فشارصوت مسالمه ومهاف كيش نهاديمت والأشدوب بشايستك رايرعز زمن بدتيا زابستزار وربن دفعه گرفت زیم وق حکایت درم گوش انداخته ممل برطاف آلی رست محد درمر با

شق كهرزرمان داد هابه وندر ﴿ إِنَّهَا وَهُ دُوهِ وَانَ أَكُنَّ مُصِدُوا بِن بِيتَ رُومُ وول لاکروم مگروه از رخت مرخون کم نگروه ولیکن شکی خاكبوس وخدبوزان بى اندازه مداراني ومېزره مطالان گرم نام خبارى اگردوزگارى آل ج يقين دارد كدمميامن اين كردارگزين أن عواكث سيزدر زان شايسته روزي شود برامرن بروجوه ناسب ميداند مخاتان رماعي گرد لنمى وانى كشكايت بجيفايت كنمى وررده درى نباشداندرى توزنها ناه شای می و و مکدام سرورگویدو خیایتواندگفت برجدگفتنی بودنی برمزوایا و برخی با ناستهای برون دادو تحصلون برصافی درون کا ه نرشت و برگاه ایشا نیم دارای ایسلی

Living Direction 143 مجت اثری اقتد کل کل فتگ فانون دان كالبضائد مزاج ثناس داردي ثمخ شيرين منيا يداز عكم يجمان آ ازین تسرحون خیال توان کردوان که نبازگی بوادی من آنده ترون سار بنواب اقبال أأري برطان كوكهدت درجوا بمقرضات بإوشابي بإي جايية يسخن كرد ومكبار كي طرازاخلاص شرخ و داگذاشت شارا ماي

ورجه كارم كشاد في بيث في سكفيت كي خاطرو شوق بركمال بركر داوري ها روزا فزون بارسخانسخانان خاطر موشت قرين حكيه نداحارت فرما يدكم فصدً در تقالات ظاہری ومحاکات صوری ک^{رحس} منومی از دارالملک*ے مقتضیبات* قطه نطازانکه وجمع موردامان ما راعل حیازاد تو دل بی ازم نموده باشد را بغلام فيحب كرعناي حهان ووخته البثيد مبرأا أكرحل وانائ أن سرابند هني وم سأحدث وقت بي مكلفانه طلب لفرموده الدازان تي مرخر دمينًا بإزها وتحراً كرغيبا ذا بالدرخ العن شق قُول بودة تب «زاسا كي ولي تعني و يًا في باكر بارزخ بروة گرفت + كاجِراغ خاه نيان باز در گرفت + هر انجم كر خاطر رده بواد + عيسني مي خدا بفرستا درگرفت + گرامي نامهٔ ان والا دود ان سعا دستيت مهرتهای کوناگون شخسته بعن عانی بشام جان این چراندیش سایید انجام شردوه واغ دل اعدا آمر و خت ازر می عنصری راجان

وترما ورخوتهائ حهار گانه برشارند درعالم بیکراز ما مربکه نبودتمواره خاطر فدروان ازان كزند نام نجاركه إيشان أر كزمانة أن نزومك شدكه مِرداً كلى وكاردا ني أن مكيائ شاسند گان أن نكوتهميغ ٠٠٠٠ الله المالية ال زدود وگرود وطوم غدستا بهنشابی از برغست برا پرخم زمان خود آرایی را که نیر برا بنگیمی چەبرگەيم وچەبرگرارم من جانی درگروونېرنگ سازتقد پر درگار د گر باېنيفنی کے گراپیم كومًا واندنشان روز كاربكطرت وتسكرت كاري كارسازان ولت يكيانبي بركوسري مروم نيًّا مة قصط البالب من ولم نم زماج اي جند كنجير بالب حود باكسي بارم گفت شكايتي كه ز انباي عهد ست مرا گيويم ونكه خرشر مي نيار مگفت سخن ڪيوند توان گفت کا بل اين ايام منرائ منید وجی نیار گفت نی کی جا حف بید نبشی میرود واز در و تنافی گاری تالو وبنظام تناكسترى سياس كزايست كه تبنين كالإدبيمال مرااز كزندزماني رلائي فيشيد ن خرمی و نتا د مانی بوستها د واگر گذشته بها دآید در نیایین گری گر دسته و برخاسته بإشدوجون بيدا نشان كوى بيكا مكى سرزة سراشو د وانكه كمترين مرمدان الثاثثا وقت با وفرموده وجران زده أنه ومندر مضور وسي خوانداين مزده والأحكونه دريق طا مشترناه برزمد دولتی ست بی متا کومتی ست بی یا یان و دیگر و حربی و طرزی چېرشارو د چه از کدار د زمان د پرار نورا و وزېږو د ک ژوري یا د زیا د ه جه نولس العان المعالى الوال حبته الشالى رسيد وعان القالم

چازاه انتظام والت یام کمی بوده محت شا اولا و حبت شا ما نیا استدعایه ما نیدو الله شخان این اسد باشاست نیازانگونه که دراحاطه علمی و درامه ه ایرل ازان مط که در مرضیات اوا منگ «رامدن به مقیم شدن دارید وگزین ترین نشا نصای این دولت اوا أنست كدول حق اساسان لا يرصلاح بدني ونفساني آن بزرگ زمان ما سُ مي ميندين أ إنجاف مزاج خيدر وزميرتيع الزوال كمول جودة نهاسبب أزا براخلاط وعزانها ونجي يقي ازدا دارجهان آفرين شناسند ومعالجة أزامنعصر وروا بأدين اطباى حبهاني نها و ربغه ورت معجون روحانى اطباى نفساني بردجمت بكارفطرت بردازند وخستين كام برواختن سرر محاسبه دائی ادرازکردن دمینا ورگردانی نسست سفای صوری مومنوی روزی ما جبیت میم المام المرابعة المواد المرابعة نووژی ه دالهی سندی و شِت دراراسه لطنة لام ورگاریش افت شیج**اننجانا** ن آی شا ُرودسپر آمده از قدر دان شوق فی فرد و دفیعای از جانب فطرت خو دفیول فرمایداگر درین جه ورو^ک الوقائد المراجع المراج Section of the control of محاسبةنفساني يامطار وفطري ازيرسسيدن أشنايان تفقي ودوستان منوي بازدست مبارك باو وگرنه بزودی توفیق مازگشت وندامت ازگیسشته دیا و دوستیت که آدم شق خلآ المرابع المراب روم درین دوروز صنیافت این عرب دروط فرمهجو در وسل دریشا مطمئن کرده او دبان بالمراق والمرسية مفاطب ومينول المظ كفت عيد الكي بشديار مرجيت درستى زجام عبية لفت إيا المرازاة المحاص المراور والمرازا عِتْرِضْ مِن الله الإن دوزرج بميلرز دهرِ ما + گفت أخشْمُ صاحِد بودا مان بِكُفْتَ رُكِينُم والمرابع والمرابع والمرابع خریش اندزیان به آرزو بگذار را رحم ایریش به ازمو دی کانچنین میبایین به گفت بی آقی مر STATE TO THE STATE OF The second in th Maring solidar المراح ا المراد ا

A. Far in Artistive it. من نديدم وجهان حيث في جوى بيج الميت بازغوى كوى + النيوكم أنيالنتر بيت في الم والمرابع المرابع المرا فروردی ا دالهی سندی موشت علی شربهتماشخا تا ن توانگری خاطر و صحت بدن ماجم متفق بوبد نصيب روز كاروخت ه آنا رّان يي برده راه زفته كامعاني باد وتمت كيمنا چون فطرت بلنجليس علىب انس أن زرگ خانوا دى خرد شوا در شك ارسوا پيشاني گرانی غنون س white the same of the few of the And the state of t جسم وشفت كي نفس الطقه علوم ت د وبو وسرحيد ميدنست بدر ورعنا برت ايزوي كم جارس ایشان ست باندک رینیرجسانی و قبلیلی زمجاییب به نفسانی تا این زمان یا پیده والمرابع المرابع المرا المثنارا ما هيأ را مراسم الطاهرة بوشتن اين و كلم مصَّدَّع مُّور و مفرح الشان كشت أثنيًّا بالخير بخانخانان دروزة شبكرا ولبس نامه مغلوب طبيت شده في ست كانظة خاطر برامه مگامی چند در بدیامی صورت زندند کی که این منیت بی اختیا را ندفعل نیایثرا ما بایدور كداين أبنكث باطن نهباي سروروصه وآن نرركه خروست ليكن بإي اندوه رسيات رفرگا است اگرچاز مشرب بهیت بفرسخها و درست اما در مدمب ابل تعلق سمی ست پسنیدیده محاسبه زفان ببداری ومنگا مزواب بروزامچگذشته وایند ومصراه نظری انداختن فروز وازاستك مبوش ربامي احراز لازم داسته ماس فراحي حصله بايدوشت اعرود ووور كامياب باشندوالسلام مخاشخانان السدتعالى ازبيلا خطكيهاي تركازان بركازة رامحفوظ داراد تامحلج طبيعت شورترل فزاي المعجبت نكره ندوست وريت عقل صيح باعث آن شدكه این و کیلمه كه مدر او کلفت و قبل او درسرت انداز و نوست ارافقیا كا مل سِتْفاي معناوب محبت شده دروم بيدكا بت سرگروماخته فو وشق سك ميزارتمنا مراجيجهم كرغاشي كنذل شيد مراجهم مجبورة تعدا درازان وترود مة باييهوو وفر وسنا في المحتى عماعوش شريحت الشحايان

المدتعالى قرين اصراد سرندارزوى ان كرد كدرف ووى سيرى كردة ورت أبيت ليغز آدمی را داز و ہمہ وہرزہ کونی عن بازان بیکا رقوعهی سا د ہوجان کیمٹ و ڈیڈ کاریج خلائق دِننه و , دِنها نهای ووما یکان منگ شیمیشین کداز ناممیزی یانیک اختری نبیک^{ان} . انتها ه بیداکر د هاند پنجلیات بدیع فرومیشونه درین وقت بژرمن نگاهی طوماحا ای بین و حال اوریا فته اگرنیروی گردیدن ایندخو د حبهتر واگرند در کریوه توقعت نمو دن سرایی دلیت شهر ندمن خودا نیزگی اخوان زمان به آن ما به ملال دارم کمفار ما دری تواند کرد درگردایی در ما تعلق برد و میشر دارم نمیدانم نامانهٔ ما نه توانع میها دمیشر قرار داگرچ میدانم و تبخلف حرف سال لاه لاندنشه تباه مي تنماس را د ببرجال أكراك نُدُلدًا د خود د زُمْر ل تو نشاك نوفيق كوسشريفس بأفته قدم برشا هبراه فرض قت دمشته آميد واگر نه شاپيركه دستانهمآ ا جیا بقتصای دولت منشی وانی جاره گری فواید و مهر دوسش که باشد زبان رااز لفوول ا اربغض كالمياني كندشا يدكه اين اويه مولناك دبني بعافيت سيرى كرودازهمات ذبيري بفامين فرامين كررسا لدانكنوس شترميشه وبسندنوه وتموشي مكنديم مردم ليكسان The Control of the state of the ردن *برای چه* و ناماخ صعانه باخو د نکردن چه العاقبته باخیر محاثماً ناک تامیری See all it despitable حرو**ن بيگائلي عنی نشاطا فزاي تا شائ شائ گرفكاری روز گارشد وطبيع^ي خام سرسي** نظر برديرين حقوق ورسائي ومرداكلي وباليشناسي نشان آرزونا درسروثهت مختي عمزو وللماى ودم كونوشتداندكه بطلب رقداع جافرست الجدورا رقم ندبرفته موجه ووتوقف بحانمو ون دراه خاصر والمرابع المرابع المرا با دجر دُست شاكد دخِت بارورخود ميد نست خيينها شو دازگر برخبر و كرانع A John College اگرطلمیان امن درمدی شوندعی ای برل می نشینده من موی زمانه و طنیان

والمالية المرابع المرا 10 F Secretary Comments of the second Michael Control شوت اینجانب صورت ندمهندوار دور کوستها پر امروز كومن درمعا مله باشم وازمن نبرسسيده الن خيانكه كامشته اند نظهو را مد دربرا بران جها يرد وخقع مجانب كبيت وأنكه دراباي دركنو دوجه محقول نوسث تدا مدسخن سام نست لكين Sale of the sale o چەسو دكەكردارىكىفتار بىيوندى نداز دۇمجىب تراكد نوست نداندى كېيىپىچ كىراز كىشە كىرىيا ندەر STATE OF STA كيبوستيه برنا تپوربودندآ مذماول خودميزا يوسف خان باككيان كهازيخ بنراك بوصبطت ايشان رفتنده أبنج نوست كايشان حاضرت توضيل مردم علآوه نوشته وا وم درین صدمت شریک بودند والاازمن نها چه آیدو چون درشا ه گره توقعت بیارشد و شوى وبى أزرقى مين گرفت مهد اطلبيده خود ترب سرسته روانه عانب حرنگر شد در اثناراه روار ومردم درميان آمرا وجوداين جون خزاز بمراه بوده وات كربين مردم من رودوي برد غايدجون امرعالي شيد ونوشته أيشان بي دريي أمدازان غرميت مابنامه وخاطر رفقة سرشا مزاده ا مقدم دست ونتیجهٔ کددا دانگه آوازهٔ تغیر درمیان اقا دواین مردم ابهز دگی شگرف روی دا د واکلهٔ نوست به اندکه درخانشهات شام از ه نولیا نده بودم بالیتی ای مشد که خالفست ينيت مشورتي باينيمو دفغير كروني لبيارا نداها دروقت وازرا فهميب كي وعجب ترا نكه كوشت وراصل فرساون احدی عبت اوردن بلدار وسنگتراش و درو دگر بوده که در ولعگیب ری دل

Control Control San Calle Calle To les ب به مروانگی و دیانت و کاروانی و خیراند کیشے سنرا دار دیوانی کل ست^{ع از} و و واندمن ممنون شدم وكارشا بتهرشد وانجه وركاب مأرشيد يا دا نِفطرت قاريم دا د طبيعت وبني افت ماخو داز دويي گرشتا ونز دلی ناامیدی بسرشود و تاکی کابدی در سوداگری میرود باری درین شو بگاه کیت النيكو ما زر كان باشيم مت ت والكردراب ايحكا م موادمحبت ولا ويزسخان مرقوم شده بود سرگاه حویا کی این درسرما شدوآن شود چه شرخیم وصا بامشل منی مکی فتی والمراجع المور مالها والمراجع المراجع لم خودهشی قدرًا بی ویر رنبج زود آشنامی صاف درون خاصه کهٔ حرخشداز میان آفیاد و مربدر المراثية وليورو المراثية المر ندجيا نجديين لزرع ضدشت وشادهام وسركراني كدارشا وشتم بشانوشته بودم مدن شا نبراد ، والاا قبال ديرترك باشد خو درود تشريعت آورند نالشا Sirili Si المن المواد وفرة الما والأواد ينبين للان المرابع الم شنو بيشو د كهشا يدايشان بدرگاه والانوست My Maria Maria ياريا كذنته رزجون مطابق فاقع نبود وتهانها بخم كالنحو دروغ نيدشت ومبن وهجود بخواجه ما كاركن ليثنان امرعالي صافيرة وَ الْمُرْالِينَ الْمُرالِينَ الْمُرالِينَ الْمُرالِقِينَ الْمُ والمرابع المامين المامين

"Kind he de son in the كوتبعدا فشكرشود مامن خود طاقات نموه وحصت شوخ احر دبنشين كذشي اشخا ثال الإ و المعامل المع والمروي المعراد من المنازية شده بودگرامی مطالعهٔ آن اختطاط وا فریافت گانی خطیردار دکه مرایان جگونه رست میا المرون المروز المراز ا وخاطر عزيز حرنست كم وقتى باشد كربى ما وايشان مُبذر وسبب نيامدن وكست كماز مزاج رأ المارين المراجعة المارين المراجعة المرا يَّا ٱ<u>شْفَكُ ازنا يا صُكَّى نبض وزگار ما كلالى از رگ</u>ذرجب مبا واسدتعالى ورسالك سليم وخل المادل الموم المنافق فعلوه في الم وسندوارا ومستشا الدولة وموتمن السلطنة عظمها ن كوكل س السدتعالي اعتصروانش بشمندي دا درمراتب خردمندي سرابند واراد وور پاوشا هصورت ومنی از عرود ولت مزحوش گردا نا داگرچه خاطر بمیشه ارتیات که رابطهٔ دلیخوا^ی ونعمت بروردگی کمپ درگا وآرکیت اتحا دخش مینحوا بدکه طریق مراسلات فیها بیر بسلوک تاله مَا باين وسلدلواز مار نسست تبقديم رسدوگويائي وشنوائي مقدمات نفسر إلامر وقعط آن منصوص این ما زمیت فی علی منصوص از طوا گفت عالم ابنای دنیا ازین عظیم عظمی محروم الف ر دنیا دان این کست کشمیت گرسته دارندخوش می آید کدایین جاده و اروان ساز ک^{ومباد} ازفسا دزمانه وزمانيان محمول بإغراض دنيوييشود ونيزجون اين كسب بمدر فأعت بیغا*یت ایر دی آبنگ آن دار د که دیسلک مترسان روز گارکه* با و ل^یآلو دره بان وارند مسلك نباشدا ينمعنه باعث آن شدكه درين مرت مديد بأوجو وآن لازارسال سائل كمشعاشكليان يرم وعادت ست مازد ثبت ما أكدورين ولا بوصب عَمَّا لِي الرَّا وبشَكْشُود وتَعَلَّمِي المِعْمِيا نَعْقَدُ مُقْصِد كِتَّا وَهُرِّر دُوْ أَولا وَقَيْمَةُ سَاسا وَفَا عاقبت أزارمور جازمقياس فيريشه برترت سوعا قبت أزدن ما يتما خطا ببروباطرك

مت اورزمه باشد حکونه و کمیال خیال درایدایید وار درستی و رستی و دوبرنی ایشا ب كنظاطرى گزارغودراازمقدهات وحشت آمنرخوش مرگویان كدورلبانس دو لوازه وسمنی کنطاطرحی گزارغودراازمقدها ت وحشت آمنرخوش مرگویان كدورلبانس دو لوازه وسمنی بتقديم رسائندغبا آلود فساخته درامتثال وامراه د شامي كهعقلا ولقلا اطاعت آن وضست مرسائندغبا آلود فساخته درامتثال وامراه د شامي كهعقلا ولقلا اطاعت آن وضست جميل نمايند وانزامفداح ابواب سعادت ذبيوي واخروي شمارند ونصابح ظل الدي مواعظ باثنا کاکسیژولت وکیمیای سعادتست بوسیکه دل فراخ حوصله وخاطر محبت آثر و دیده دورن مطالعهٔ فرمود همراسم شکرایژدی مجاآرند نامشا و ران دیم مجاوران نگدلی که دیدهٔ بیشان جز برمبادی مخی صوری مفتد منکوب و مخذول شوندای عزیز نمیز وقعی درست عقل و وربد اگر برمبادی خی صوری مفتد منکوب و مخذول شوندای عزیز نمیز وقعی درست عقل و وربد اگر امروز بجارنیا پریجه کارایوصنوف محاطف و فون مهربانیهای شابه شاهی که درخلوات و حلوا امروز بجارتیا پریجه کارایوصنوف محاطف و فون مهربانیهای شابه شاهی که درخلوات و حلوا نسبت ایشان سعلوم شراگه بگویم سطح کوخها طب که با ورم دار دسیخن بسیارت وقت کم نشا، اسد تعالی که بدارج اداشو داکنون خاطر خرخوا هازایشان مستدعی دو چریست یکی اکمه بی تو بخاطر جمع ودل خومش متوجه تنظام مهات گرات شوند ولمتمسات ومقاصد را کد بعب از متسورت جراند بیان دوربین فرارا فته باشدازا حرابا دعرصند شت نمایند که از شا را دستریانم وي نزيا كالمراجع المراجع والمراجع والم والمراجع والمراجع والمراجع والمراجع والمراجع والمراجع والمراجع بوجه است صورت میما مبرد ومما نکه یکی ار طازمان و شنایان را که برستی و میش مینی بردیا Distribution (S. ونيكوكارى اوكمان وستتهاش ببطائف تدبرإن جنان توارد مندكه حق را وخلوت المراج ال بي خوشا مدكر معن ج و لهاست باليشا ن سرسانده بشدكه بازارخوش مرائج وشاع المراكبين المراك راست گفتاری سبس کاسدت وصاحب و لیان رااز کثرت شاغل و از در خطر گخی حق شنوی اقست ارست اوردن راست گویان درست کر دانمیست وجدمفسالی که از من حق شنوی اقست درست اوردن راست گویان درست کر دانمیست وجدمفسالی که از من فأن المراجعة المراجعة روی نبید بالی غزیز نمیگویم که میشه دوستی ازمن د شد باشید خواش نست که وستی المرتبع والمرادة أوالم فیاے ویمی دازدل درو فاطر کلتاسیج خود را گلتان از دو لا

المراز المعالمة المعا المريح لمووتان بالانكوم فورا الريان المريح المورتان بالانكوم فورا الرواي ور البارين فريما كالن المراد مع الله الله الله الموركر وعم و شادى باشر ملكة تطايوى خاطر والآن ت كدا ولياسي لوت المورون المور صاحب بإدفنا وخود راكه درين دولت البرقرين خدات شايسته كرد عيار سرعقبيرت المرابع ووتانو المرابع واخلاص خودا فلا سرگردانیده اندپاسانی نموه و بی شاکه اغراص کیمیت ری از برادا न्त्रां ने जांगे परिष्ठे हैं دینی ازان مگذر ند در مارگاه معطنت جال از ای این طاکفهٔ نماید که مبا دا ناتوان بینا ن شیر ومعامله نافهان شرارت انكير بإطل رالباس حق بوشانيده حن ديوجهان رامتغير كروا اگرچیند بیجهان در پشتر متنی و دور مبنی و قدروانی و مروت و مرومی آن ما میددار و که در of the state of th كاسدى مازار شورائكيزان ورواج نقدا خلاص مخلص السخيرانديشي امثال كا ممّا بنيت ليكن جون درين كارشكون تصنع نيبرو د وبعيت نهاده وست قدرت Culto Charling اسيدكه دران نشار بكارآيد و انآلاش في اروكها و الوحان بتعدّا بمراتب الك The state of the s اظلاص برنفاوت مستعدا ورمانية كامياب صورت وسنى كردانده جيت فويوس ويرك The second second خرد مندان كه فرموده إند نبرصيحت گربناصع مختاج ست من بمهارخود بني وحود آرائي بوده طبيب جاره گراشم و آلنا شرارت بيشها را كنر در بناى شان تيره شده خلاص و درا درما خودی اندلیشند تفانون مهتدی گرداند دسرگاهال بن حرامطمئن جنین باشداورا کی خ وعكيني ارسوه وزيان عودش وي ديه ومركا هامه فردر دولت البقرين شل شا درضرات واخلاص بلبند وقدم ضرمت وفزوني خرد وشاكستاكي حال ضميمنش وكارداني سابق شواكم The state of the s See Seid Steel Collins Scille The Silver

ونظراين عابد شناسنا بشدوبي شائبة تلف ازگزیده تربین گروه اول باشند میس نیمراندشی این شارانه برای خود و زرای شامیکند ملکه برای علامی اعلام دولت ابد قرین صاحب میکندو پله رسامه شيره از كوة عنايت صاحب مع دميداندنې مرسدانكد سركا فعدتني رجع شوكو دنشا ولل الكريت بن ثائيه عندتى في تكلفانه كارث و دا آزا زمتمات ضرمت با د ثنا بن و ت بيعرضانة بالكن دانجاح أن البهام نايدومن كدبها ن طور واركوبها ي حود إطلبكا فم الأوكرو كاردانى نيويهم امرا ورجر عمايت خرد كرفته بياريهائ طني مراجاره كرا يريمنان داروي بهم وارم كمر كدا ورابرت بي تحرص اندوه النه وي الله ويمان كايدوع كنداميد كه شفا يابدو كايت A STANGE OF THE SHOP A الهي ندور مداول مفطرب وندورهالت أنى خروستائى وخراشتن آرائى ليرل عجه ندرين . بى أواصعات سى كەخاك بېتران بادېچىنى ارمقد مات لازم البيان مى پرداز دېينته ازا كارفىميدۇ خاطرخود لىندويىدازنوشتن سرگەشت وقعى گزيزىدار دېچەن قرة كېمين سعا دىشىمسراكدىم مجم ا ين أيكوه والعرض القرس مل نياز المجا كه حضرت ومنام و فوعنايت وعطوفت بود ندكيا ك A. iditimizing ب شدنداگرچیمشه پیشترازین درخارات اخلاص قدیمی شا را مذکور میساختند و مرکاه کوتهاند A Control of the Second of the من الأن سنبت ميكر وُلفت را ظهار مرا بي ميفرمو و نركة ان كوته حوصا محلت زو وميثرو مه درایا و داغ مشکر شانهایت توجه درخلا و لا بطور می آمر صلی اضعوص درین ولا که رفد اخلاص درخت خود مینت توجه نیابنشای شطور رحمت الهیگ شرمصد رضا لانقد شد واندج فتع جام وجه فتح جوندگره وجه گرفنارساختن نو وغیران چه گوی که چگونه مفر شَمَاقَ عَالَشَهُ الْدروزوشِ فِي الرحشْما لميكذرووجواره طلبكا راكدي باشدكه ورو وفولكسيرورشا امتعمول لاح ضروان كروان دانجه شابوالد ومقدسه وسنسرزندان وزر الله المراجع ا المراجع توشته بووند فطا برابو دكه شوق ستان بوسى انقد اريد كه درين نور وزعا لم افروز وزاخ البيد

والروز نوروز نتوانند بشرف حورالب تدرسيه وخوا برشد كها تي شخصے بعرض قدس رسا كدايشان بافتجرد بي تنبام خدمات خود متوجب بزيرة شده إندكة ان لانجوزه سحيت راند اعث تعجب شدحه ن از بن خرخوا وجمهوا نام ریسید ند بعرض مانید کداشا ل سنجا ک The state of the s جزيتهني مكويدواكر رفتن فاقع باشد درانجا وغدغة حابدبو وكهيون بلازمت مي أيند بضط رفته باشند كه خاطر كيها رسك ازان صرود جمع باشد وحاشيا كه فتوريب وإنتتياق ايشان رفته ما شدر سي زاشرت آمد وگویند ه شهرمنده شد درین کرخفرت بیش از بشه متوجم شااندوکوته حوصلهای ناتوان کی عنایت روزافز و ن شامهنشامی که دربار هٔ الیشان طبوهٔ طور مید بدورسی و تاب اندکوکش^ی اس سدید آن خط لاکه من نوستنه بودند لیله بمرم شورت نايد بدست اقدس احسب الحسكم قرة العيشم الدين محرمضمو العريض رسانيدارشىنيدن آن فراوان تعجب كردند توبست بين فرمو و نذكه عنايت ما درجهايي ست وغزیرمبنوزاین طورهٔ مینولید ومیشترازین مطفرخان وراجه تورّ رما و دیگرن انجامهر سيكروند بالسيتة اين گله دوان وقت كردى أگرية انجابيم جائ گله كردن آنها بنانی از بنده خاسيته اور بارهٔ آن اعتضا و اسلطنة نبود ملکه چون مهان ورخانه ناگزيمکي بايد ورموُ بهرکداین خدات مفوض میشو د مهرکرون درجامی مخصوص تا بع آن خدمت ست اگر عظمیٰ ن درد رخانه ابشد ومتوجه این خدمت شو دا ول وا ولی اوست جنانچه امیرالامرا اميرالمعا مذنبزبو وتوم ابنها كالعا وخواهند بوداندكي ببطنكي تشعا برخاط اقدس گران آمده بو وحیرخوا بان برم مقدس ننان لا ئت بعرض سانده تدارک ان نجو بترین فضم

109 State of the state فراغ یا فت از فهمیدگی خودمینولیس عزیزمن گوینده اد نظرنیا ورد وگوش رسخ درين ينكام عم وغصه كذاكر إين نشا تعلق ست تحظه تقلاوزى خرد و وربينج دراه كالربو دوشست دخاست نوكرتا فامطلقا بردوگونه تب نخستين طرقومعا لمه وآن رشته حساب کا برشهن ترازوی اندازه شناسی برت گرفترخ وم اخلاص و آن دوی وغيراز نظرمر د شتن اگر حيفكما د زا مهاشي باستاني نوکر استيسم گردانيده انداول انگر اجدانه وسوراكرانه بشدغيا بخرخياط وورودكر ونباروامثال نضدمت لا ونظربها وتتاع دارند وشياروز لا بكشا ده ميشاني ۋسگفتگر سيكذ زنب د دوم خلصاكثر نظرر دوشي دهشته چنري دگیرنخاط شنمیرسدوان حاجت بنیال ندار دسوم امپرلهز چَانچِهِ جَمْعے را بہتم وزور کا فرما نیدجو ^{ن کہی} کشا ن فرنگ وَجِر رَّزُواراْن ہندوتنا ان کم · 6.4 زوراوران مجى انروراز وگرفته مى آرندا اقسم الث چون از طرمن اقا درت سخن را The state of the s بران مطاميه دازم حرفی چیذا قسما ول که ماینجا المنافرة في المنافعة والمنط الزاريا فتهُ والبمهُ خورت مرتم مني شم درطريق اول كرنط دورمن بهما ومتاع اقارها ﴿ وسود وزيان خود خطور شالكا ن بن مسلك كة قرين نصاف ورمين تميز اندا كردين سوا زبان مندميشوندازرده خاطر نيشوندكه كارشناسي وسيرمائيسو داربت دارز فكيفك The way of the state of the sta سودمنداً مر ماشد دان كرسودب يارنشد منفعتها ي كلي روي مدا وازر ديميشوندا گرچ ر می وار تریمن کران این از اب*ل عالم بنیشری این گروهٔ ندلیکن و رسلوک این براه بنتمیز دا نصا*ف درمعا مله جای خود در کی در امنو در بھی ابنی کرنے آئی۔ میں ارامنو در بھی ابنی کرنے آئی۔ نميفرط بيذالحسب بسركه دروستي ورستي شا دوست وتؤمم بتعفق اندبس أرشتخصانه الما من الماريان الماريان الماريان المارية الم امعالمة فصے شا راازگروز فی نداند کا وشورٹ نمکین که بانداز که دریا فت حوداه برودا م فرق المرابع ا

اوناچار شارازخوبان قسم اول خوابد زمهت کیب شکوه شا از طبیخان برین تقدیر بطوراین م حسابی نباشد شا از طبقهٔ دیگروا وارگرونهٔ گر با آکه در شصب جالت واعت بازر دیک شمایت ingle in the second of J. T. Janor Mayor وقطغ نطرارينها شاكوكه نوسيت شانسبت فزرندي وبأأين توحهات غاص كخاص مادثنا المفريد وموزار وراكن ببيسته درباره شاخا سجدارا اسم فرزندي بزريان كوسوشان شامنشا بي ميكذر وقطع نظر Proceedings of the second ازین خدمات شایسته که ارشا و نسو با تنگی بطه آید و کدام نررگ زما ندامیرسد که در ان باجمعها Minter polices in the second ساعت نايل على نشارا رسدكه وادر باريد رزدوا دخودا ورد تهكو كهندام مرزادا المقوى وكمن المراسقة والمحالج لمن بردهٔ دربرابرخو دار مراتشی اینها رنگ امینری قوت غضیصت حاشا ارشل شها بزرگی گفت^ن لانيهداه باشد وينجنين غلون عصرشويد واكراع أص ازر كمذر مذكو كنجاليت روات زمان سالیت به دو به بین حال و خلاصه ها سخنست که در حواب این بزربان شام نشایمی لذشت غزيزمن جيثره مرجاي جرموم وعجالس من شينندا گرازوي عصر كل كنن وانجا بكنن كدحكونة أومي برجاي حيانوع أوحى كشستهت ومهزحو نقشتي بين مسيت كربحا بقيشي جامي گرفته بهت ازین مازان چه قدر تفاوت میعامله دامان از کفوخو وشکایت بکردهاند سميست مآشاني سركهازغير كفؤ تنخي كويدا ولأكفوخو دساخته درازارخو دكو شداصل خودم كه عاقل وربين إزاعت بارات معنوى ديگري كدنها في دارد آزر د فيشو وي جاي تباراً ظاهری فت پزرای نرگ رمانه شما که ماریخت مهای بهستانی بسیار حوانده اید چەدل باشال ين تقدات نها ده ايزفنا وزوال يشينيان عبرت بخش نيست اگر غضب وغصيمت ولى نبات شارات فرصت أزاداى شكاله ويا شابي بهير تا باشال بین تقد ات بروازندشگ الهی که ہم صفات آرم ندمعنوی روزی شاشده م ا بزرگ ظاهری تمیقن و رکتے دور کیست را اصلات درین باب جیسخن در ارب

141 State of College of the College of t Co. Height Co. A STATE OF THE PARTY OF THE PAR ودبوون كفرست حرجاى سكو والواز فراواني شنفا كالعاص سنربا خلاص يسرواز ومليه خرسندى خدورا وببرواجي اخلاص حروميدا زجه ميداندكها خلاص متاعيست بي بها ارُّ نعت روا برا برارند ومخلص ل مان ندگر سرای بها ایخزف ریزه چند فروخته باشد و از دیک اولین کا دربرا برارند ومخلص ل مان ندگر سرای بها را بخزف ریزه چند فروخته باشد و از دیک The state of the s يتعديت كشاازين كروه والابانسيدارى بشريت مت وفروني مشفله وفرا واني صاحب Control of the state of the sta يعين خوشا مركونى كديرى البرنيك توجينا يدونكى زمين والزبها ن كذوا نداكر الربيعم وأوى ولين امويشوه وميست اما مابيركه زود تربر بهنموني خرد والامعا مله فهم شده صح خروخو دگرديم RC. M. Santa نفته کاست سرکه چارهٔ اندوه خود راز دیگری طلبه دراندوه ماندکدام جر ت ونیز حوان وفاعل نه بیانگا وکندین نیرست زیما بیست افتد کرمختا بیاصیم واهما نشود ونيزاكثرا وقات والأكم بيم مرسد واكر رسذستى دوست مباشد وبو بسطئة ان عن District Constitution of the state of the st بخيتوانگفت ورفقد بريديداً مدن غين خيراند ليشه كواند بشهيج كرده توگوٹ كەبشنو دچياز قدوجېم بردا ئان د شريران آن خيراندلىشى كجابا نەخصوصا كەلىل Jan Par Jan Villan رااز فرزونى مشاغل وامورومگر فرصت تشخيص فتيز كمتر ربت مى افتد و بااير خال خوشا مرگو المناسبة المناسبة المناسبة المناسبة Jan Probable Sulling ملخی دارد بنراران فریخ دوری میجویندمن که از سیم م تاریستان و شریران درگفتگوی ش منات فرستان المات المرات المرا راه محاتبات بكانيات مسدو د دارم راي انكد دولتخو ا هضيقے اين در كام بيديات الأداني المحادث المحاد کر دم اکنون باین دوگله اختصار میکند کیجیسی چزمقید نشده جین م آسان بو خود را بلازمت رسانید که خرخری وخوشحالی د کامروا کی دیگر نخوا برخوا سرخیان المرابع المرابع المرابع ئة عال متوجث وباشياً كرخاط وقاد آن بزگر زا ن ميل دېشته باشدگرسخنا Participation of the state of t Marking Contraction Sinciple of the second of the esternitudos الموازر المرابات بردنان زوالر ديران (The state of the

۲۰ من المرابع المالين المرابعة المرتارة Stock of the state john filmaking less حسابی نباش شا زطنفهٔ وگیروا وازگروده گیر بآائکه ونرصب حالت واعت بازر دیک شامیت 3. Talos de la constitución de l وقط نظرار بنهاشا كوكه نوسبت ثنائسبت وزندى وبأأين تدّحهات خاص كخاص يا دثيا المقدامة المعاني المتعانية ببيوسته درمار رشاچانچه مارا اسم فرزندی برزمان گو سرشان شاسنشا هی میگذر د قطع نظر والمراق المقارع المقاركة المائية ازین خدمات شایسته که ارشا و منسو با نشجی بطه وَید ه کدام نرگ زا ندامیرسد که دران باحمه عماه Mind of the first of the state بساعت نا ياب منظونه تنارا رسد كما وا دربار بدرزرگوا رخو دا ور د تامكو كهندندا م مرزارا المقوى وكان المحرسية ورايما لا مار المسلم المارة ا برده دربرا رخو دار مدارتی اینها زنگ امیری قوت غضیرت حاشا ارشل شها بزرگی گفت. برده در برا برخو دار مدارتی اینها زنگ امیری راانيهمه لاه اشد و خنين مغلو نعصه شويدواگراعواص از رکمه زور کو گنجاليشس شوت ا زمان سالیت به مود بهتمین حال و خلاصه ما منجنست که در حواب این برزمان شامنشا بی گذشت غزیرمن چیمر دم به جای چهمر دم در محالب می نیشیننداگرار دی عصر گلرکنن دارگا بکننه که حکیوندا دمی برجای چینوع آدمی کشسته ست و مهزجو نقشتی بیش میست که بجا بخششی جائ گرفته بهت ازین مازان چرفدر تفاوت میعامله دامان از کفوخو دشکاست بکرده امد سي ست بأشاني سركه أغير كفؤ تنفي كويدا ولا كفوخو دساخته درازار خودكو شداصل جودا كه عافل وربس إزاعت بارات معنوى ديگري كه تفالي دار وآزر و ونشو ده بهاي مسات ظاهری فت پزیرای نرگ رهانشا که اریخت مهای بهستانی بسیار وانده اید چەدل راشال ين تقدات نها ده ايدفناً وزوان ين بنيا ن عبرت بخت نيست اگر غضب فعصيستولى نبايته شارائسك فرصت آزاداي شكراك ويا دشابي يميتر مًا باشال مِن تقدمات بردارندست الهي كه بم صفات الحمند معنوي روزي ثبانسدهم بزرگی ظاہری متبقن وسٹے ویرکیسٹ الصلست درین ماب دیسخن درامین The little of the land of the The state of the s Sie de la company de la compan

141 Section of the sectio Side This see وه برون كفرست جدجاى تسكوه اواز فراواني شغلهٔ اصلاص به باخلاص بسرواز دمليه the confidence of the state of رسندى خدرا دبيرواجي اخلاص حدوميداني حبيداندكداخلاص شاعيست بي بها أرفعت A STATE OF THE STA ونين كأور الدارند وخلص ل مان بدگوس بي بها ابخاف ريزه چندفروخته باشه واز دکي ربعين ترشاازين گروه والا بانسيداري نشريت ت وفروني شناه وفرا واني صاحب Control of the state of the sta يعين خشار مرئ كديرى ابنيك توجيها يدونكى زمين الأنها ن كذرا نداكر ابيهم آدى ولين امويشوه ومرست اما بابيركذرو دتر بريهنموني خرد والامنعا مله فهم شدفاصع خروخو دكردير كفته كاست سركه جارة اندوة حود لاارو كرى طلبد دراندوه ما ندكدام جرست كه قرباطن او ت ونيز حوات وفاعل بنه بانكا وكند بمريز سن بيا بيت افتدكه مختاج اصح والأما نشود ونيزاكثرا وقات وافاكم بهم مرسد واكر رسذ سنى دوست مباشد وبوسطنه ان عن Take ! The Colorations فارتان در المراق ت نیتوانگفت ورنفند پریدا مدن چنین خراند کیف کداند نشدیج کرده ریتها گیز توكوت كوبشنو وجداز قدويجوم بدذاتان وشريان آن خيراندلشي كبابان خصوصا كالأن Jana Para Para Jana رااز فزونی مشاغل وامور و مگر فوصت تشغیص تمینر کمتر دیست می فتد و با ایر جال خوشا مدگو والمراس المحالية والمارية المراس المر تلخى دار دبنراران فرنع دورى ميمويندمن كه أرسيم ما رئان وشريران دركفتگوى ته مان بران المرابع را و محاتبات بكانات مسدو دوارم رامي انكه دولتنو ا و تقیقے این در گام بدیر الهمد دراز ار دم اکنون باین دوگله اختصار میک نمیسیج چیز مقید نشد دعیت م آسان بوشی و خود را بلازمت رسانید که جرخری دخوشها لی د کامروانی دیگر نوار بوداگر چاها سرخانست (3) Jack 16 ئة مال متوجب وباش أكرها طروقاد آن رزگ زمان ميل در شنه باشدگر خنا Selection of the select This property of the second المالية والمالية المجانز (داندان) يردنان زوال يتران (Spirite St.

CE, RA COLUMN TO THE PARTY OF THE PART این چه قدرباشد و برگاه بندگان بی بودن حض بهشدرتيها رداشال مامونگث مكوته حصلها نبايدكر دواگر كزدَّرًا عل نبايد نمودو مشور يعقل د وراندليش وفطرت عالى خو د كرَّ دَائج من شا را فهميد اوم اگر شاخو د را فهميتر و بد أأتام سانداسيك مع تحوتر بطرزي برواز طورا يداز زر كان فروتني بينديده النَّيْس كم ولطف وتواضع شا أن مروم طيفه عبووت مكوش موش خو وكشذعورة ووستدارس محبوب من بزرگان میشین سرایه بزرگی ا دو جرساختداند کی خب شرکاین بدان تماج الدووم نخشا يش تقصيرات ايشان بيشداين وخصلت لازم وات it daily down or other ت ایشان را باد در کمی از دامین نگارش با فته که خواهیمس الدین خانی لاگر بکوک فينس الشدازمان قت وفائكر وكد بنولية بخاطرميرك وي المراجع الم وكارداني بي ل وشركا وباشد تسرستكم روم نارب ا Caropardo Caropardo of the state of the المادة المتاريم ودرايم ضوريات يستمنات نشارصوت بوده الربهين اكتفاكنم كمنون خاطر لألكفته بإشمو ماوت The Late of the Contraction of t خود نفاق وزنده شهر اکنون ندکی از بسیار مینواید ای متیمند سعاد تمند اوقا کی گرای لاکنچون با دسیگذر دو بدل ندار دیم مرون بیسد انجام این نشار قانی نباید کردهست 37.000 - 20.000 - 10.00 1.30 p.f. الروائيو الزواية الأولور الأولور

ناطفة لأبكاراً يشته عال مودوان دراخلاق ماصري وطلا سيازر كوريت وخلاصه انتراككه جهان أفرين فوت شهوت وعضب برائ كالهرا این خانه خنصری آفرید ایم کی جلب منافع ناید و برگری فع مضاراکنون آدی از برهاجی و این المهيك اينا رطلب اختافه وميرود وصور طأكا فهيدا رداشعا خواندن كفتر إزبها رمهاى Car Por Manhard والمرابع المرابع المرابع المرابع مردود مگرومی که خوشا رسگفته باشندها کی نبوده میداکر و درلوکران حود برکس کهازیزی و قرام با Distribute 19.1 God! عزية ثت وتقريساخت كددينها أي حنرت مجويد كنفسط مبرانيدن عن أزرده ميثولورز كدوز مازاخوشا مرت بس بهوش ما يدبوه واز أشنايان حرب زبان خوشا مرگوا كا ودنگرنامر مکیسالها وعربات کیفانهٔ جاسوسان دیران در آی و در تنیاناندانت در کا بایم The Constitution of the Co چنه جاسو کو از تم جرزانسته باشند معت ریافت و تقار آیناعلی علیم د و بایر ق تاخى فبلو آمد د كرمهم زورن شارا بالبلق لازرسدن بالوطلوان ميت زينها ركان رازیمه فرص ترونسته وقتی باین وارندم نداگرنیم شب روشن شو د که غورری با میکر ذفر^ن عقلی که قضا ندارد فوت فشو د درگریوسته از در د کهای کسته که درست زین تناع انجمانی ست دریوزه نمود و مگوشنرت نیان وفیاعت گزیمان ستما دنمود و بمجدومان جال فته المأرسة كرد ومخدوبان طلال در لما قات الماضطه با يد نمو د زياده جد نوكي دانعد نس المستق بهوس دوازد بم آذره الهيسال سي ونفت بيت وشتم شهرصفرسنه بنزارو مک درزتا The state of the s 16

40 ر وت که نفانو 18/19 STORY. Action A in the contract 181/31/01) S. C. € Cial Missiri المان المون والمراق المراق المون المراق الم المورود الأوراد المي كالايان إنعال يشريت وا

وشرح بدائع جانحا بي اجرت تفصيل شرائف شوق المارست صوف كروتهمنك لأتي كم بهجت آرامی خاطر قدسی نها و آن پیش بین بدند پرواز باشدار سال دار دانچون دیرگارست والمراجعة المراجعة ال والموزان والمروز والمروز المراز والمراز والمرا ولاوز شخان جزرزمان تكانرمان بي بهره خاطرنميرو دوخود الصدامتهام ازان مازد كت وخروش الم جوش طن امعاليكر و والديد ما فت صيح نمو وعرضة شب انوا سبيسالاري John Charles and John كىظا بېروباطن ايشان مەرىتى شاپرىست خواندە دۇستانە وزرگانەجواب گرفىيت بدايزد كامياب صورت وعنى كردانا ونبرس خان كو كل سش صحت دات وسرت خاطر و Shirlish Shirlish ورازی عمر شایسته چون دستی و ستی و بزرگ منشی لازم حوال آن مجانهٔ روز گا را داگر درلواز) تن صوری انهام میرودندازا قبلیت که قدرت این ندار دیا قوت گفتن سیت ت كس وستا دن كميشو وكيكن بخوا بركه محبت قد سيرخو د ابشتي باط خرابطا سرارا ت تبهروانیده شارکت این گروه بی شکوه ناید اگرمعا لد باایز عیب دنست ایخیا تتكا بوى صورى واعمال ظاهرى راوزني بيت والرمنظور خاطر دورمين ليثا ربست للتركم ر المراسي الم مراكة الله المراكة المر ان برناراستی بها ده اندنی کنجد برست میشی که از وان خرد برای شوه مرسرسا ن شرون شدن توانم وحساني طباب ندارة كان سيئه برسشهاى صورى كرد دوليكر از زسكي معنوي بهرهٔ وافرداده اندود ان فواوان كوت ش واردووستكام باشتانرين خان من كم مقيرات أالبتم أرحون تسرسان زانه ببدن عنصري نبرهم مم ازخود تشم تحسين والم آدميت ازميخا دمئ نمرند

ایکاث ادانشار دنیوی که آوم را نباآ دی و دوست را پربگا نیمث تردار داخیال نجالتی^ت دادید المنة تعدانيج كمتناع رسائئ شاست احتياج فروضت كالاى دوشتي فيست إمازانجا كذيكاك ٔ داند که ناا بان کا رَخانهٔ شناخت انداز دون مِتی درخاطرگذری دارند**ا**گراین اِنتو*لیپ* كم فكران بست نطرت جردانندالسرتعالى أعمر وصحت وبحبت وتوفيق كردار درع روريا به مروعطن مروزی گردا موجها روم رمیع الاول سن بمصد ولودونه نرین خاک رمی ما*سکه نامز داین خیراندلین شده بو دازورودان مسرت اندوخت انچه* بیالیست مس علام رفته نصیحت کردن راشرطاول مهذب ماختن حردست تحقیق این شیط و و و تخصري دبستن وم كالبيتن بسا وقت نفس ار از دنستن نيك مئ فندوميدا ندكه جياسخه داماى دفائق اموست توفيق علهاى شاليه له نبكا رمتن في مها كمترير واخته بوسطة فوت اين شرط بودّه واگر ندس نفورستي لا كه وتنم كمحا وراندلينه ميكذر وكدار دوستناح مقيحى حق راباز دارم كه خاطر نثان أزر دونش غمراز كفتن حق ربيم خورد شايأن دوتني سيت دورين مفارقت كدكلمة ميندنوشتم نهاجية لابند واندرزنام نها ووتهم حاشاتم حاشا این لاارقسم دستنگی خود درمیآن آوردن م خلاص ورستي سيان كل ت فهميده وبان برك مشانه معبت ومشته كوش ببت أوروا أيجيارنك نهادى وليتتن اغاطرك ورت ووشن روانده انشكرو كرانكه كماخ في بيا يقين سيد أوبن كرفهم خووت مدعا كم طائم مط مدانده انشكرو كم انكه كما خود الم بمدعا لم ملائم وطبوع البهريها خريد ارت كريده روست كذنا ملائم راخريداري كندواكر المراد والمواد المراد المراد والمراد والمرد والمراد والمرد والم

The state of the s ان نشاربن ومود ولها كالمبيه على نديست أسايية دوگية في فسياس و وريت با دوستان تلطف با وشمنان مدارا سرگزعم تاروانی تقصه و سرامون عال آونگر دو تا این گزین روش بهتن و جریم آغزیش آن دوربین باشد در تا به حقیقت اندوم ما قانت ا خوايتمس لديبنط في نوست تدلوهم وما زمينوليب كمهجون ايشا بالنجا اراحتياج لوق اونمانده باشدودر درگاه ازین جنین راستی درستی ناگز را گرچیجت اشال بی مروم در لباس تعلق بغاميت مفتنم ست الما ولياى دولت لانظر در كارصاحت ليعمت مينا برحذ خوا حراضي نباشد ماللجن كارست كوخوا حراضي مباش بهم ما مهريس نكارش افت بناطت در معقول وننقول وغالص بحارفروع و :07! اصوا المخاطب ملك لشعراشنخ ابو لفيض فيصي فياخ این نامه بسیت از اوقعصل دردسند که ناشکیها نی را باشکیها تی فراسم آورده عاك رست بسوى أن برا در مزرگ صوري ومعنوي روز گارو قرت شفانحت معلولان اسیار حضرت والدؤمقديسه كدولس درجوارج بت ایروی عرق نورو جانش در طلال ام بي روكي سركويرفي ابنك جستوي كسليم قيدنيا مده مشل هجا كزفا قد لبصر ولبصيرة بيزع وسوگواري مشغولست وجون از شتسبان خانواد وصلح كل مارضا يات ميكويا ندوعين سكستكي خاطروبريزوكي بإطن كلة الحق نفيه ورميان ي نهد يونسرااز جنع افزائي ازد الت تررسلي خاطرم وح آن يكازاً فاق ست اگرز عز د عمل ارى چه کاروناشکید بالبت کیبانی چیمشنانی ای برا دنید گیم که درین صیبت جان گر

و و و و و الدولين نايد و و و الله و كله الحاكمة التي التي و التي التي و او شعام يابخت خاطرمضطب گرودای دانای رموزکسیکه ماثم امروزان روزست كنصيحت گرجز ورخاطر بيارنتوان يا فت و واعظ داخر ورخمولتا كاطن لاترى الان بديست نشان ميد بندم خوش وصيطت الربدرة عايت ايروي بى نقب خاندورون برده دامن ناصح وواغط پست اورده شود تا عونت سدرآه نشده ازبالصیحت گران روز گارتنز جرنگرداندای برا درعزیزم و دمنه صورت و مر المراد و ت تدكه خاطر در من نگلاخ شدا كرصوري ومغنوي آ ما مايو د كلير The Charles of the State of the Control of the Cont ترخدازندكي او ولمند كندخدا مرسواوا 19 July 19.

سنرده آورده شورشي عريب درباطن افنا دازانجا كم آن قدردان عزیز شریف الوجو دراجیاز رنگزر برا دری صوری وحیاز مراخوت وحياز وحبشافت ذاتى وجيازسب فنون فصنائل وبببي وحإو وسطئه صنون شمال كسيه وجداز ومكيز خوبيها كدنكفت درنيا بدد وست ميدار د وحياندار دكه كالم عطوفت أزا پدری ظام رستنو دوگاه مهربانی ما دری طبوه میکندوگاه دلسور بها برا درانه نظه و سفآید وگاه بطور و وشان بر فرمیکنداین سبتها و آن نحو دوستی که مکنون خاطر بدیع بحون ميرون ازين عالم تواند بورستن مهرركب وحيثم وجان نصاده را ماز وخروش وروها بن مقدات گویا ساخت ای برا دراگراین سی بنجی سرای عتا کا ووام ميبود وجزادرا را آن جان نبايسة رفت اگر جرعهٔ از ضراست تاسي كانم رسيدي بل درهٔ ازمعا مله همي وخود سنسناسي بودي خرصا وتسليم باخدا-عان افرین را پشتینره رفتن بود کلیف کداین مقام دنیای بیوفای دوس ترصت اغامت نداد باندوخین جابی و و جنین معامل صبر را بازمیست ما تنگ دلیوی کب بیارزود زر و این رضا پیست با میدا ورد واگرار حال عمرت نوسو *ده روز گا بحشیم عبر*ت بین باید دیداگرچه بروسعت آبا د دریافت پدر نرز واسرار کارخانهٔ ایجا دّا کا سند ونوق نما مست که در منین روزاً ما ایجا د شازم نعای لهی منیربانی فرزندان وسائر ننششان فرمو ده شندا یا زان اشرف

وعمل فراوان بوفورسوخ وورمني وربن نبئه كامه عامه تماشا بي دارا و بسالحركه مرازمان جزع که شیوه خروتیا ه که دیاست است او ندشت درگند و صنی آبایه بای بسین صبر که از محط سال مکی مدوح بزرگان ست رسیدازانجا کرده می گو کمیمتی خود ب می آیداین سزننزل جای شکرست لیکن از ببند بنی پیمیشس وی برضا راضی میشود وبخرزبتكا أسليم خود اشايستنهكر أزى نميداند وانخدم رقوم شده كهرج ندجنع ومهنا منینجنش نی وجراغی وطلت آباد بی صبری آوا فروخته نیشو دی دانای گاه باین » بزارار وسشر یختن نان وبرنج که برروز با رمیر و دخر درا مره جندین مزاولت وصى اگرباين تفل حود قيام ناميم وسحرسا مرحى بگار رودا بن نبيت صورت نه نبد د ولغا ويمزه وأرمعني دورطبنج ميبا مرسداين كارسانست كدملكتلمي وعمل حنيدان موتزيب . محاسبات مصمانه خو دخوا می نخوابی بریا وعیران فع معاشرت اعمال حسیسند کیا داور! مناسبات مصمانه خودخوا می نزده این مودادی ا والاكامت و ما رأسيدازعطيات وسب العطايا نست كه بزودى خِانجه و من سبر برت اور ده انديي رضاً گرفت عمرگرامي راسم غوش فويض فيته كاميا ب ورت و

The state of the s معرب الموادد And the state of t مشيخ الولفيض فيضي الدتعالى برامي وسيئه ايت السع San Propriet Page خاط ضعفاكه بالسيرى طبيعت عقل ضلاأ كاه ندارند نموه واشدكه طبيعت بهم خورد واين Fig. sa. Clarifichianis يدعى كذا معرفت رازين ركم زاطينان بمرسد نفسي جيدكه أعمركمان برد ماشو وخرد را And the contraction of أوشاطكي طبيعت بازوم نشته ورنبرونامردانه نفنسأ بي خودا وله بشيار غز گروا نبيده اليرانيم ارمغتنات عظمے شمرون دات اقدس حضرت قبله كاسى داست بركانة نوسشته بود The Contract of the Contract o ب مسرت خاطر شد فی الواقع اگر آن قدر دان این رانگوید که گویدای را در بزرگوار قطي نظرازين نسبت طيني ما خاكي يا مدني ما يطا سرسي امروز در مموروً روز كا علمي بأعلى Light of the state بتنجنين بزرگی كب كم يا بست اير و توانا آن مجموعه كما لات قدسير آجمت مایت تکمیل اناقصان وسائرمسا زان با دیمطلب زا دان سال درین نشار داراده مایت تکمیل اناقصان وسائرمسا زان با دیمطلب زا دان الاتوفيق خدات كسنديره وتحصيل مكات سنجيده براه دآمين مستنج في فياضي شتم بهج الأخرس نهزاراز لمده فاخره لا بورغ ريصنه الشتياق اتصال ست دست مذیر میشودا میدکه بعافیت رسد چرنوفیهم و کها توانم نوشت و چیت در توانم بوشت انجهانده وری صوری آن ایشرف براد را ن واعز این ان بردل این شتات البرووالا اولأجون ويروغيقت بين نظاركي ميشودار شيونات عالم أراى ابراع وتنوعات مرتب على كربدارج بمنصب طهورمتنا بداكر بعبرنكرا يدجه كندحا نتاحا شااكر احتى نشووج نا فهيدگي است و ناياچون خدمت صاحب وبا د شا واين کست خاطرا خلام کرين يزاكر مرسند نباشدارعا لم اخلاص ح نصيبه بروست ته باشد وما لناچون عرص اصلى از سفرعافيت انجام اصلاح احوال حبسمي كثيراز مخلوقات الهي كدبوسيلهُ ووريسي وحق سشناسی و حن ایرتنی ونیک از پیشی و نیر و یعمت ل حقیقت سشناس

اخلاص رورشاحقيقت حقانيت ونرركي خدبوزان خاطرنشان ونع زما طران حق طلب گشتران گروه رااز با و پیضالالت و محسابی بنگا کی بشا مراه میرا وزمت ای گانگی وردن ومور دانواع تفقدات حدوانی گردانیدن ست اگرازین دورى ضرورى أزده ول ما زازنك اندسين وخيرت عالميان بره ندام العنقري بصحت وسرت وصول مقاصد برسندك تكراني فاطربسار سية جون أن برادر كرامي با دوبروز ايخه وراوير وطبيعت وقطرت نوست بود وشكرا فافر ورمند الزاردة تفا ول صول مادات بشمرد وبسيار امش افت مركة امناك ان داردكا نا ملائم روز گار و برا دران برخاس جوی راه مشتی سیرد ناگزیر وقت آنست که آن بنگ مضرون اببادآ ورد ومخطه لحظه تصورآ ن معاني نايد كنص محص حزوات حق نباشه وتترقيم برابر وشرغالب جين شرخالص طراز مهتى مگير و سرحير برفراز ميدا ئي برايد خيرغالنجا بود وسرآنيه عاقل لاباخه غالب اگراز شورش طبيعت دوستي ويكتا اي صورت مگيرومصالحت المواهد المواد راجياقا دوجرانشو دليكن ازتيركي غفلت وحونشيتن مبني اين انديشه نجاط لكذرد والر خرمش زيتك ه رضا وستسليم درول شديا بين زش و مُمُ أَكْرَران حال سّت كُدُّل نايدة نكر زيطن كندكه فاعا حقيقى خزايز دبيها أمييت لَامْتُوْتِرُ فِي الْوَجُوْ وِإِلَّا اللَّهِ - PANTED STONIES طبيب ناتنا ساكه معالىجا دمتوهم ست هرانخ دار وكرنجورون دمدمكث وميشاني در الرام المنافق وست پدرند دا دارجان آفرین ای بر و بفرستد مگونه وسیرا آزدگی لاراه وب ت وكم كسى باشركه ازان بسره ند شته باشد كى حواله نحداى كرو

ور المرابع المائن في المرابع ا المروافي المرازي المرازل المروق المحالي الله المرازي المحالية المرازية J. 6 3, 117 5 5 6W, واوراديدن ووم حيثم از ويوسشيدن واسبباب درنظر شتن تخشين نظراندوه مرد يردو فيأن أدويه كو وعب کا بدوبرضا وک ایم بیوندجا و پرخت و دنید دوم عما فزاید وجان گزاید لبیری ا انکد در افز و نبی دیدا ول صنبوری خت کند و نگا پوی براصل ناید و نشیجی مست مین ۱۰ م سامه به سامه سامه برایسان of the المحاذ المحرسة المحادث المحرس و المراد وراد المردد المردد بریدا از مطالت فرزانگی نیز بخشد مسافران کاروان سرای دنیا را انقدر کاروماردر پوشاند مطالت فرزانگی نیز بخشد مسافران کاروان سرای دنیا را انقدر کاروماردر it is at with ست كهاگراند كی سنزمجیب اندلیشه نو ویزنداز میشدستن پرمیشه رختن مکی آزرد ونیا میابود ووش اول شب عناست نام ر خفس به ت قابه كاي واست بركاته از بني شش كروه William Company رسيد مازين مينتيت كه مروره قدوم آن لي فعسب مي بودسيرت افز ودا ما ازين حبت كم آن اشرف برا دران بوسط تب مراسی نفرمو دندمتنا لمرکشت استعالی شفاب کانت کنا د**میشینی ایو تحس**رانند تعالی آن گرامی برا در را در حایت انطاف مبکرا^ن The Contract of the Contract o وست تدكمونا كون مراوات رسانا وامروز متوجه منزل سبيش شدشا ابخداى of Victorial State of the State كريم كارسازمي سيار داندوه وملال تخاطرراه ندمهيد وبدوام خدمت شابنشابي Sold State of the سعادت اندوز بد و درنیالیشس از دمی تحصیب المکات فاضله وا مادی وقت Constitution of the second لحظه عفلت نرود ووخسب داري فقراي بأب المدود بحوثي اثبان و دربوزه د بشتر توجهسنیدا کرازه ل گرفت کے من چیزی نتوانم نوشت در و ل بیسا وریوم بنيكان ومدان را وجيرا نده مشع بسريرند كه موجودات طرارخيرغا أبي دارندادي از ردين ساساى ايدزيا ده جونوك دليته خي الونحمية رنگانديشه ورخه اليم انديشه ورخه اليم انديشه ورخه اليم اندو ورسل ال

160 R. C. Si Silvisia S. C. المرابع والمالية والمالية المرابع المر The Color of the C Selly Over 1 soul Construction of 0.3.5.8 - 2.3.7

ای ایراز اوران 6 2-160 W/S Visite Piterin منابردن بالإدران ت رُجای تشرّت مسرت و هورستندی همرسدا میهم ارزفنا ه جه نویسدالعالیم بالعافية بعمدة الملك قاسم خان تبرنري ديوان شاهمراد ظ 51 Com Sylver وبی تدبیری این گرده میگرخون ست اول منین زرگ ارب چلائن وهرگاه فرزندان او آمد نه واوخه وسم ارا دهٔ ملازست د بهشیته با شد برای طاند شامرد دانائيدورالت يام دلهاكوت يدويوستدورة باربوده امحا ودل اشيره خورو وخواب وفراغت بكسونها و ه بدل وجان نجدست ساسراده جوانبخت اقبال منداتها كا نائيد شنيد وميشو وكدازي اتفاقي وحركات شنيعه بمرانان خاطرقدسي شابزا ووقعار غبارى دارد دراوقات مرضيه بعرض تبآنيدانحب بديسد شاراخداي تعالى عساليا ووراندكش ول دانا وحوصائيت راح دا دوبت اعماً درغنايت الهي وعطوت يا دشابي منو ده آنجنان رونق كارتووطلب ندكهم زسيدالان وگرونك ن نباكا ا The state of the s وراوازم اطاعت اسهام نايند وسركرا وران صوينخوا بندمعروض ارندكه عرقبو وحاليوا وبمشهازا خلاق كب دريده كه فطرى شابزاده ست يا دميداده باست زصوصا فوائد آبه شکی دوقار وگذمشتن ازتقصب اِت ومعذور درست برکوتا ه حوصلها ق داودوش وآگاه ولی شاروزی ومطالعهٔ کتب جنبلاق وخواندن شامنا * 1. 6. 6. W. J. C.

66 Contraction of the Contraction o وسعاً لمدسر وكرون ودلها برست آورون ومنه كاميرسياسي آراستن روز روزافزون ووشود مراع بيضه نوينس ترشينه ميت كه خريك صاخب زانم اميد وارم كويش اومسا وملك نفاشه مهکن ولتخوا حقیقه ام اعتلای احوال شهزاد ناسی ملندا قبال اعتلای دولت صاف سیدانم هندچیز ضروبست که مبادره باشندخشین خبرداری شباروزی که دیست و The State of the S ببيار نده وم سنسيلان بمبر رور کشيدن سوم الوش خاصه مردم کلان و يکهوانات مِعْنُص مِ اون جهارم اندک توسینسر طریق انعام و ایم مسلوک و شتن هم تورک لابشا يستنكى سرانجام نمودن جبه وقنى كهشا سراده والاگهرسوارشو ندجة تبكاميس یندوچه زما نی که درون بهشند سرکدام راجا نی عین ابشد و آداب صوری خان وطاكر د د ونولسندنا وصاحب ابتها ان مقر شوند كه مرمدى را ن متص شر روانه کمتر نوشتن موت نوشتهٔ خود امتر مربود ن فتم رسیدن شر رسید ا و دا و طلوان ادن ښتر جاسوسان شدین بهرسانیدن و حردار بودن واگر بهم زرت د چنرجاسوسان ششن طبور *كيداينها از مكيد مگر خبر دارياشن* وارتفار ميختلف ايشان يي مقصو دبر^د درخون وبحيرت ساختن ابن اموس كسيارًا ما نمو د راي عزيزاً كرشاً الرايخ نباشد ين نوست تدرا ورُصلوت بخوان دواگر خوش آيداعلام خبث ندكد ديگر انچه بخاطر سِداللاع نايد Line Company July اگرچیقین دارم که آن عالیٔها دعیاج این خنان سیت واخلاق حمید رهٔ داتی وفطری Service Services نست ليكن لاسجاكه كبغض سمنان شينو دل ميسود بي اختيار حرفي حيد مرز بال فت الله Telypold perhaps and توفيق احالتاب تذوين وزكار وخندة أبارايشان كردانا ومحبت شعارمخما ربيك ا بكوسيت كمر دنيكيو خدمتي ونيكنامي كمآن خصب داست كدوست وتيمن خطورندا The state of the s J. Christinist. المنادر المنازلة المنازلة

مريد المريد ا your letters to be الراق المراجعة المراج المان Single Control of the second المرابع المراب خدمات بسندي يجامى آوروار صيمتر لكار باسرانجام وبدامروزكه بخت شارامساعدت فمود المارمت بخنين نريك مشرف دارد فداين دنسته جبزيكذاني خود راكه مطنون والمعتالة والمعت خاطراست خاطرنشان جهانيات سازندخوا جهاوسي كداو إخدسكاركا وان ميدنم A P. J. Wall. P. S. بايدكه نيكذاتي خود راوس بيائه رامه كارخو وشناسدكه وولت بغض حون شعابةست المال المنظمة المدتعالى فراخ حصلك وبروشت ناملائم وخرخوابي حمهو إمام كشعار ختور السيب كنا د تفاسم بيك حالت سريزي ايرديهال ياورا ديمواره بجاسبُ نفسا ين كه Proportion of the second بهترين كار فاست موفق باشنداگراز تأكمائم كهزما ندازان فواوان دارد بفراخ حرصلك Selection of the select ب شناسی روبر وجاره بذیرنشوه زندگانی دشواست از وفورد بده رمی ایشان بِيَّا نَكُهُ بِمُوارِهِ ابِنِ الْدِيشِهُ قَدِيسِ انْ سَكِرُوج نِيكِ الْدِيشِ لِي وزْرِسِتَ مَا وَتَاوَمُ وشته دانجاح مهات سرگرم دارد د مگرازمسا عدي روزگارا نکه حکيم فتح الدرشيرازي لاکانه Control of the second of the s اطباى سرا مدروز كارست وولش وتجربه اواحتياج ببيان ندار وبخدست كوبراكلينل فالفت شاسراد كوالااقبال منسيار خرام قدردان خصت ومؤده أتراميدكه تبوهات و ائمی ایشان مسروروفا نیج البال باشد وأبرالی و تبرلائی آن یکی نه وسرایه افزایش جاهاه واشدوالسلام معجدة الملك قاسيم كيف وتبرزي ايز وخرد Section 1 بالتأفرين كهبي سأبقه ضرستي بعنايتها كونا گون سرلبت دار وموار فاصرو ان معدن سبتی و دستی با در سب و رستا دن نامه و قاصد باسیسته که جز در سبتان م The state of the s ورسان عمول نباشد ليكن عبت حكمتهاى حنف وجيك دا دارعالم آرامي ميان عالم عالميان شائع ساخته بكه كارِيا أي شيده كه درارباب خلاف في كارزما نان تيره ولي Charles of the Control of the Contro رواج دارد نبایران این خیرخواهمهو انام که بایث ن از دیر گا ه نشخت و و Carlotte Control of the Control of t The state of the s Ser Million Sign of the sign o The Contract of Co Of the state of th

STATE OF THE PARTY ومبت دارو کمسرًا ن له میرود والا ارضامی یجون اولا از پادشاه وهاحب خو د نانیسًا سا برا مرمقا صدصوري ومعنوني اليثان منجوا بدوفروني توجه والنفات بإدشابي شان The state of the s عنايت ولطف الهي ميداند وازين كه خواهش من سرايي قبول يافته خورسندست انشا را بسدتعالی ا ارآن روز بروزا فزون گرد و عجب وتب یا عجب که اخها رازر د گیمود اگر مگوشت و سیده کهضرت بی عنایت اندیقین دانند کهسا و هر دی نا دانی گفته ست يا داناني ازنقصان خو دخيال تباه مخاطراور ده كامش إنگيرست حاشاحاشا كاين أنه خوستُ مريا دلجونی شاميگويم من که ارسو د وزيان حر د برا پدر ست قبحی را از سبکانه دليلغ ام أرثيل شاكه جندين مجبت يكمهتي درميا نست چون مخفي دارم واگراز فرما ن اعراص نماكه محاسى شرف صدورميها بدآزرده خاطراندخود تميعت نيهم أراضلاص اسنح وعقل درب ایشان دورمیداندچه سمیست پاستانی که بزرگان دولت بامخلصان خود که از فزو اخلاص اعيا دبايياعتبارشان از دارا كذرت تنهت بي الماضط مرح بخاط ميرميفرنا صاحبى آزد گيخه وظا برساز دا بل خر داين راعنايت عظمے د نهسته خشحاليها فرمو د آنم وانکه اخلار درمیشی نموده انداگرازین آزر دگیها بخاطر سیده اصلی ندار د که این ورو ن To solve la Wice and دين اليزنه بكاردنيا واگر داعيه الهي برين ورد أن خطره رحاني ست مرس فطه وخواليد يَّةُ وَيُونِ الْمِيلُونِ الْمُعْلِينِ اللَّهِ الْمُعْلِينِ الْمُعِلِينِ الْمُعِلِينِ الْمُعْلِينِ الْمُعِلِينِ الْمُعْلِينِ الْمُعْلِينِ الْمُعِلِينِ الْمُعْلِينِ الْمُعْلِينِ الْمُعْلِينِ الْمُعْلِينِ الْمِعِلِينِ الْمُعِلِينِ الْمُعِلِينِ الْمُعْلِينِ الْمُعِلِينِ الْمِعِلِينِ الْمُعِلِينِ الْمُعِلِينِ الْمُعِلِينِ الْمُعِلِينِ الْمِعِلَّالِينِ الْمُعِلِينِ الْمُعِلَّيْلِينِ الْمُعِلِينِ الْمُعِلِينِ الْمِعِلَّامِ الْمُعِلِينِ الْمُعِلِينِ الْمُعِلِي الْمُعِلِي الْمِعِلِي الْمُعِلِي الْمُعِلِينِ الْمُعِلِي الْمُعِلَّالِينِ الْمُع المجوث ايشان مست برورده اين دركاه اندمقنصنيا ت حقيفت واخلاص والنشت (J. W. 20 8, 7. 5 16 3.2. كدباس خاطرفياض صاحب حودكهم بإدشاه صورت ست وبم فرمانير وام معسني ازمه چىنده رالازمت كنوم ش خودا درارا درصاحب محوسا زوقط فظرازين شعار , eyurin ir iyya iy والمريدة المردة المحافظ الزاري رست معالمان بي ضائي خديوزمان وخاقان جمان ازاما والناس لائت بيس جائ المشل شها اطلاصمندان كه وامراى بزرگ تبطام دارندامتنال این و^ن Signal And Signal Signa Propries de la constante de la

المراجع المراج Or of the state of Signification of the state of t بكامين وواگران معامله فيحرانست كرور صورتے كرخدا و ندحها ن بی عنایت باشتران Ship in the light of the state اندنشه تجاط نرسد ملكه دربين كام حلوت ورخدهات وليعمت بششركوست نشيخا ليبد المورو biggiellanding كارفرنايان ملاراعلى شوه وباعث توجه وعنايت صاحب الزمان شده بكينا م ازل والبركزو . فکیف ک*رصاحب دربهایت عنایت و رعایت باینند در پنصورت خود هدگخایش کو آخ*یین والمتراثية والمتراث والم والمتراث والمتراث والمتراث والمتراث والمتراث والمتراث والمتراث والمتراث والمتراث والمت حرفى ول آنا يذكورشو داينها تيم كيسوار يخهاى مزاكان شين اندكى از كربسيار كمويح حضرت الم يُحْمَّن عَنْ إِنْ أَنْ الْمُعْمِّنِ مُنْ الْمُعْمِّلُونِهِ إِنْ الْمُعْمِلُونِ الْمُعْمِلُونِ الْمُعْمِلُ شيخ علارالد وكشمنا في كدازكما لوفيها اند وزران شباب زير بعوده اند حذبه ورسيسيد حورت OF CONTRACTOR OF THE PARTY OF T حاسل کروچست لت اختیا رکروندوجها سال توفیق ریاضات وعبا دات که در حوسکه کشیر كتركني يافته داّ خراشت فاست را درواقعه مي ببند كتّحقيق عال مردم ميكنند كيارك تحكم شدكه كروارامي نبيك وثواب وعباوتهائ حبل سالهُ علارالدوله و ربكيب لإيروكوا آنكه درامام وزارت خووول سيرزني نبست آورده بودوريد وكمريه نداين بدراجح آمدي تنيخ ازين هواب عبرت تجشب بدارشد تانسف وافسوس وسنت كداگر قدراين واستيم سركزبر وسيى ظاهرنى آمدم ويشينوكرى نيگذاب تراى عززمن بن وستان برا September 19 Septe عوام الناسست والابعا قلان دورا ناسش حير نويسيم كمريرطا مبرت كددرد زيوشي كارحود تنهاسا ختن ست دورنوكرى كارجمعى سرانجا مندون واتفاق اوييا وعقلاست كم نعمة متعدى بترانعمت لام ت درين خرب ايت وفرصت كريهان بتركنو درا ازين ابزوست دبسخان ومگر پردازم دمگر نواب اقبال آناری مینجان کو کرخیلی طهف ازین از وست تدبسخنان ومگر بردازم دمگر نواب اقبال آنا ری بینجان کو کرخیلی طبعث Contract of the second رضامندی نوستند بودندبسیارخوشی کست م از بزرگان با هم اتفاق و کیجهتی ونگاه در کارغ ی با و شاست بغایت بیسندیده وخوش ناست خصوصا دولتمندی 16.75

ينظرش برموغائى دنيا وبي تقائى آن افيا د واست اوباجها نيان خاصه بابشمنا ن جزيكي مينه ربروب كدباشد ناملائم عرانان برزرك وفواخ حوصك خود روشته بحراتها قابن كارا بانجام سانند وسيست يتحاكهن فغالئع وسواننجاحوا انصرت شآما امعروض وارندوكم رای جهان آرای ضرت شاید نشاری بنیان اقتضا کرد رکه در صدو دخوشا ب و که و طاقلها اساسهٔ مهاوه باتنام رسانندودار عگی این کار به بهاوان محمود مقررشده سانجام آن بردمیتا عمق فهريهم كه بقدرى ازخولط گراني مهم سيد همرا كرسنخ گفتن بكاننات ند شخص باین مقدمات گویاساخت ایر د تعالی اگایت کقط فطراز انکه برا در شاه و وست ما باش امروز درمها في ورستي وحفظ لغيب مراسم را دري نظير وعديل ندار د كو المحبتي كدا و البيت فهمية وامارمهيم اورى نديده ام سرحنة بخواجك مبشتر تهشينا شدم بشريا فتهيم إمروز كفسا دؤنها وبرا درچنین دیر پیست می افتاریسی شکراین ما میرکه د د مگرانکه خو در ا حاکم کا بل ستفاع فرز الاندنشة تغيروتبديل من بوده ورنظامها يتان صويه بنهام عايندوسوب تتحفائق اوال سرت الاى فاطر د ندالعا فتدبا كير العمد في أس المرت الاى فالمرت العاقبة بالخراجيد في المرت الما في المرابعة بيتر والمارة والمارة والمارة والمارة صاوق فان مواره فاطرمجت كزين والمان عبت بهجت خشر أمع من وات - 1/2 0 3/7 to 0 8 my 2/2/2016 ومحبت ميباشد ملتمسر النست كه درسمهات زا زكه فرسا دن نامه وميغام ابشدا يرجخك والمراجع المراجع المرا معذورها مندوشت كمازب كيطرزه وقنان عالم شدنه يحوام كددران روش الأران المراجعة المرا دورلوازم عبت وحفظ لغيب عضريت وانبخه دائم كهضروري الاعلام ت خوجم نوت مي م ا حال درخانه راجون قرة لعين الرمحة متعمرت انزا مرز استنعينونسد ديراكنون كاشكرا 3/5/5/3 برسردكن تعين شدهت اميدوارم كمهجوم دانى شاكه خاطر نشان فنست بريكنان ظاهر ينرو «دولار» دولوني الماني وياده شودوداتيلات داتفاق اجمهوا نام جينونسيمكة اشيوه مضيشاس فططوز زخان ك Control of the contro

المان المرابع ا المرابع ال ر بغایت گرامی ت بایر ^واشتن خروریت امروز وقت گنست که نارکیهای گذشته را ارخاطر ساخة درمجبة أفزأ يندويمواره بنكار يمجبت كرم دارندو درا فزوني محبت شانزاد لاى اقبالمند كوشنالح يسدكه ذات قدمسياين فونهالان انجنان ست كه دتحصيل مكارم اخلاق عجالتر تعليم وتعانانه وجميع مراتب كوني فياليج دازميامن انفاس اقدس حضرت صاحب وخاه بي ويا فية تهذيب اخلاق نموده انداماً عا كم بشريت تبسيت مثال يرجم عهامشل واناى رموردانى نيك اندليشي اخلاص نها دى فرويست وخو دميدانيد كه مراج ازاي صاحب و ولي من وبا ونتا م فو وطلبي سبت محفر از باي ارتفاع مدارج دولت مؤافر في صاحَبْ بمواره وزهرخواسى وحيراندليثي آن مخت بلندان هو دامعان ندنشة المحنّائية ابيمه روش ببت ولهذا ورفرشا ونعر بصن بشا بنراوهٔ اقبا لمندنيز اختدام كدمبا وبخاط كسى يبدكه راعا قبت بيني برين ميدم شته باشد كه زند كا ني خود بي صاحب خوام من ا شخوسته باشد واگر تقدیر مهلت جندر وزه و به و مگر در لباس تعلق باشم خصوصاً که بهین برا در الثينخ فيضير إن طور سلوك فرمو د وتحضرت البخنان نوشته باست ندگرفتم كه خيرا ركتبي ت بعرص ترسانيده مانقدركه خود ديد دبروندچيشدانهم برطرف يحتى اسا دى كما زت إميه أبنينانست كالرفي الواقع تقصيري ميو دنجاط نني أور دندجه جائ انكة بهمت بركويان رونديبالي كأخيروابي ماسبب علت التفات ايشان نبود كدروال بذيرة غرض بز مقدات انكهرين قاصد داروانه ميكر ونزشخندي كشرت حضورة تناجكم فرمود ندكهيز برائ شانبراده فرستند ستنبي لائت طال مو دميدنسات سرانبحام نمود وبود وجون حكم بووكيمب رض يانيده وستند درشگام عرض نچه خيال شده بو دغبوايغت و وازانجله مازتجب تره وقطاس راحدا فرمو وه حواله قاصه نمو دندسسالحكم آزانس

Charles of the state of the sta شترسي الاول كاريش الفشابصا دق خان ايزوتوا المردم قدروا مي النات Control of the Contro ردارا دقیم بقد زورش بودچه دنیا دامل دنیا بخاط نمیرسیدُ نشأ خاص معنو بمطاحهٔ Constitution of the state of th وى سرَّرَم وَثَابَت كُرُّامي مفا وضير سيد وازخر بي بوااً كان غشيداً رحياز باطن بظاه ورميت باطن فتوري رفت شكفتكي ظامرر وي دار وطامرمن بمراك باطر كشت فيرار آالبترازين عوبهم كبرطا لعدا خلاق اصرى نموده اوقات برشرط مبرك صانع گردانین ششخواب سلام ارمهالک مدار جیفرخان دیوان ملقب Secretary Contract of the Cont أبصفنا نصداقت نامه مجت افزا ورودفت ازوجه وخاطر مشرح شدوالجه ورباشكيت Of State of the st ، أن تنص في فرموده اندي كالتي الشيالسة لهذا ايما كي در نظور َيشَهَ أي على شنع ذيرً Service of the servic رن ووزعت ون كد كليد مدين القصورت كرويد و نيزنصائح ارجمند كه شايال بيت با كارابيند فهطاكننده نومشته وينويسدواثرا نطام زحوا برشدوشيح آن اكه نجرمت وروسین میکندا محدمد المنه که تر دوات بسندیده عرصهای ورت بشان البراه الرياد الرياد إلى المراد المرا بناز کی خاطرانشان حضرت شابه نشابه ی شدواز یک توجیبزار توجیب یدامید کهروز افزون المنتواد والمدودة والمانع تعداما ضاطرد وستندار المتنوج خود و الماعثلای احوال صوری مونوی وقتح وفیروزی مرا وقت ا State Signal State of Barrie وباطنى النشايسة بزم ورزم أورعالم ساب إزبا دنيا وحود ستدعاميكند ود ملك حقيقت Light will be to b ازایروجهان وین سالت مینا پرودادارغیب دان داند که درین کاتحصیل دوی ایخا للمن والمنت المن المناس والردي طلق داندكي ازكب بيادا سباطه مئ غيير خاطر شريف جمع فرما يندكه درين رود المجرية والمتال تأثيرو شامزاده وخاخت اقبالمندما ساما كائن وصحت كابل أح وويشو وازتوجشا منشاي ارتوم. ادفوان بازر المرت المنون المرق الم Since Military in the second Sold of the state انوار برامی از این از از این از از این از از این از این از از این از از این از از این از این از این از از از ا

Wall scorning of الن بقرم المرسور والموزيلية ومناها إلى المرسور المرسور المرسور المرسور المرسور المرسور المرسور المرسور المرسور نا ونست وا^ه وزكه اشراره المناكصليمود فعيرت آنها راميخوا بدقياس لا بدكر وك ا حوال سعا دت شهما *لگروسی که نبخ*وبی و *سیکدا* تی و دومبنی نجاطرش کمن ^{با} شرحگیو نیمگیرده وسلطه كداكر حيفيابين رابطه رسمي كمتربوداه رابطه معنوى كهمدار رجيريت وتهته بودني كلف يىمبالغة شارابسيار دوت ميدا رم خيز مكدازان تقدراندا Said Spilling Charles كتغيري وباندك بشرازعاي شدكع شعار بيرزايان ست بيرامون احوال أنكسك نگر د وحوین ک صاحت و دات خیراند کمیشر و ارند کمین که مبوحهی لائتی سرط نست شو د طا مبرور آ كرآن خطاكست واطلب عالى عقريب في أن شكر رواندا كرتبت ضا وبشريت تندى تلخي اخلياكيت لميدكه كندشا ازصاحيا ن اخلاص ليدا زامنطور ندشته درملا ندى ونفت على شديد أصف في ان وفضايا ه وریزپ گوندگو پرنمی خوست کسینامه C.S.

MA وگرست با دوبیا نی *شا منرا د هٔ والاگو هروبزی ویگر نا چنامت یی در*گا م تقد نیم بنداين صرحوا وجمانيان موقف عرض مايون رسايير ت کو ما مگر نوب مه ه انداگر مکی از نبد گان نی عرض مرا نی مار دوکید 17.40° ot 34.61 نور المراد ا المراد المرا منده در المراجع المرا مراد و المراد و المرد و The state of the s To post in the first of مرا المراجعة الم الله المنابعة

MY in The state of th الميلام كن دروه و منظم كن راد to proting the property انگزندو دوتنواسی شااز در بارمیشنو امروز منبگام طورنست وانجیر به نیزت نو · Proposition of the state of t بهمدا ببطردرا وروفاطرحيلي وستستشد كههنوزران سعاوت فبسيت وحبثهما قبتين بالزناه ينداه والمنازلة كشاو فتايت أكدما دكارا مركران موقوف ييشة بطرزلائق باعرضيت بركاوالا المرابع المراب والأكوسرقول وقراردا ده بو وندنط وتروا مرآمه و وملك فال و نامئوسه لطح زبهش والمهشة وبعضا في المرشر شرت مسلم عرب المراد و وربني وعاقب الديشي روري يقط الملك عالم كولكنده دوبيني وفدراني روزا فرزون وركاي ناسان خلا ووده ن سعاوت پروی نفاو ٔ خاندان بیدارد لی مجت ا فرگشت و نویز سی و د و وانبيدوا فيردرس سانخه فاكزريب شها ومهما نبها بحاآ ورده وندمويلان افيا داين سرآ ست گذشتنی وگذشتنی خوشانجمتن ی کدانفاستخ بزرا در رضامندی ایر دی دنیکنامی البيرو وزند كانى لورم تبيشاسى كذار د شنوده م شند كه بند كان حضرت شام شاي این خراندیش مهانیان لهرگزار دلیت مفتوجیز دوری نفر و ده بو دنده مهاسالی ملکی بالتصاب ايرخ إندلش تنظام ميافت درنبولا بوسطه د وامركة وتجست ن زنجابج الخلاقة أكره ماجعت فرمه وخرفعه وي لأخصت ابن دياركر ونتخست أنكه برزيان نفدك رفت كدوا دارسال زو ملطنت گيري ما دروزه قبت داراين نيا من درگاه خودگر. فومونه و ولت وقبال لاروزا فزونی وا دعا تکه درماستانی زمان کارغاز تریمان دی روز گاریشوای برامدارب گان اخلاص رشت با مای جای آن وی آید و ب

INL فرمو وندكشيم يروالاي مأنست كداز بزر كان روز كاراطاعتى ثناير خزائن صعور يرست كنجوا قبال اسبر وكجاج ثيم ربلك ومال وافترمها كأم فلفر سيرس وسترسرزا وجاني سأب وراجي عليخان وراج راع جب دوسياجي وسارسركون وكا وليل مشام وشن وشاره اين ياب بسر فيشوا ليكن عوين رنان كدير ورده ازخاك مابده وازيبستي ماورُه ونيا قدراً ن راندانست ارْنظر فااقيّا ده وميته في وزي جنو والمران عكر بنار باسي جه ديما والان وكن درفر ما ب بذيري توقعت دا رند وبيز فر مو و ندك از مرود ن في عرضي دران ماك كركفتار وكروا را و در در كانعي تسب يا شدخاط اندكرية وارد وآه وركنسبت بندگی نوجهان ا واگفت بیطه می وحق زاری اکه و میسه اند ترامبا ملك بايد رفت وعياران في كورت وم بعث فرسّا دن أن بودكه با و يا في الرواد و يا في الرواد و يا في الرواد و الما ال لدان نوخطال دولت راروانه در كارساز دونی تأخه واصد وبیغام ساخگیهای رورگار این مهمرا انجام رسانداکنون کدار نیرگی تقدیر قصنیهٔ ناگزیرٔ وی دا د بیزخست بی و حار عائده وقت وتهمت تمرده فاطراازان والهمآر تدوس خلاص عقيدت ايتان كه of plans the birth وروركا ومدت رس از نيكا ن ابن شكرافيا ل شودوب استدرة المرابع المراب لفتار بكروارا معمت اصد كمزين رؤش سرانجام ما يد وسيخوام كردين عامل Joseph Jeling وازشور وقاصدان المورفت المينت الما ولى وحتا وه شرا تطاعهود را الحكا بخشد ما خداولیا اے دولت بر کریم نیکان عاقبت بین فرنسی تا والمعادية المراجع المر وشن المجعل ان يا هروى ومحصر ما في أور منطقط سخريا ن وليدي Charles Company is Willy از كاشتاك وكلاكان على فرواد في وام الكروري والماركي المرازيان والقراران فينز واللاوز لرنيز

راجى على خان ولدمها ركست مناه قار وي رو روير المارير ا خاند ميس الحكم شرون الميكان والتداور وطاني ايندوشرالف تحيات وافيات كالمتليات الموس العالم المتليات كالمتليات كالمتليد وشرالف تحيات وافيات كالمتلاد وشرالف تحيات وافيات كا Medicine of Control Personal Property of the Party A Secretary of the Control of the Co بدوعلا ونقاوه وودمان احتبا وصطفا وأهرفا بالمكارم والمعًا لى سالت مينا يدجون انتطاب خيش انفسوم فاق كداز مرنجائه قلوب واعند مجنائب ضائر بدست مشيت اوست خوا بدكه بدائع تقديرا (محامن طوب بعالم واعند مجنائب صائر بدست مشيت اوست خوا بدكه بدائع تقديرا (محامن طوب بعالم الموارد كه ذرائع ترفيه جمهوعيا د ووسائل تيلات كا فدا نام باشد درميا دى ل وفوات امرحنري چندارنها نخائه قوت بمشايد وفعل طابه ميساز دكه مرايينه دمرشيست أنمعني مؤكدو مُوثِدِتُوانَد بودوانا نجاكير مسدن خلاص ليشان مابين دودان فيح لشان كحرب لمتان سارة قلقبالش بأوا وخلوم يشحكام لأفته دركمال وثوق ورسوح بودحكمت ازلى عبث المواين انتساب طاص اشتباك مخصدوص كمهرايية موجب نشراح قلوب صافيه والكار ابواطن ظلمة التاكرديد درسوابق ايام كمقتضاى خيرخواسى عامه درخيرت وافي التاليخا وووام عزت وآبروى آن خاندان سنبيه كوشش مي نمو داكنون كه ناموسها يكي شد ابينجاكشيذه وطاحظة فرمانيد كرتوجه خاطر وترقب بأطن درحفظ ناموس طرفين درجه درجة والدو وأثرا بي نسبت بجيرًا مين ظا سرخوا بدشد وامول أنكه بمواره خاطر محب را نكرا ن حب ا روام عافیت وجمعیت در تنه بمفاوصات گرامی مسرت بخرش روحانی شوند در کمکیفیت اروام عافیت وجمعیت در تنه بمفاوصات گرامی مسرت بخرش روحانی شوند در کمکیفیت معارى احال سعاوت رئيستال ادنوت تدرسونيات بكث ان وطيندالعان

ما فته ابورگرامی ورود آن انتهاج ما فت علی مخصوص *ازخ* ن ازروی سنطهارتام نخلاصهٔ خاندان فتوت نقاوهٔ دود مان فطرت خيرانديشان جهان يشلى سباكان ل وزبان اعتصا ولخلاقه خانخانان ملاقات كرزه ولس لأن بغرَهُ ناصيهُ أقبال قرهُ باصرُ ملطنت واجلال يؤسته تمنز م خدات شا نتده انه طاوی که چند راز بارتمدات برامده ام وهیگوندمسرت رقبی دا و وت چاز را چان فره ای مرشد زمان نیوست کدان تدکار زرگان از سیب وكنف حايث شابنشا بي محفوظ باث نايخيان لعنظ بوخ شيد وحاز مرائكه انتر برا دران که درجولد رحمت ایز دی عرقه مغفرت باشند مکرات درخلوت وکثرت از درسی ورآ واخلاصمندی آن گومبر آمود مزرگی و ترفل مقدس فد کوساخته بودند تود و بینی ایشان طرنشا همكنا ن گشت وجداز دوستی که خائبانداین حیران اونیت را بایتان و حست جد خيرت ايشان ميوا دوچيار مراکد کليد دکن بي انکه جان داري ازرده شوچ نبت ايشا ن ميسر شدار كالمنة كعنايت شامنشاسي روزاف نوست وجمع مطا ومارب ال وملکی وجانی و نامیسے دلخوا و صل ما مدکمنبزگی را نیان ارمنطور ندیرا بهان بيمان شابه نشابي ركي ورقال خود ونهسته درانجاح مهات متهام فراين غرميانكه زیاده ازدوها میگذر دکه احوال آن شکرجهان کشابسامع علیه نرسیده تا پیر که ينان ابتهام كما زندكم فحاوف طرق بطرف الردرون واوال ك ديار موستداز عوالهن شامبولف مقدم رسد وبمردم ولايت خودا متهام فوايند كه آمه وتشدره المان حداثتها م فوايند كه آمه وتشدره المان مدود شود تا كان مان مان مان مدود شود تا كانسودگي حسلائق سندالعاقبة بالخير مبمست كُن رفاك

A SOUTH THE TRANSPORT . J. phy. B. ghin 392 Med Othing Sounds والمرابع المرابع المرا John Julie of Control Productive with the St.

المارة المارة والمورود المارة المرادة ing with the production المان المنظمة 19-منافرة الأي المنافرة مزاوارت لان باكر وراس دو كارت ولون احوال ایشان كرتومي از ده در ومودور الارتباء وموادي المرابع مرؤب من ن خرجوا د مركمان ميشوندا كرسخ ميد في عادت عرادا شو دا زا دا في سيسكا الم چيد ان كردكر در معالمه جاسي ناگر ترسس في چيد گفتند و نوشتند روسيد مردا شا كه 35 Jul (18 3) والمالية المرادة المالية ارى ديارت وخاطري كراي شود وهوايد كوتسوطات را وكفتكرى ارماب نفاق in the first of the state of th المراه المرابع مصحبت بزرنوا محمت اطواري ميركردا ندكه محأزي احال The state of the s مافق السي اسدكم ان ملك صفات ورزان عافيت أبود واست مروكراد يسفارت صاحبان تعاوكه درمنگام نرم درزم كا رامينه Constant of the second ت لمجت كلير حدورا ب مجموع كري بهامولا اطالب صفها في كرجس بيري ا رورهان دولت مطالف ووسائل بسافتهاى دوردردام مست محوداً ورزوات المنته لعدكة تمنين فصى في معى شا دران مزمين كدا زيروفطرت أونيش عل محط ريال انطروع سان فدوى شرب مدكمواتم في ظور نطواطفت النان اشره اینان سلوک رود کداه مرفدانحال بوده داراد و برا مرف آن دیار کدمطلوب بهت نه تا بید طورها نار درمیان آمده که قطع نظیف رازا که مزید شفاق نبخینین در شش اسو دی ل The State of the State of Stat in the little of the state of t

The state of the s عرووول برست المدرماول GO JAGO RE حواله يات معدواب أن عبت اطوار شنده من الميد كر محض قدرو اني ايشان فكيف Control of the second of the s مراعات حال دوسًا عنقرب اين ويطلب حلوه فلود وإحوال وولت شمال صرّ شامنساني برسيصد فاكمال بي سرق في تحريز مودع صيافع المرفر تساد ودرا بقا وه تقد فا وظل مرسام ان مولا ما و بال كرائح أكرايشان راورشم نريديدي مريده و ديرة about pis land Signatural Company ساع اخلاص بإراً ورون ورواج الطلبيدن شيوه محكمان عقى ميس A William St. اين طائفة عليدادك إدبارا ولاص عبارالوه وكر ووتعات مكدورين كالمكة يشته وارزكه جومبريها كاخلاص بسفال رزء ونيا فروحتني شود وازا بفاكه برشجاعت الله المحافظ المعالم المنظم ال Jed nined All Viet Eleganical de la constitue de علام و برجا من المراد و ابعا من المراد و ابعا ما المراد و ابعا من المراد و ابعا من المراد و ابعا من المراد و المرد و برطا برطم نسرندارد وارسا لمجسي اوالصيفيت تخامندير ذجت ازان إزالاه واقل خلاص مع رسوي و نياكه عنسها إواقهم اتفاقات نداز استحال

One Spring Lines Erabilita Mer. Of از فروغ خرو کیسوشده دروامطبیت که نه دل دا با دارد و تیسینه بنا افتا ده دراندیشت المرتبي المرتب ووخت متاع اخلاص انداز تا کج آین اندیشهٔ زرز دانست کرمیشه این ساع تعنیس المرابع المرا كاليدباشد المدتعالي أن تبكذات إلبيكا شكه كلے ازطبیعت دلم د و افطرت عالی و بنة أشائي بل دوستى كنا و وقطع نطرازاخلاص معالمه نهى ديعت رضانتاسي أرتقديرا ایزدی گلمندنیساز دچه از دگی ازان ورسنی عقراص رایز دیجهان آفرین سط شاکم The State of the S عقل عاقل إيريا ه رود به جال الربقة ضامي تشريت گذا رود ركوطية ما الميت كرشا مراه طبيعت ست افتد زود تفرفع خرومعا مله فهم يا ول اخلاص كزين برولت راي فيا A STATE OF THE PARTY OF THE PAR وسارامه وسرت براى فاطافاه مندخور دندالعاقبة بالير ونظفر فقصر جا شجاعت شهاك الدين احرخان ازور ودراوي مفاوضه وطااورا ابتهاج مافت المدتعالى أن تحراندليش مالذات لادردالا واگرارسال والكرارسال وسال الأ راز توه بغول نمی آر دنیرازان سبب ست که نسبت اشنا یی درست انگر محبت مام ^{با} آن م انطرتيت وعاطفت صاحب و وندار وحاشا ثم حاشا جرمين كمربا نفاده بهت ازم صد كالمايهت حيجامي محبت ما باشنائي جير رسافكيف كشائل مرضتيه و گير در دات بزرگر ایشان فراهم آمرست ونّدازان حبت که نشار با در نففلت برسیمستی برده از قدرسنانیا الردانيده باشد وندأزان روست كداز نامعالمه فهان بي منيرا بشدونيك ازير تواندها ساخت بگذیجون محسب سروشت درگر و ه ابل نیا درا مده ازاصحاب تعویریت می میندگیر اير بنيا مراملات لابل نفاق كه زبان ثنان بادل شنائي نداروز ايخنان گرستانير كمرفر حبكنشة باشتكادي لفراع ولتواند عبوكر ذاجا زحود لازان كذرانيه ومضمعا مله وو کرمعا ونت و مُنی وَ*ضِرْحُواہی لازمی ا*زا نع **بارت تواند بود موظهت می نایدا** لع^{اقبۃ ا} بغیر Olding of the second and the contract of the contra Constant Con R. C. R. C. C.

190 وم خيرخوا بي عموم خلائق دوست وژمن جها رم ثيمار كالبدعنصري سرگا ه آ دمي را تقليد فت تتمهشيني نحروصواب انديش نايد سرآييت بهمهان امو ين نافهيدگي لاگذم رست وونت اندك بمرحال حوث الكاه علق وست تداندانه به كالح برامده ائج ومهات خلائق لأاتهم واسته شتغال خوا نه فرمود ومواره باجهانيا ن صلح وباخود درجات فاغ دل زندگانی تايندو درفرآخي حصله و شت نا ملایم کا پوی شو دا محد مد کر بختن دی شرگ از ورستی واستی و خلیفت گربنی و به به فرا وان داندازان خوامی ستو د ه میز د من د من اندوزند باید که در انجاح خدم بإركا أخلافت بيش نها ديمت والامحض كفايت سلطاني نباست كأ زاشوم گرفته أم غخوای ویاردای جهانیا ن نان باشد که وشمنا ن ازگزندها ب آرائی خاطر جمع شند نميگه يم كه ديطات تعلق تومنی ناستوه ه اين جمن به وستی وخلاف گرمت کيکن and of the state o Land State of the Sand in complication

من المانوري المانوري المانورية المانورية المانورية المانورية المانورية المانورية المانورية المانورية المانورية المانوري المانوري المانورية المانورية المانورية المانورية المانورية المانورية المانورية المانورية المانورية الم المارية المرابعة المرابعة المرابعة والمعالم المعالم المعاملة والمعاملة المراز ا existing for June المناه المناونة في المناون الم حقائق آموذ كمته بین امیر شریف آملی كه در زم و زرم عمرای ست عم ردا و درست ت Best Aillempie Bills. رخامصاجی ست مجابس آرا و دقیض و بسط ہمرانی ست بی بدل گارشس و مهارکه ة ن كاندًا قاق دا برُطْلاَفُ مُرْدُم رُورُ گار دِنست آخیان توجه فرمایند که آدم سای که در tigidadizina at حق ایشان مطنون ست بقین انجا مرطراتی سعادت صوری موشوی تست کرانجها ن یا La procedurate de la constante مروم ساوک رودکه درجمیع او قات انچه است عمنی نمایشیرین اثر باشه بی مداخکه خوش که مد شيرن نائ للخ اثر مقدمات ميكفته باشند كه دولت افزالي وبرا مدمقا سه لبند در گروتینیان سخان مصاحب تی گوی ت رای گرمی بنگار نیوشا مردم بسیا اندکدار باب ولوت رااؤهمت أنهامم كزنيست المهيشه بوشمندان بحت بيدا يبكا يوى تام وسبحوى لينف يكدو بزرگ نها و فراج زانه شناس كندازه و ياب افراد انساني خفيقت دان خيرانديش ماييله كرده انداگر مرروزمیزا فی دنیا وی تحویر طاقات ایشیان مکند سعا دمندی معنوی نی ختیار City College C ورمفته وولاً بياسه للروحيت ايشان ميرساند درابان الهسندي وششت مي شد The state of the s براجه ما ن سنك شرائف شوى وطلائل مجبت كه مركوز خاطرست آلوده ما انمی نه واین شاع گران ایرا بازار نمی آرد چدارب پشتریا ن این Contraction of the Contraction o جواسرنی بها ماری خور د وازه و استرل مین شاع قدسی بازآمد واند کالارا درکسا وارا ر سرمیز مین از از در اندور شعولان جمهان گفتگوی این کردن و شیم تصدیق شواش از این از از این از از این این از Signature of the state of the s Gertley Constitution of the Constitution of th The state of the s

مجيعين الملك الدتعالي أن صرت فيرانات ل در کا پوے رضای خو دوستیوی مرضیات نولیٹ سرگرم دارا د تعدصوری را انشافرد شوق ومحبت ونسته دوستان تقيقي رادرانتظا معهام خودجون تترسمان روز كالرل Capital State Control of the Control ساده وزبان پزیکا رخیال نعن رمایند و شرح از اجزمشا فهرمشد طی دیگر نعیت کمیدکو in the second second غقريب بصبت مسرت بخشر صوري خياسخ بمصاجت بهجت افزاي معنوي يوشه ين فريند والمناسبين المرادي مسرويت غرشوقت گروه وافسرو كى دل كدار سكنوح ناملايم يا ازميانه يوسي الردادول في الزيادي بهم سيده باشد علاج كردة وأيداى متومت دا فعال صانع تيركمال سرمنه واغ حدوث و است تنه ما شد در نظر و در مبن عرصهٔ وجوب رفع تراز ما ایک عقول ست فکیف که نیر ا عيوب كوته بنان گرده كارگزاران قضا وت رجون بنبا سنعلق كمسراية تلانا ماين محمد انسی ست آورده اندورسه رانجام آن کما ل سرگرمی وکوشت تبقه یم بیان تا بنگامیکه خلعت تجرو فرستندازیمین ج حادثه فقری و رسست خاند من اطرا زیزند. وحواطليعب القيال بعني مقدمته تبحرو كرعقل معاش نسازه وبسب بيردازه دس اسباب مازدتات قرة العيرع بالدغم و فوصت فنيمت واسته مكي خود ا بطابرنسبارد و شطری ازگرامی ادقات برنستن مقد مات علی و برخی بیرونهان این ا اخلاق علی مصرف فرواند و ابرا دران طبق عطوفت رود تا از دولت بهر هنداز

196 ويدكهان ترادرك يركن صرو وليكن ميدا ندكه مقصا وتع انداد ومجأ وروندوا برغ لميت برطرف

18.5° (15.6° (18.5°) Signal What a source of the source of غدس سياشدرا ووارس ميات المانى كدوهورا فتا الصريع نسيد بالمانى وينوي فقرم المراث المراث المراث وى لقورة سينهمد ولووسي ورابهور في شد كريها مراعي المان ال عكم المنظان ووم ري الاول علما ي اين المين الله الما كردوان A Property of the second كمنزاك خاطر كمران واكداز جارى ايشان آزروه بووم ووصحت كماساس فيارى فاروا المنافقة لمراد والمراددة والراق براد المطان سُلا على نفر الامرى بودول أروسنداين ستهام لعهاى لاق وحودة بدا بعث المادي الم المعاقب المالية المالية المعالمة ال براوطه واده كالكافت برونسة المدنعالي المعدان والمسائلة كردانا ووالجير مهما في وعاطفت فو سوده ورساطلي اين فريد الما وسنستان علاك باطن تربين خوش والنازة ال درساك بيان أوروانه والأنباك الناس سرح اوري وبارواري سمت وباراندي ازبيا كفتها شدواي وبست السروا معندمنا سيهمال جوبيق مايكا روتعنكم مرااين عوانفس ويوكروار محكت إنزيات بسيار كنون زن الارواني المراكس المائية المراكس المراكس Carlo The state of the s ب روى درول جاى دارد و دريك عقرى عزالدة و تت يوسال ارد do in the state of the line of the state of E E E P P E E E E

City of the Care o Contraction of the second 199 The second secon Control of the State of the Sta المي كات كي سرواري في السيد واري واري في السيد واري في الس The state of the s اسلام خوق فراد الناع فوا در کست که کالات نفسانی برخورداری فتح اند ورا در ای فیزا برای سوری دیمنوی سند که کمر کست ما خاطر شت برای ق کاری آن می زیر مامع الهی دالارد واک مقدس فطرت کاه می ادارد در کستانداری ویای ایردی ترفو The state of the s والمعالى والمال كالمام والمال والمالمال والمال والمال والمال والمال والمال والمال والمال والمال والم و تعرور و وست و ما کدار بهتری و زوادی شری از برزی کاران کوی تروی ولیت و اگر ور المان المحت القاميل بكترافها ي دولا دان الري ليدوسر كا وساملين ا المعرفي المان والمعرفية المعرفية المعرفية المعرفية وفرت القدرة فالالا والما والتعين المرشة فسافا طران رادرك عفاق من براره وحاشا في ما شاجه الحرائد كذان باورلا الما و ولي و حرف تقدير من الما و و من و و من رعم و تسار و زلا تحريبان نعام و فاندان ما تعاده و الما تعاده و الما النامل تعاده و Charles of the second and the state of t in the property of the state of John town in the state of the price of Gold Charles المنافق المناف Alabilia Distribution

روز كاردواخة عما فيالى نمايد ديده توفيق كمحل بادبير سك بيرونها ن برا درق ن العربعة كرفيا طرسكل بستنده وقحط سال مزمي أمحبت مردان س لتورنجينه شكرست فومكرامن الاعطية أنكه مدبوست صمسيم خلاصه خانواده لهساي المحالية المعتبان الم Ties distribution of النجيب الدين فاصحب كه بإفضائل كسبية الفث اثيه ومبينة والسهم ارد كالمرواي بالمترا وصحة براني را كراني المرازي وجنا بخداين كس ربينموني اقبال وبدر قدر ولت بسرمكام جسنات ان من الذات o silverteliteles (راه ما فته دوست دارست وآن بزرگ زادهٔ قعبه کیفس اطقه با نقاب برنامی که بردوس مران دبستان خرو قعبت این شورید ن^{شه}ورتیان طلب امجت گرست اسیرکتر^س نهيضبت أن درت كردارت كفتا رضانج إزين جانت فقست ليزانط وننتر محقق كردد اى ابغضل جايحن لانافهية وميكوكي محبت تو دليام وت اوست الين المايشية آور گهذر *دیدانچه لازم وقتست پروازای عزنز* نامه نامی که مهرا درگرامی نوست به شکریست ا نموده بودی آرام دلان وشت جای کون را در ضطراب آور دانسدتعالی گردانده صافية خيازيشان مرسانا والرحيم عن خت بلن ان لاه تجرفة متسيار ومود كانبي خمول ووفيت أندا ما بيوست گروين ارشيرولان تيزر و كدمبرورمني وينرر وي عرد بريفت ير وارسيده اندخو دراتمانيا كي وېشته ناملائم را ملائم انكاشته اندوسيسه عي كه ايت تاك اسعادت رسيده اندراحت را ورحنت ونهته ازشكاست لبط طربسته اند وسش وزگار البنوش دار وخريده اندونه ألا فهمست كبروزعم كارنيا يدسحه كارآيدليت لعل ا اعراص رتفدرایزدی دنسته ان دوشی یا شنه بایرکردانسرتفدیر رگزشته مست سخ کروه میشود که المته معد که دوستان شمن کا ه دارید که بزرگان روزگار درز حیب شان دم خوست نمنر نند بایر که سیسی وجه وریم خاطر راستوزع ندا رند که قطع نظر

No. of State Selection of the second SANIE OF SANIE 101 بند ورافت ارجمندا و بازارجاسد کاسدست شاع رست کوارا رائبج شاكدار عمده وست كردارانيد راسي چاندايشه مند باشيد وانكي بصعار ذما داران ميدو از فضيّهٔ مَا گزيرموروان كاخانه كوين سرافرار محركه و اُنش جالينوسي غفران منا اي كيم لوانتخ وأرجا ذئه ُ حانكا ومهنه لاطون الزما ني ارسطوي نا ني امير فتح الديشيراز مي كه بالرسش بزرگ نمش والاه شت وملك معنى إبا عالم صورت فراسم آورده بودشانت كرده وخند كه ورنه درین طریق زگفتا رقامیت الله بسط بقی موس تیما ن تو رو کهی طلبه Hersielle and ورافت كذع الشرام دان كبخاليشريس San Charles Strike عدر في ليذير بدست نمي فتدكواً لأي خود إوطلب المي معنوي الملك جشیری م*لاقات آبای عنصری مینائی ای تارک وض قت بهو در حرا آرز*ونی ال Opula, Lit Great FILE OF THE SELECTION OF THE PROPERTY OF THE P The Tribology Pin Par

Charles Victory ري نا واني مية السري من ينظر منت ميروف نبت كان ساك بيشاني وسكفته خاطر بربا عاماروا نى آمر دارىيشە برال گروانیده روزی چند نبخلوت شنا بدگام وز کرطیاب ان تجرد رویت جشن آرای بی تعلقه بو دندگتر تی بود کسس شورمد ه وجمعیت بود کس ولياس تعلق داورده بلوتي كرامت فرمود هاندنزول مدارج عليا راكه فرصور ونط نياور دوم عموري خلوت قانسسيد لآراليش فشا تعلق نرس ردن خواشيست وأرشرالف الهي وكوني خورث مدارد در دوستے دوست الع مجت الاسم خوکر دوعوی تیکم خارسة ان صلح كل مرد و وجهانيان مقبول لهيان شريف ليف آمل يايي سُدّ راكداز درجة عمت باربيرون ست ازبس ووثي تنوهم بى شفى ثرول كونين را درين نشار توف يق عهدال لائق سرانجام من غالم واده ورحلوت سراسي مقدس أرتطت ركوته بنان يؤسث الزخوال فيكت ول فيدا مراجعهم عشق ست وصدم التي تفاضا لرجيم پر دختن معاملات صوری و دل برست آوردن سیایی و همه ساختر. جا

سه بی دوا اول مایدًا بلیت و برخو ت كهموار دنشرازخو دى راجويا باشد كه در ملارمت ولينعم وكرتوداني والسلام كميرسف رفعية أملي مجاري احوال قريرعا فيت بت اتعالى آن مكا نه روز كا را وترعل معاش مطابق طبع روز كا زطا سرار ا ستان معاملت آنينان پروخست اند که داغ برناصيهٔ ظا هرسِ معموراً با دآمدامرور والبرستى شريف خطرست بشريف معامله كارافقا د موست ت اخوان زمان وورس رانجام خانه وسطا مراشت سیانی از ا بزارم حصد فطرت خود بكار نخوا مه دشت وحي طياب ن صورت آرا كي بردوس أندا آمده ست ازعام مع خرامیده بگایوی تامترخو د را اربهترین این گروه کرد نب جیانچه از طائفه والاس ملك معنى اندوا واقدم نيكان نيانېت كه وج الان گره وانشند كه خل فزون الرسندج اشد زنها ركه چون من بهمه دان بين كر دارنبا الاج كنم كدار فواوا في خدما سيشط منشابي وصت كاه كرون مجيز دي نيست الربيج كردار والمعالم المراجع المرا ماشب و مهم معاتب است داید و وم اکله باکلوم ش کنند وخو دخوش معالله غاشب و مهم معاتب است داید و مشورت نکداتی در شورت بایت و غصنب راسخان شدند شد که بی مشورت نکداتی در شورت بایت و انتخار ا Silver of the second Sould resident plans يمر مذخل ونسرج خود والكذشت وقسم ويكر ببعا المات مرح عدر داخت Jan Spenty Strait The state of the s 12/35 Signal State of the State of th

المراد و المرادة و المعارية المرادة و المرادة S. P. Just Hools المنظارة المنظمة المن المرافق المسارفت Silving Color Williams Of مسيرا باد وكي فرصت ورجوع مروم وعنايت صاحب مست مكرد اندود إنجاح مهات الرام المالي المالي المالي المالي المالي الموادية المواد غرص آلوه ونابشدالعا قبته البخير مميزتسر لعيث أعلى المدتعالى أن مكايؤكا رخائه فطل والمراجع والمراجع المراجع المر التوفيق عمع نشاتين لا دودعين فراغ خاطر توجه بسياسنجام نشا رظا هريسركنا وفراخ حو ALCOMES OF SOLIS OF S ودوبینی نست کداین میت روی دبه چهاسیاری از برا مدیای یام فطرت نشیب یا د مري والمنابع والانتاب ظ سرى را قابل توجنيك الندوجون در ديد التحقيق م مراتب طور تعليات الهي Cicioses Contraction ست د نظر دو بین اوظام بیم نگ باطن وشیب بنزلهٔ فراز می امر واز در امرین وگرامی نامها خصوصاً کمشت الیمال سوانج کونید کمشرمیا شد مدگها فی هیم میرسد که گرایشا زا الرورال المان ويادراي المراب ا سروبرك كتمر شده وضد شهة متضم لحال آن صدود ما وبما ه اربال دارند يشترازا كليدم ننج د بو دند نیار شدی طالبان بروس رمین بوسی باعث گله مندی عوام لوده امروز کرد. انشار تعلق اندوارسب دلخ فراوا ن ازین روس محینب بودن محفر حوشی برران دم نها ونست بفديم الم وجادي الاول نينزارود وركارش يافت بميرست بيفيت وبني مقرر كث تدبت ياظر دراكه ساخگی نمیت در كارس تخلف تعبل می آورند طامداران نها ده که برگاه این طل و حقیقت تان ضمیران خود آرای مذبر به امحال نبکی درد ل الذردنيامية ولكث بهجت بخشنديا فائداقبال رينموني وموده كدبدا المقدس فتستبير بامن زان عالم سلوك ميفول يندو ما ديمران ازراه مدا راغرص سبيكشا ف نتبت كشا مكالم كناط بالرس الان سرورت وران فقد العاقبة بالخير برشر لف The state of the s حقيقت كلفت درنيا يدومجاز كفتن لانشا يلكن بسرنوشت اساني وتعلقيان مجابي Cai Ciario Contra Cario Che Control of the Co Ser Contraction of the Contracti

واشایان بری را من الرکیالی ترک گفتگوکنه ما سرانبورش استه اشد بس از بریز استه اشد بس گزردیز استه اشد بس از در در است الرکیالی ترک گفتگوکنه ما سرانبورش است در میشود و میشانی و در جالتی گرده رز بعد تعامی ا Maria Contraction of the State r.a Service Control of the Control of th Sisteman Charles of the Control of t Control Contro of the live of the said نندن آسان ست مان طور وخلوتساری تجردهمیدن تنجردی شدن آسان کالشت Sold State of the درنقاب تعلق مهجوم خاكساران طبيعت فتورى دردب تيان معنوى ونرو دخياين Chald to the Contraction of the تابد وأيخا رشست فبرخاست كندكه دانته خوران ابين دعا لم حفظ دا فرمردارند با مج الاكردا Carrie Con سرخ روی ن کتین گرد د و مطنون خاط بیا پیرتفین سید المبیر شد شوبقی سه مدی که برانشی معاملت و درستی محبت سرگرم بو ده درخاط جایی دارید نمود که اندرزی چندنویس که درمنگام مفافت صریبی ناصح بی ریا و واعظ مهربان او با لرجة هود لآماد واين معامله ساختن وفلم ركاغذنهاون جمعى ارساوه لوجائت وناداني ل وركمان آن انداختن مت كرگذارنده مخن و تكارنده كلام رموز دان نشخ "صورت المثلاثية بالموسل المراكبية المثلاث المثل الم خفا است المام عنى مت ليكن حين خطاب من السي مت كه ترازوي قدروا ويستسارا الله عنى مت ليكن حين خطاب من السي مت كه ترازوي قدروا Marition 1 Bender بسی تناسی بیست^د ششیعرص آلو د ه دین و دنیا بنو ده رجارسوی روزگار^{د د} ای تربید اسی این وین زبان نرمد وفروخت مينما يرنحو مشل وخاطرلاازان اندليشه بازآ ورد وكردارخو دراجون گوميم الريم المعالم فهيه رئيهای خود درست می آر دای جومای گهی اول شورشی که در کا خِنا ندام کا ن ظهو يترار وأراء والمراز وا آمدَان بو دكه كالقرير اأسان ونسته وتصحيح ان مراسنيكر دندوند بند كخياني عنّالاً بي عني طبيعي فساويان والاكت صورى بارمي أرويمينا ن عذا لاي ناگوار رجاني كه داروز آدميشود اعلى المجارة ا Victor of the County بعت حراني نفس طقه ومورث موت معنوي خوابد بود وسركا ومعامات أشد أرنفس باطقه مرده ردين دنيا چاكا أيونيا حا كلمنه حيث در لقمهٔ حلال منو تسالساس عامدُ ان وَحد الم والمرابع والم والمرابع والمرابع والمرابع والمرابع والمرابع والمرابع والمراب destruction to Kieller of Chark - y, & 5 7 1 1 5 3 7 7

المراد ا المرتباط والمتابع M. Jahan Jakan Jahan Jah الراد المراد والمسلم المرد والمالية وخيانت ومكر وحيله دست وعظم وتتم وتعدى سم وعادت كشته وشغلبان وست S. Pine and Marin نظا ول دراز کرده اندهمهٔ حلال بسر صشوارست زمین مندانبرکرهی کسی! ان کتی رسینظمین عَيْرِينَ وَيُرْمِينُ وَيُرْمِينُ وَيُرْمِينُ وَيُرْمِينُ وَيَرِينُ وَيُرْمِينُ وَيُرْمِينُ وَيُرْمِينُ وَيُر المنته باشديدا ونش بغاست وشوار وتقديهم سيدن آباب زاعت إدة طلال برست آوردن مشکل وقو تکربوسکه آن وت فایم آورد نیروع کرشاور: علید سرع نیر قوافتن کا ن طلا و نفر ه و میشال آن ارتقلات دور و ربعت پرس Source of Mandalia Sign of the proof وجدان اساسكندن وراورون فأبد بدوميوه ضداا فرين كرماكسي باشدوزا منع اللوكي وستالع وسالشرى مزويودا وهمو وعالم نبات وراي وعال مارمخ فه ومكاسب في نوان رو وقط نوازي مستعاملاً الإسالفتال المراج المحاون المال الما سرواك كرنك اوكران شه و وضرعا كم راسرا ينفع خوودا رك سيايكا ختيباري اين الحجت بالعامها ل وهود انعادنان الم كروائيد و المتنائل و وكوسواكرى المعض إزباري كرطبقات المام إزنفاس بردار فارتا في المراد من المراد و في المراد المان الدوان الفائل المان الما المندى المستالي الافاد إساني ويقد بالروى ازدى الدويث ومتمس ودر براوي وزل كولان خود خواه كرجم معلام خود وسا دو كرى واندنشرتان الثان كمنه وكرا المالي ادى اعام معاده كام إفته واقعام استالانا The state of the s The state of the s Charles and the second Car Car

جهان فرین کسلساین نوع انسانی انتظام خشید عالم آرای صورست در مرزات بمناسات معنوی ورابطات فوی کے الافوادانسانی اکد لفامرازین گروہ کا پڑیا يرور شرط فته انطار قدر سيدايز دي بود ونه وكاندالهي شد برسند فرمان والي حا State of the state واده اورا زرك كرداندوا والقران أن كرو مهازوما أن بركزيد فعدا بسريه لطنت ست بمفتضاى فردوالاكدمز إصلاح عالمهان نظرش نبغته ونبيت عق طويت اوعوص ألود أبا شدانتظام عالم نايد وطبقات انام راباقسام تباين تخالف و وصرت قهري داود " بشكامه قبر ولطف ذكر مسارووكا وباشركه وادارهما ن أفيرن أن ضرفوهما ف لاونك Sold State of the وسرانظام مرتبادته وشناركروانها بفراح حسلك وورافت والاعلوت الامراط بروباطن وصورت ومعذار والح بخث يس مقصا ع على والتي مغالفت ان نارعت خاص ان اون تالزم المركة والمستعلمة صوري أسين وره والى افزون المبيسياء ومااياب شروت را ما رائ ما نشعو ناشد والمحترات عامرة المتعدد الماك عالمان كالرستين فوانين و الله المراجعة المرا منت اومون باندان زك مان راق كا باشت الرومين ن برو inglisted of the property بهرت ن واخ عصله دورسي الت كتر منوط چربر قدرى كشوكت كبرى سارعا مرا بد ورون العادة المعرف المراجل الم ناجا اولا مرفت ابساران كارخان ملطنت بنطام أيرب في منافياني كرو A Company of the state of the s عدات وداديري ووادوي أمروا بأتحب شردكه باسياني جمانيان كاري ندار ندرون النان ب وشوار مرقدى كرسد وقل بن كروه ابن والى دواد ك الق وشازا الفتن المعقول المعالم والمراجل أورده المراولي من كم وطرت الأم المنبية المقادية إنست كدوز بروز واخلاص فدلوزوان افزالي حكت يرودان الفاظ المساب وو Mark Color Mark Dans المراق والمراق والمراق Hatel Post Control Page المران ماجمت المراقي ا Originasi Older in the contract of

مر المرابع الم المن مراد من المراد المناعق والماد و المناعق الماد و المناعق الماد و المناعق المناعق المناعق المناعق المناعق ا المادي المراد المناطق ا المرابيل المرابيل المرابي والمرابي والمرابيل درچهارخیر شخص داست به اندا ول وصو آخییقی ایمی منافع و نیوی دوم حصول نوائر د مريد المرابع والم و المنتاع المنافئة المراجع والمراجع والم والمراجع والمراجع والمراجع والمراجع والمراجع والمراجع والمراج روبق فزاي زم اخلاص كروئتي حوان كالقمه واخلاص فرست الدوسس تحروس عَ بَهُ اللَّهِ اللَّ كه ایز دحهان آفرمن را دونشارست عقبی و دنیا و مرد ومطا هر قدرت ایز دی اند سوجودا The spine of ولاول ما يست كدان المبال تنطأ ممث تأته كروجود بجاى أردليش إزانكدا يرضح المائية والمنابعة والمائية See Jose of the solution of the ستجروكني مبارك باذا ابتسط آنكه واليكل وبخوشت فيصنت وبدويثيتان كشارها جاقا وايدوخيا سنج وزن رسخ ونيت درست وياضت نفس ودوام أكاى عبادست وطريق تعساق جزورت نعيت كذيمك برووكي ست خلات الأنجود عبسا والت بنيت كانتظام حمانيان باشه وخود إا يعسا والأن عاول Control of the Contro <u>ن ایم کردرین راه واقع شودعها دیت</u> بسيار بهوش بايد بوو ومنت اين نشار نكر دكه اخلاق البشين بدان بهت The Williams of God بزر کان ت این تشار آید که عموا و در متات کی وسید و ی این نشار State of the state مدم شته ما دوست وشمن کمسان سلوک نماید و فامیت برا ما موست تر سی دارا Charles of the state of the sta Office State of State The State of the S نے رامعاون این حال سے مدگاریو Charles and the control of the contr نَــُلُأُن كُمُ لِمُاتُ مِمَارُةُ وَبُ Clar & The Control of The best of the second The state of the s Charles Color The same of the sa Children Color City.

كه دوطا كفد ماضاعت قت طعون ولموما ندمجها ن عيستعد ستعدان عرميد زنهاركه ازي اعده كرو دنبا شف وباطبقات انام اگروت ي ننواني كر و ميسيدي كه باشد صلح كل درساين ارتويندگر خو د از زران کینه کمن وعاشق نخرج د مباشق سرجی دی مجانب تو با شد مجاجب یکی مجمعی ا درخلوت بگری خصوصا بازرگان وقد الی وحق شناسی روزمره خورگر دان وراه طایب منته و ارو که رو کاری کنترکن نسوت و چهارساعت شبار وزی را در معاملات دینی و د بیو ک ت وسيانه جاسي المورز في اقل مرتبه عاسب حال حود اش كدچند خير مرضي اله Service of the servic بحائ امدهٔ چند نامضی و حوش مرازاً ندازه مبرون مکوی و با بیرکدگوئی البته رستی مکنح وش ئىزىگىوى كەكفارت ان شو دوم كار كى روى دېرصلاح د**ىسا دا زاچا بنے بع**قل نو دېشور تا بمروم داناسي غرطن نبز درميان آرونها عجفل خودعل كمن سركاه واعال حسب از تونطهو آير مست يا برنمست مم و مهيشا زدلهاي اگاه ممت خواه و با خداي جريا في گونزنشدنا وعردان توسل محري و رجا فطداغها و نکر ده و رفعات استخداشتي و دون مي بنويوس مالح A Secretary of the second إنتهام ناسي وعبرت بين كبيش وولتخواثن وركفايت اموال شحصر مرآن بلاعمدان المرابعة الم ل مرد محلص كارزار دان وتجمت خاطرقوى ضعيف تم رواه ار فرصفتا مركوبا بمنظى وكسك كالمح كويد واست رسائد عاشق اوشو وسخر فاز الع حصان معلوم مشود The state of the s أزارست عقاد مكر في دس شب دا زارى كذران وحودلا بست فحضف مرفع دران پایه مباش که از توصا فی گمیرند و کیف مخور و ضده که میا مکن و درشدا ند و حوا د ت ارجای مرووال ويستهامن وخرشنوى وكشار وبيشاني بث والربايا اعسنه مابشي مبهات ميدوازكدمبا دا دركارم وخطلي اتفاق افتد وشركز حويط مرتبخ وزمانطالع راتهت وهدار Colores of South St. a. 3. وي المراكب الم ويتفايغ فالمتابعة

عالى كوه فبالمحمول وفير الممن اللين السورة الأسرير. مار کرد و دو انه ۱۸ از قرور و مرود من المراد المالية المراد المرد المرد المراد المرد المر المورور للمسيود وجهوطالميان لاديرخالفت عطن مروثمني حويث وره يا رسوال الموادي We will be a state of the state مولم حي گفته باشم درون گام فراواني اين گروهال شكوه جسيداني اشال شارخاط انتها گزين المراد و ال بغایت گرزانبنگ خرطک تسلیم دی کارس شوارشدی تبست که ارعکونی حال صوري موصفوي ليتنان ازما ومرسلت ومكاتبت آكابي والميد كنسيت فيداعال المرافعات والمحال فدارى وراهي شايسة وين بشدالعا قبته الخير بخداشناس حق برست محصيا والمدل ١٠٠١ المراقع المراق الم سينح محري شنع زباندان ضياراللكروست دانده فردمندان وسنت اليدي وانشوران وكماست تايزومناني في أشايض من الأيون صلى رورو كارنبود منطور سنته تبريخ نشرخ برط ان خاطره و تناك نوه المرسنة تبريب بيست Section in the second چنان حشال رويدم كرنيدام تراديم شوق ب رئيان ابراه وثباني التي الثار عبالت بعالم طهور توان أورؤ كانه نوتية نهامته ييان ن ثري اي Single State of the State of th ا توليك مند فيحوالد بووحاشا كه فقيزه ولا أين اصلى تواند كرد و كانتراب وي فاقات في المانيات مقدرانروشتى تا مقضائ رزقيب نميشه وخود لازان الى زيرى كالباني على عما تعالن<u>ت کرد سرگزارش</u>رت الم دوری که وافق علم اسد ست بزون ی آتی اجها Con Contraction of the State of چرسالگرمانجا قصض طرخودكدد اكثرناشي توت مادات فيه ليت ست و و ت College Colleg كمال اسرت رسانم سراينه تتراست كه إعلام إنه ما وفاكلت المرفع و الما ب منها ا No de la colonia البابيتني خيدست كدمبتران حرودوني لامانيات والدلازاء إلى إلى الماليات والمالية المالية المالية المالية المالية وبخشى خشا دسيع الاول سنعيث نبود شن إلى فلي المشتها عستها المستعا يتستوس Contract of the second of the Vision of the Control Jan Barrier Ba

ایشا زا بازگی خاط نشان مخت ازانجا که مگی خوامش بن نیاز مند درگاه ایزدی اس ِ دگی عموم خلائقست اقبال استشاری وافزون مثل شایتیا دلان تقیقت منش سعا دست الله الم المارية المارة المارة المارة المارة المارة المارة الماري المارة الماري المارة المار دم. برامدارزوا ترانه شا دانی رگیرند وحاود دولت بیمال اطلبیگارشوند چون سامع مقد بناده فتضاى جواني وكأمراني ساويها بئي وخلوث دوشي ميكنه ابندوا الحكن وإبن اطوارونا بودن كى از بندگان خاص شام بنشاى كه عالميان برگفتاروكر داراو عماوو شته باشند كمترجوع مبركاه مى ارزاين خرحواه جهانيان اكديك بخطه أيساطقر يساختن خصيت ليخدو د فرمو وزوخيان فرمان ببرمطاع شدكر شامزاد وابدركا والاوابياز وخؤوا نتظامهمات كن حدود بالأقيت قيضائ كأن زميزا شاهرج وسيزارتم وتهباز خاف كم امراكه درصوبالوه ومبتعين نطلب ارونيرابن مبردان ومود ندكم بجردسيدن كويساني ووا بزودى رانند وبنرفوا ن شُدكه اگر داند كدّاً مدن را يات ا قبا لَ ضروبيت أزانيزع ضددار و كهابيغام حود ارساند فطلال عدلت برفعارت أن ديال أربم اكنون سرنوشت انروي يخنين بوديسن معامله نشناسا ن انطوا برجا فنه بهم خورد وبوو مرسيع ولاويروس بهان انكارندكه اينا زار وانه در كارسا لمتدايم والاستجاكاتبال روزا وزنست بمدنير يفتازان شورمدگی را مرند وکلیب مرعنایت الهی کرده پیشتر کوچ نمو دسم په روز داصلاح ال مردم و 5.77.88 نة نام نونجانه وتسلى شاگر ديشه مي گذراند وفكر ملک گيري دار و مردمي كريجانب ايش نامزدا ندسركه ابنجابو دمك نحونسلى نموده وستستأه وأنجيه درباب تحينق نمو دن قص زوار بزاره ايشان نوسشت بودندانشارانسه تعالى تبدريج صورت خوا بريافت وحق فرانظ حوا إلم

ي المحمد Contractions of المراجع برماه وتر المراس المن المراس ا R. Margarist Co. وانكردراب كمك دمكر نوسث تنها تدجمعى ويكرروا نهوا وكوغنست سب خزانه سيرستكرب كارباغوب حابيرشد بفعس عودتميرات جبوز دمك اندمايشان يكبحته نموه وفع تعمرو نواحى امندكر دفغصيا منصباران موست سركدام رانويسندوا كراهياج شوونواسمينا الطافة بالناش يرمدوا يشان ميرسند ملكه فقيربا توبنجا نه فولنجانه وكزين لشكر نبزعو داميرسا موككية المراد تاه مؤمران الان تؤمر اندنشه بخاطراه نداده درلوازم كشوكيشا في تمت بندنه جية توان كروبرسات رسيسرية القرارين والأرابية بسيارت كارفوا كم واكر فيستك ما در سرحد برا ركذ شته خود متوجه شدخاطران نكائه ولاوران A Charles and the . معرباشد که اگر شرسته و کرخ اسم آمیند تباییدالهی دا قبال با د شاهری نصرت اولیا ی این است الميلية وتراسي الميانية والمالية والمالية والمالية قاصدان دبيفده روزكه ندكه جهارم شوال مثيخا نديا دشابي ابن صوب امروش ووجرا منطلبهام و*مرانا كدبيرراشا برخ و فيكم نوست تدام كدا گرسوم بن*ه و سبشور مناسب مذار وشارا زخود ميدا ندسرزيك قولى كربب ميدمند بشرحوا بربود جنا بخددرين خيدرون م The state of the s غصنه عروه اندحية روز وكرصبر كايند وماراكنند اعدازان برطور كدمني امند صيت خوار زاده وزير بخضرفان يوزاى فالاق حنائيي Service Res الوشير همد وستعالي كانفا وم فانها بعزواعتلال ورايت عنايت الدارجيت and a second ايشان بسازوش شيراأر مضمندي وسعادت منشي زماصيك والرجوان أكرجه فهميا The state of the s آدى بك دوهجمت ابرت والنسالها شكالنكن حور بشنانا أي تبدينه المنه والتسا ورین ادی وزشر کروه ری عنبارایشا بددا دگری وغفرازگنام کا ران دسِن دا زجرا ا^ن The last of the Contract of th وا کایم نام پر برخو دلام شمر ند و کرب تهای که قرارایفته بود نوشته نوستا و مکر خونست و شاسانی را مکردار رسانت دکه آبا دست صورت و معنی و ضمن نست دیگراز ملازمان و S. C. متوطنان أن دُيَّا إزار لَ تعلق وتجرد كيت و دي كردرساني وبي خيت وسيساني TO CO

Son Control Control of the Control o حود مداند درخلوت بی ملاحظه میگفته اشد وآزر ده مگرونه واز کرگفتن مدیشه ننایندیم مه يناگز برخت بداران الاه دل قشت كينيين وسيت داران برگونېد واگ ئا يديدباشة رسطاعت جندى را بتمرسا نندبوكه باين گزين روشرخ ولت <u>حقيقه</u> جره اين نا العاقبة بالخير تحضرها ن ايزد تعالى توفيق نيكو كارئ مخشا د كمتوبكيه در نبولا ارسا افتشا رسيدا فيذ كاشته بو دندر وشه بشداكر مي خاطراز رنگر در رضاغ خوش آزر ده بو داز در جي The state of the s بايدنبردا فتسندوهمت خوش أمركويان خازحر بفايت آزردكي دارو وازنوست تهائيكم برركا ومقدس فسستاه فاجود مشرست وأ آن ها دت که دبیشانی شامرنی به ام اسلاآنها با نمهامدا فق نمی آیر عبط کر گرشایخ. گذشت اکنون وصت اردست ندم ندوندارگ با مدن خود کایت. واگرآن صور نیم نین^{دو} وخوبنز لامركومان بإئ سالينه حم بش اصني فشوند ورساعت فرزند سعاوت بيوند اروا ارد وی منصور نایندوجسه می کداز ماسک برخاستداً مداند باز بهان صرو د روانه مازند "كارزوداب كفروزى اثلىق شوندا يسرتعاك ازناشا يستكي كاه دارديكي وراي فرارت بأور المارس عاس عب مالسفان اوراب سالانا اوران Physical Property of the Party صيفت اخلاص جو سرفطت آن نقاو ٔ ه دو دمان سعاوت خاط نشير اولياى دو ت وهمواردهٔ کرهیل این ان مجعب مقدس تنامنشای میرو در بهی دوشت من باز که تقالا وزی شعادت دانی خو در استطوی شد میرومیوت و می گردا معلى ما يعمور ديم مورد وارد ديم مورد دورد ديم مورد دورد ٩٠٠ المراد المر

المال المالية المحالم الماروكي والمحالمة المحالمة الم براه من المراه من المراه من المراه من المراه من المراه المراع المراه ال والمنافع المرادون المراضية ال يترحقانق احال نوته الموازن المراد ما وشن خطابرت که آن سعادت منش در سردو کار دوزینه حوامد بود حوان میک والمراس المعالمة ت زوه حکیم بهام هف ولک تقدس گزیها بین اشارت گیها ن ضداده المراب في المراب المرابع المرا لامين فدوي لاهي مراسلات مفتوح سازد بايدكه سرارزوكه كمنون عيقت توده يَّن المرابع ا خصاص فتدبرا زكربيوسته أعرائض وأثار يشد وكاداني واغلاص سرسآ وری و کفایت طابر میشود و خاطراد م شناس کنند فریاب ار در بروز در هُ بِي وَاتَ او دليا استُوارِيرُتُ مِي أَنْ امينْ أَزُد كُلُ وَالْبِي نِسَتَ كَهِ أَنِينَا انْ كُوْلُ باموردسوى كمازخواب بي اعتبار ترست وازسايدي وارترب محلت زدوميها بد وبغايت شرمنده ي بيندا اچ كندوچ جاره ساز دكدا ولا حود آمه بهيشين رگي د كفتة امرنام وثيتتم كه خلاف أن كرده راه تجروكه قبله يمت سني تركيم من أيّا به وه ت وای صفت مشرکدار بی منطو بان صاحب ومربی خودم کا وقعم C. C. لوشه غرلت كرميش تهاجهميرد ورمين من ية باشي كرنان سياه كرى خورم و كارسسيا كرى كه فرمان "داى را ك ال يينه درس للجاشين گان برده مت تبقديم مانده ي من سيت يك State of the state Tiers.

Grand Control of the Cill's Cilles The state of the s *Classical Control of the Control of Se Care Co. MA L'action de la constitución de l ای درت بار میسته ۱۱ میلی داخاع با وت توما بشد تخستین کا رست که درا و فرقی میمود أن عال صائح بسياً إراضي ويفاهيت رعايا خصوصًا رعاياسي ريزه كمراجها دربند وْمَانِيَّا آنْجِنَان كُوستْ شرعًا كُي كه وصل تحصيل توزَّيا و وأرسار عمال ما شد و السِّكَ ا المعطرة وكالينموذة أوسعالي إسافك دربرج فائد وانى دروستادن ك ا بن نائي جون ل دازمنا فع ميريد ورگار كرشحفه توشكش ورشوت بانسگر The state of the s للدوالمنة كذراندهام وخوب كذراندها مأكر درسرانجام مهات تتهام رود كارى نيهوا) بغاستالهی مین رم وسرخ روی درگا وصاحب گشته کامیاب صورت گردم نجید يتوقيق نزدى كامرواى عنى كشته ام نعش مراد حلوه فهورمد بركسير من ومصقت الو لازم ست كرجنان شامان كند كه نريري بران تصور نتوان كردو انجيه درسرا بخاطر e o d'individual de la constitución de la constituc System State Alexandre Lie Line Sillowing Carl Michigan de la companya de la compan المرام وروسي المراجع ا 沙南水河湖水湖湖 فلمرابع والمتار المارة المُن المِن اللهِ A Distribution 1 Jack Strate State · A Supply of the Age المرابع والمرابع المرابع المرا

To the second second Charles and the Charles and th Carried Vale O Control of the Cont Side State Control of the Control of 112 Sold State of Control College Con Co Care Valle in the Constitution of the Consti Chair Charles Control of the Marie of the Control Market Strate St The state of the s W. S. L. W. S. K. J. K. J. K. J. Sound of the state الميرني المراجع المالية المراجع المن المنظمة ا Significant of the state of the

ولم المستدارة المعالمة والمرابعة برنور کا م^{رک}ر کا مرفار الاورالان مادر المراجع والمراجع المراجع المرا والمراز المرازية المر يلوم أران لفظ المنات عملي الله المركب الم G Shirt in the state of th The state of the s Sir Color The contract of the contract o

(b), **ct**, (b) 37 july A Digg hally this, Sig is the Ship shoots ار د المالية The state of the s

MMI Constitution of the state of th Ship of the state زرنجشن شري كدرا فراطبود مرج زيدكوني المحدى متعان أوروا وترشته مهسك بسخيزي المعيدى عاجزشه واا Salar salar بمروع بمنابة وولجر المناوز المركز تراها is it Kitch 19 Jan Liver. The state of the s 3,000 ؞ڔڮٷڿۿ[ؙ]ڰؙٷۼؙؙؙؙؙؙؙؙڰ STANGE.

العراق المراجعة المر معرفي ويراجعة المراجعة ان برا المان المراز ال المرابع المرا و المنظم والمنظم والمنظم المنظم المنظ d'affortione. The first of the second مروه ول زمانه ميسرامه وجويا يخشيني مرؤياسي زنده رواست والانتلاشي حيات ا ورچوبین بود و معضی مشترفات زمانه را صرف سخنان طائعهٔ کرصحت ایشان آرزونی د Signature of the state of the s و دهمی کمان عملی دوزدیمی ونكذاتى ازحرن وصوت كذشته وتعبل شاليت بيرسيتن تتبيقن بعبسي بغطنون طالفنت امينايدودل برزه كردارجهيج خوسن ميساز دواز بلاعت وفصاحت كرمية ازجامة ستعاس ڰٵؙ؇ڹ ڰٵؙؙؙؙؙ؇ڹ ڰٳ؞ نتواند بودنگ آمد بهیزشری کشیخ شرف الدین نسیری برآداب لمریدین شیخی القادی سهروردی زبان بی تکفی ملغت بارسی آورد بهت مینمود و انچیم تقضای وقت کم الله المرابعة المراب in the state of th تقدرنسبت فرزندي داردخوش مي آمدينيوشت تاأنكه تبارنج سلخ ربيع الاول بستذرنجيرو بإفت حودكر دان ماخردي كرامت كن كهاز بربهيات The state of the s الصفي المرزسندنشو وصابربود ها عراص برتقدير كلندستغفر لتداين چنور شرست كى ايشدكه إزباراراوت مازآمه ورگلزار ضاى خاطرآسود في لگردوستغفرالسرستغفرا Signal Control of the پراشوب کا ه کا بی کالبرق الناطف نجات یا فقه شل مرنع وحشی کرازامتدا د بود يعبداز اتخلاص سراسيمه شده راه مطلب واموش كندوبه طوف ازم فهطا Sh. G. C. C.

مسه كالمبني الران ويتتي خملف العلم 1999 MARK ئەتتا بەلئىكىرىنىزىيتا بانە باتخائ ئىيىرفەت داينما مىلى يەجىرت وسە :10 ت گذشتها بی که زنده ولی وفاغ خاطری اینها تمیقه ونطنون طائفه بود شرآا كدكر بمطالعه طبقات صوفيه كماز تصانب سليتمي كدازكيا بمتقدمين ست افئا و دمناسبت أفي حالت وآن ووق كه بربيجك ندار دائخيه خومتن آمد ورقام آور د ترصدازا خوان حال ومال كديرين داين متقط رآمان حالت قياسم وواگراغراض ننايند بانصات نزويك ت كةمناي ن دارد كه درزوان بشبارست نداز د تا بقدر بعالمرا فا قت راه رفعا خِدولَكُمْ مُكندوا تَجِهَ أَرْاسه وائيةً لا غرى اين فربه إنحاشية ست الاسبام في يذفري المنافعة المراجة المرواندالهی دست این عول حریص از دمن تدبیر خودش ماز دس المرافق المراوح ر*گر*دان *تابشرٹ دولت آرامی که بی آرامی را*د. Principle State of the State of مناهار معرف المرادي ا منگان در مارد بازد بازد از این این از این ای المالية في المراد المالية الما ى ابولفضاش مِي أخِود بداركه ازعبه الله بعب العلمي مرى وازانجا افيات خيزان بعبد لطبعي أكرجيمه تي وكسوت الابعلم بو دي تركانهمت توكحاشد النجات إي شروع انتحاب شرح آ داب نور المار المرابع الم يابينا درمه 953 ا المام الله المام الما

Marie

Trong of the state فورسندیهای بنی نوع خود کرد ظن ارتقابمدارج سعادت بخود میکرد وا منیا ، عالیس ا ماره زامل وغا فل بود هاز فروفرت گی خود در وحل جهل فرحلاب شقاوت خبری تبت ا الكرعونة تماشا ياطلب مراوا ورطالترج أداب المريدين شيخ شرف الدين منيرك روزى مندمقيد ساخته خاطر فاتراران وشت كدائيه ساعدت وقت بسناهي فضول افتدرسه نبر رقام المحم شود نباران شطری ازاد قات به نسبوط شین صوت آن نموده منان دلاونیزخود امسوده پینا پدواز ردوقبول تا نیال طائد این مانداییان مانداییان ماندایی و از دو دو می این ماندایی و این ماندایی این ماندایی این ماندایی Province of the state of the st ا **بوده اولا شفای بیارخو د نائیا مرا وای غلسان تیا رطلب ثیم د**ارد این جیترا اُست میخایم داین چه مزخرفات ست کومیگویم همان بهتر که مهزم وشی برزمان برزه کوسکتی ن محال گونی بازایم ونجموشی دمسازگر دم ریاعی گرعات کی بیشت نو کمکنمی ایست گفتگوی محسل کنیمی دل سوختهٔ چند فراهم کنیمی هی گرفت گریمی و ما تمرکنیمی هما , which was a second of the se ويده بينا ني ماشه يرعنقاني وول بيجاصل ليهزينه كاه رضا وساليم رديك عِيَامِت فرماى وأشَّكُ شُركُونَ في فسادنجات مُجْثُ استغفراند ثِم يتغفرانداً بایستی ظهروراورده درازگرده ابودم کی سرمی را در دم نمیقد ابولهضل بن مها کری فی عنها الله در اطراعی برمن می ترست کدبعبارت درگمنی نمیدان ایمداد و برایم ایمات مست برایم کمتش بدا نیست بیداکیا ژن بدا ته می پیمتسل الرشته مرطوف رفته باز كرشته وجون قائد تقديرازل بن حران بيمان ك المقتضائ كممت بالغدور فوادابناي دنيا دراود ومتالبه درمشاغل لاليني زورته بمناب ساخته كدازلدت جرت كرمبوصب نارت فطرت وستى قابليت كاببى دست ميدون

rra ای فیق فی فیورگارم روزها ميخندد روزگاروميگريدهم برطاعت وبرنا زوبر وزه صاحبا دیا الاکینا ال عُافِیعَلَ شَانًا منيه انم كه چركر د هام كهستوجب آن شده ام كه ازعبداللهي بعبدالطبعة أوردي اگر چينون رجلائل آلای نودر در که اعلی ست که این حالت از نابیدی نبایشدا با رأستان کریمی تو در پورم يتنائيم كمازعبداللهي بعبدالدراهمي والدنياري نياري جيند كالوست كفطرت باطبيعيت د نسردست ودشهر شای نای زمان فقاه هام نقوت گریزونه قدرت برمیز رباع صبرى ندكه اعشق ببرنزمن بختی نه كه باوه دامیزمن وسی نه كه باقصنا درآوزمن يائى ندكذا نسيانه بكريزم من سبحان الدغويب حالتي وشكريين مقامي بيش آمره كا ﴿ أَطْنَ الْمِرْ إِلَى كُرْفِيا رَوْطًا مِرالِشْرَارِ وزْكَارِ دِرْجَاكِ نَدِمْ دِ أَنَّكِي كَدِيا بِي ازْرِقِ ص مِرو لَ يَمْ نه قوتی گسترانجام طاسرایم قیاس بایدکرد که ایموضروریداین کباس تابید جی قدر نوان خت وتقتضاى الطدور يم طاكفه أرخلان وفا بموصب دِلسوري كدلاز مطبيدة وشأ ابن نشارسيات درانجاح مقاصد ومطالب مساعي للبغ تينو دندا ثارصدق ميت ون طومية أيرنطا كفدجون نزدكم ينقين عرفي بود وجمالت ايشان از حالت سربياين نوريده قربيب بنفين ففيل لامرى ندروى منع وثهت وندلاى قبول تأا كذعر ومضاك سال بهصيد ونو د وكي واربران مح دا د كه از كليات امور واقف شره خود يك فيعسه بَّان بِهِ دَازُ وَاللَّهُمُّ خَلِصْنَا عَرِنَ لَهُ وَآبِ لِالنَّفْسَانِيَةِ وَالْدَسِا وِسِ لَتَنْ عِلَى بَيْتِهُ وَشَيِّرُونَ عَلَيْ وَمَقَامِ الْوَصُولِ وَالْوَصِلْنَا بِعَاكَمِ الْعَقُولِ اللّهِ الْعِبْرِينِورِ وارَّاسَّانُهُ معرَّف رَئِكُ بي کشا د هیشانی تواندبو و که بفراخی نشاط عگساری کونین مبیش نها دیمت او باست یا الرازي المحارية والمعارية وفرانه المرابع المرابع المرابع خرقى گرە برابروكدا گرسرورتمه جهانيان نصيبها ويشو داوباشا دماني تېشنا و نباشدو نزر مُنْ اللَّهُ اللَّا اللَّهُ اللَّا اللَّا اللَّهُ اللَّا اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ الللَّهُ اللَّهُ اللّ المود المرسان معترون Sand Property (1937 Taken King district of النواري المراجع والمراجع المن المن المراجع والمراجع والم

الله ويكاه كييشواني نشأتين كألزاب بالاست أن مايه ديافتي تواند بودكها زخوف ويط ور الدولان فران in the property of the second وقبن وببط فواترك شذوعم وشادى إبيرامون طرمقدس ادله نباشد منيوستم كوفراتراته Silver of the first of the firs مقامى چندرسيه وخود چون گويم دريا فته خو دار قمز د و کلک جوابيرملک نايم ليک عرب المعالمة ونهث جها نسازفطت سوزمن خصت آن نمید مرنجاطشویده میرا اول مصاحبان زم عشرت جهان آفرین اسایه لهست لبندلیه وان بارگا خاطنت اُرتولیت سازوار دان دویین سومین ممرما ن خارتفانیشه و دانویت بسندیده العد الکیر مسد که خاس و ابید النه مرکس اندود انی جوست ال شد ما این و این مرکست ال شد ما این و این از د و گریبان او دار دانی نفس ابشری من زینها رکد دینها و نیروننا خقاندا خقامی بوشید و نیز واي معامله نافهم رَاكِه روشي از دَرِيجية قدس التبديباً فتدانديوا نالشُّظاريان مسلماً يبننو داگرينيكي تو وارسسيد و در دي توكم استام ميبند ند با ناكه بلي دسه از ماراين صحيح حيطمع داري واكريدا كاشته باتوا ة خالفت مين التربيب والأراد الإ سيايوك ميكنن توجرا بهو دونتگ تفرقه مى اندازى واعتی ازن با آن مان چەمنىخارى كى نىفى مىن كەازىكى ھوسلىكى ھۇدايالىق دىيۇكدازگر دو بەنسادان نىڭ دارىيى ازگفتار وکر دارتو کمان خوبی برده ام این گاسح دن میزنم واکرنه به ی این است ا زدمحارت باختن اگراز خدااندلینی دورست در معامله دانی چه در باشد فهریدی کهمن از وچه رنگ آسوده دام تا سراینداز بازیست نامرداز ننم و بازی واق می از این از این از این از این از ا میمزنگ گشته براحت اقدادی و کاشیک نیراز بیشتی که دی تومن می در این این این

TIM The State of the S اين مبالخ است اعبالندسا ومفدم شرسيط لاول لا و زکارش فی مت العبال کمپالهی من دوشدار جهانیا ن راجهان تونیبی که زنمنی و عالميان اشدجيعطية استعظيم ووببنى ست كبرى كذمين فروغ خرواين الزبسبا ووتتى افزاى گروه بني نوع خو در دانيده ام ميت عاشقى برقهرور لطفت جيز + الجيب من اشتل بن رووضد المي شكر إنيكه مرا بوست آبا ورضا درا ورده از شاوي وعمنجات وا دو زبان ثبات یا نی معمر درازا داکهنی البسس بارگران نرخاط برا دران من که بنی ادع من اند نهاه ه يام ازوداز كُثرت آباد وجود تجاوتنا نُهُ عدم رمبري فرماي يا گراني اين گرانا اه ی نشیب نا دانی راچاره نای مراکدازاسیری این صیرعنای دنیا با وخریدی پر آپیم ا و لمياين ملعت خواران زربنده ميداري من كه كنده اخلاص بربا مي دارم ورنجيلن ربيده » آران مروت ورگرون وترازدی خرید وفر وخت معامله در دست چار هٔ خودان دیدهم ا A State of the Sta مائيت في والدجهار كوم كران بهاست يعفي جان كدراش لمال كم وفت طبيعيان ر وال كه خلاصه حوامرسو واگران نسبت مت تواند بود و ناموست كردرمهان خواجرد المراجي المواجع المسترك من والمراجي الباب بزركي بزركان بداريت The state of the s ودین که عصای کوران کوی راتی دورتی ست در کارسازی صاحب و یا وشاه او دین که عصای کوران کوی راتی دورتی ست در کارسازی صاحب و یا وشاه والمرابع المرابع والمرابع والم ت و نا کرد هٔ پیثانی کشا و هسرت پیرای اینمان گردم الهی اُزعوصَّله و حروکه داد و دخوان قربها ندازه او کارازمن طلبی وازمیان تهی که دارم چنین بایال خوبشمای بنتی خشب من مراازین اندلشد گیری میسی در بیجارسوی مرادی قا د دام کم بنونه با چاه دوسف من برکداندرین مازار دو بست ششر شهر بستی الاول شهید a hard of a part of the court of Complete State Man. CONTRACTOR STATE West of the state المراق ا

والمرت المحتري المراد المعرون الوا المرادة المرا ا من المنظمة ا المنظمة نووونه ولا مورقلي شدا له والعرص الدين نيكو كاران تواند بود كرحمت عامدًا يزوي مخصوص طائعهٔ نانستهٔ خو درا از الایش خوم شریاکی د شه برستاسلیم بالرازة المرازة تفویص کل ناید دازان فروتران دولتمندی بو دکه زم دوستی با دوست و ژخمن و برش بیگاندآراید وازین کنتران مجت بلندی تواند بود که اگرینز بهت سرای مجبت نتواند سید با و من المرابع ا بقلا وزمي تخت خدا وا دربساط عوت رضار سيدة تخاطري كشا د وبيشا ني شنوي ت مربع معانت المرابع المربع ا *صامن ى خود واندوازين بيت ترآن نكذاتى تواند بود كدا گرچيمت شامله الهي اعنية ب* And State of the S گرو*بی ماخته بت لیکن از روطغن مخا*لف آرمیدها کی درمیان داردازین کمتأن ط^{ان} سا د پوم تواند بو د که بهرچند مد ولتساری محبت کل ونز مهت سرای ضیای کل د دا الانست سالتی رُسيده ست امار توكيد ازاع قل ناقص يا تقليد كامل وردواند بي مداخارُ ريانيك ويدان . امردانه اتتثال واجتناب مينايه ومراشب أين جهار طبقة گرامي حون ماييج أن ظله من و ا منزل ا وفروتراز بناست ازبايه صابيرون وأرحط بان افز إنست العداكر إماله آن بيت فطيسيكي ورُورو مرقري دنيا إعروس ريا شناس ليكن إنا سجاك بشامه جاك الم ازوولتغائرهمت نسيتي سيديهت جنائج دراقبال ين المرورب ازعاى اطبيان بتعاكم نرفته كامياب خرسندى وشا داني فميكرود ورآوبالأين بيوفاتي وميت كشيشمن نواز إيال فأ ولكدكون عم خيشو وكبن لدنيا آن بي يار ذاتي ست كورباطن كدو أبد شداً بن مرفرته ت المنتقة · Parising كادان راوروا نافكن صرآك زده شادى واتم ست نه درحه وللات ابن شراب فلانتام حصانها دى وسروندنفس روي ووشيمن ام وندوا نعام ابن ست ست المده الداري ا وبروپای خورسن اولنگ و غبرالدنیا آن بی سعاقیست که با فرا مراود کی ترکه ماسیان

وحيارز ديمنجات بنو داميج بدامته الدنيا أن سياتوست كه بغنون ي ومدرا دري كرست وكياف كماكي ازارت وورت كروري وشده وطلب المعروف مداج ماتمي كريون مهلك كرنزت قط نموده كالبشيك وخاف في محموات زبان فالده والده المرسنصان موش افزابوشده اندكه فصاعي والمستنا في وافتا ت على طلاوجون كان ين كوسر يسها دورو واند الان مصور دوانروطا تفداد سأجمل والم بامره كام اسه وامالي گشته اندوتدا ولي اگر بوجو وي گرويد واندان است اصوفيد گوين واگر . على اشار فيرخوانند وطبقه اخرى اگر بهي لاعتقا و دارند تعليم با شد والاحماي شايد و آ ابن خلاص تفيق بير سرخواني وطاشير على لع ارتفير فيرانقل ميثر طين الهي يحيه مرفيا The state of the s ونه يخود في مرزه كارى والافتحود الان كرون فيرى فموقى وفي سراكتين Shape be a second of the secon The state of the s اندومیان آردوبا بی ستعداد خود جراازین هام حرقی زندونامح م را در طونساری سند انگاه دار ایش گرفیشا سای موفت و شهنسنای هیفت گشید مینی قطره از در او در داد و الله المونية المراجعة المحاركون سان عاقاني ر دور وع صفر سير اردوه مت المنافق المرادة المنافقة المنا و المنظمة المن بنيان حِيارْفُم أَنْهِي بَام هُومِيني وبايضدينَ اللَّهُ بأي إي المسالية المراد المار المن المارية

Jagger good 3 to test of the The state of the s مراسية المراجعة ولا نعلومت المتراس المتراس والموروق ووق نظان لمي رقع بيت ويدود ماف اخان ازمنه ساهد الاستطن و وبنان خرد بينان المان ال in the second of ي الما المراجع Philips with the best of the second ارضته وتبابر الإمي أيزاكر توضوا زسرة كميه ران كروه أو يجذبه رامي تست كذهوكر دعل آن الأمرا ٷۼڕ؞ڋؚٷڰ^ڔڿڮڵؿؘٷؠٵۣ؈ڡ ؙ روز گار ناپایدار از محفوان بیاب تا حال کدنه اغارش علوم و دانجاست یا داری سی The hard of the letter ونشيب والاع انست فيف مانت كراي الاين لابات كرفز الدن وشارا Charle in his Estimation ظلاصدرندگانی را دانتظا ماساب لا بعنی صرف نمانی دارخرف بکند. دو یافت ایست کارنیشرف فنون نوبان بازیش میتر فریست فوری کدرا بستولند دارکی ها اکست جم يه الن في كم وهم أندود راول في من فروقة فهي مها أكر دا درست باكران دنس واس المست مرد و ما الكان المان المان الموالمان وم عالم المان كالوفي عبارة مان وقاء جباره ونكال فيي بال ظاهري مارة مان ويا كامان ملاغتراض فيهكنم فراه الكان اوروركاه بيوت جزرف استدى وذيت ي سرجو كذات The state of the s به کتیست چناشات کنتو ومعاتب مودمعانیم می بیاره و به میسطی است. شاطراً از اخلاط فاسد نونتهای سی پاک ماخته مجلای ضمیر شرف ماز دواز سن به بیستان سيت كدوا منها بالنفان راه طلب ست نحات نجشيده أي كلي واتصال تية في خواست Section of the sectio رونودوش شربله ولامروكانة الماكيلنقطات شرح اوالمارين The Court of the C روزى اروزنا كها خاطر مكيث من سود ملو تقطاية شرح أواب لمريدين فول وول مراج أولية سغنان برطايفه ماختد مقسفا على ليغوليا كي درشت سقوا على مينياني إدروسي وارت ڪيا والفتي درين المي شت او بي ده معني اوسيف بوي دمي ازا ن گرامي نساجت ال The state of the s Control of the state of the sta Sec. Car.

M Just و البيدي ونويه وصورباندا ميديعلي ولك العبراً No. No. G. C. C. الما والكان ووالسال والمان Cill William Joseph از در این بازی الدو این باری وگران بین بین کی و مربم حراحت خود را علاج در در سی از جوان چید سازی الدو اکیری کوئی ن دوست از خوم نالم مرواشنا او مگانه انتیاسه از جنام ندی نتم نمان و ناخشهٔ دوی دوشان کی شاد و گیبن خوام به و در محصشوقی ن وتطبيحان زنا برخوزارت وعاشقي تيكونه كامروا في طهير وثبته ثائم اثنني المراجعة ال

المن المان ا اگر در مطحومت سدادی درشادی داریمتی در کا زحود کر می مزانه قدمی روارکه اگر مقصوفه Andrew Military in the second رسى بارى صاحب بهتيانه دراه رفيته بإشى مردا دماه الهى سندى وسفرْما الخلافة لابيه والمنظمة المنظمة المنظ ردخمن خوش روئی وکشا ده میشانی متن نوت اشوژ the state of the second وما بهذانست كدوروبل معاطفت حفى وريره وكتمان ماند إبطلاني ومنصد طهو علوة Wind Company of the C شكرا بن كه در كليات براه ما بند زفتنام دكيال مان كلني واندو وانك دلجفني بم وما ش West of the Control o بإكمى واستدرفته وكالبهزميرن نيايد لعبداكه ابولفنسل كهانيمنان مواينه أتتب يركوسران ت الهداكم إبوافضاك ببركابوي ممت و تبوي فطرت برستانيا ت داروآمرزش روستان تک حوصله کوتانظر که اران واسانشناش او الاصلح جانتوان كروازار وخود وسالت تا بالسالعالى لانات سيت في ت ابناناكه دوستى اوبا مانزار سرقبيل سنايك وألها كەنئىروز دۇرى بازورما دېكەل شاخ دەنى لىي چېنچاي لادارى تارىخىي تەن كەنتى مارىخىدىن ایننس ار بخروتاتی گردانیدی وجها فی بطرزی در کمین او داری النه اکه عبداز ما دان آیدوشا از دا كها داع بيشاني دروناكي ونا صائي ايزوي مروح كروبي ازيشولان كا جان فا ا كوتهي حوصله وريايا بن خطاست العبد العيرالهي وم شرك دا اكرب أنشار في قريرة ت فوطى والادركنج محمول بدنش وس لد حوام شريحال كايم وشماحابت ازواجب تنعال ومستشد باشراله الم

اكوته لطان كرفار مضيق بشرى بهروال تتالًا بفران قهران توكه الايدك كلهلاية يطبعت درافا دوراه مجات خود ميجويد وباوحو وشدين ممت كه براي اوسلحا ى جندين جاندار لبلاخائه عذم ميفرت ميفرمودند كركاكل بودى كداين نامطا ما فهمان كوش ٠ والابيان كنم أگر نوكرني بومي ومروح با دشاه مي بودي حرقي حيداز^ه متی سرآیینه از ملعن کو ته نظران کوی نشیب نا دانی این بودی المراجع والمراجع المراجع المرا ەرىكون زوھام *وازر*ووقبول *بزرگا*ن جان كميسو^{گر} Walley Control of the State of C. Sanda in the state of th سفرحا لمقاى رضاى كل گرود وانخانبزشيمن دستس ما فوان آسان نور دراه تفویض کل گرد دو دران ارانخلافته ایزدی سید توطن گ^{نته} William State of the State of t

مريد المريد ا المريد المري صداقت نشان شناساي برمنزل زباندان بروبارمياجي برحالمة بان كاخداى برمحط كشتى بي ملاح زا و و راحا بهترين سفرنا رويو داين لباس بيت فيا وتعيق في Secretary of the second باطنی لاجاره گرآید و وشت این لاه و سیسن دافسوس کشیشهایی و و به میرد و در این در این در این در این در این در ای واپس فتن سولا گیر منظم سیختگرد واز نفیس د و در و به میمیم در این محتق و بیت کارینها ن کن تواجیشان می تا بود کارت سایم اجشم به سیس شا و ن این مطابع این مطابع در این محتق این مطابع در این نداوباعيان كانسول ببناتان التاجا الم رديدا ومنعش سرت ديد ماييب ولخان تبساك The the the the the يرب ونوشر في العالى يسل كام النسان ندكه المين تعمد الكان عاده الدوارية المحقويغ كدينوزاين سركزان كوى طلب جارة خود وأغت ونستين فيتحديا كالمرصد مردان مرد حسالفت المناسبة و وقد المان والم والعالم جستا أليسلم المعنية

این نفیدنه و من عبالغوانس لادردولتساری عب اللهی سنگ خلبت گرندا ثانماين دست يأتيمن جان ست ابولفضل لأكدبسرنوشت آساني متوروا صنداديت ويم أگرازليب تيههای اونوليب فعرگو کم فطرتی وسبت بهتی او دراندلیشهٔ د ورمینان بارگاه و اس من مندره واگرعالی فطرتی و بلندر وازی و دور بینی و نیزر وی اوراشری نولسیم در پ فاسدرمان وزمانيان كبالنج دبحه حال بولعب كسىت كداكر خرف رابمرواريد فرولت سودكن دواكرم واربدرا بخرفت دمد فالدهيمند تساكر كدبعنايت ايزدي توالكرخاطري ستكم ليميا گران روز كارغلس دريوزه گراويندنه از دوستان برخاط او بندى نوبر دشمنان اژو ازندی ژنمنان از وفاع دل و دوستان از وخرسند میمات چیمیگویم درمعامله جای او از ندمی ژنمنان از وفاع دل و دوستان از وخرسند میمات چیمیگویم درمعامله جای او ليمحل رواج مازارتم ينرست ندوستي كبارآيدونه وثيمني آزارتيا ندويطا ازانج تبعمد وقصدار أسا Sirving lowers didivisite. بطرت بزمین کارت فرود آمده از شناسانی مزاج زمانهٔ حرست ندخی منیا ید وجو درازعاشقار رة المراد المرا الميارة والمنظمة المنظمة المنظ مرابع المرابع مغدت میت وجون درگروه تعلقیان درامه فهادوستد بایشان میماید عذری کلیت مشکلیسنان عود نیب نام باشد ندارد کیس مهان تبر که در سخن سته آید و مرانجیش کطان وقت والدانتثال بمود وأرطعن توسين مكيسوا يواغازاين سرائه مآخوليا بهسة ووهرب سينه صدونوه ومشت دردارانحلافة لابهوراوست شدهم متتاح بباض المون النشيا دبت وبشتره والهي سندي بفت سشبند جاريم محرم في التي سند وعد والشائ شميرًا زوجنو لي درسرا فيا دلوين شوريد وشورستان طلب شر وعرصه واكشائ شميراز وجنولي درسه رافنا ولوين شور مدروشور No all in the second is the second second of the second se

Sing of the state المرادة المرا ٩ ١٠٠٠ المراجع المناب المراجع المنافعة المراجع المنافعة المراجع المنافعة یخی کزیدن وگزیدگی خود اخریدن برین آورد کمیزی زنگین از سودای خو و آرایشس والمعالم المراجع والمعالم والم وه ورقى جِند اكرنز بان سِنْ بَاصِ المندوابِ الْسَعْيَ الْمُعِينَ الْمُولِيا السَعْرَابِ Marine Marine Committee of the Committee سيا ونايه وحالت تزيرب حود را خاطرنشين دورمنا ن عرصت بينش كذا لهيا كشاكت اله يشهائ تبا مجات فراى رحا فطير واعتا ذميت العند كمر فيتن كي وحالت بنجيد فيست كربركزيد فواعنا وافته بأم كلم وولت الرئيسي افني Try winds عمدين نريب وختى وولم أيدكرك كردام كين وتي نيدسيكيان E. C. G. W. College الرييمي خاطرورتسويلين اولق مردشش سناسات حويين بود وليكزيم ست ت أمدن ووشوار مسرسدن أن ومزورامدن اين العساقيا ك divine divine di la constanti متاع ريست ومحشور شدن باين گرو دازغويش مداي بن طبقه كدهروا فروانه سين وحرمن بهم بيرسدا سيجه خوش أرطبيت أو والفت فطرات ومباينت مشرك بهشت نيزدان مسوده ماخت وبراي عيرباض الولفضل بنارك كرابيان أصليكل واترك شدكه ومحبت باطبقات انام فيبازوجيانيد راي مهاني بادلان فطرت بياضها سرانجام ميد نزعجت أشنايان معاشرت نيزور في جذرسيا ويساد ايزوتعالى إورا بخود يتشغول ماخته فارغ خاطر كروا ما والساكب مما بقي وسعتول بها ص راصیاب مطنت اراب عبر شختفی نماندگد در منولا که بحسب تقدیراز از عركت برامده دركاناركترت افنا ووبت وتمواره ورما بنات وسالات تعاليات ازاخوان زمان برده اگرجه ونطنب ركوته بینان اهنبازلی مداروسی که محاسه کشر را و ب طينىت يا فتدا ما درمعنى مييش الغ نظران ما بيجيه مازا ريان اسواق نفسه اللامري شده ست اعانونالد تعالى ن شرورنا وشروريم بياضى جندكا يا من المجا Service of the servic The state of the s Control of the Contro The Care State of Sta and the state of t Chicken Charles A Signal of the state of the st Of State of the St

آن مرضی خاطری که دست روز گارگرد دان او نتواند س مِنَ قَسَا مِلْ بَشُونِ مَا تَى لَلْجُنُونِ مُنْوَلَّ مُنْقِدَ العَبِرالاَقْلَ لِولْفِصْلَ بَرْضًا ب شاق سعین توسعاته الامداکیرانچانزا وادی کمین در بّان تسلی پیست چون نبطرامعات ملاحظه زفت ان راسزاوارا خرای محلول میسینه خود دا از نظار هٔ جال اومحروم مودن لائق ندیدلین مزوخپد مخالف بص موافق مبن كحكول لاجدا وثهتن إزان مسند فيراين فجيت بسهرارا يردى لأكنو بشده براتح راتبه ازان مبل دانا تعین کرده و آورامصاحب روزتنها یی کداز کمنوات خاطرد وزیر ونهسته منصب زم آرائی ملک تعلق دا د تا درافن روز برگانه واریشل شهنایا مسته منصب زم آرائی ملک تعلق دا د تا درافن سنده از این این منطل این که فرزند ا رسعا مازگذاری سنجی بسیم جان گشتهٔ ازاند و قوشا دی که فرزند ا ن خلف و من ورجا انداسانی کرده زرگ زاد که مرابیست ملائم و الملائم نفروشدت متاع گرانماید کاسیسباد وگراه وجرعیب حاسد باد سبحان الده چشم خون گرد سرايي خاطرميكرد ونكهمت وسيقلي ومشتهم وروزي نيست كدازان دولخب اند بمن اولوشی زب داین حبر زاژست کرمینجایم واین حیر کجر وبست کرمی اندلیشه ابواله من اولوشی زب داین حبر زاژست کرمینجایم واین حیر کجر وبست کرمی اندلیشه ابواله الركعة زانشا سدتوخو درامي ستناسي خردنمشاا زعونت ردار بازوس شدازغوم ش بي عوامث نجات بخت يدهم م خوده ساخته موصول بازسال به معدونو دوشت جميدي درلا موسلي تدانيدا مجموعه بيهت كمراقماين سطور زشور يركي توالبعضي ننان طاكفة عليت حنفي وده كرده لودوارنا داني حودلازين طائفه رتهسته اعلم يقين

بداغتفاوان بنونم والمراه المائية الموسود الموسود المات وفيدا المرابع والمات Air Charles and Archive برنده بالمراب المراب ا Marie Mandal Comment راه محالفت سيرون با فطرت باكنلبعث بوروين مه ا بسروقت ان می آمدویموار ماین رااز طول اس شورسه جون طغیان از دست بمهات سركاغ دنميرسد تأانكرنت مرصان سال نهصه ونو دوشت كردل أيز وركروسرا بإجهان وجهانيان منضرانه كالهميكه دود وازاخر يذووخ زمان ورمانیان برمکاس حاطر با نعان مرم اليثان كالارانطار وكرده فني حندباخه و دُمِّيان أور دكه ز گندم نامی شود کوتهی سخن انکه بعر سيده صنوابط جرئيه قرار دبروباي تذكار وثكا يشبت فيكري فاردالي وراط موانع صوری شی نیزازنگاه کردن این مرد فریسه كازر كمغر بشريت وفطرت وممت وطبيعت سيرنجا ندكدك مرته بسيديا سأورده دركارم شدولا دنتا وخودغدمتي نايسته دزير جيلة بالروه اردى بمروم باوطهوا ندازه واعتدات

ب برقد توفيق الهي ازبارشكر نهاي بن كارزو ما والابرامده درميان كروه ما داماً أنَّ راسيت دميانه خايرسا ما ن نيرير دوست إلين خواست فالأكدا ذنركبير ببريح مذكوريديراً مرصت سرانجا ما فته كاميا والماري المراجع المراج مرته قناعت دو رتسط کل و درجالت محت کانات بالغ نظرات مكون را را نهست تا بمكونات آلوده امكان چرشيند و گرتن وركا ملح الفرنت و تبت كائنات رند قدار نجاشت كه گفته اند طسّات الانزار ئيّات الكترون John William Comment

بخاطم وى زسدكم مر توج بكون چسن دانتياش وا يا بها و ياللان الله براد برجاره مكن راديافت حضرت وحرب ارقسم كال ست وعلب عال مرى The state of the s ليكن سكير مح ن كربه صاحبت نف فاطقه شرف شده وست الكان الله المساحدة زور می در می است از در می ا ولا تخلید سرد دائل دانیا تحلیه فضائل نمود د برمراتب علمی سیرسد و در شخانه فيج كم عهت باي مين نيت گذشته صن صورت وسيت أكر المرزوج المراح ا نظرانداخته بحلوجاط ستسعد سيكر درودرات فاطركون وكمون إتمانها أنست الارتعالى مطن تميقدا ليفضل بن سارك مليد ولا موس حرف سرای حود شاکی لخاقاتی در شاکیشس آباد جهان مزور نوش به ایشت الاامريم تركيب واوة عفة لعرافين المجعب وهبت أكرع اقيان ووست الت Co . G. ورنيافته بتفكى روشته بيتن نايندكوسالامينران وكوجوياى نيزا وزياب بزاة نفس لامري گويدكينشورشرجه ن سوده بارنيارد جان تبته كيمن تمديم ن جي ف كمنع خشق ليره وركرون طوانداخته زلد بروار باشم وارين جواريش باكوا بسنسه كي بشاف ع راواغ وناصير بطبيعت رانورجراغ ست ياره وبسطا وي كمكو اخو وكده بويلت إزبان مخصوص زاا بو كمب رص بنجوانند داردشا يد كه عند آناين سيا دكن الأنس وتبا كمن نده ول راازسيه كارى سپرى بديداً يدواز كما ب مكتوب يره خشه افسات بنعاس كرابداري ببرحال بمقضاي حرابث فطرت حودكان دين فيطالي ست بالبوجب جويا أي طبيعت كدولها س فطرت لبيذي وألان يكذ المالط في الم اران مرحتاً ن نبخوش مي آير باراي ضيافت طبائع معاسف ان ران ويشب

ته آمر وبرستاری ایز دباری کهنینه کشام عنیسه ران پشه که رخیز در بیش سنرو در پید بار کامن نیارشت رسی دنشرخایخه بايدبر ذحت وابن خدمتگزاری راسرا پينجتوری اکسيعا دت اندوزی دنې جانگداز برادرنیک کر دارقلا ذرخیقت پژونان دمشس آموزروز کارمزنگامه آرای عود قل عدا فرازمرد می ومردانگی کا تخت ناکامان تهم نبدروز گاخستگان گنجور اسرار شابهشایی و تقور ایمل پتوران مین دوی اوچون زرای اوا فرخیت آفایی باقا er Alexandre Grands آموحت برروی کاراو زونهن اندوزان بنیره روزنا کامی شد حى بژومى شتندعشرت اسرمد بوارامه نقسشه فرخندگی از لوحه روزگار تترده ش of the same of the نیرود شتی که باسهان آختی ویزمانه دراقیادی انگاه آسومی که باروبو داین که نتیم کرزیم A Commence of the State of the

ogowy of the state of the المان المراجعة والمراجعة و وردى دوان جركبور الكششك والارتبار Silvivi in the state of the sta Strive in February إنبطسران بمدورتم ستم في في سان برزيان والم ت كريرخ اذكة مل زاند واولق ال وماه وعم نور و وأ white the state of the Single Land of the life of the life of the land of the مرافع فر المرسطة المراجع المر براور دُنا بهم آنا بن فت از کا بخشی واندازه واژگی گویپیدند و بم اینا ان انش نکالیانوکا از سرنو براندوزند قطعه معرکره و ن دلیش دنیش شدیدا براجل جال مفت بادم The or White has been done واوه ابوكيتي بياري جان كلين وول فرنين وه اندم و و دري مرسستان كري ولا The Control of the Co وون ان عزان کرون ای کرد مروم زاداشان ای دادی سام ن يوانتين تحرد ويب اكن سين الانال شيواد بان مم سِيرَتِي عَنْ سَالِينَ كَابِيتُرُا ﴾ لغرينُ كا ورُبُ مِ شَان شِيارِ مِنهِ السَّالِ شِيارِ مِنهِ ا ت نىزومازوىن بندى زادياك ، قوت ت يكرخاط سنتا في ارايقك معين بجاى كويرسن ب رز مالر گرفته زه و شوارگرنها ك سينگريشرمساری ا نمود وول كونا دبين ازاب نشكي سخرب إب لديا د نهستند بنيا روكا ه د وبينالا S. Contraction of the second ب گشت ملیت انچه اِ قوت گفتهٔ میت است ، چه وروی کرم المنافق أركا وعلالكافة Constitution of the second

يزروان صريتهود ووورنان باركاه وتحود وحالطل افعاد وحود لاؤطئ الم حشن عامي كون ونهة أرسته بالنائن كرودة الاشكوم كيفت نفيت كمراند فراو الصلح كاراند محبث عمل ر مانید دارسز وشان زم عنی دانا نده بود که ناگاه سی انبهری اکداریم ایا و خصه و تف شرق ایرس اوله صاسب وزعروا كاشتاده كانتست رشاطينا في طراسرسناك مرول م اعول رضال رده ماموسب وربده شد گاه گناه فنسر ما دو اسگرفتم وگاه جرم دانم غرج البنمودم ٔ تاانگه دل برده حیامی این نفس اماره امی در بغروسس از بوانیم بها و دونونهای خود. میرون ول كردوروزى جذابن مركه كرات ان واما في المطرحندس وسيشت كما ساين وبرائ و دورت عاك زات قابين معاص بالنات وعاون أ حق برای بیرفتح مدشیراری خت سنی رئیست فلفلد در زماطی ای داراد و مرکز ضا ا ول رووا واین بی آزم البیش آش بردهٔ کا درمده شدا از تما که میشدا و زیعت از شام لمبير سيت حرورابذرار حلي والباس شافن استأم وشت ما ألك بسر نوشت أساى اوفطت الارتفاد المرتبية A Constitution of the state of این فروراز ماها و و کلیا ره مازار حیله اندوزی کسیا وگرفت و گوشت شد که این آسیسی The state of the s اعدت وقت ويافته نام ول زهوونها ويمكاركونين المح كال ميده وست والمح زات جهان ارمنانام كروني در وحت أبا دخاط از منها نشاني وندا · صلح كل انزى يهية The state of the s مدرازگروه عام بوده بایمال اندو و تو دو تحون کوران صوت وسی اشکیها بوده و تحق و ت مى رووازا باكدارمشرب عذب ركستى عرف كام جان رسيده ب ارسطالع كتب A State of the sta مد في سب حرام ان بازاً مد واز كلول خود كه ماصيع بي عرص و وعظ بي ريا بود دورتم The state of the s

المان المرابعة المرا Control of the state of the sta وبرج مناب حالت بوده بشداز نزته كا وبيث ينيان ديوزه كرده درين محب بنوكية وخ د را جناسخه ورمد ريشخيت را داعلای نا دا ني نا دان و که فالمورون المالية ملتب افت گردان دفری چند پرین مگذشته بود که رعونت نفسیا مهانیت حَی سرگرم The War in the Control of سننان ببنداين طائفه كرفذوه العرفانيخ فاليرالديرعظا رسيت تأنط كشيد بودندسا Sir John Jakes Com To the state of th وانح يمقصنا مي قت خوش مي أمذ كاشته مي شديعه از فراغ أن مطالعهٔ ديوان حكيم منه ف شدوشرع وانتحالت جودازان مجموعه واستمو داستوالی از کلتالغا or Cat wellings only وسيبابيافتها ونظركه دنائ عردا ولاخلا شراطن بصرا التجمن فرنين أزاعال نامرسطيم Not to the second of the secon ساخته بالحضاع كيه بنديد وخو ومزتن گردانه والنيا به وام أكابي وتحصو والهي بفيتي وينا وفريني داره قالاً بشرقه عاب بغايت واتركر دوبعا لماطلاق ووانع مطلق رماند وتوكل ساخة الصال تعيقى نحث وردقت مراجعت ازكابل نوا Complete Control of the Control of t يشا ورمم سي الاول نييصد تو ووشت على نداختما مترخف لوق فال ونهن يويركات قدسيطيم خاقان كصبت إغودي درنا فته Carlo Single Control of the ندى رسيرى گرچه ول مزره گرييداند كه تعصير د أمبت گونمي كشايرواز حرف موت

Tipline Cold Mile Cold and والرت وي المالية المالية والمالية والمالية With The Best of the State of the same The state of the s Pagil in a consideration of the consideration of th A Landing to a fall of the board Charle of the Carlot of the Ca The same of the sa To all of the state of the state of John Strate of Whitehir The state of the s Toply of the state To the light of the land of th ٢٠٠٠ ني ني ني ني ني ني ني الماري Miles of The Past of Parties الايلام الموادية المعادل الموادية المو Topic

Sign Rolling College The string of th ٩ من المالية ا المالية المرادية المالية المالي Significant of the popular of roy The state of the s ٢٠٠١م مرين المواد المرين المراد ا والمرابع المرابع المرا Will and was the state of the s رى كەدرنها داين غويندهٔ اونيا بند م قعب پرست باستا ن فرون المراز والمراز المراز المر W. Jan Br. West in the Market عاشرت ازین بازار پیشه نبانبه ساعی چندبرگرفت انتعالی اولازخیا شاشت ناسته خاست داده وازدارای سوداگری بازهٔ الشك رنيرُه چندرا باندنشهٔ تباه گهربودن سرا پيسروردا ماند دېردشتن و موراي العبنا Constant of the state of the st بوالبحب قاتى گاه با مكون وزنمى فى وگاه ورا دانى كون عاشق دارد مى يې د كه د يانيتنا Contract of the Manual of the بنحلوت خيموشي خراميده بودي چيشبر كديليار كي محيا تقيقري روى داونوي باديرا با نات College Constitution of the College Constitution of the College Constitution of the College Constitution of the College Colleg والاى و نشويست سرانحام مييا بتراموي كشان واليقيدن مراحان والمويي والتاثيلي لى تى تى تانى بودد ركك سنى ئىدانىدى بان از عالمات سورى در فرى كداندى بى بى تاريخ

N Man د اشدکه بامن اصلی شرف گردی الدار فی مانقی بور الى وُشْسْ لابوزگارشْ يَافِتْ احْتَا مِنْ يَخْبُ صِلْقَهُ حَكَّمِهُمَّا كُوَّ Service de la constitución de la سنان فردافزا وسعاني عقل آراسي عكيم سنائي غزنوسي كمانظلم ساكيا وتقليد والز ازمشر ببعثر بتعيق وي مشام جان فرجام اور عالمه بسلى كل دېشتىدارىمت خودخوا يان محبت اين گروه بو دم ما در مىن فراغ خاطريا. ت لا زغلة كل ه ول بلورده بالتم يتبناع صلى البحيث يديد لحي الرجه إرساني حمية دياى ابلايها كدكوشواره خرقوالا اسنروبرگرفته بوده ماه ایسنا نی ننوی گوکیمیا گر<u>ش</u> و سنا نی ال الرحة مبين اوطيم خاقاني خرد يروست اماسنائي دوم الوالآياني اورا دروراكر حيدل أرخنا يوهو و ماله عام و ماله و الماله و الم عليمة خالقي نور بذر كشت المان لذى كه از كلام اعجاز مقام حكيم خيف وروى 3,300,000 غت دنی آروجرانباشرکه ای مند دنیا بود داین می ندهیمی آن را بر کفتها ٨٠٤٥ أو أو المارية الم تجوبوه وابن اينه وكردانفر دشكرائر دراكة بعضرازها لات عودا ارت لقة لهيفة أتخا نمورة سيرد تم شوال سال مصر نووون بجرى فارع شديدار لبلطنة للموا فأرين وكدورا بودنوز عاط كرنت سيراب نشداب كماز صابقة علم نصيبه في افرزار ولهي از كفتار كرداراً Le la july o con a City participation of the contraction of the contra بخش أزكردالفراغ دل جلائ طربقا محنايت ومائ بيقدا ولفضل بيمارك احثا المُنْ مُنْ مُنْ وَالْمُنْ مُنْ وَالْمُنْ مُنْ وَالْمُنْ مُنْ وَالْمُنْ مُنْ وَالْمُنْ وَلِينُ وَالْمُنْ وَلِينُ وَالْمُنْ وَلِينُ وَالْمُنْ وَلِينُ وَالْمُنْ وَلِينُ وَالْمُنْ وَلِينُ وَالْمُنْ وَلِينُ وَالْمُنْ وَلِينُ وَالْمُنْ وَلِينُ وَالْمُنْ وَلِمْ وَالْمُنْ وَالْمُولِ وَالْمُنْ وَالِمُ وَالْمُنْ وَالْمُنْ وَالْمُنْ وَالْمُوالِلِلْمُ لِلْمُنْ وَال معلان كمال موالى ما كالمن المراد المال الموت مثن الكروراوا الفي اليا مراح المراجعة المراج شبده بود بیکت ادادت دراورده خارسان بی بیتال ایش بیش ایرن به The desire the state of the sta 15 resident from the second se a porting to the same of the s Supplied by o hair land with the Direction of the contract of t

Signification of the state of t क्रिकार हैं कि कि कि कि المرابعة المرابعة المرابعة Kaja da wayani ودر المان مان كنان عن من من من المان من من المان المنان كشان برد كا خاطر بي حرف Sentente de la contra رابين شغول ميشت كدما ويخست ننايدرف سامني كود إثنائ عن مرفي حيث أز Residence of Millians The state of the s وگاه بهرزه گردی خاطربرین خیال تباه می آر دکه دانس خن بسیارست اگر به ولت سای Property of the Market of the Control of the Contro عقيقت بيبرد شناساني شيب فراز كلام ميكرداندو كالاسطبيعت بوده والنازيان ليوزو Silver Charles Control of the Contro وَفِينَا نَ زَمِنتَ ٱلمَا مِنْكُامِهُ وَالْحِيْمُ وَمِسْرِكُمُ إِلَا زَنِفَا رِكِيا نَ جِمَا نِ بِيلِي سَاوَهُ لَ إِنْ سر ويونش طبحاا فأو بود وماين حالت بقد سقمى بم شبت هون أستى وي With the Control of the Control ورُورِيرًا لِبيت نعانه مدافر وَرُصِيرًا كمّاب دريت كوت شرّ نمو دوا قان في خيران گاه! دل تحوش وكاه بإخاطري تير وبساياي آن تكارتيان صورت كه فرسل ييطفلان وإسالمال بانيحيك رزه كاران سننظري انداخته جون تركان فيائي نيك از بدشنا ختابتي حنداز Sold Control of the State of th بروشت مازا جزامي كحكول كرابوالغزايا م صنو نفست باشد داين ختيا م كروستني افتتاح ششرص فرقيم بالكر نظم في والالخلاقة لامبوصة رت تحريا فت إسد تعالى تهي شدني بعداز The State of the S هود كند كومثل من طالب ملح كلي ما درخارسة ما ن منازعت آسو و خاطب إن ك^ي Control of the state of the sta اندازوطاه الم الكرزائه خداعت اشداضي والرابكا فروركذ اندهجيا Contract of the Contract of th Sign Constitution of the C State of the state Control of the contro

William Control of the Control of th The Ball Control of the Control of t الري الماري الم Service of the servic دا ده اند بهودهمخروش وباخموشی هم اغویش 👚 لوشنة أزارج بمويرت فسط المطالب كساده لوحان كوي نشيب بايمرد بل عالبضر The state of the s نواز که دُرعتی ننزل میانه روان مسالک متفاصدست میرساند و بیوند. نواز که دُرعتی ننزل میانه روان مسالک متفاصدست میرساند و بیوند. Si Caroca Parising The state of the s لازا بنگ نوا ونیشیب آورده سرگر دان با دیطلب میگردانندگارند کاین نقوش ایفضل ست که درکشاکش فهم بنید وفطرت عالی و کر دانسیت زایست بون ماتم وسورا مراخره الهنتات بائى اشهيخنقا أعطاؤها مينرد بم ذيحي شيعن الأفات خالمه مجموعه حلاجم عامت المخان حسد ويروران ش كةنذكرهٔ أنار عكيمان گذشته ترجههٔ ومسترشدان آيندوُروش في ل توانديث A sire of the contraction بربيبا عارثت حقيقه ولكيت عرفي بهجت أوزاى خاطرت تأق كدازكوتهي تتكلمان وأنبك الارتواق المرادة المرادة عم و بالم المده ازحيات حتى سرول بووشد باا كمخط مغشوش كه بطبيعت نازك بسر گران ما شدوشت الله المراجعة اما دانجا که روز بازار فطرت بودا و انطن برجال معنوی اقبا و ه از افت عاسه که ورها او روز ا المراشان المائدة وفي المحل مطوى ست بمواره بمطالعة أن رخيست بنحون جكرسوا دصورت اوابرماض ل مي آرا Sharing in a single in the state of the stat وبي انباري مشاركان تماشاي مخدرات تق حكمت مود مسرت الدي شومموا بنجاط مير ئ كريمة فالمائية وباي والم كؤجمت عموم نوربذيرى وثمول تروير ورفعية اين مجموعه كمال دازين لياس اورده معالم المعالمة المرت الرب ببراييك يمبسوا دخوانان عربي توانن زنطاره جال عالم افروزاونمو دبوشانده شودي سيطان من المورد والمراجعة والمراجعة المراجعة المراجعة ی دلیمنه ختیقی گر دند واگر وقت وصت دیم ترجمهٔ فارسی که سا د ه لوحان مجم ازاکن مرو وَمُوْمِ الْمُوْمِ الْمِنْ مِنْ الْمُورِينِ الْمُورِينِ الْمُورِينِ الْمُؤْمِدُ اللَّهِ اللَّلْمِي اللَّهِ الللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ الللَّهِ اللَّهِ ا The district of the district. The body of the state of the st The state of the s Single State of the State of th William Colors of the Colinary of the Colinary of the Color of the Color of the Color of the Colinary of the Color of the Jugar, april of osphiliptospilosp. المارون المرادن المرادن المرادن المرود المرادن المرود المرادن المرود المرادن المرود ال

r 0-بران در المرابع ale de principalità المول والمرابع المال المال د مبتر کی سرانفت ۱۱ دارتوانگر گردا کا دو مامرج ل رسا کا د واین گریده کم چې نونيوراي لارنوني دور د اورنوني دور Kestado Esta Mario Portion or Joseph or John John ودُراًى بِإِكْنِهِ وَبِهِ تَنْ النَّظَامِ وَالْهِمَ الدُّرُونَ كَامْ انْ عَن سَرَاي مَكُو وَمِهِ مُسْدِدُكُ وَيُرْكُمُ مُو اللَّهُ مُنْ اللَّهُ اللَّا اللَّاللَّاللَّا اللَّاللّلِلْمُلَّا اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ الللَّهُ اللّل يردكيان آساني ازخصانحانه معين كلونه برفران حرومت خرمش ارندونوسان The state of the s گوهربن العن اطهیان بهٔ ما بنجانهٔ دل درشد ه بزم آرای نشاط اندشگر فی مضاین مربر المرابع ا *شنا داندگداین گا*نهست" ازانجاکه بنیا وگویایی به گینامینا شانبازی درایم وطیات ن ازم از دوشر خاط برگیر و طعه × Walled Williams ا الدرمنوم به الريال على ام الهي مصد ونو دوسهجري أن فأسرع صا The state of the s رد وتقابل تسروتيين سايان تعيير نواذ on standing of the ى دېش سرېرزندېجاي لېيىلى ومېنون نل دن كەرئېپتان^ى -

Wall Control of the C - Harding Land Established Particular ral بزامه قرارگرفت که درمان قدابیات فترستی زجارشکوه ثیابهنشا بن نگاست. Store Store of the The Contraction of the Contracti Club Co سوامع آگا ه دلاً نُّنْ خن شنا ساً مرواز والاسيدي يا يُه انجام نرسيه و نيزحون نبيا و عجه شاعرى تخنيل ونارستي تمعاده اندفطرت مقدسر كبها ن خديو مان كمرد اولون كرد المناوم والمناورة المناورة الم د*يشگاه دولت چندان منزلتي نبوق*و بااين ال از ديي*قيقت طرازي آن کياي ز* المراجع به المراجع الم المراجع را بنظر شاعرى نگريخ مهت كل م مفرمود كه جوابه آبداراز محب مضمير آسان بيو ندير ل شيوارًا ني افتدليكن ازار دَّتْ دَسْقَ وَسعادَتْ يَأْورَيَ ابْرِوسِ خِي ازُي يَجْ شُرُونِي مَتْ 2 rolling Usticly الان مشيمه دانا في زاويدي وخوس لازگروه البينجان قافيه پياي بركناره و تي بيشر بخران خاموشی بوده در کمت مصامی با شانی ژریت نگایی بجاربر دی و ی^{یلی} بانی گرام <mark>ی</mark>نقا^ن المرسوم كالمرسوم المرابع المرا ر ده دوسنا نعایز دی تا اصنه رمو دی سرحیت دوسیازان نیک سگال در باقعتان آن تنج كان واللاست أستحت كوست يدندى شؤومندنيا مدى وازكشا يشحعاى و المالية الما 13/15/5000

ished weinestylis Signary of Charles rar المناسخة الم المادر وريس المادر الما مراجع المراجع <u>ے ضاطر درشرد ربقی شہستے ہور نیکا بن ساختی شطاق</u> براغ وفي المراجع المر يندنامي تانكهسال في وصف اللهي مدار لهطنة لامورا وركات ين وشك ارا في ان مردونونو من المرت والمراق المراق ا وأناى رموزانف وأفاقي راطلب ومشتدا تهام ببإيان برون وازا دفر وواشار والمراكمة ومناس والمراجعة والمراجع والمراجعة والمراجعة والمراجعة والمراجعة والمراجعة والمراجعة و بهایون ان فت کنخستین فسانهٔ نل من شرازوی شخ<u>ست</u>ی خبیده آید انگرا و والغوند اختمام برروی کشید ومایئه والای آفرین برگرفت و دراین کا زامه جاد وی سیس والموران والمرابع والمرابع والمرابع والمرابع والمرابع المرابع ور المراقع الم بدار مكداخة أمرق فربان له كيرنقيث موه مام عناالي Sill silver in all Controlled Service of the servic كشا د مبيتا ني بشهرستان تقدين خرسن ويبو دفطت بيرقالب فأل سونا كي قاند جان وخردسوی ساوات برد جان گرامی میدر از داد کالبه خاک بادرسه دان دوم لکه ندان خلق مغلطه گوئی بجامان سرد صاف برخت برنری برنست فرت افتاره در انطورهٔ سخوری بسوگواری شست محرو که گروم در مثلنای عمهای نست. THE CO. The Contract of the Contract o Children Control of the Control of t زبان ناسب كشودندكه State of the state 88 The Contract of the Contract o Control of the Contro

Control of the Contro We will be a second of the sec State of the state Contraction of the Contraction o State of the state TE CONTRACTOR OF THE PARTY OF T J. G. Silver rap ما*ليشه خاط ازجانيان برگرفت حِي*اً ن نور دان ُگهي^{طا}. The same of the sa بإى عوبين فلم د نوشته مگرد د سرگاه جهانيات Was California da a por ين المناه Mindre Mindre Marian Comment of the Control of the The opinite in ر ما دوان رفت سعدی میشد! رواق الحال توپ و بنی تبش در سی محاع ا^ن شُنْ اردوشناسائی کردازسگرامرگوناگون وش The string of th · Ming of Many in 18. المنابعة المعانية To the state of OVE TO SELECTION OF THE PARTY O or we had a property ie Berleinenerin The property failer

The state of the s الموادية ال المعانية المراهدوق فالمتات المرتبر اندرنای شاهنشا و باله می اطفتهای پی ربی آفد زان حق بروه الکریوی والمراد المراد ا آور دو بران شی و دلدی ان اداب موزیسوت و منی باردیگر در بهارسوی دنیا گذارد و شیر اور دو برگان شی و دلدی ان اداب موزیسوت و منی باردیگر در بهارسوی دنیا گذارد و ش Sink of the office of the المرابع المراب المجيدة والمرابط المراجر والمراج اگردارهٔ حل دارم از و سبحان اسداد بفهضل بن مبارک ا در نکاشتن کبزاسه که تعالب استخدار المراجع المراج آن بیش آمرکه کسین از در در مبا دسرانجام خنان دلاویزان رگرای نزیمها ه تقدین آشفت ول محمدان البركشت ابهات الصانديشة كرم بيش بيرل بحكمها ي اورا Co. S. Co كس إ ورين بستان زبان بايد دروكر و خموشي را بحيرت بيش وكر و ناگز رما خاطري Salar يِّرْمَاقَ وَعَالَتِي نِرْ بَهِ غِياً لِيمِزِ إِن أَن مُوسازُول فروْرِ وَتصوِيقاً ي ذَكِيمَين وَكُرُواورِ كَا تصانيف أن قسطا مرانش فما وان كوشش مين گفت روشش كذاز وشواريسندوالا Sea Control of the season of t ازشعر ميشيه بقش بنجاه منزارمت ارصفورستى سنرده اندوآن بعتبان تنيل كاه رااز مشطأ شاسائی انداخته سال حیل ودوم الهی تبگا یونجاطری سرمه و ای صدحاتی درگرونجا و نبرازی Medical Andrews ازنط ونشر كيجا كانت آمداميد كونكى تازه رويان تبستان تقيقت وتهامي نورسان أن بوستان سائم گهی وایم آمرانخمن فروزنشا طاگر دند و میجه وا د دیجهایی باضی شور مرفطاکه المام بارى نامن كالآن فركزين مل تقدس بو ذبط درام بوزي الالقلوب عشارها بيهروا فروز شدّهمز با بال صفل أن يمّاني "وزگارباز كونی شنده جون ترانه نومیدی

ان کرده سامعه کوب امریای بمت افشره و بنواکهی و نیروی ل بزوانده مت کمت کور ایران ایران و بروی ل بزوانده مت کمت کور ایران و برطا که نظر طواری کافت و برطا که ایران کافت و برسی کار و برسی و ایران و برسی و برسی و ایران و برسی و ایران و برسی و ایران و برسی و ایران و برسی و برسی و ایران و برسی و ایران و برسی و ایران و برسی و برسی و ایران و برسی Service of the servic The Contract of the Contract o مدنسدازان مسودة علم نسمابات آن محصره نايش فرخت ومردرتها مواركه درملك بطامة بتكى ثبة ازان كبراً كهي مركز فتدامه وازان كالفطرت فإجله سالاربود وتجت أورأك منطع ذمنتوركة خن تناسان زم فياصل نظام آزاني انركيث يدندغازة س اليعت رو Stoll Stole Co ميدوتبايدات ما وى برادراد أه والانزا دخود إيام زندگاني جا ويداور ومراشا دماني وي No. Contract of the second of رفه رامیرت فرگرفت مکنوی دل من زیرج اشان کازه شد. داغ نشاط مرا وازشور برهه سم STATE OF THE PROPERTY OF THE P ات بيغزودازان گومېرمېن مې چوگومېرشد آويزه گوش من ټوکه دلهای سو د راسواتيز أيوبيائة تقدس كن نواني پكر كرو وزانجا كه اكاه دلان بيدار مغزسرنوشت لنجام لااز فالبي المحافظة الم مراغا زبزوانندوستظلمت اكداز فروغ قبول لها يدمدآ يداعنوان نيك سكالي وفيرستيجيم يذيرا بى رزيته كان لى وزوونو مرجاو ندى دركاخ صاخ فطت فروش شاطعى انداز E. Shill Show of the of ى كالدايد المان الناست بطرزوينده كردم دست نشاط اندرار والكان Car Main Manie Manie مفي رساندمان اين امولام درباز بانوم رونام اوراد ول وجان بدونوراً و وزوط منه زمنان وراد حطبهم قع ما وشابي سجر وهم ايزدي فرك W. Salar S. V. S. Kr. Les Jillia شعاعی مبیرت آزان کوچنده شن که با د شاه حهان ارای البعمیر فیوارگلیر و سقفا شادش نمایند واگر در بن کارشگرف رنگ آمیزی مجروات با ما دیات که مرضع موجود We with the property of the pr المرابعة ال PARTICION OF THE PROPERTY OF T بر المراد in the state of 3/0)/25%

ray Zania desirante The state of the same of the s المرتبي المرتب The state of the same of the s عبارت ازانست توسل جويم آميية نترج جا أعمينتهي إيبت آه يزمنهي برداخية بالشيطعه كرفطوط شعاع ديد عقل همدار سرتم إفرائي اقبياء كما ل مت جان كأبنات ياني سبان الداين مخط فاحر مطست كذكارش إركات تقدون Service of the servic انقطه وجود ابرصوا محادي نقوش كويني شوتت ست مشتوى شن آبيطيراال أبيا ول رکھا دین برو بال از کھا تھی تھی مایی ہی ور نوشت ہم زیشٹ سے تھی من حرف انشناس بي واونواني انان غزيس ارآمه والبغيال علائل نعمة Par Carried State of the State نواكه مبيكرداندوزيان رائكفتا زااتي حق نتناس دايزه بري في يذيان وت را اول عز بان میکندوت میدین اما زبان گوشد. عمان آرا دانایت نعمة تامنع مصفح بردیا براعلان مکش بذیر میگر د وکرایزه جهان آرا یا آنها مس The state of the s را منهاي المالى كروانيد وصورت رايا يومستى خشي ظابرا مراب اطاع في المالية ی*ن اونقاش بیتان ردی امروزشها به ایری*ن The state of the s ت انروز صاورت بامعنی انبازلودام و رسرده دخل کار و حد شتیم انروزونهشرا كأبي رجابي نيامده بودامروز سلطان قل بندسيت وابرنها Charles College ونشاط دائمی از رکات ذات مقدس اوارست ایزدشنا رسیسی از این این این برانكه كردون دانظام امور الكشاكردا وستاوت سررارای اقبال اورنگاف ین عنی سندیگار دولت وتنی افزای یافی دایندیت State of the state of th ينازم الماك بنان ويدارين باشينان فيرماناه A Charles See The See Th Total Control of the Ties:

File Standard Strike مهورت ومعنی نور برم افرور در شرص داوخوانای خطوطایدی و نواصی انای نقوش نفسی The state of the s أفأقى ابيات شنشا أظرمير وخروش جالكيروجا نداروج أنجش فمشج عيق San distriction of the مجازي بهاع قل اكبرشاه غازي خداوندا تواين شاه جزاحت كرامرسا يداش سراحت Company of the second بطلال جيروولت برسرش دار مراوبردوعالم دربربثر فرار وازميام بالمرخ ويضد شاسآن عالى وبروالانثراد مصدرحابا كاخصائل برخوزاري تتجمع شرائف شائل حتاليس ندى و The state of the s عَ كَارِي عَرْهُ نَاصِيهُ سعا وت واقبال قرَّهُ بإصرُّ عَلَمت وجلال ورة الناج ملط نيري خلعت تصدق خلافت عظمى فروغ دوده ن جلال نور بروره نيرافضال ستوتق مرضيا اللى ستنداندا ظال لى فوت بياي شخت ديهيمشا بزاده دات بيع ندسلطان ليم أوكام عنفوان شبأب وأغاز جواني كمانشا رامدتنارك وتعالى وطاخلال أتسريرا دالمقال ببكال بيرث موري ومعنوى شرت لأذ مرمنكمان قضا و قدرا عطيه خاندايز دعي ال مِنْ الْحَادِيْنِ الْحَدَادِيْنِ الْحَدَادِيِّ الْحَدَادِيِيِّ الْحَدَادِيِّ الْحَدَادِيِّ الْحَدَادِيِّ الْحَدَادِيِّ الْحَدَادِيِّ الْحَدَادِيِّ الْحَدَادِيِّ الْحَدَادِيِّ الْحَدَادِيِيْرِيْزِي الْحَدَادِيِّ الْحَدَادِيِّ الْحَدَادِيِّ الْحَدَادِيِيْرِ الْحَدَادِيِّ الْحَادِيِّ الْحَدَادِيِّ الْحَدَادِيِّ الْحَدَادِيِّ الْحَدَادِيِّ الْحَدَادِيِّ الْحَدَادِيِّ الْحَدَادِيِيِّ الْحَدَادِيِيِّ الْحَدِيِّ الْحَدَادِيِيِّ الْحَدَادِيِيِّ الْعَادِيْدِيِيِيِّ الْحَدَ دوربين دورياب وكمال سعادت واخي حصله كرامت ومودندو ديره تي مبن في تعا ا قبال ایسرئربینا نی کتیبراندا ولانظر رحلاً ما حقوق میری قباه دون زند کمرمت وزرگی لست فرز مربو دخو درا خدمت جوی ساخت ثانیًا بنگایی ژرف در شرا نفٹ نررگی شامنشا ننه نیاده برای خودرا هد منظیر و دان انداخت نطاقی تا زه از عبت مندی برمیان ل بست تا اتاعظائم آنوار منی این اوی ويوليان مورتني المراسل المراسلة أَفَا قُنْ وَرَشِينَ طَا قَ دِيرًا عَالَى وَحَلُو مُنْ لَمُورِ وَمُودِ وَشِدِينَ كَنْ يِدِارًا وَتَ وَعَقَيدت بركرون ور المراجع الم جان انداخت ابعًا دراندك وصيخ بقلا وزئ محت ببدار درمجه والت هيقي كشور The sea of ومراتب جھار کا پڑا خلاص کہ نیز وا ن حت صدا گاہی را بدشوای وائم بر آب آئی بر دولت اور مضامندی رمی عاطفت دشاهی مالیت سری و ربیت مرشدی دغیر د دلو^ت اليان في المالية المال سعادت ومسطاقة به الفراكش كونتي بني قدروان دوربين لازند كي ازار البيادة البيلية ياد تاه ديوه و آره مايان و تاريخ لا مايان و تاريخ مايان و تاريخ مايان و تاريخ اين اين مايان و تاريخ اين و تاريخ is it of all rains of the year your start of فالويم مرمان فغناه وتربرا الزاليان زيره أرموس

Constitution of the second of L'iller Charles in in Shipping State of the State of Military Control of the Control of t أَثَارِضَ شَناسى! فزايد ونيزا فرزوني دولت إميشرا غيبي منيت كروند كريموا تونين كومراالا سايعاطفت وترميت شامبنشا بي مبتشكذات صورى وتمتعات منوى كايباك يرث Supplied to the supplied to th Light of the spirited to منهيآن عالم تعرس أولانويد زياتي سعادت آور دنديعتى دات قدسى أن مجموعه ميثيمت كان عالم فرازشد بجلش سرام عني كه كلت ان بيشد بها رست مشرف گرد و ما انجير ده سيت ا جهانيانست ولآمينه حقيقت نمائ كردوازان قدم بيث خطاده صواشيا امنطر زحقيقي شنا A Charles a Charles and Charles ... واین با پیا گاہی اطی ومود ماک نوزاند کومظام گوناگون ظوزار دوازان بلند ترشتا فتہ کون م منطراز وجدديا فت اومرتفع كرد د وخريك نوم طلق دينشكا وخاطرا وتعشعه طلوع بمشأرة الما راعاج ستكي عافيت ونيايشكي آخر كاربيانيدند كدائز ننت مندى هولين الحب عقيقت مین کی دراید ولعاب دونی و مجاب ناتی ولوئی بنیز د و تعواره این کل شهرسا به تیمندی ^{در} موسولا مراتب طالات تاشابئ سعلى الإطلاق ميفرط يه ومجا آني سن لام آب جال جهان المسطية نظروالا وسنت تنظ طرفيه في مندخوليش لا بين طرز دا ما بين عشرت گزين شادي آمونوارم درین بنگام ست افراازا قتضای نشارجامعیت بخطوط شادان کا پرداز کونیطر شوت à 65 جلوه گاه طوم کل کشاف نورتفیدست و در دیداد و مینان حقیقت نیابر جام سیمیته نمای ها ما يه سره حقيقت مطلق توجه عالى سندول ثبت وليق طلسهم الين خط أساني ثنياسية ست ازر كافكم Charles of the Charle الباع خروكشا ياروطاني كتاب بست بست تقد نقت وكالافتد بكدانيت عمان ع State College 1 والمطرلات حقيقت كشامي عنى ست كه راعال حبال جو آمنت يمور وانه إديه إنظام وصب رسان بطون باشرار وارسخن نرجان ل منت جا بن قوت وسكال من و 5 صميرت الروساطت اونبودي بساحقائه كوني إلهي ونستان يتنت أنده افضال الصا 7

109 غاسنظلمتي ست دروى مزاران نوربل نوربست كهفال تأرسيك *زنفس للطقه دا بان جناب کبراین احدیث ست اندکی ارب یا ری دران گومبرآمو چیجرد* لمهز نا وَرَضْتْ وسَلْطًا نِ ل اورا بشهرستان خلال كه دمعنی رز خیست در مبان مجردوا و نقدس جوع صعودتي ميكندوگاه فرمانرواي ل آن الادى رواندىسارووازا نجاب بروستكم ومدادعبو بيموه ومبرت أنا وصفحت باراقامت بسنارتنا براه احره بدارالملك حقيقت طبل جل عبداوازه يسازدوا بدان برراه نورمي لأكداز والانعام العملنا يُصورت أييسواي التَّالُّاص كدُّفته شدجها رَسْ له فافله بعنی ازان بگذر د وَان عبارت از چهار کشیجت چهاول دول اندلیشد آن La Constitution of the start آزا خاطرناسندوه در شخص گویند دوم دل را انجذاب ناید وحلجا ن پدیدآید که آزامیان بهخوان خوانند سوم و این میت جزم در سرگیرو مهارم آن کاراز برد هٔ خفایجلای ظروتساید باید که تنویک The state of the s الكائ كابئ رقت درين منازل مراته آمرن ورشتن بلوقيج Windowsky John John John المرافق المرا المرازية ال

July of the state Single State of the State of th 1/2/16 0, 5 Cont 0 5 1/2 100 00 . مَّ بِهِ ارْتِصَائِقَ مِجْرِدُولِعَاقَ مِيرِهِ كَشَا وَطِيوَهُ كُرِدِ وْجِونَا بِينَ صَنْ سِلِمَ مِن خَطَا كا فَشَدَّ المَّ إِلِعَارَ البقية فيران تعويرها وبالرائي وكرصقة آزامى كاردوش صنى ويكرزبان سيميد مبكه عالم تسوراز بدائع كاخآ والمرابع من المرابع ال موجود تست وسس گوناگون درطران بیست اوجلوه دار دوحضرت ایشاه صورت و سخن ملند ومود لهندوآن نست كصنعت تصوير دمي زا د ابعرفت كمت يزدي تنولي ٠٠٠ المراد و المراد ال على خصوص صورا كقاغ الب كارصوت آدمي اجنان شبيه من گار دكه بيننده وي فروميرودليكن بطان كرامي وأن كوسرديافت وأن حركات لفنسب توانا زينرايك The state of the s بنطه وآور وسرآيينا بعجز خرمش وتعدرت ايز دقعالي اغدات نمودة ننا وسحر معرفت مبدع كل يكرو والحق بملاحظهُ إين دريافت بعض از ساده لوحان كه فرست مانجاره بين سين المعني سرخالت درگریبان عبرت فروبرد قیشن عظی اتوارگشتند و حوانیسنش و گارآیین آنسویر نخانسة بويربيان شدتبازگي بعلوري خاص حال خطانينر ظهويا فت كزنيدانسمئ سته أقصوبيم آن شبید آرای عالم علوی و تفلیت اگرچه دلسیا جا صور شیبانی شن می آره ایسا از اوران الم این این از درین می خوابت بخش آوردهٔ جال آرامیشود ایسا از معانی خلقی او جا تصويراورده آدمى صورت برنت لاازين لاه بنزلكا بمعين ازميري يكن في فالعا ظامست كمصور مين لكبرطا نفدان فهميدكي وفهانيدكي طالب تعاصر والوة Les De Contractions de la contraction de la cont بطزي خصوص نقش ميكنن بهان طوركه وعموم ترصورات صوب بأزي سأبت الالت وأن مبيني خاص ميمان صورت خطي دلالت بالفاظ ميكند والفاظ بيتني سان المنظر وسول سخن باخت وكالأخن راخاك وجون معرفت فيط اجاز ميت أنسانت من البريشان پرداخته حسن فرای بن صنوع ایزوی میگرددی نبریند داسرانسشس کریشت آرمی اسبا اناين طائيست ليكن اندكى ازان ناگز روقت ست إيده أست كه حرف كيفيدي ست فاص City

نامنة شخ الوغليبيذا وشفااين كيفية خاص ص للمرود فوجن المروي المرتب ويتوي يت خاص *الحرف شمرند بعضى از دنيران قائق ايجا ومجموع عا*رض معرض مر Company of the state of the sta The state of the s دوان اخلاف ارندوانچه درین حطوط که این قع والاران المرابع The state of the s روند وطاكفهٔ از شاخرین بی آسانی آزانیقط نی رنگ محتوب واردا دند شلاا گرخ بسيابن رشتى اعراب ابنها ط شكر في نكاشتي خيا بنحه فتحر أيلقطه ور المرابل الم ورائ ضم نقطه دربيشه حرب گذام يبندكا خليل باجرع وضيآن لتغيروا دوسرحركتي الصوتي وجائي مخصوص مو ی وجا بی محصوص سداردا و المان و مرتز بر مراز المان از المان از المان از المان از المان از المان از المان Proposition of the State of the المعلى المعل المعلى المعل physical property of the prope

the state of the s I weight to the South Mark Mark Comment of the State of the بعضاطلاقات ميع مروت جي المجزات خياجة بقطه دفع أثبا ميثه وبعب القطانزازا The Control of the Co أن صورت مى منده وما بدواست كدرات المصن خطيع ن اليخ-ن كارانتيا باعتبار نفاوت Litter Link to Committee to بيننده انقلاف دارد ومركر وي مرتبيردل نها وشدي ن طرزخات عشرت پراي مشا نالد بنحة بدارلعني خرود وارنداز مربر ترجسن مخطوط وبنتج انه وحوك حضرت بشامراؤ ولا لفظ بعناء أن المالية المال والاگوسرلايزوتوا ناحوصلهٔ فراخ والي أكاه فيطرتي بلنه كرامت و ينتو سين سنهاي كل Shipping to the state of the st فطاندافة برامي شرت كزيني خوكيش ومسرت طبقات أبام خاطراه يذير سانيد وكرمجو از خطوط ستا دان انشطامه اید تا مهم سرائی عشرت مسرط می مدانجام ندید و ویم نشارن مقید حلوه دید و نوسلدًاین ترکیب و ترمیب بیرائیه سرویم و وطا کند: میا باشد نیا بان آن The state of the s والاى دنسن تميزى اسام مع مين زنوستهاى خوشنويسان تريد دار تطعهاى دش والهمآور وندواير فبصرت جلائل انوارجال الهي لاكتمعي مآت مطلق فيكروي أينه جهان ناى گونيد وطالفه از گه مانى لقب وبند وطبعت أزامة تم كون كه رقع قرب پارچهاپرچاندوخته ژند دېرنغ براۍ ن عالم افروز باخته انده اندک وصتی وآغاز سال کم الهي ين شبن ميشيها معني سرينروشا داب كشت ميت مروف الأنسكنت أي Con Su افر وست روج اعی این روبتانی ت کرد عافر مسالم و برت ا The state of the s جهانیافست بشبت ای ت که بزاران شیخه این برگذرید وان شامرهٔ شی ارزهٔ رفعه به اینافست به بزاران شیخه این این به به این به بازدان شامرهٔ این به بازدان شامراهٔ می ادراد اگرچه سوایی صوتیت امام اراقعل دروست سوادی سنته که بزاران شامراهٔ میامن The state of the s النظرت برعا من ماني مودج شكيد نقابي ت كسلمي صفتان من Rec. St. Marian

از شبک آن جیننج و دلانجر و زاند حبیث بارست که برعارض سرین ان جاو گاه ن و و شدراعی موسوا و نزیت کازی مراوح و اوح عارمن لدار هرون وخطيره مفتوقى برنقطه حيفال لبنوش كفتاري براكاة لان خرت نيريم . رئینست که این اعجو بُرا فرنین که اواضط گونی حیر اعالم قدیم بی سروبن ت نه اوله باتیمی ونداوانهایتی کمین جو بح ش مرکات ایتح اس نبحگانه بنیته رخی سن اعتباری مارمیگرووس طالفة بجسن خاص بوسسيله آن تنج وتبحيرول اختطاظ ميسرد وتدرزا زمرطا كفدروتي فأح ورتقوش بن حروب پر داخته اندیون خطر بندی وسی این ویوانی و عبری قبطم عقلی وكوني كشميري حشى وريحاني ورحاني وحران فوقتفائ صطلحات سرقوه سني دوان كارخانه بديع بديدتي فيوبعضي وطاس عهاى استاني عبري أدمقت بزاري سينعظ بادر وجمعي گوند كه ادرس خط معقله اترنت داد وست ي نفاوت و خطه طاحه تا سطح ودورست چنا بخرخط كونى مك دامك ورست التي طرومتقام مروع طحت وكتابها والمرابع المرابع المرا عارات كه بيشترى ما بن طست جياني جهان نور ان ديده ولزينا كابني مخت نيرسر مط معقارانت كدرات سوادي وهياضي روبهكتي خاص تميز باش كرسوا دُوانا ن العُرِي المان المراد الم وارسواد وبياص فاشتبابي فيتدوا بجدام ورواران توران وروم مندوا فيان والمائية المرابع المائية المائية بزركان وششرت دارد شتخطستان المبلشن حطوا من مقانسيت ميد سنبدكه دريج Wied & wards of con سيصدوده للالى ازفروغ ديره وري حركش إزحط مقطه وكوفي وعمران استاع لموق ورابى سرمرنى برغم عوكيث طرزى حاص فرار داده وانايان كن طرزنوشته اح من فق يا Mary Control of Straight خطخوش كونيد واسامي ن بي تضييك شاعث وقيع محقق ونسخ ورحان قاع تعليق وستعليق Control of Street Street وبعض ازدات نطرانان ستان خطنسني لمغترع آفو تيتعصى تارند كوث ونسخرا المنابر المناب on the theory of منوسلال ما المراح المراجع الم

The state of the طرحا براتوقع دانند وسنفي إقاع توقق وسحان فيما ومراحة المراتعة والمراجع نظرعا مگلیرشد نداول شیخ امد که میشینخ زا ده سهرور دمشهوست دوم ارغو ک فالمي فحاه كالمان وميمان ا موه مولانا پوسف نتایشهدی جهارم دلانامهارک نتا وزیرفکم جب سیر إخطامينة تعليقه كيازواع واوت عستنبا طأمود لانتطحش بغايت كمست خواح سبیانی که درشش خطسایت مهآرث و شنت این خط اخرب نوشت وایتهانران م مطا*ن ابو مید مرزا بو*می درین خط مدطولی دشهن^ه مولا نا در ونش^{ش می دخط از وگذ} منشان حضرت شامنشابي راشرت خان كسى نوشت خواجة عما يسمسة في والما والاعبدالدكريش نربعروي وحافظ خفيظ ومولاناا بالمرومولات ينج عموة خواج St. State اين مفت فلمرايا يُراعلى ساند زمنا بنيفيت وشنوك آن على زيرگان إلغ آفاق أَلْهُ The Charles وحنيده كويندكه درزمان صالحقواني خواج ميرعاتي سرزي أنسنج عيسليق خطامته تمرابياع أم دان او دکوس کار آئیش بردند کم ولانا جعفه سرز د Signature of the state of the s ت واز خوشنویسا ن بن خطامولا نامی آویمی ست وسرایزم لبيت خطيط لادين طرزنع يائه والانها د والزّا مولا أظهم يعلم فته المخطوط اورا ونهته فيض تزرشت شش كس اشاكردان مولاما دين طرخ طام لرا وزنه بلطانجم بندان سلطان محرفور مولانا علا ُوالدين السيامية رُوتي مولانا زين ُلدين محسية مي فيشا بوج

Par Constanting To Carried State of the Control of t 140 مرقا مشا دشاه مرا الما كالم الماري عن من الماري كردي خصوص كشت مي مولا ماسلطان عاني كارو The state of the s ملطان الن شيرشهد كروولا ناهجراني كه درين خطائية وازر بعدارين بنرفترخوشنوييا التعليق 4. 16. 45. 55. 15. Co مولا أميرطي مروبيت أكرجه بطاهرشا كردى مولانا زين الدين كرداما ارتطوط مولا باسلطا Control of the second عنه التفاضد تام الديك ازووغ فه تغير روش مين نمو د نصرفات نايان بإد كاركدا Sales Control of the كي الايشان يرس خطرابها يكال رانيده مهيكر أن كك كغطمولانا سلطان على دار د خرط منسية مم Control of the contro ولانام حسين تبرزي وميراح مشهدي ومولاناحسن على مشهدي ومولانا شا ومحزيشا يور دمير معز كاشي دميزاارا كسيم إصغهاني ت وطاكف ديكدرين تصورخاص عرارات ون كر دواندوامروز خادون مى كە درطال سررخلافت يخطى صاحب بن بقش لىندىرتوا ولانام حسير كشمير سيت كربركانبان روز كالحيثر وتي ميكن وجون مقتضامي سنان o de filosofie di la como de la c خروبزُومُ معجم إزين كارين المرتزد وكاك حاعت فكشين عنبه تقامت الولفضيل بن بالتر وتواجئ والالالم والمرار شدميت بان بتركدوا فاى عن نبج برون الذازة كشايد كنج اميدكراين المجملة ريته ومعنی وتحبيته گارهاک و دولت مموار چلاوت مخبش نظارگيا ن مفل گرامی شو د وسخم لمتنانى نفواله منه و وامنها د گامىگر د خطبه کھی ل بزرگ ہوا ن اندا واتى منى عارگدا أي صورت بين گرفته گنوچين اين مردمندي پيشه پيرزيان تهيد شيكندريا إقسم خو Sire of John Mind نفرا بطانعياب دانديا ازفنون دات ابوالبدائع شناسديا ازدخا رعقبي انديشديا أساب شظام دنیاشد دحکمت ٔ سوزجدخانهٔ دیافت نام نصدیارنگزر زم هرل خطاب پوسٹ م بنیال نیه لعبت بهوس میبازم بوکیصاحب نظری نام عاشا ببروس باتی سال ببیت انکه در شکام تحرو که درین آرزوی این بیست او وا نانیت یا اوسد ائع بدائع والمالية المالية المال in the state of the s. Krist U. A. 1. 1. 1. 1. 1. The street of the street بخراءته بخان

A State of the sta این گربشهٔ کمروخ بعیست مجموعهٔ که زنگ آمیز نرمهن وزم ارای نفس امار توانه تزیب یا بد آمصاحب بی عنج و واعظ بی بنج بودهٔ ای لطب مرا در سحرای نفر دارتها ای لیشور پ 13 Market on privily ا نیا در د تونم شهای بسه مراجها ره گرما شداز سرلمی که بنطر درآمد اد و از سرکتا بی که مطالعاً منطق والمعالمة والمراجعة المراجعة ا يبشيغني حينه بإنداز جالت ووق خود كيبيجكيدا ماغنانو ارد دزاني انك برئة متدفوا تمآورة Short Single Sin غودا بالبعضداز رسائل تعام كه ازمجموعه لمى زركان گزید ابود مجمع ساخته این مجموعه بوراکم Six South Control of the Section of برست ازمنیش او فتایت از زش باعی مصفی او بزست گاری سرط بیم خططام صن ولدارى سرحون فيوعو كان شخ معشوقي سرنقطه جوخال خب شركفتاري 3,000 محردانيده لم كذو وع صدق مدارشتا أي معالمه نافهم خود إنسلى كرد ه أمرناط ابولفضل بن سبارك بمن ارستال ولي كدار حمض مي معراي كوني خراميد لازمان سالگي To ex برخلات جمهوا ما معنفوان مبيم تميزاو بو مبت ومايت بدرنه گوار درگروه عبد گان کرخلاف جمهوا مام مفوان مبيم تميزاو بو مبت و مايت بدرنه گوار درگروه عبد سازمگا علوم تيمي درآمده دريانر ديها لگياز ديا فت متدا ولات اين دورگارست گشت و زما ادمگر Trace State of the ومِها خات ومطارحات بباب بيستي سلرنجام ميدا دو نخوت خو دستي لاا وزايش فيحشيه The Country of the Co ولين بمكام ركر ون نينان تن نبو وكراً لتقاط باستاني المهماكدا فضيول فس خترع المرفرودة أيدهمي تمت دنصنيف مصروف بورقر دبيرفن اساسي مازونها ده أيريك Start Con 1 الذت رجوع طالبان وامائي وسرت بحوم ايشان بتمناسي خاطرتم نبر داخته بجز درس علوم Total Color کاری ندشت و سان ولادت کا نی که آریکم نا دانی باغ دشت ول افعا د در کووی ایز د مرضیات آسینان ندگرم بود وحط در اندگن آیات خشناسی وزوق برای این این این ای آن تکب تفارسای زینان از دیکان الدیمیت الدیمیت و انگلت دن اندولادت سوم کدار بطرجنگ و دست کربردای کا وگرون محالی باشانی نداشت بعث داز ولادت سوم کدار بطرجنگ و The state of the s The state of the s Control of the Contro The Manager of the Ma Str. Contraction of the second Control of the second of the s

MHE The state of the s Con the Control of th The state of the s زارند گان خن ببردشتن مناسبات خواییش فزار بر داری سفرهٔ کرام تقدری Artist Spirite State of the sta ندرفت وپای ادارت اجای دلپذیر پربت افغا دشگرانندخوش آمرای خود را فراهم آ e de la como de la com بازه ي متومندي گرويد خونه ش از ب الارباب ت كه حاضران وآيند كان برومن فر كامينا Resident States of the States اسواي راعصام بهمت خودگر داند تا شايسته اميي اري ولادت خامس گر د بعني ارط دو في rolific legiste ين بروور كور مخوص المركة وتا درولا دينا ول والمرافع المرافع المرا بريارة اورولادت سابع كدرورم بستعطيه ئ. برگران انجار العام ووين كمجابوهم وخن كلجا التأسر نحصا وتسعر شخم شد للندوتسريم كومراحرفي ازوان تحبصه John Stranger Land -راكدياشي انجامي تبآ باندست ترسوا دوست ن عنان مجهد آرکی کم زمان فيم سرزه والدوسد راش جارت شعرصدرو ورازا كريم بيوند جان رانشو وازيد Charles and the same of the sa ندى اى الكهدير جديث الخندى مجنون تشدى منوز مندى Shipping of the same ما مَا نَ لَكُوما ما فَطَامِيْنِ مِ آنْ ما يالدَى إسْياراً كُدُوا يا مِسْرِ وَعَيْنَ مَا وَا ما مَا نَ لَ لَكُوما ما فَطَامِيْنِ عِلَى مِنْ مَا مِنْهُ وَوَلَوْقات وَسِنَهُ وَوَلَا بِالْمُسْتَأْنِهُ وَيَ مِنْ الْمُرْكِينِ مُصَلِّنًا عِلَى مِنْ مَا مِنْهُ وَوَلَوْقات وَسِنَهُ وَوَلَوْ بِالْمُسْتَأْنِهُ وَيَ وخريدن داناني كتحصيت علوم نام نمند و درا و فات ونم ره مُنْرُقُ مِنْ الْمُنْ وَمِنْ الْمُنْمُونِينَ مِنْ مُنْرِهِ مِنْ مُنْرِهِ مِنْ مُنْرِهِ مِنْ مُنْرِهِ مِنْ منابع فالرساري والدالم المتعاديل المعارية

is described to ering of the ring of Janie Charles طاللان قدار المراج المر المرابع المراجع المراع وببراركا وكدكذا ومافعا وديدم كمفت يتى اخدرت امها دونبكا سرد كازاي المنابرة الم كارطانده بودنداتفاق سجت اقما داين طائقه معالجة امراس كوناكون نفس الرقافا ونژندلوده وصت گاه کردن شنهند تا به پیدنگان دانگاه به اواچه سد وگروی امجدوما کراله چنایت آنهارااز تدبیروارلینده وایردی جهانشنجی ولایی آنده گاخی خرف بلایشنان ط آوروه قدرت مخصر كل زوادة طن الدندكاريا ونها و پادشان لاكدامي عن بيراندس قاروی خطراً می ندوطیقات آنام جا شناسی دوجا شد تا بعر باز مدانید در شند باشران مسکین ل من گرچان داند در دانش از در استان در از این نجر رنگرشته G. Co.

Contain Contai The Control of the Co City Control of the C Control of the contro این زمان بگذاریا وقت دگر وجون از تبکده نیدار بارگاه نواز مشخصر بوجهان سیمطوفیات distraction of the second من گنگ بیجران مازمان صبیح کرامت ومود و ل کمته منج دوریا ب عطاکر دما میم Mary Mary State St رونثر مراتب شخنوری روی داد و لغلبه داش فرروز بازار سخن اقبال قرآن ونصیرت ون Cy. مرا منظران فتح مغوى الزنصرت مباخيات ظاهر حكشا يدوم ورا في طن انسيما ديو مناه منظران فتح مغوى الزنصرت مباخيات ظاهر حكشا يدوم ورا في طن انسيما ديو د ایت داران۱۱ و در شداید در مندی در درمندی افزودو تو آنشید کی ل زما ده شد و بوید که از در ایش منشاک Carlo Collinson روز كاروشتم نه برا مدوكميا ركى نااميدشته كهركي تنخيل ناجيح بهين وسندگشته بديگران با The Continue of the Continue o ملاست درازكر وسيده اندنه ومعالمات ايشان تميز وليل إرمعالطه وزتفر قدميان تحقيق Land Maria Andrews And تقلي إرسوى زاج ونسا ورث كما حقيتي واحمال حانيتي كبسي مدار مدخووا وبحرحتيق بار حقیقت شنامه و انسته وگفت وگوی وراهبت وجوی کیبارگی بسته دارند نا انگهااو بخت خداداد بالمجمّض ع كل گذار شد و بقدرى شوژ ترسكين يافت اما چه كنه كه كاخى درين سارستان اساس نميتوانم نها و مامجرت كل خيرسدا مااز خيجت كداين برنجا نه سود وزيان نيا فرار المراجع ا را وراب تعلق فراوان وشبته اندوز دكست كدايجا شق پر واوجراي تخب و ريشترازالك والمالية المالية المال سامان اه وسرانجامان درگاه بیت اقد سفراقاعی مین آمدهگویم کمازین قرل سامان اه وسرانجامان درگاه بین است که موسودهٔ دانای دوزگارت بقدری دل جهریگذرد و نمورش حال چینست کیکن بحون فعرمو دهٔ دانای دوزگارت بقدری در الرستي المراق والمراق المراق ا والمراجعة المراجعة ا إمن سكرايدوسك تفرقه دربحوم اوباتنا ن غم دبيبا كان لم مي افتد بهران چيد خاطروند المالية المرابعة المر مغاد انتخبات طلات انجیرای را دران معاشرت بکاراً پیر در شنه بدوگر دا ورد می^ن ونها» کرنیشده ۱۳ میکی و دوشن می روشی کر دست ا ما چون امپنگ رودرس طعت رمین برفارت محکول دوشن می روشی کر دست ا ما چون امپنگ رودرس بماصد لو بعساق نقدو تجرد المسالم الترتيب كوند وادوم بنج قسمت مرتب كرد إ بالمنتفقري ليكن المنتفوج والمراجع والمراجع والمراجع المراجع ال معقوله شوة نقول منظوم منفرقه الرحن برحد وقد كاب وون المرادكان ور المراد is is it is the control of the contr in the state of th بريد و المراجعة المرا المراث المنافظة المراثر المانية والمرادان Jakobald section will come The opinion of the

الماريخ في المراز الماريخ المراز الماريخ المراز ال تتبخروستاليكرهج ن حربك وت سائي فانوني ميت كتصنيف اليفئ ان مطهرات لاجهة التي مغز كم عوصله به كاسكفت وگوى لآرايش^وا و منجو در **م**رسوريافت اردي اينجا الإرادان المنات المنافق المناف Pagin Juliuk de Original المنظمة المنظم خرامیدندلب یا زمک ندلیش و ربیه نا بدیشد کا ول مرتبه نفر قد درین دنوسم ورشه ماعتمارش بر المالاولي المرابع والمرابع والمرابع رجام على الماز تتوت نسبت ابساده او حان جيسيد سيادا كه عالم صفت راو راسواه من المراجع الم بجارره ووسرآن البرفرواندوله زازت كالم ن بن مرد وسم لاازعاندان خروبراورو متالج خاطرابمعقول منفول تقسيهم ردندو فرزندان حلف عقل الكرزيو شرائف ظاهر حبائل صورت كمبلغ دمشنص ويرول لطبيعي تواند بود بقايات مشتها دا دند وقدي ثراداك كم معندلكه ازفروع عقل لهي وُرْعدُ فلوست قد كمشفيات شهرسا عتندوا نجيبرون وبن سعاني بووانزامنقولات مطاب واوزامي ونهشور عق نزوه الركفيش نطرت مي افتاره ووكار عراصن مجبوران ستعلاد واموان قدرت فاسره داري والروزتفاش فاخط ميرود وخرشكي إجهالت حيدست يدكاروا كالمايوان حيوانديآا فرنيش إآ فزيث رحيابيه بنابرا ينهيش يشامعاكمة القسيم عقوله ومكشوفه وشقول بتقركشت اكتون كدور شوبخا نذروز كاخطام عاصليت ونقاب اختفا إنديشة بنزاركه من مداويت حودثون اجيم أمره احتياطها وليل بدوة الزوازايت ومراج زاندلاساس برتيميزي ها دواند و رواج كارآ زااز ظل ساخت تقشبن غيب ازغفوان البراع حيث ين حمال آر الت المتى لا تمنى يه ما نهميد كي ست ول بزا ن مسلم بيد مرط شاكد در گاخا زا واع ايزدي بطلي اراه باشد باطل ست كرد adaption with the son of the control of and interest of the

Control of the Contro جها ن *الایخیروشراورا بر*اشد آنراتشریف وجر ذین مخشد شرغالب راجگونه ایاب فاخره يوشا ندمهش كأشرمسا ومي شرغالب بمخوا يهشر محض سيركه إتفاق معنع الوجود وانجداز فنوان للا واقسام حفار بزرگا كاضى وعال فرست مبيرونو ويداول حراس شى ستعقين داداجهان فرين عابولفضل حيشور درجها ن فكنذ لأرتكظ فيت بتياب اردبانداز وصله روز كاحرف سرائي كن البيكنم وجه جاره سازم فحرو بنراوشك بهى وابره نبرازيكم كأب صراد نيت ومن وستسقا فتخبات منطوراً كرجه خلاقسام ت کیکن جون زندهٔ ژار در کوشت افکند خلعت فاخر نظم بویشیدها کوسی بوستان میکین Particular de la constant de la cons إزان مطى علىحده برداخت بوجض لزانتجا بات جامع علوم تتفرفه بود مترسمي إسجامج وكدا مراغام خاطرا بیشی از را بازگر قسمی جارساخت مجسب با بی دریافت جانبرگان آباین سازغام خاطرا بیشی از را بازگر قسمی جارساخته میشدد و بحربكران برسرم وساله وتنفب رقبی نمها د وآمرنفسه علوم نفا مُسرالفنون غیران که نسته نظم بیکونکشسیده شده اجزای کلول داگرزنیت بخش نباشتر ککستی هم در کارا ونمی انداز داگر فیرت Distributed in the last of the ميرين المراجع والمعالى والمراجع المراجع المراج يستشدى دركارونش كه رستوالعل متفلان صوت وزاق موزمر دروا دمنى سنمطى عيدبروا The country of the co تا الصحاب معالمه اساس مود وزيا جي درابران نها دواباب تعليم تعلم نياد ذبين ورُوميُ المورَّبِس بران قراداوي ياضت كيشان نجيرو بي نفس المره را اولا مهب بالبنگري شايت بهريد jegodom (?))jęż, وْمَا نِيَّاسِكُ مِنْدِي كَدِبِامِي نِدِاينِ ما دِنِياي بِوا وَيَهِي مِوا أَوْيَتِد مِرْسِتَ ا فَأَدَى وَمِنْ And the principle of the principle. بهيج فرسندرا خاطرازا ندكيث كالكئ مازآمده بقيرجا صل شدى كرجاب مقدس لزوي لاتر المناسلة الم از است گرطائران تیز برعرصٔ امنان درحوالی دولت ا دجلت عظمته توان سرد حوالی از است ادمیسیز و اندر دورای در این ا محال طلب را أمحال كوشي ما زرشته دراصلا فنه دُو فنو جي دخوا خود پيٽ صبر ترگردا نيري المده ورزار المرزال Children and the المور فرخ المراج i. Jacoully D Sir production from the second girlinist. in to division in which is White White State of المر الارب

مون مواه المراق الم المراق 373 48 17,000 77 00 17. 6, 20 m/ 57 WY المراز ال Line of a family Spin Of Meridianisticity آبای انگلیم علی برده از این فرمود و است از فرندو دندی اماجه کنم احارت مسیمی و می ورفياب اوتدبنا فابعن مفعود وخريدارنا بيداعا شاحا شاخرد دوين عطاكرون خصت كارادون ست خديوزان والصِّينَ وَلَوْلُوا الْمُؤْكِمُ لِلْمُؤْكِمُ الْمُؤْكِمُ لِلْمُؤْكِمُ الْمُؤْكِمُ لِلْمُؤْكِمُ لِلْمُؤْكِمُ لِلْمُؤْكِمُ لِلْمُؤْكِمُ لِلْمُؤْكِمُ لِلْمُؤْكِمِ لِلْمُؤْلِمُ لِلْمُؤْلِمُ لِلْمُؤْلِمُ لِلْمُؤْلِمُ لِلْمُؤْلِمُ لِلْمُؤْلِمُ لِلْمُولِمُ لِلْمُؤْلِمُ لِلْمُؤْلِمُ لِلْمُؤْلِمُ لِلْمُؤْلِمُ لِلْمُولِمُ لِلْمُؤْلِمُ لِلْمُؤْلِمُ لِلْمُؤْلِمِ لِلْمُؤْلِمُ لِلْمُولِمِ لِلْمُؤْلِمِ لِلْمُؤْلِمِ لِلْمُؤْلِمِ لِلْمُؤْلِمِ لِلْمُولِمِ لِلْمُؤْلِمِ لِلْمُؤْلِمِ لِلْمُؤْلِمِ لِلْمُؤْلِمِ لِلْمُولِمِ لِلْمُؤْلِمِ لِلْمُؤْلِمِ لِلْمُؤْلِمِ لِلْمُؤْلِمِ لِلْمُ لِلْمُؤْلِمِ لِلْمُؤْلِمِ لِلْمُؤْلِمِ لِلْلِمُ لِلْمُؤْلِمِ لِل فوان روائ منى ساختن عتبار ار روا يخبث يدن وخريدا إن اد كان آرايتن ا ا درين RAY JALO DUVINO عه ورغت مزار کدروز مازا راشوب ت بی روشی اسیبرونه بی نبجاری ار ونتی می نشازاجا المرابل المرابية المر صوى چيكشا پرخصت امتنه لي ميا ليم وکه و درم ميري شدنديدانم كدرزم آراي براغ صارمير مارم دوتني رانجام ميد بداكنون كدار خنو دن غيري برخاسته ام دست و رونها ميسته خرصت پيد political Charles in its in its Christon Reports عِيَّهِ نِهِ رَبَانِ رَائِم وَرَحِيْدَ بِهِ خِرِسَنِهِ وَوَهُ لِ مِزْرُهُ كُرُولًا بِمُحْمِعِيدٌ مِوْسُلُ الْ سنووثه وإرم مركا وگفت جون توقی تهی میان وتبلوین شرون حلقه خای دست میل کمقدر مع أَنْ لَمْ أَنْ إِنَّا لَا أَنْ الْمُؤْمِنِينَ الْمُؤْمِنِينِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّ معامله جوين نوان سيه وبهوش كرمفتاح ابواب كارداني لقب وست ففل ولتخانه حي شناسي باشدازين ستجو فظر ويربه ماعي فترمز أه خوشتن مايد برطائه زجان تن ميايد ك الای بزار ندافزانست زین گرم روی نباتیکن باید ورو با منتخب مینوی لوی The state of the s معنوى بيوسة خاطريوس يكي انتفاب تمنوي ولوى معنوي سي وثبت وبمواره باخود در ا الفاكويو كه نها دَان مي من سرايان وين كالبيندسة بالله عناطري نشار جامعه و كارو وورمبني بريكا بكى ازريم وعاوت تأكز فيراذ وق عنى كهشرح ان شمند درگفت كم نبيرسا البيتانبالمطلاق إه أفطرى بطاكمان تقييد أواندانداخت وأحالت كنجوري كنجيذ فاك بنيرى حاكت النعاق والدكره وبن بشكام كدا رصدو كيفلي حيارهم ذرا والهي مند في مفت خديوجهان ليغار شداين أغيه زواز سيائي أراسك فتنوى مامهم سندخو وكفته كمايرة واوالى بدانشه عانا شرائط مذكور فتقق مداروا يب تهاكا وبست باكزيا تنجالنا State of the state The state of the s City War

الدرب وسوابهو نميقه الإلفضل بن سابرك المدراك يرتا دى كارزنا ن ت وعم شدوه مران بي ميري خلوت جواز ونست شعر گفتن عيار ديافت شاء پيت عيار آديت شاء مارگز ريان The Constitution of the Co ریسان سیرسلاین آسیزان شیشه است. این شیرا کدروی ایروی کارخورب و درگو ن ا بفروا مذكر ترسنده ول عن كما رُزَيشه وجاره كروه آمر و كرحرا با برسديا بروان جير Complete State of the State of عممى أردوهم شاوى لبيت مقتصى أنست كغفه عم أرو والانشوق خوراك برتنو مرايا الم ى شدايى نَجْنا مُشِا ہنشاہى وكازامُه كارا كا بى بىتدالعمال كا سلطنت ۋە ديوان عدل درافت نتيجهٔ افكار دشس منيش خلاصهٔ انطا بنتظان كارگا ما فرينش فهرسي فيم دانا ئی مجل اروام حیات ارائی لوتعلیم درست تان اواب شخه دارومدا ارباب لباب نوشدارو المرتزم والموالية المرتاحة المودي المريا مهلام مزاج عالم تريا ة فاروق سمو عبشرت وعم كان ما قوت كليل سعادت ابدى دريامي كؤ^ا بدی تعویز ما دوی دمیندان افسون جا دوی آنش سیندان مین گراسان سری تعویز ما دوی در میندان افسون جا دوی آنش سیندان مین گراسان والمرابع المرابع المرا ېندى زرا د فارسى پېراپيكود كان اسرائه بازى بېراڭ آويباً خېسرازان نقد جسجو كاين جي ر er application of the control of the عاصل تکاپوی این سراب دریانهای ملیها بی باید کدران مین بی زبانان اند با دشاهی والمرابق والمرابع والم والمرابع والمرابع والمرابع والمرابع والمرابع والمرابع والمراب را ن معنے این تم غیب خواناً گن خوانداگرچه دیجھے۔ زنوشیروا ن عادل ترجان خرداین سرایز دی زما يهلوي ولعدازان ملسان مازئ شاويطا ترميب ادومت برجان تشندلبان صحراي طلب او د ليكربو بط ببندى مقصة دوستى قاصد سرب تراوانشد فهدا عرام وروسا فروروانيت اين نهنشا وخداا كاه كصد بنرار نوشيروان سنج عدالت أرصفرت اوميكير نداين يرگي شبستان اول لدرېر د وښتاگ که پېږېروي د دانداخت ښا نېچه پاک نطران سا د ه لوڅ کښته که الفاظ عزنی معارف والمرابع المرابع مرسي المانية المانية المرانية إلى المراجع والمالي المراكبين المراجع المراج Sala Market

مورد و المردود و الم المراد ا Service of the servic برار المراز المرز المرز المرز المراز المرز المراز المرز المراز المراز المراز المراز المراز المراز ا J. Control of the state of the Strate of the second se نبيدى سرتيمة اطلاق كشودو تعريضان فيولاني اغواص درياى شهودكر إنيثها ايرواك The state of the s . انصاف آن بود کاگلین کیاشورزی عالم علم مِشات که دان باری بالات و منگام بهتعار ا Jan Jan Jan Jan Jan y shirthing عالميان کپ دبيرهان عبارات شخشدي که ترسين ديافت آن نخ نبردي مولا احيان كفوكره وعبالة ستعارة ستاكها زكليله ودمنيش نقابي لإنداخته ساماير وهيندتازان The state of the s مشاطكي طبيخ في لاي خود ذروشت تدوين بالبيعنوي كديز فوران لين مبيح سعاوت لواند بهوست روشني طلبان انوار بهيلي لمعهٔ فروگذشت نشده راي شب وان عالم معنی آسالی ت لبالب نوركه مزاران ميل رگر دان بطف ميتا بند و داصل كما ب جون سرش The state of the s حكايت دوره درازور دايات تيب و فراز ديرييت مي آفيا و درين رحمه بعدار ساسجا م أنرا واستم ورودا وانجا كدد إفيها ماتهام وثبت بان اكتفا نتموه وخلاصة الخلاصة ان لاكتعود الزوى خروتوا ندشد وسط في حيدا يا ونهو د ماماتب ا دائ غن ومداج ديا فت اوسمعا ابقدر درجات متمعدا وظائبرشو وأكرجه ايرع البركرانما يراي فزوني عيارد في حاصرة بينا ينطوط يعوانه فان نداون لأكشب يربيجنا نضوح بإفت كرمبر Self Control of the C

16A مامى روز كا مأاسو وخلطوان نرجه كا وآخينا ن را درشيه ل ظهاري بقراريآ A STATE OF THE STA The state of the state of a series المخالف المحادث المحاد A Company of the Comp لود كاندا بدردام وززان الأنزعي رزانيان كدشته ونيازهي بطفران ومت Sind of the property of the second of the se شته راحتیای زمان حال وزمانیان حال را بتغانی برگذشتها آز وزفرمان روز The State of the State of Lines

تنجربه پران متعان میکه و ندامروز تجربرا کردار نوحوانان عیار میگییزمدا نروزخرد ایای رجایی ها امروزعقا كاعرش كمندسرست أتروز شيزمين شتربه أرز ومندبودامروزنوب بشير آسان نمه رسد آنروزشیراز گاوی ترسیدامروزعنقا از کروزییم دارد آنروز دمند را بازار واج بودامروز کلیل کامیاب ست آنروزمزع در دام حیا بودامروز پای حیا در دام ست آنروز در را نداختن ایشا وست بچندین تدبیر ایشی زدامرو ذیر درونان وحیا اند وزان بیای خو درداری آیندوبر ا خه د درساینتگا ه پادسش می نفتند از وزاد میان معاضدت دوسّان متعلج بودندام وزعد آ شاملة متساج رااميان مرو أتنته ستران روزناغ ازبوم أزروه بودام وزكا وازشأسوة آزور بوزینه راسنگ بینت بازی آمیدا دامروز نهنگ دم گرم برروی عنوک نمی کث آنروزابان باجانوری بغی آمدندام وزردان کا زامران می نایندان روز حکاوک از با دنته اه وقت می اندیشیدامروز عنقاین مهرگاه بردهت آنروزیک اندیشان ااراه بكشة كا وميبروندا مروز مراندنشان ترك وضع خودتموه ومبزز بشكا وعنايت مي دايندان وك سلطان عمسه إزخزا يافتن بدبكارا رمتنت ببنته إمر وزمه كاران وبدن باوشاه فوشيقفه منقق ميرسندا نروزانداز مائيم وم كرفته بو دند ومروم درا فزو بطلبي وزباد هجر كي بوده للك يبشدندإمروز سركدام لندازيا يمنو ونوسته ماسي از گليخود و ازني كسنه ندان روزيا دشاه زلات رایران دخت رونمون بود و را مهد داختلال امروز صلیان خینی در منمونی می برند و مزار بر دارگرایی خود آب مرایت می شونیدان روز فروما یکان بهای نزر کان بفیروخت میشینه امروزنوب بربزرگان نميرسدانروز خرخاص نخاصان دا دی ټوکل ميگر فسينز امروزان ئىدىن كادىت كېزىرىغال كېرىزىرى ئەزىدىندىدا ئىرىلىكى داكىت ئىدىس ئالىدىندىدا ئىرىلىكى داكىت ئىدىس ئالىپ

The Control of the Co Service State of the service of the 66 No. Circles College Contract ميكر وندامر ذركتب رابخر ومقابله منيا يندأ تروز نتيت زاسخن جي آراسة The state of the s ديت تاج مي نجث ند آنروز درا قبال ميز دندام وزا قبال جو بط يا شاع ً إنا يُهلِ عُن كَابِ خان خاطر آما و في وحِفاطر بُوالدُون جا مك ميدان مخنوري رام طلب يدكيندان جولان گرم تايدكه فارشان عرصه فارسي وت أذارش رسروه ومن كلك قاص كشدكه والسكا وفراح او وهوالكرشوخ لأراصل لين نامه درخول انتظام داده اندونظرو A Michigan Company پاه نتایی خلعت نازه دربرکروه جوانی از سرگرفتهت عیار داشت نام نها دی آ صيرفوإن كمبخانة مهنشاس كشكاك بيندان عالم أكابي اندوط فسريميه ومدكه الملانالة التانية المراز المراجعة الم All principalities البيران الري المالية الم Sale Color Replace The state of the s The part of the state of المرابعة في المرابعة المرابعة

مِ الله المراجع المواضعة المراجعة المر بر از برخی در در از این از از این این از از ای A Chicago Contraction ن البيخ وربهارش اله كالمشن إد بتيروى آنداشيخن نبج وكالإي صنا آساني رام حسر بانجام مديرفت بسا وانروايان والانتكوه الطفيل أن كياسي ونييزيا وأوره The Land of the State of the second Antiban dispersion رشكركدا برنجًا عانه كم فت نكارعاً دوانه آنزا كرسري لينه داني ست داندكم Joseph Charles Windy British ٱلزُرِكُمْ وَبْنِرَ شِهُورِ مِرْتِجُوالِينَةِ بَ إِفْهَا وَيْ فَوُولَا شِايا نِ إِنْ كَارِزُكُورَ بهزيره الداء والدايد وست زُنْی امَدْ ستران دامی ن گرماندزخور دن نهی ازان برکه اسارخوانی می کیک وماليش تا هنشاري ونيرگي والااخلاص نظر وطرت ركبرمنا طاقيا اكشو د درو برغره مقتي من برگرفت آغازاگهی تاری زمان حوی گرفت نان فاری کترساید أشاسائئ كاخستان تقل خلب د نظرآمد وقلأ غنائ الني سزاوا بعولا على وفاريا بضقيقتكم انتاية نيكا بهعاوت كزينان عالم صورت نمي نمو و ناكز رمر و مزاد أنست كه جوام ركرا عايرانقام اليكان ازوست نتريم وينتج ساري زندگاني هبخسل ن يُريكي ف إيكان جروآ ما فوارندا كاروكل No. of the second secon The second of th مېزره لايان شورمه سربکامرواني خو د نا ډرست گفتا را در د نه وسرم از رخت نا آن ابرع ك نروز شكا كارو و في جاره كزيان في ملزيم To the state of th The Secretary of the Se City Collins Contract Con De la Contraction de la Contra

49 ياه ومراني نمو د ندو برنگايوي مليم ولان عن نشناس حکايتهاي ترفيذ ورسان آم وب برجه شیدگر ونم گروم ردم وگونا گون ومی از برخواندن فرستوده ه کما بهای باطل سب مز نځالهای شنرک اندوشه نند و درنهان د گی جا ویدا فعا د ندوارغنو د گیخت وخوابیدگی نزدیجا^ی لوسر تكمائ شاساني كه شورت الله صورت وعنى از وارام ندير د وبير تهها مي ظاهرو باطان فريغ June Property of Contract ى واكبر داميز ه تباه برگزيدند و شي و خاشاك افشاني آن بيرنورا فروزرا رواندندوگفت The desired of the principle of the prin The Market of the Market of the State of the The state of the s A CONTRACTOR OF THE PROPERTY O The state of the s عن المراق ال المراق الم

ناشنا سانی گردوازین کدورین صنعت گری میتی نیست عاسه وارکه سرحید ندانند کمیر نوزی خراید فرمان دول به نکوم شرس الاینداه میدانشه میسیری وزرف نگهی بجارنمیرو داگر فروع سکایی وربونقل بودى چندين حراغ دلمشر كمحاا فرخوت شدى و قدسان قلي نسب روزول ا بسّانی باکی سیدی عن کنفشی ست برم او ما دست گره زده و اهم لودی و میصر سابق بلاحق بيوندنيافتي كارشناسان دورمين أرشغكه نيايش لمرمي الأنبشسش مراعيوب U War Sur Walder William نكامي نيلكن تائكفت وتبدو وجيريد فحرو كمال صدوم بت ببين ندنقص كناه كميركه في افته نظابعیب کند وچاربیشگاه خاطر که شبه سار فیصنر کیز دی ست سترامینتگی معقول با متقول بویث بده باندویشواردل ملال برگرفته زبان بیغاره برکشایداگاه بهرکه بهت ملبند وفطرت عالی پیوشه کمیاب بل حکم ایاب دار داگر درا شاطیر پیشه بینیان مگی دورسیقالق نحاسشته امری سیانه روان دشت دیافت و دسیرط ندگان با دیدج یا لی کرجهان تی الامال *ين گرويوت جاشني لذت برنگرفتي وباستا* في نوسشتها ورنها ننجا نه خمول نوسو**د** المنتهي ماناناهره يزازا محادجينين تسكرت منيرشي برروي كارآ در د فيرنگ ساز فت ديش تزنحتُه البراع حيّان مزيّل ولّفريب نقير بست أهم خال عين الكمال هورزُ اواكن وي إلّا احله رواني بروگهان عيبي تواند شد مداج بزم و زرم ومراتب شجه و بزل وقسام فرطون وانواع بيرويها دنينا خت آدمي وطرق معموري ملك فرست بينياى دا كايا في اعلواما د انشوران ونشیب فرازگوناگون عالم وسایم دلیمای بزرگان دوزگار وحلقهٔ قها ل نامکن جنبانیدن و پیچ خُرسند بودن بسیاری ازدو داعقل و نتیها دیت وسائرطرفیهای جهان بوليجب فواوان أرسون كمراشي وح افزا ورشي لنرشين رائح أمها الجويد كرديده ور بار و و گانجی زار ده می مردوم كه داشت نیوان كرداردي در دروی ان فروش واند

يرت اوفته وسرائيرها ويدزندكاني والبم أيد ونيرشا بدعرفان الرحيم فرغ فر إزكا بإطلاق بنوانه أكرنومذ نناسا في لموش عادت دا موجه المراكز المرا مة لاوكان بوالآبائ على انه ومركمي اين ببزئ بدائع تكاريكن ك olegi Charles de de la companya de l Control of the Contro رودان نبركى كإ دارويدى بازدارؤ كا ونير Selected and the selection of the select Sold of the control o لدردكمان شبستان تقدس بإيزاز صفائ كومرز فروغ ويدكان كسيه فالمحقول كشوف شمرندواكرز مك روائي بأن شابركنير على أباي طوى واحهات مينك J. ja Korling St. J. J. J. وى ل ندرگزين مي رخواند وجون وجوالو ربايت كام آن شايت گرار د زبان ورد عقول است و تمالك زگدن حرد استقول ام نصاد ه از بيشكا ما عندار بيشتران آ Salar Constitution Wild the state of Vair of the property of the state of the sta والمراق المرابع المراب المانية الموادي المارية المرادية المر

والمنافعة المنافعة ال Similarity. سات خاک ذره امکاز اکدام نیرو که دست تصرف کشا پرقول نبدگی شرو ه راکها یا را که ارجام از سلطانی ازگونیگز فکاری ایز دبهال ونگ آمیزی چیره کشای تقدیرات بشیا ورد بعد سلطانی ازگونیگز فکاری ایز دبهال ونگ آمیزی چیره کشای تقدیرات بشیا ورد بعد Asidoway Colombia ئەن*ىرونچىربار*وغالب نىسرلېسان شىرخالص د رخلة ئكە مجال ماشەد نىپرېسى <u>كەخىرىم</u>خەل^{لا} The Marie of the State of the S ت بزرجه غالبتا برخاطرسوالي كبح گرای لات اندایشه برا دو زبان مزرَّة لاي را Signification of the state of t شگرف پای نبای بازوشت بس از دازی درستا فی درسی خن خاطرازگوناگون آویز A September of the sept قدى أرسيده نگى حوصله را چاره گرآه وازان نفرت بركما ره شده به نيكي مردم روي آورد وبشفاطگی صوت ومعنی مین مهت افشرده و شهرد را نقش اسزانا گروقت ازلیشی عرب يخان بو وكروايين انترآم وزني طني خينه يرواخته آية انتناسائي فرونتان والكاسطابات بهنكا سُكفت ونينو ولدان بأرائيد ورياصنت كيشان نجيروي كفن معربدرانخ اساب هنگری ساسخام ما مروس از ن ملساز چند که یای بند با دیمای سیا بی تواند شد والهم N. Comments وخداجویان محال ثیروه را گاتهش روزا فزون برکنا ره ما ندومیروی میرانیفسن بزیک وهروففاأيا باخ بيخرسندازانرلشهُ اروابازآمده نبارما الى گرايند وشاساً گردند که آشا خرک ا الارازنست كيطائران عبندر وازاوج اسكاني أبنگ آن ل كشايند ومعامله اند واژن سيخ دنیاسودوزیات آبان اساس نها ده از سرایگی بیسر و بن برایید و یاانگلیم حرصله بیرون ننها در ویا نود انشونه ایکی ن شیبا زرامی دزانه سازی که ناگزیزها دت پژولی ن بیدارخت ست باخ ائديه مفت مزارسال سپري شدکه تنويث ني تميزي ابندي گرامت وآشو تا شنامها كه وسه راسرگردان دار دامر وزكه سراغازه وره د گرست نرم ارای ابداع رسم شینقاب فی گروناگرفت The state of the s اليكنديا پرووسراي بروسته زماي رشاكا وهيقت سلّه دو رفزاج آسان زمين ستشام وا وازكا بروركا نقت لكي يست كاه أينو يدى اناصيد زما نه برخواند وديث كالمنشر W. C. Constant The last the same of the same Silving Control of the Control of th Standard Contraction of the Cont

Chief Clipton باطقه خاسی درست مروش کم کلید کاردانی خطاب اوست قفار دولتجا نه حق ثروی وسعادت سركروه دركر واندنشه درست ونبيت فيرسكالي خاطرازان عيج سر كونته دخيال أن لونكو گزاروبوكة ويزه گوشرصا حبدلى گرد دوتوتيامى غمى سانجام يا پرفتنو كې بو د درا زيشيز Shirt Pare The Edit of bull دلخواه مكنون ميراز درياى خاطربسا حاكا غذا قيا دوآ داب فرمان نديري بحاى أمر ومحنيق سار تعمق رسیدگی گزارشه ما فقت فلنوی گردیمیوات عن کام خوایش ایک گرده May be or bashing which he will be بهنكا مزولش لبن كرسيدان فس طبان نواز كالفس ازجان شوده طبويها ز Ministration of the state of th بنتشرى مت گزاران پایتانی وبسیاری زمانیان خامه پر داز زبان مکیا ئی دارند وخرب لرئی المنافعة الم المرابع المرا وانستد برواز وان وي ملايورود بمع كوني وفاصله آراني سرما يفصاحت المرشيندومان The state of the s ياد كاشعرا بيراين شرشا رندو ترناسيا لفاظ وصنعت شتفاق وأيتن طيع وروج تخنيس ما in the control of the بن واحتيا إقتبا و راعظ شهلا في كارش كمير وايرا وهم يه كزار ش طا كرامي انفاس Company of the state of the sta بكذره ومشأت بأبعي لادست كيلندا كليخن كازندو مزايا كالغت جلال معنى فاريفتدري المراجع المراج Mark and it of به المراد المرد المراد المراد المرد المراد المراد المراد المراد المراد المراد المراد المراد المراد STAP COLUMN TO STATE OF THE STA Coloring Constitution of the constitution of t A STATE OF THE PARTY OF THE PAR Jest Joy Jack is the state of the s و پیش عارت و دوری متعارت که نشان نکوسیدگی شناسدگان صواب اندلیز نا Aris as into پیرائی کلام اندیشند و دشواده ی تا زه طرح که اکسیدانا کی ازان سیازنداز شیسین شکل شنامها گرونا گروه عامن غیرار شخان ششت د که زود و همزند پوشت زویه به دوطرز دیرانشا زبان شِعارِ Chipport of the state of the st States of the state of the stat تنومندی بخت بیار درین مآیون اسیخن سرایی آگاخ دیگراوز يز گرفت آموزگاري خرد و برنموني سشنان ابراع گرس شنه William Control of the Control ا رست یا نم*ت فطرت آمرگو مرخو د ارجعیه زمیا*ن دمیره در زمانید تیفتیه دلان با دیگرچویا ای را قطاه أى زارت مع وشعر الشيخ وين ارتبيك Contract of the second of the پدیدآمدا نا نمره درهٔ میزاروغارت کردهٔ تقلب نبوه نه وشه بناک شودهٔ درستوی شن لپذیر و آگانیک خاک بنری نودندی دازگششش در کارو در از زمانه در کا پوی فهسردگی راه ندادندی و میشود خودگرفیته بنگامهای تبار کای برا فروخت قرافرینها نمه دوغر که خوری تسرمندگی گردانید ندو دارد ځارالطبیع*ت ازمارسا* کی فطری نوشینی گروی که نقه خوبیش گروگا نی د کانیچه مالوف داد اند مسرنشوش شبته ندوكا لاشناسان توان مرزشك بجهد وجانها مي ول كرا ي نشتندوران Control of the state of the sta اکشوده و عبا آمای ساوه دلهاگشتن بشوی من حاکر روگهر شناسان کامروز رخم ناسیا این کنج گهر مورکشاوند انصافت گزین نظر نشادند دیده وری را بامن ظرفراند ابود و محبیت م دوستی مگریستی به آندز کوئی درامه وازن می محصر با نی برگفت جندین زخمت دعن مرشکه نه دلای کان از زان کی مید آر که این شگرف امه درسته رخوانه و بنیرگی Sold State of the S. C.

rad به آز دمطاً گهی نیربر دانیروی حقیقت شناسی از کدامید دخشتهٔ ایروکوبا دانای ملند یا کمی روه See Land بردار دیهان منترکه این نواگین بساط در نور دیره زبان روز گارسرایی و نا مره افضال The Children of the Control of the C رويه انجام ديدارين كارشناس فيسى راسود وازان محفر كربني حوش فشاط مرزد ووسنج ذات اومرابیاستی آدر دولی حقیق*ت برکشا دم کدرا تنه خواران عوام لروزی فرا* وان ست مرسی ا رای بگانهٔ وقت آما ده گیرد در ابنگامه چه کار کالای آسانی ارتغانی کمیای مک^{الی} می آرانیس يبا بربار وناكر وعام جدونه شعر عليوازا باكوزجه كارب ازمل وبغورت اين كار أزاد ت زولان دیده وی انبزیا و می افتد وغرست ایشرک تنومندی می مخشد مردم زا دان جهاركو يُكذر وسناكن عناوكر من طلق أمر وكه واكو سراام في شنواني مكر ورو وريحي كوش بصفة تكدهُ ول سروواگر را و ما مه زرای آن نگروژاگر بندیر دیجار کرونیامینر د ووم آن سیره سرت بصفه تکدهٔ ول سروواگر را و ما مه زرای آن نگروژاگر بندیر دیجار کرونیامینر د ووم آن سیره سرت When the first week مدكو سركه ببدانشني غودا داناني انكارد ودررنجوري وشوارد واعشرت تندرستي تما B. C. M. Died spier Color سعادت منش كدارُ دليونندياتوان مبني وسيهيإل ادا بي واسته برردجويا كي W. W. C. in Programme of the Contraction of the Con دارولسكر ازوازُونَ بخبت نول كارى خرادراك معانى ملبنه نتواندور دگيا ن شبستان موجد والمراقب المراقبة الم روى لم ينه جهام أن زوبيد م وفر خدط الع كماز فرنيا ما أي فطرت بالاست ويك في Wind for the State of the state دارو ونزرهای و یافت بیشیار شرود دانای روز کاربان سرسترخ مینی گزیند^{و درج} کوایی Of help stated way? جريبن وبرقي قيقت برُه ذك أيا براغ دب لفروخد كرود وسرفع اللهي بمنان لا ورگهرولیوخرد دیژا آمنها کی وسرزه جرامی درانی ارین که خرم ایست باقی مازه دراه روی و نه Way proposed to ale Sald garding Line pilot عِينَ إِنَّا نَ مِلْمِينًا لِنَا أَنْ وَقِي مِيتُ لِرَكْمِيا رَبِاقُوانَ مِلْ الْمِحْدُرِي كَارُكُ ميار وبييخ وسائي نهان تركيك غووك الصفرات وودار واطن صافي اين Service of the state of the sta المالية والدورة والمروق والمالية والمالية والمالية والمالية والمالية والمراكات المتالية Sound of the state as to be a land of the second

٢٠٠٠ المارين ا المارية في رياد و موزو المارين عرب المراد ا ناده و ما در الما المرادي الم Trail grant of Mr. M. John والمالة المالية المالي A resident like سخه و دالا زمگی ما و دل داند که درین بارگاهٔ شگر چند نیج چنرگران از فزایم آمیخند میعانی اند O This is a fact of the little of آسان تقدس بردل صانى بريوانداخته نزول صعودى فرايد دوم كزيده بيوندانيج ولزك والمدورة والمرابع والمرابع والمرابع المرابع ال صفوت اری ضمیرا برنیان حروف آور دان و حانی نزادان را این عنفری المان الم برامير دكربها التا بنتن بوالمجب مجوثي غشته كرد دوسوم ناز فهطي دلېد يزمز دا كويته فال برا فروز د وجان را ببالانه جهار من غل بندى مترسكه إلى منى الكرند بهاى مازدار فو لفظ هيه المراق ا جواجوا فروگذار دور تا زابال تا گاه آورد و آبر انته صورت و عنی شایر حن امیرایین به لفظییرانی عبارت رااز همینمی و نکویهیده مکراری دوردار دفزشک و وگران میکردران المجمرين ونيا ببهجينا نكدوست فرسوده روزكا رنبا شدنگرم خولى وآشنا وي كلكوندارا مدوا نيكوئي زانى انتطام گيرد توخن را والا يا گيي وقتي رست د مدرعزم دسيت كيما ئي اندو Ton State of the S وما ورئ سنومندی خرد کیجا فراهم آیند و نیازمن ی بردوام و عناست اداریها اح و نتا دونز باشد می شرائط بسيا ولوازم فراوان جوزا أونهائوآن گراهی نزتا بدوگزارش کن ننگنای فرصت مگلخولگین The State of the S وبنيازا كزان وقت كداز فرفع الهي خطرتهمني نيرؤش عينج يدوازاه وستى بجاره كاليهت المار به فأناصحبت چنین فروسید نیز داکسیرا ای و کمحاسا زات شرگریسترانا مدتوا ندشارمود ونك يراكنده وخاطرً و مزارها وگزارنده بطرز فارسي كمرامشنا و زنهای حقیقت ما یا په طبوغ ارزوجى ل بابنجام رسد و كجااميه ثباليت كم دُنتِه آيدخاصه درين منه كالم معاني سندين خطاد الم Service Control of the Control of th بازییام ایروی میداری روی نمود و ورسیانی Constitution Const

Service of the servic Child Charles Clay to the control of the control o The state of the s Contraction of the second ازا فيا دشع والى برين انش زيشيج سينه پراعلم ورولوم پيچ سيچ واندلشه من پيچ د مون نيرلا en journe et ت زمن گرچه بخن بیج تر در ماه آمونها من ست آمد و سرجمه Side Re lives اقبال نتيج خاطران بودكرجون دمستان داستان كاستشترآ سخر بسرايان غازجت ابنجا مركيرونا كالمصيبت جأنكراروى أوروما آن مش آمراً روزى مشواد خيانچه از بما ملى وكم حرصلك صفيرى بهشا نه زد و برظم كارى غوداً كهي أبط عن نام دخامی خن منگر کرسوخته دلم اورگ قدوه کها شکستهٔ ل ترازان غلورخ Silver State of the State of th William Color لیکن زمنان کددل میان میزندانشان تسلی دشت داین حیران کوبستان متومیندی حر A STATE OF THE STA یا نه چنین نیزگی نمود و تروزها نهای نشاند مرازندگی د شوار د دل ازگینی اسبابا فسه ده ترشت ه در میان نیزگی نمود و تروزها نهای نشاند مرازندگی د شوار د دل ازگینی اسبابا فسه ده ترشت انسون مهانی خدیواً گه طلسم داما کی **قاطه سالار**صورت موعنی ازان رمیدگی بازگرفته ارسرای ^{با} تعلق گروانيدوبانسوزش ضمير وربيز دگى باطن يخاشتن كوهرين ناميم ي گاشت كسيرنان ڰؙ۫ٷؿڹڔۼڔؙۺڰ۪؋ڝڷڡؙ؈ڶٷۿڒڴ ڰٳۿڹؙڔۼڔۺڰ وشوار کا رق الحکامی زمان زمان مازه راش نی دل شوریه و ایراگنده ترساختی و نو توسرا شهرستان الديشه بوراني أوزي حراكر دنفرة برنجيز ووغرميت راياسي للغز داوگو ناگون شفتكي اخلات عزائم والادمثى كازمرر وجيره وى مايدنا بديد و بمزانى كدورات كى سيفتى ورات ا نَفَابِكُرِينِ كَانْتُكِ وَمِيطِ سال وَهِي دِستيارِي بَودَى كَزَراً نِ فِسرِ دَكَى خَاطِ وْشُولْكِيدًى لَ لَ فَعُم ومروع أراء والمراجع الموادر والمروع والمراجع واند *زگاشت ک*الو در مرهم نشارن نباشد واگراین به د گارها یه دنیش نبو د شناسنده کزیر که در اوشتها د براكن فأخنى نبدكند ويتبرو وكششى وآور و لفظى ويبالساختين معنيه توانا بإشدا كزوانه باينه فولمند جندكي نا كزلائ از وفع اله في نيومي ليرى آميشناس واندسر كا ، در كام ضمير امناك واركي المرابع المراب بدا فزون گوناگونان شاغل مراخشین کار آرای صورت و آزه آمود روشین نیدل برنشان مراق المراجع ا ر المراكب المراكب (ડે''. ઉંડ^{્રે} المراقع المراق

المان المانية المانية والمانية الماري المرادي الم ٠ ينفن في المراض المرا Signature in the control of the cont واوتفلوباز نوبسدجها باتنج واشتها شدازانجا كداند ليشهصا في بود وسياس ايزدي دا فرايش ارا دره وست ومبت شابهنشا بهی توگیر دران تیرگی کشاکش نیراقبال رتوانداخت ونیروی ارم روی کرامت فرمووشنوی این که دارست بخاطرد رون نقد سعانی زنهایت و نى زغوداين ماك أبريافتم كزنظر معم خوديا فتم غره افرما هال حيام الهي كدور مكر خودين را وفراز كرده برون سوور كاشتن گرامي مامياز غيروا پر خرات بونو دون سويه نيايين فرا داېيما We will be a server of the ser واظلمت مودرا چراغی در پوزه میکرد! کُ نیاز رغیبه کیرایی لهی نها ده توفیق ساسخان شم عرب المرابع ال ميطلب ناكا وصبيرد ولت جروافروخت ولحد فوروان كانت في روزن روشني افزو وعوان Service Control of the Control of th أمل بخارض وحيرت زخت ربيت شكا من فلم شيرق ضيا وطلع نوريا فت نشاطي تترك ورگرفت عیشی شکرون بع می آوردگره و مربسته کشا بیش فیم رفت من مهر کان سوخیته قبای بها وربوشيدة وطاوز مقصوفي بالأمدول بالبنك كالافواني سرخاست خاميدست بالبربك نيزكي از دوستع بساسي نبيان لا كارردازان غرت ببت افشاني سلاع ليخبت ندرد كيتروصتي كبغ النجيئة يخن لرئى گردانيد فينشور لبندامي كراست وموند وخطاب دالكلای مسه ميشط و گشت نختی خنان دلا ویزآگهی لبنشین و ثنیٰ کانت شد و شکر نعمت سیدگی سرآتیسین افت ارسخانی غن شناسان می بژوه گوسرین فهری تنطامه نیر میت و ولتی شرک چره افر ویت هاوت The state of the s المنوي بنحت دويد ووزلت كشاو بيتة انوم شرسن مديرا و للبانطق از كاط عبم يريي غیب ازسر کلکه درید نوج بفوجم زمعانی حشه خوانده و ناخوانده امارد. پیشه ویدند تا آن ضمیر خامه درون خواند مجن طلق جآنی شت که را دُنشاط رساز و زمزر شاط نی در گیرد لیکن آنراکه البهت وزيكاش فرا وان قروك أونيته اشد كاشتر حال كمي حكوينا بارت ني تواندكروكما إ وست مايدون محرستدى نها د طرب براگر فرخاص امر فريسرنوشت اساني نازه سور Contraction of the second

رباعجي درواكه غم كوه بها وافعارت معشوق ل ورجا وافعارت اين واقعيط فعراه افارست درويش بعشق ادشا وافارست بهكي كايوى اندسته انست كبچون برنگی فی چند کا نشهٔ علم سواسخ نکارآیه وحق کزاری آبین حرمش سرورها ویرسخشد مرستیاری کر دار عا وت پرتو خیانچه آز پرسالان نیا قدم واترک نها د و در پرسش ل وی گرم رومی اروازگرایوه وميا يُروالا مَي كهي أراث عن يندواز كشاكش و بولاح *جا كزارم* م بخلوكا وتقدس عابوا ناعشرت الدوز وقطعه رحت بردارازين S. C. وارطوفان بار تطبيه كاندران تخوامه كاند سال عمرت چه ده چصد چینزار برده بردارا فرقه أزمر مهودج كمبرا بصفه الركيك وبهوائ سي تنزانيان تزرروا فاع صنتها سأبي لوافي ي والمراج المرابع المراب وبايدا بهوس گزنيان ونشيتن دوست جدسدا نظرشتان را خطرناک گويد ماآر را نبرًا ناق و پراشوب ندوهٔ ما یا فت نمایند کا کن مراحل مرا ذکار دیا در دستر لی ممراحت دمین فرنگار مین مراس آ و المالية الما Continue of the spirit ل طبیعت رواز گاه طور زگر آمنری حما ن صورت دل شکرونه المركب ويتعالى المركبة ويتعالى المركبة كيدمكر برند وآزردن أدميان نامز مكرجانوران جهرسدسوائيا فتحاردا نندثول دا ولم عشوق To David Market جا ^{عظي}فاف دا مَارا كَيْهِ مَن ل إلحاشاره شعبه وباكي ومسون شازي كارساك أن ال Les de Maria de la companya dela companya dela companya de la companya de la companya de la companya dela companya de la compa The state of the s ر اندازه تواندرگرفت محصین مشان سیت فطرتی شت که نگرو کا نی محصایین دو المرادي المرا

الم المراز المر المادي أور المراجع مراجع المراجع المر SIDA N. B. G. T. B. LINY المرات ال ingles and Military يغروز دروروز شان ننابياني مدران لعبت باز دودوال خوانند دومآن بيايه دشيم بنداراین فرتوت کمینخته ژسته نیمنر وانصاب حیرت رو مشا دی داند و مت نداریسیارلتی بند اراین فرتوت کمینخته ژسته نیمنر وانصاب حیرت رو مشا دی داند و مت نداریسیارلتی The said of the said ایر نبع داربی بود وصلهٔ نشاطا و میرسیس *کراز دی و درشیم آرام و ن*ه از کمی این سیست نا ایر نبع داربی بود وصلهٔ نشاطا و میرشوسی کراز دی و درشیم آرام و نه از کمی این سیست نا Carolande Contraction of the Con معدرُ اتماويروايي خوابيش لنك أين ورحاى حقيقت يسيري ن بوظمون معرمرُ لازد Edition of dead printing the control of the control سوقان کمپن فروه ایرکه بنگلیا میشین درگر داورخوشهای بن جهانی که در رگذریندا و فعا Walter With the Williams اقيا وهازيثا بهاه رتهتي ركبنا ونميشة و دجاره كالئ المايم وزكا ترز و رآمورت إمان كروه يأنينزنك ببتان الي خودابساحل سنه كاري ميرساندا والزركان دانتا ات حويش ند مزلك ښارفيتندگون د جهارم آن محنو د مخت شوريده رامي که دروامم آورن کامها وسيرو وري حواوث سّاره گزین مج گرائیست زبان شی سرای تیمیدگوار د کبنیز این به قارآ بیفوایار دومر رشینا مفل انصاف بریت کرحال حوایی آرمیدگی در شویز کا بهی کنوی گزیدای اوجنین لود چگونه باشراگر د زماییش این گفتاراگهی از گرونا گروستانی وگونا گون با یان نویسکار این می واهم آيية قلم لا گراي ا دراوليه ن را ياي گانياي فرستوده گر دوکنون ارد و ان من تي برگيره ورجاره كزين عودياى مت بيفشار شعر صيت خويش الركوم زافان روهم خيدانكي تتوان باز بدرزر كواركم وشدانز وانرست دي دشت وازاشو بكا و ديا بركما روسريت باركان Side of the second عاطفت فزون رازرادان كردمي بنيرى نشوم كرداراز سراغا دنشونا بكر كلاا والمرآبوده

روی وجرت بود و مدان گفت ژنینو دیجگونه خاطر فرودنیا مری ^{می}هٔ نا کدر نبرنی آن میمنبر طلبان دان اوزنیش نی ششتی گرم ترمیشد وازیمه وا پروخت برمسازی جنون اونشاط می نووشدن دم سايين مركزف كشيشر في في قافله الاحتيق شفت بي شرول إيابي نبروتها تهى گوانيدودپانز دوما لگي كه ممان گان اوان حوا بفعلت ار دعرصه پهناي گلت و فرا خنای ندين و وتيمو د أه مراثيخ اسا كي عونت افز و د توني گني شوريژ افزاي ش ودرباني بردوام نفس سركشي نفسرا اله فروني گرفت وبطرزاس گوناگون جروارائ نظامهٔ خومِني شدبهيآمن سرشير . نظرو تاله بسيا اسرال شراقيان ونوا درخفاياى صيوفيه و مبراتع ختما مشائين اندوخته متنكام آن بودكي بن رش بزرگ خوت افرائي آن بيزگساز بولمون مي کوي The Mark of the Market of the نهدريها كأمين ويشترنجا فى وحوديرستى افزو دى فرجهانيا ن بيوز آميز شركسينية بشهى وازارو وكانيه وني ناخوك البينج وكزينان ول كرفتي واندايش غربت كراي بشوريث كانه وتنمون كنتغ مصوبهم كجنون نبودكه ازومان خروسرنابيده ببرابه شنا بأشفتك بمروتي ندشت كدرا والإضايا المناعظة المرافية الم مجازی سیرو ذرشیب آباداندوهٔ شا دی ادل ثریان و خاطروْم بسرسیرد توخیل آزادی نختی باس^س مان الموثر أو شرع المركزة می ورد وازبیت فطرتی که درمن بود و کم بیمنه که درنها وخود خیرتم با کمال ل گفتگی از مرینه المرابي المرابية وفرطهان دوستى بلنديا في كاخانه بيابي أشوب ون أمرى وازنير كى كشاكث باطبي وفيت ا ملى ترخير المراجع الم اقبادى ناضامندى ببرنوالكين ان راكنه جومشها بسنع مك وبازاندك شور كيراً واران The state of the s كالشهائ تهم فيشج بسارة وزيونس نفس فرمان نبيري ن مكيّاى ملك كهي درا فزوبي ذران O. selvicies and in

Jan Antiques of the form Signal Control of the State of صبى نكدا يشق بروشرمن وتى نكه باقضا داونيرمن يانى ندكدارميا ند كرزمن بالم المان ومفل مایون شامنشای بهان را برواندوشار سخت بدای ازافق اقبال برا Sicher Productions چا و شان دولت بيهم سيدند و ما ن طلب سكو ، طوت انداخت انديكي نفسر ابوالبدائعة ش A William State إعتبارتروسى أبيشطاق منميرته روشندوج تجردهيره وتي نموونز دمك أركه سرويا برمنه و y y jake state of ديوانكي درنورو دويو وارسند آميزش ويهم شكسته را والادى عيش گير دان روحاني طبيب حون سد يادشا وروز كاراتا فليهاللان درسان سيست وارسرنوشت يحمر وكشايان تقدر بقت در in all servers in المراشت ببجاره كرئ مى اور ووبرش آموز تعلق درج كهر ركشود يخيرطرازى وجاففسى A Proposition of the State of t مِنامي طريقت بيستاني ولت ثبتا فت السبورت بنال ورَّنگ نشين وسبُّك راي اصفيته نگ جلاا فزو دبی *انگه دوا دو حرم ا*نه و نرگی سرابلهی مهت شو د و در *واخنای آزیتان قدم م*تبوی و م يبشته الأكمة نتسا النفطا آمد وأبرور ولا يختدكر دونيميا بني سنعارش ايوني فيمنت يذريني وبهان الطاف البنشابي مرافر وكرفت وارث يبكا وكنامي برفواز لمنديا كلي براور دكيمياي انظر ضدا وندصورت ومنى بهت رافروع ويكر خشديدول لافراع مازه بربرا ورووالان بيارى Principle of the second وشوارد واكبيراك شرك زيفكي جاره تونست كرفني رناني يافت ازنيروي لكي باعالميان انطخ عبتی وتمیان سبی گسترده در کیشن عیش نقانه شست بساعیوب نفسانی میرودو وَنُوانًا نَي سَرُون بِنِي بِسِتَا فَأُ وَوَرُرُخِرُ وَثَمِني بِرُوسِتِدَارِي طِلْبِ وَاخْلَاف كُرُوا الْرُومُ والله التي خاص التونست وتبت ودرز به كا واحل وتوري السيخت حب در إمايون عفل كشو خدائ بنكاسهٔ دا ما كى گرمى ند رفت تغييم تقاصد شخيص لا كل رار و دازاشدانس ٔ انتفاسانی از مجلت متعدیتی علوم تیقی من مرایان روزگار اکبتر در نیانی در زیانی بایدگیری جاشی در کارتیج اکت کا منجامی نیابی در شرش بردگر دش شیم هایری ادر می و تیمید گونی

rar د هزره دا بی آیشن*ج مل استنداز نیوی تا بیات آسانی چنان کاربند* شدمی که ين الريوست الان مازد شته بها فدگزاري بين آمرند مقولات امخا ا ين گزيروست الان مازد شته بها فدگزاري بين آمرند مفقوطه و دروا سا ده بوحان ترک نزاد دارهٔ دندُاز ما وری آن ناشناسان بخرد چیره دخی لشا دمیشانی الان مایگوالا فر ورشده و پرائرمنفول قیقسنج وکمته سای آم پریشان اندوخهای ماسرگاخرنبرد ن گوت گفت گوی مدم مكامرم منتقدات بيندات تبكبن توزي شستن حبيدي بريكب ودبرين وشاف من خلاط رجب ندود تيهرستان خود كردارام وعربت كث میان شری شهارالاند دبیابان کاهازین حکوت رکترت را دنشاط بکشه ر درجائت المعند و درجائت المعند و المارد و من الماريج المنظم الم باجهانيان بساطنيك اندميتي وجير كالمكسته وفؤار وكوخو وحريفا زنقش د کویون شمن حرک سندانداز آینداسهٔ ای وروشن سنارگی بانشگر فی روزگار واقوا می تی تر که مرنشهای شنا وبیگا نه دما وسرای دو ونز دیک ونرشن گوسران کوما همه بیفر ته درجم بنداختي زاباركسا دى حقيقت مازه نتا دى جرؤنشا طافر وحتى فحر ﴿ بطندف انم خدم جومرا وتكنند كارخامان بروافتح وطفر خديدن جون سيهروان جذى بري كذشت اي والم منظمة المنظمة الم *ڔۅڵؾؙڬۺۏؿۅؘۅؠۯؗڡٳڡۺٳڔٳٳۏ۬ۊ۠ڴؽۅڲڔؠۑٳٙ؞ۯڔڹۮڰٳؽڹٳۺؽڔؙۄڝۮٳ*ۑۼڡ۬ڽڹؽۏڂڐۣؠٳڹڔۺؗ Of the office of the opinion نباه فروقتن وازنگ خشمی ونا توان بنی به بکارایز دنوا نا برطاسته خسان جا و مراند و قت کر المربي المراكب والمرق المجاور المراكب والمراكب و اين دوسه بزمام كن فهدهولشِ مى كىن نايم چون عهدهوليش مى بصبفت جوت كردو Land Jest Colonial St. شهم نشکنه ارشکنه افزون شوم ازانجا که عزیت درست بود وعقیرت با پارصله اندوروا نا فرصا مزیان ده مهارسوی صورت مونی گشف و برهیقی شال کمی پذیرفته درخوی شرصندگی Victorial Constitution of the Constitution of Michael 10 Michael المراجع المراج من المراقع المراقع في المراقع المراقع

ام المحادث الموادان المرادان Policy of the state of the stat The sale of the sa Wind of the state والمجارة المرادة المرادة نبرسعادت نيرشيد وأزدم كمامى كبها احديو نبزته كالصلح كافر انفسع بره وبيفوك Designation of the second ٱمِينُ شيمِ مِن ختُ برين انتِقاقة في امن بشاطر *رُفت ال*حهانيات الكومية في التيميز ميار The state of the s د نبن را عبادت میسیزند توچه فهمین مینی وشی واگرنیک نوب شدان نبنجارسش میگیرند ^سانا با با اساد Topical property of the services ازريخوركا تنديت يسيوني أرتقصاف سنسرى وكوسى امكا كنساباي عاطر مزرته سنر وجيتز كين رزوازور فريسربر زوى جيووى كه شيمن رسا دا فتي كرجيها ياسووا مردول المبالا واپرداختهٔ ما تن چاپلیون بان لایگر بعینه خواجی نفرشا دی درون بمرگف و به ایمان خاسکان وورونی بازیتی کاش خرانداستی که درجق مبخوا فراری با مده پرشی مراکد اه مدامند با مدوست انس The state of the s مقيقت مدان من مدارئ ابتقدار دوستي رنج نبرومي مرباعي انتش بدودست خواش الرفولية چون و تروه م چینا لم ارتبم رخویش کرمشهن من مبسیت منمو تمرخویش ای ای ای این و د ودېم خويش ولم وزيان سايش كنند كا ق برگويا خويش از دوم منزل گذشته بساه اسيدكه دنكرياز نكرد دونقلا وزي خت سدار نبزتهكا وجهارم شرف خصاصل مرو ماسايش كرواز انبازگیری ایز دبیها کیشوشو پنشتری خبشین گروه دو تی زند وابسینیان برخلان آن گزین م طائعته ویت را در ظورانین و رسونشس نشادی واندو ه نیالایند نبا گری درون اونشاط آمودگردا و مه کویش از دگی ایروش مه مندختی بیدارتهان- اوی رانیزگی ابراع دنظرا مدان نتروویرا STE GOOD TO STEEL انحاشتە بنىرلىرىنى گرگۈنگى نشوندوبسا بانتەركەنقە بىق قىمەنسىكى دىييان كرۇچپا ق انيا يەكەناسىراگونى ق وارشا سراه سعادت بركناره افتدودين المره نوسي وزگار خولتركند پديدايد كربسا باطل اندوزا

مر كارّالاً وزشي زار د ما العبت آبائي أن و د ستائ خيستن مين ست وزيرُ والانست كم محرت كوني ا كيسط يوعونت نتطام ميد بأبيرت منان بين أيدونكو منده عيب نيامي لا موقتي فرارونو كديرين طرزا برفرار تفصوط بن گبیرد وازگرند تومن آناین حائلی ستگاری یا به سبتیاری قطرت ویاشی افتداری ل بمته زمانی ازان نفرت از آمرهٔ خود و آرسخت وجنگ بی آتی درمیان آدرد کا رازسر گرفت **قنوی** وشت وگربیان نخوم حون کنم سرزگریان کبیرون کنم چاک زدم مرد و سامان خولین بوکم زنم دست مرامان خولیش ویمواره طرنه کاریش رشونشیتن میزند رسته زمانی نفرین جومی سرامیر کا يمّا كَيْ شَا يُرْجِو وَكُمْ السِّسْمَانِيا نَيْ نَيْرُويْ تَهْوَدَّى دِيا فتداند تزاار سعاوت منشي وبيدار نجي بجراع ول روستن حكيونه وحرائنگدلى از كد گرنيختر كنيخ خمول طلبري كراماند ، كها وست نعوم ش مكيشا أي كفتم لزا الكي نصيبه نداري ما نير شناسا كي وفرع كردارنهي خشدا ذنيك ختري ومنومند عي ل حق بزوي وفواخ حصلك كرامت ميوواند كدوربار كامعاملة ابئ فصل خصوات ويث تبس بنا وبكانير کیسا نسبتی دارند باخشدهٔ منگالمی وضامندی جهانی دار غربیت عبارتوانگینجت و سّان *رازم خ* كام نبتوانندگرفت مابر مكران چرسه بماک نهای شتا فتر حبیت و زگمنامی چیمی آندورد کیس حیر کو دیچه نونيشج ولمردم في أتين للوا جرواً متى مزركف عدراً گرفته زاميز شعالم واعالم جان نفر طِيعِنقاً گرفته صَيْقت كارانسيك كايوى أدى منومنزلي بيا كانت مِنْ طاق سروشت چاروو كرد انجم دا فلاک رفیتر تبد نیزگی اینروا دام علوی جبها مفلی علاجی تتوان دنشید تیرانداری سان ا ورا المال المراجع المر Sand Sand Sand Controlly A Service of Carlot Con The Standing

قرارگیردخونی گرو برابر و کدگوناگون سروعالم دیخت کده او راه نیا بدرجانی کشا د مبیتانی که نقستیخ انبساط مگساری جهانیان بردوش مهت گیر دآن تیزروم شبیا خرام از گلخن بیم و بستانچه سیدند تابشكا يستكي نزيبة على كشادكى فاثرك شدي بي بنرشادي ومنهو ومرضطه مشاوقامت بنزلى ميرمزنونر عای گرم کرد از در گرمنوان دم صرعه من او کلون وزگا خواشیم با چنین ویرنش⁶رونی کسی الاوت تسزم كاشتن گرامی مایمت و محصلان نرم الاوت وعفیدت بحار دیگر نمیگذارند حرائت وكيونيكفت نايداز ريستا رئ تياني مك أكهي زخارف دنيا درميزان مهت وزني ندار وُرنگ نيزي عک صورت اور بیشگا و منین قدری نه اگر رسیا سومهدت کبری کلک بیرانی کرده شده مینیم وال النتي تكزارش مهتان حقيقت حلائ ازمينجشد ندائتكه بالمتيمن إندات برونيرن مي بياييه با وبهاون ميكونو إيمان مشركه سربوش خاطرا و العجب گرفته را زور ن برالانینداز و انجه گوش را نیا ای تا بیشیما و بیا را گانجه واگویدنساز دفتر و گرگه ویم اینجه ازاندنشه درجای شت یاچومن حیران بانی اندازی باوم * ابولهن سارک ضمیزانش برو داز زرمه بهانی وگفنا رخامیشی چراشیر آمد جال دنتر بارگان طوری ووزعادتگاه ول را وبگانه میدیم شرینش فرصفهٔ ککه طاحت را وشرسکند ساب را سرانجا فرادگیین کدام موشیارت بریمان نطع نبدگی ایم مت افشر ده نیا بیش ایز دی در تنایش ایش ایش و شای عباکه و لاه بر إِنْ كُونَى تقدس بِهِ السارِي تعلق بركزايياً مِ تقديم ل الزبرز ، كرائي بازَاه يروغ ميت النوسندي دا وميروي افزود گو منطرت افروغ دیگرخت بلندالمنه کنا بُرکهٔ بیشطاق سرنوشت من درگار برخواندوی برین ارواز آنست كدبسته فقراك دولت البري اعتصام ساخته سوانخ نگا رم الع طراز داراد وارس الع الين. منافع المست كلوراند المورس اق طارت اختراسه ارمعانی بخیر زبان عمر می آمد و رصفی بیان قرت منبر در و زبر و رسی به ایون میرد و دست و زرآ فرین روزا فردون و نوازسش گوناگون می گرد دسعا د تمن زب ره که خدمت اوند شا مبنشا هافت دونشان قبول ازدرگاه یا برسنت وی بحرانداین و نشاکتی

M96 به فاك وصت البخت يارى دبه باليخبش كلكيني خرام بيايان رم اين گرامي كلام خاروهم ووهراكسرناميه بنام لزداي فكرت تبزرو كدادتي ن ارارنجام لو تفريكيهم فيوبن آل حبيشكي وشواروني خي وأنع تورتاني دولت جاويطراز كاست تأمدو بيتنياري شوات ابراع قدرى سبكه وشكشت فغذومي جوشانيكيذرين نباحه واسبت مرانيميه عالم أمديبت وكرميم روز گار چنان گویم ارطب آموز گار کرخواننه گان را براروزخواب برفص اور و ماهیان را درآب س ه خری کامی میشانی فطرت مدامن میدیزخت اینم قطر داز دیامی کهی تراوش نمود و چینجار کامی اسرجو نداره وناصیسیاسگراری لازه بی از وی این برنگیر دیمان گارش بهایون امداسعده گاههاوش وش رفسانه طازی نفس خود کامینهد وسوزیان کمهیای سعادت محیلداندوزی آن انبرن از د فرونهلد وجرار دارو که کارفرهای ابداع دربوزه این ده دله نیراو شغله بذیرفته زمان زماعی میس^{اول} وفطرت انبروومهت أنوان مى بالاندوين بح بح زمان مهندى نژاد بهجدان دارخواند فرنسارم حقیقت پژوسی درید گاهٔ کمته پرایی جامی مید نبض نفس سهوات معانی را در کشو و رصد داشیانی مدواجضيض خيالات تقيدى ببرون كشيد يراوجكا وإطلاق مى بردوحگونه برنواندوپ بهار تقدير بأساني برامن ل واگرفته طلسم للاگردان توهمون خوستا كى رپيشط اق د دوم ترکیم مرکز اور از مرکز اور دور کرده اور کرد بينية التنجيت غنفوانأألبي دركتف عاطفت دانامي رموزانغس فأفاقي مرينزرگوار درامزازكو مُعْرِفِهِ فِي إِنْ الْمِنْ فِي اللَّهِ فِي اللَّهِ فِي اللَّهِ فِي اللَّهِ فِي اللَّهِ فِي اللَّهِ فِي اللَّه أميرش لفريه بساناين زكلين بساط بركناره شدونه كالم شباب ارسار الرفتي أرغوم ضاموم

چروستی مافت و مجلًا معانی در اوستا نظرگرها خهر روبا بیاعتباروالا سران ی گرفت مقنوی شابنت المركاه عالم اوزاك نشين صلب وم بران ظفرالولمظفر كيامي رمانتاه البريز معلون المراكب المعارض ياب رحال بن جهاندار أشوب گرنداز مگهدار سرگاه در وسالی که اشو مگاه خردیت میا The state of the s رِنا نی که بالغزد یا فطران ایساگه مرافروزش انش که موش بانی کتربن شورمشه ام وافزانیه مسر Size word in the state of the والمقرق والمعالية الماضية الماضية المراجعة وافزونی تروت که ازمون کال ن زرف گا و لیدنرستی بردیتنومنی ین ل د لم سایش برگفت Losines of Notife وخشك روداندیشه را آبیاری خسوشا داب گردانیدل کیج گرای نشده رمزنان کدکیای بشری المرابع المراب وستابن ارخ استنديل موزروز شكرت ناني وسترك عاني جراه غاطرا فروت وساوتها تي ومعنوى نشاط جاويدا ورقيتوى نبودى كرم رورانه وتي بير جواني براوزي أرمن اغير وكل ورت من كوين التخست مراداه بيوندايكان ويت الميرة كريان ورشالنك فيكونه كارونكا ان قد طنطنهٔ بیرانه سری وکلخ شخرانی مبند میرنه کا ک خیشج بنیوارگزین عگیه زان زمهت سراعبالیوم پراگندگی خوابه شدوهیا ن غرائم فطرت گر آمود فرگی شنه دل زمن بگیرندان وزکه از کنساد وكانيخة قد شناسي البنك تعلق زمكام ضمير مرسياست وشيب الإجبراسي فرونشدا كنون كدار غوغاى مايدداني حوشت تحروميزمرج إبادية أواركي غراثيتها فت خاصدرين بشكامه كرزان زماك انتشر مراتب اينهاني وتنروه شدبن أبناك فدوالسيد كالمشت سالبستان علوي افرايشاف خوداراى عربيره عبى لاكدوه فنداى من بولاخ عنصاسيت جديالو كدانه بروكد ببست بردومني بزخيره بفيروزيش بيرد ماعي نقد كيدماس فيقتش ستاسى أعجاز سازيج كدائي فنسي كرشروها فتجم أينهجكم مركزر سينقدم في ستكسى تورباك تزاكدار سنجكم مركزر سيعاد تخاند حقيقت يومي مغضناس گزین ترکی کوست شده میابید ده پخروشی وگزاف میساری تدوران آن سین کمن ان دو بناك فطرينا زل خطرناك بن ويها تسيريك اسان تسكوة اطي كوله نوليا يور نودان ل شامق م

ورميا زرتنا يرجى ناثيم في وست نماخها كلي نشاط فيروزي دمنت نه بابثي ومكرر فرمايد كه ازع على رواعقل إى درآه بشه دراز بووان كواى عموش ملكوم مرد گی روی داده از ما رو ابو دلبا سرعنصر می ازرگ و بی کاخ ستخدا علاه ا And the second s الانام المرابع Story of the Walter of Story The College Have a first his both in the college of A consider the distribution of the state of S. Charles of the Cha

غرز خصر رودخيال فروق جرئى بادية تبناسائى برونشين خيقت ثيناسان أكاه اطيكما وثناني بردوين سرروني بإندازة عنودكي ببائيه جادونبات وحيوان درانده وواكر فتا تكمان قصدهيقي الكاشة ينم كامي تبانتا كا مكوناگون و شهابرندارند ماتبا بشكا وجویا نی و دیلاخ جا گداد شناسانی کجاگذاره شوازین بيشويكا فاواني زوكيت كاصواكرنيان مل تجردتنوه أيند ما بكارشناسا شعص بنند جدرسدريا ويندر كمشاي مي ايدود گروشده رمنهاي مي ايدود كي تنطينزاسال سايست كيماي نزاجاي م بيبا يربوه المتعرطان إداروكيا ببالعنقا وزشك روحاني دجا بلقا وجا بلسااين في سأمان ل ككيم نیروی خاطرنسرج در دبی د مان نماید و بچیوایه توانا کی سوگ روز گار خود دارد د ایا م فروختن نا دا فی خوید نیروی خاطرنسرج در دبی د مان نماید و بچیوایه توانا کی سوگ روز گارخود دارد د ایا م فروختن نا دا فی خوید دانا أي كتّحصيا علوم نا نمهند ماخ شناسي دست وكريان تغرّد والبيد اسنور ثبت كدنرو دي در مقصور عدم عقلي نظام ووتى يافت وامهاى كروا كروه يشينيان خوانصاف والترسكون البيدا بردرد لنشست واكامي خت عمهاي كوناكون آور دخاصه در منه كام والويم فروخت اندوختها آلهی که ندوین طامند در شکت فریم نیش مردم اورین مرحله قدری استواری ویا برطانی برست می افتد و انتركههائ شبه وشكوك روى ونستى مى نهدرا بنيت چيت و فروما ندگي دى آورد ولولعي آندو سرايبى خاط زوگرفت نوناخت مراوخراشىدە ولكشت وازگوناكون قراردادشگفت نارفت رماع مل انزاد منه زورت نسب جان انديين نداسانطيب في مره كها د گذار غراب نی صبر کوترنی نم زیمی کانجب سبرهند که راه وان گذشته کان و زیشت و اوانشوران روز کارلازگونی چار تنگالی درمیان نها دشورشس باطن برافزوه و ریشه و رونی افزایش گفت نه در یوزه گ^ی ازرياصنت كيشان خدااندليف سودمنداً مرنهاندرز كوئى دنهشر بيشهاى حكمت بروه كار ا برساخت در بربار کا بی صلتی بیشی ایا بیش لیز دنی منها در مگا میخوینی گرم دارند و در شتر آبانی ا

101 پای مهتافشده اندلیک از انبوی رنجهای پی در پی بنشاکش طلسم حیالندور دانده گردهی ربودگان خ ارتقدیس ما نیروی پژونش نع ارندوراه جارته یچی نمی سپرند دعنه کا وشا برقدی چا وتبابشكا وبستكي ونزمت جاى كشودكي خرسيندى اندوزندازين كروه في تصنع نيزكا رفوية بزكشه وورحيول لاماوائي ببت نيامداز خديوضروا ت راگدامي كوچيگر وجددان وضي طنسته زا شای چنه اسد یا عی ما جان داره سمو فلک میدویم وزدر دوصال او خرم ملکویم ان خیر شای چنه ناسد یا جی ما جان دارم سمو فلک میدویم نیافت آن می طلبم هوآن چنرگه کم کرده ام میریم کورا دراا در را کا نتیاسا کی چینبرواگرنده نیافت آن می طلبم هوآن چنرگه کم کرده ام میریم کورا دراا در را کا نتیاسا کی چینبرواگرنده فطری لازنیرگی آواز چاکه وچون ختیفت طرازی کیم رزویه نصرانیستوفی دراوام پدایشی أوردونشاني ازراكندكي خودديا فت وقدرى ايزارون عمر بركرفت آخيران جكسوخة خوك بالا مساريته عركم وتأثنا بغلط بكسي كفت جداكم خواب حش مرافسانسختيم كوندران أروا And to Education wilds ورول له و بولیکن کا اگا فهروسید و نگونشناسد که یا وری اوازان گوندست کهایم زده ^{از}ار منترشیون رود مهان در من عمافزا کی وانده افز ولیست نه بهاریری نتریار داری در آن منظام که از خاتو که پر Service in a spirit بزركوارسه ربرون نكروه بودخاط موس ساى رادرسرسيكرث كداين اسوروشوا از نست كه حكمت بزولان زرن كل مه زشكي توروي ل نياورد واند وشكرف فشاك ميسار انظرطإره كزيني نيفناه وهيون ازروستاكه وخوفته مرسان وامائي بيوست بسيحوته الحميها تثايو بشأنى نخت رقوني ندروت داروي عطوفت اومن كنك يبجران رازبا تصبيح كرامت فرمود و ون كمته سنج دويا بعطاكر لأيم كرب بهم روش مراتب منوري وي داد و أفرف وع الصا e July 1/201 المنظمة المنظمة

من المالية المراكبة في المراكبة المراك زم ها یون وگرم مازاری شاع سخن ربیمهٔ انش اندوزان روز کا ربیمره وتنی را مدلیکن حویند کان می منوى حطوف برندند ونفسيده درونان عكر تفتد رانسيما دزن حياية أسوثى رساندري يفائكه برروشق ميويمن وروروم ووروشق بيجيمن كوسوشك كرجان اوميسود الوكهالكر چه میگه دیم من در مبرته مری و صوائی و در مبرخانقایی و تبکه ده گرو با گروم روم تبخیل نا درست خرسند كزيده بدككيران زبان بنعا ره كشو ده ارندنه ولبيل إد نعالطه مازشنا سندونة ختيق از تقلبه جدا كرون وخدولاديا وزحقيقت ونهنة وكفت وكولة بتبحوكمياركي مسدودارندادين تنكرف بنبي كام الجيرًا أي خوية نه بان طنز كنتو وي وعيشتن لا بزار كونه الاست كردمي وزا في برمبرز وسكالي مردم جوش نفرت زومی وتیرد و زطعی و اگوانها ختری مواره تباس کشفته حالی و رکه نبه کونگر کشاکیشس کار ميطلبيدوارسانينوديناك وثبت رباعي أيغاشكرم كمسن ووميكيرو صوراة ويتروارميكم المكركة وسيحاطلبدآن كورا ورمرووجها نفس فروسيكير وساحل ميانشه يياه انتظاري سيرد وعصد نظر كاه واخ ترسكر وانبدنا كالهروس شدكة شدا وبدنه في نتنها خانه بإنداز شناستركان كتاب وسيتان صقت الى ست بركروى واذون وى باي كاپوكشاده درانياشترن لك سعاوت كوسنسشر وارندومه ونگوئى و ورب دې وناتوان نبي وبي حقیقته شا و مانی نایندولم بخلابي كاللوفر فيرية عيشرت أزادى مى كزينند وسات زندگاني خودراازيشكا خاطرسروه أند کشاوران بیتری از بشه انست که اسخام میکشی جگونه صورت بند د تااز خراج گزاری که وجم پاسانی چیارگومبری بنیاست نسست از کشند از آن جمر کومسرائه زندگی گوناگون جانوران آماده میکرد ا پاسانی چیارگومبری بنیاست سیست از کشند از آن جمر کومسرائه زندگی گوناگون جانوران آماده میکرد آ وور كا و نترحتيم بها زندگي گا پوميرود بازرگا نا ن زيان عالمي داراسي سودخودي اندنسندازان كه نيروى حباين كردى فيين ايزدى التيمول مي يا مبرويا و ربراد ران روز كارجر ونشاط مي أوو سپامی اختیس باتی هان زمی اناد و نداند که غرمت جان نیاری سه وافزای کارکیا

نخوت آرائی اعتبادا در مجشیم حقارت نگر کسیته روز ناکامی نهبیند نوکر با نایکاری درگرفتن و اوز و ما مرار پی سپر باویه بی از می وَنگرستی مین فرامونشه کرده نبویشهای گوناگونان دکشاکن دوستاری آشایا از شنو دن ق گزاری نمخ روو قیمین نقوش سوی و ضلائی از گزان باری افضال روز گا را که و تر ارديه ه تبمنی براينه وترازوی شناسانی از دست دا د وبهزره گوئی دیا فدورانی گام فراخ دارند پیرانی ا خرى خروسالى گذرى شند برگ آمينري حرش آمد نشاط گاه را آمين تبدند واز اندرزای طبيعت گزا وَيُكُنّا يَ الْمُوهِ كَالِيو وَرُونِيرِ عِرَانِيا نَ مِنْ صَاحَتِ كُنُوسِنْ دِنياكَ وَعِنْ النّراكُونُ مواليدسه كانه الشدو نوارین ریسردوش سیمت کشندونشناسند که گوشنشینی سگهانی ست گزندفض^{ون} مالی درنده اازار زن بازدارند وموسازا فيهمإلمان اجمكي آتنج ل كهبريهاى زانزواخته رابنكو في توجيه كايندوم اسن وزگار مجيد الباس شايسكي ديوشانندوم كرومه بفرسوه وخاكها وكهن عارتها تبرك جريزيان زميد كرجاإز فروج درون را تعکان اعتبارگیرد جرم عقل اورین اشو بگاه عبارالو و را نفشگی سترگ درگرفت اواز ورف Tolker bereit bereit bereit bereit bereit bereit تازه پریشانی اوردفر و گرمن رعجانبی که درجان دارم دیواز میشوم رویو هست ننیروی سازش موجود So the State of the same of th گرزونه ول بردین زمای کیار شدن بی وست پا بادیها کی درسروشت ودرگرده و شسرگردان کا نهاآ Se Marine Marine Comment خود انبرگی خواب شیر دوزانی زم دیوانگی از ناصیه شوریده حاصنی اند نظیم من ن عرضی و رکام سا With the second المراجعة ال المراجعة الم كوچ ن الصنيشي زند برد لم مرارم مرى ازشكاف ففس صفيري زيم بازداد دم نفس نزديك بودكم درين منكلاخ حيرت وخارزا عبث بثروي رخت ستى موموم د مازد و با شرالان اركله مران زشكاه نتا بشهراروالأكل مكاشناسي ديره ري خويش مرابرگرفت مبرط بيس دشوارد وابمت بركماشت از Service of the state of the sta شكرت سكالي ن سيمانف منا بي وزشه يسنيز افزوع دكير مداً دخيم وكوش لا برتوخاص أفرو The second section of the second J. William

Waling Shi Charia Stylia Glanding of Char All productions of the party بالرقي خيانجة بمبش حاد ونبات وحانور درسرا پامي ل راه ندار دحرا مرين ستى تعمت ألود Signification of the second of اختيا لَوَغِنتِدُوا ن بيغاره ورازواري ديرة بيركي شسباستعدا دكشود صفونكده بإطن ابكل Signal san and who we will برميالامى وأرهس وزا فزون يان ران ازه سروى برگرفته ومن فطرت رايجو المجيب ل April Original Street شؤحكين مسازر ماهجي المحادوست اكرتو ووشدا زحولشي تاكي زموا برسر كارخولستي سرخيكم William Contraction بشة نمي آموزي اين ميكشرم كرر وارخوشي وبيش بك بسيجان ظاهرتكاه خير غالب طراز A Company of the State of the S A TO STATE OF THE PARTY OF THE بست گيره وبعلي ارضيفت شناسان دوربين شرتيخوانه محال بهرزه لائي ول كوران را یا فیگزاری شیم تنگان عادث شیفته مشوخر دیگیسه بذیراتی رازاسیانی شده ازعسنه و شاد -ایران Single St. روزگارکنار مرگزین زمان وان میشندی برسیا پر پیوزایز دی برطلاند آن پخروی دو درانگی تا مهکنان ازنودن عافزی وشاطگی به پیکا زرنهاستن خت بی وجلادی نفرین گرائیب ن مرزه كونى ويافدورانى خرستن ازدادار بهال آمونتن وبيا دواد ن ارغيطلبسيدن كارنشنا وآبر ونیحتن را حصب سریه ن ملاح شویی ونبردارا نی شکریشگی را ربی وخود نهایی خامون و جاسوسی د ماتسوس و تبی شا د بسیتر به میشی و میشی اندوه خرد ن گرانجانی و سکوه فرو پیش فتریسش طلبی مابلی شدن گرکردگی *براشتا* فتن نی ادبی کمیای و ن واماندگی سراید راه تهدیرتنی وانوین نزل نامورت ناسکی ریاسمی تاکی ابنی بی سروین سیجی مباش خامو جرى ورخن يهيج مباش كاكر كوئى كەمن جەخوابىم كرون تونىيج نرمىج كلمن يېچى مېآل ا نویداکهی از واخنای سرگردانی مگوشه جمعیت راسته شخشید واز تبا واندلینی بازآمد و ناگزیر و على ومسنداوارهال وسندي كرفت نه عامه وش انبيم إذار و ترس أسيب بلطرز خاصان م تقد ي وميش موالان ميلان كاراكهي كداز ديد كمبراي ايزوي وستاننا بايست بازدارنداميد كمجير أفيه خاصان خاص بقوش مهمي مزدايد ونموولي بو د بزخير د و بحيا نکه برستگيري فطرت از دوق لا تحديدة الميادة والمد المياليان المرابية الميانية المرابية المرابية المرابية المرابية الميانية والمرابية

M. 0 ووصولى نشاط جا ويداندوزو وورشش كالأزما ببشكار ومييش ويدر المعالم المراجع المرا Proposition of the second of t ردان فنطف علمهازوى دوجهان تنزيت طرفه كوتهم رمبروهم رناز Spirit Company of the State of A Child The Control of the Control o Market Sold of the State of the معزان شوى اى سبيت ليى غرفايي قطواه فان ناى Joseph Strain of John Strain of Stra يرانندكس كافروغ خاص ليزدى بساحت نوراق عل Jed of Older House of the

Service of the servic Paris Character State of St. The state of the s آرابدوپرتوخرد درتالبث نوسللی محرکر د و واقعین ایجابی اندراج پذیروم کرکاه درین دولته ای . فود و من کسیم موز گارلب پاسرگزاری آما د دار د سرآیینه منروق وصو کامیا جا ویدگر د دان د میات S'serve the sind of the little عده کیجهاروبواغندی بویزنی گرایدوسوندمرکهات ازیم درگسله چبره ب کطرنجازستی داشده به قر Oly of the state o ونيزني زاني الافق أكهى سررز ندفنوى صاعقة عشق حورنير دلفرق نبهض رقصه زتيين The rade of the leaves بندكوه سرسيمة جدرجون سيند زبي شكرفكار كال ونبرككسازي تتأ ر زندانگد دانشرت بردازاسمان بی سوی میکند و در باختگی حمارسومعا مایب بخ زنتهگا : افتاره البروروساليري مينيان صيرفي نفذاسانيان ميكرد دو درسيرد م اص بند كي اسار الوسيت مى طرازدود رَافت خيرُ كازاتِعلق ترازُ أزادى سيداليظم ديدُ واتبا شاى عيقت بابرت عقل كل مرواز كوكتيمرت المستروور وجيب وعيفان مينكرم لعشقان النظر إفت الركستون بجرائن فنس فقلمون عايره كزيره وئ ل البلان كالآور دارسرنواما د كي ايشغل شرك و داميد كميتر سلخ نكاركسنية تنكرد فوزمان مان تنكاميك بياكزاري افوغ ديكر مدياً مدولسيار كرامل والبخام حقیقت گرارکشگاف آن ششرق ل سن^{ی را} پرگونبینه دان سعاوت برامود ه درخانی آیندگان اساسه میشاند الكي طلب آما دوشود ومشناسندگان گوهر حرى را جرونشاط افروز دابيات الآثارين سط رُگین نظام سخن اربعنی لبندست^{نا}م نظام بخن از کلام آواد طازمتانی نام تواد و حاکمیم و فشرسوه اکبیرنامه مهانیم سازنجام فت بخنا مشابه نشایسی کازارا کانی رست فتاد (ای می از قا جمالنا في بوح تعليم إسان والبسخ داو كراباب بستوالعل اركا خلاف يشولا دجوان

سلطنت سرمدی برطلانقا دوچندین آوزیش گومرفطت را باطنبیت ودا دوجهافت وخیز مسلطنت سرمدی برطلانقا دوچندین آوزیش گومرفط ت را باطنبیت و دا دوجهافت وخیز ميان مُنْ لَحِيرِتْ أورد مَا نقد حِسْتِهِ بِي أَنْ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهُ عَل ميان مُنْ لَحِيرِتْ أورد مَا نقد حِسْتِهِ بِي أَنْ إِلَى اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّ ايزدى برده شد و دربوزه لا ازميشكا هضرت أورنمو د نااين تعويْد بارزوى خردمندا ك فسوح د وى واس ببندان مخون ل كاست بدريكيروفي جاني بخت آمر شعرجها يربنج كشيدم فرشق ا این کار باب دیده وخون جگر گونت فرار سیمهات بهیات را تیه خوار فیصل ایزدی کها فر ِ حَقِيقَتَ كُمْنَ سِيْوْ مُرست جِلِا درنج كشى وَمِنت نْبِر وَى رُبان ٱلاى گر دوُ حِيُونه ازجا ن كنى وطريالاً بربور که بیان گاردشگر فکاری اقبال شاهنشای ونیرنگ سازی دولت جویدطرازست کتیبن تنحن رزبان فت وربي في طامرُ والاسرانجام إفت آن فلي توهيديك الديشا زابشًا زكاب وريت يمتى وشاكيت ككوارى كنجوجينه وإشرب فرمنيش كردانيه ندو بحريم طوتسارى ورأاة آن گور بخیای بنیا کی ونیاییتر واربیهال وسیاس زاری ممت روزا فزوت امنش مدازیتر و بسوتراكهی طلبان ومنشوری ازصفونگا وتقدیس برای سعادت بیژو بان آورو نوازش والاگردان سعا دتاگرای عقیدت سرشت اسیری وسواده و اور یا فلکی بخشید دارع و مرکزینی خصبت فرمود لختى لذان بانداز أشناسا ئى برفرازگويا ئى برار دونجوات سالارى فيضل نيدى چېرو برفروز دُوفرنزد کې وبيكا نهبروازان بردارندو گروه گروه بردم ل الفر في حقيقة ني آم دِگر دانن شكرايز د اكبيرين ين ا انديشه عالم صوت التيام إفيت جهان في فنظم شدر لاعي اين شمع كه زم مفت و كاه افرونية ازبرتود ولت شهنشا او فوت بهما بنیااز وعصار دیست مهمبیا را پسانی دراه افرون + مهت اگلبراقیا اسگفت وطرب ار درجت کمینیه گروزیا فته مازشد وشب وگوارگزشت بساخالق مهت اگلبراقیا اسگفت وطرب از درجت کمینیه گروزیا فته مازشد و شب وگوارگزشت بساخالق واسخ تقييدى طلاقى رغم تى ويتأت فذكر اركارش افت ربنائي كم بينان تشرال المراجع المرادي المرادي

كسيار كزارى ببشد فرازانجام أرثتنوي بسرنبري شأه روضيه ببيروي فريتا فط بذير روييريسة مرجين كما بإداوى خررة فهن باوجودآمدو شديندين قافله سالالان فروم ومرد وبلطان غفل رأبسر رفران فواكن مي آرايند وجها نياني را اميني تاني ودرين منكام عرصه نما واثيا فواخ بايدكر د وّرازُه شا د كامي وزمزمه كاميا بي را ملنداً وازه بايدگر دا نيدنديون فر د وسي بسيد سكشري خرينش درشروبرده آرم ار دكفت فحرى داد وتندبر گرفت اسخن فروش بع ويمهانمسة مِلَ بِرَاسَكُ بِرِيْجِهِ انْدَكِيْتُ بِيده عِن بِي ٱزران ما زار دِكِشَاكُ شِ الْوَبْتِ بِنَ أَنْ وَرَكَمْتُ عِمَا مِلَ بِرَاسَاكُ شِيرِ اللَّهِ مِنْ الْمُرْتُ بِيده عِن بِي ٱزران ما زار دِكِشَاكُ شِ الْوَبْتِ بِنَ أَنْ وَرُكَتُتُ عِمَا ا بى بها وفران را بى وزن ساخت اين مائنده مها زفنو ك حسا ن شابهنشا بى سايس طلائل آلايج Z ALIQARII. وربن وبالنامه ميكزار دونيركي قدرت جان آفرين حبان آرامينوك فأنتوسي من اين مراكز فر العمرى كباكوسري فتنى مها ياكي فيتقيم درين كاروثت چومن كمزياع شق لبسيار سوت بالزحمت كشدرا بنفرين مدوش فيت الرمنت روزجت أفرين جاويداووركبال تكرابنجوك لآغشتام كنثري كماز نطخ نبوشتام الان نثرايا يهرتر متنعد كما سفتدكوم مار پسبت وسپاسگزارا با گلیسرای پیناسبت اواغرض وه جریث كه دران كارشان بنسر مند تني قع صله از نررگان ان كرداگر ديد معامله مين آفتي نرس بیرانه نرفتی و خن مغرض نگرادی و گویه والافطرنی و تنایه گرفتی فکننوی چوخ ص آمد نهر پوشیده سید حجاب از دل ابسوی دریشه عین خیر می فرچشیم کوراد می ندمبند گرچیست اوعیب جو صد سله حکایت بشنو در پرش رس درنیا پیکائیه در گوسشه حماس قطع نطرازا که جارسونتی سائی مزر و پی

روز كاربخ وليذير نتوان مبت أور دجوا بركران بجها ياستكث منتوا ندشدا ودان تن طسيراز وَكَتْ بِهِ إِنِّى دَرْصَلُوهِ مَا مُوسِتْ يِدِهُ *رَامِي فِرْزَنْدُ دِيرِيقًا ئِي وَشَخِي جِوانْمُ وَكُذِ* شَيْتَ الْدُولِيمَةُ الْحَيْتِ لِيَّةِ لافروغ خزبخ شدودش كزيان حقيقت منش لاياوى كامت كندساده لوحان معادت ثروه بسوده زيان روز كالشناسا زوگوناگون مرويخ حضناك عسدنج را خلاص و روچشا ندسيلان مردانگی آورد و روینشان راگرد نهید و اغال نهنگ در ترنگ میدانان کوحکی ک راکشا د وروسے مهتابی تا موسه ۱۲۵۵ بزرگ بسبح گرداند وصاحبان مهت رانبرو بالاند و نرواز والا پانگی سرلبندی خشید سرخد د طا هز صد هاریت :: رامی زرگان جهان تقدیم رانید ورمنی ششرج"جوامردانانی خود ابیچها رسوی شناسا کی برداگا ریربار سواه مترست شعودی وخردخردهٔ ان ابتا ایج خواهش بیجاندا رستی اولاارشکراین نررگ عطا ایزدی کما فرصت بوری نازجهانیان شیم سید فی اصیان دشتی بل گرزند انصاف درسربودی وقدرى كاردانى دشتى مراينه نعياس تخفيه منوى بديه صورى اندوخته بدركاه والابردى كذو كرافى برائيظورائيگومراوشدوباد کاري رئيسه إرمغاني مابندگان آگئي جري گذشت وسانجر که تيرو The second توفیق ایز دی و یا و ریخت خدا دا دگومهرآمای این گارین کامه دم محدت زیری وشایه شندگریسیای مردم درزندان تغيل فروشدندل الكبروكاني ندادوت وطرت ابايال هواش كرونم درخت ل وسعت آبا دطبیعت اوچیجای مهان بهان فطرت درتیاع دنیوی آزونی گرفته شد که فطرت عالی از من المراد المرا وهمت نرگ در سرسیت بنگا نه داند که بوی سنه افت بشام او نرسیده و جنبی شناسه کرصیه فی کافرا برندفيني رابانخ موى تاب جيهيوندآ بدارمصري لأبهن بإر وبي جرمر رئيسبت كومرتي تتماحي فيت Visite Comments رانجوت ریزه دنیا وی حیان و وشد دولت جاویزته مین لعبتهای سیایی نه و در وال سیایی از در William of the state of the sta علصه درین منه گام گدازنیز گلی زانه و شکرف گی روزگا رواه گران مهاسنگر زیره سرامیا قبال مایشد طرا^ن Mary son of the Sylvesty حقیقت آمو دازلوامع آگهی رشونی نپرفیرت برفرازشا دانی ارمهشر گزین بوداگراز کالای و مش^{یسود} چهارمازارصورت تهیدست بودی درمانداز مدخونی عنبج آرای دنیا را به پیرست ری نیکس نفرسادی آزرو پیرامن خاطرگشتی دسنین می معاملگی برخو د زار بسند میری ملکه نظر نخشین حدایز دی ست که بوسیله انگارش تنوه و کردارشا مهنشایی تبتدیم سد وملاحظهٔ انوی طبیعت از نقصان شبری شت کم ا بزرگان آینده و دنین نډیران ال زین دیا بی بکیران عوم آرباز شه ته خانهٔ روازه و دا آباد ز گرداننداگریمت لبندو آستی ازغرفه علیای توجهٔ بها یا ن تسرک نیا مدی کمین چه تواک بهاخن ست كديشيوسي الكاه ولان باستان ولوي معنوى ملكه وفيتنوسي حويكة فيت احولانيم اي ثمن لازا ا مرشسر كاندوم زون الرانديشان التالي يبي وجود سار برديم روز حيا مركس تفهده أنم انيقد روريا وخاط نشین مکنان گرو و که گایدی ها و تنه نشان است ام و از و چیز نگدز و فعت جستیب والانكالان عبت ميدار بالنافي فيزانيت بين حوارين رسامندي رزوي ووزير كا وشارف كزين ننزلى اساس تعاون اين سراية زيركا في جاه يده بيرائي نشاط يا بندوست توطن كزيتا فان برم سركته بها نخانيستن گل يدوينديتان آن دي تنبري نه بيند ومنو ندان ان لو اني نشامند وبرومندی آن بنیمرگی و توانگری آن برشو نرود و نا توان بنی را و نیا به وان خزمیت صاف **و** ٔ وابنم اوردن جهارخوی گرامی و پیمنیریدن از شبه شدیایت کا دیبیده که فریننگ نامهاازان پر الایم ایرون بیان ببطق نبايده ومنكنيا حسيبني سارى كمنزندكاني ولاز وتمرد وماز وتعبيررو والرحايين نيزاران تتماير بیش مرانجام با بدو بنیروی آن خوی ستو و تا بیش ایدکین مثبیتری نربا فی لاسا و دست شاه مازگرد د و ساییر باطن داندانشهٔ درست ناگزیز مو دخوشا بختمندی که بسعا دت سرمه می ومین بااو دونتيا دَوِسْ گرداندوظا بربسان طن ابادان ساز دوست ناسند كان حقيقت نزوه مدانجين نشاط برسازنه وختى ول نجر بندى نصادة شرت اندوزند نهشت كدنيك بسيحى وخوب كروار سيحا نیمه ا بوی عت ویاوری قبال از شوب نو دلینی و درطهٔ ریا برکنار دارند و دل د**ارن** بوی عت ویا وری قبال از آشوب نو دلینی و درطهٔ ریا برکنار دارند و دل و**ارن مارن**

The state of the s State Cost Cost The standard of the standard o سلطان خرد وضامندی ایزدبسته از کوش خاق وگفرین مروم کمیسوزیند ومازرگانا ن ساده لوج کچس Son Con Provide ازهم گرانا پرېردارند وفائده کار دوآد و توکيش بلفخند نوکر پايدارو سهميل بنته و ما ن رويان عيما څون Her City on the b صويت ومنى وويا ولالتخبن تجرد توحلت كياز فراخى حوصله وكشاليش عرصه ً أكبي برعوم هن ابن وتيسج Service Control of the Control of th بولم عب فرار مند بنيروي ايز دَى تأييد بإردُوعا لمَردور ش فطرت بزمهندو بتوانا ئي فراً لهي بكبار بود والش Grand State of the Color نايند وكاروبا اين دوضدُ اكدا دمروان والايمت يكي لاسرائحام سبنزا كمنترتوان كر وُرْبُرو في مخت خداد أ چنین گزیریها ما ن انتظام ما برکه عقل اول شرگفت ما ند داسمان نیزنگ کار بحیرت اوفت روسرمائیه سوریان صوری ومفوسی بیست آیدود کیزمان مبین دوامیر ختلف بزم سورا راستدگر در جنیانچه ازماصیدگراجیال برا فروزند هُ مِيرَةً ولَتَ برا فرازنده ميت قبالُ ما ن سعولا کدا مروز آسان را بکام اوميگر دانندوتباره را ببلندى وسيرميفرا يندنشعه فروغ مخبن تبعشان منه إكتشاء داع باركه دولت مرخاني وليار ا وبالدوربان فبركرا فائدة ما بش بكوردار دور توسيط ميد مرايز د تعالى ان بكياى ملك ابقا أي خشيه م برحهانيان سعادت جاويد زرشذان فوانروامي صورت وعنى فبرزع عقل خدادا وتوجراع متمت والمالية والمرابع المرابع المر كُلِن سُكَ جِنِينَ مِم مِكَ بِكِلِ نَ الْمِ وَهِ إِن بِنَسِيارِي أَكَاهُ لِي مِنْ وَما مِرُودِي وَلِنُ الأَبكا ود مورد المحالة المراجي المراجي والم برنشار بربگیری فی توانند بر و بهر کدام آن گو بهرهان فروز شناسانی راخاص دای و ازان باز که بسرته عربه رائی دوست آویز کارفزازی درسانست نتامه از آمدی وانی دار دبین نیایتیکه و مارجانی in the state of th این و انباز فرا دان جنگ که دیک دات قدسی فراسم آمه و نشان ندم نه محمد محری مین و دنیا همیم میمار صوت مونى محاك من فروروطن تبعضات دانجمن كمشاى كارفروب كان مهم نبدنا تسوته ولا And Contract your كرُرْت تعلقات مدوي الروتيسي ولا بخاندول ن صرت الزين تواند مينت وطايز ديست في كميا ول The Secretary of the second بادَ نفرة ورَبُهُما مُنظامِنوزانديم في فيا برارو مهاطلان على فيطعه أزلو صينة مين ندلٍ بنيان فوريح Jeriper Chise Of وَعَلَيْ إِنَّى مِيمَ مُنْتَ إِوارْتُ مِمَّا حِرَبُ إِلَى مُمْ يِرَاسَةً لِلهُ مِلَاكُ مِنْ الْمُرْزِمِةُ نُسَّت White the state of Cincipe de la comina المن المون المراجع الموادد المراجع الموادد المراجع ال جراب المرابع ا المرابع المرابع

٢٠١٢ من المرابعة الم المرابعة الم المرابعة الماليان المالية الما المارين المراجعة الم المراجعة الم ist this de nicities Singly have by his or the say كيسخن نبجان گوسرًاي نبكاشتن ساقبُ الاي نين كانه بارگار سي گوش گرد ن ايم ابيا داين و كماره The other prices of و من روز كارازين رينت خشنة ابأيند كان قوافل مجودار خاني سانجام إيرجه بند كان دورو را المِيْمِ فِي الْمُعْلِمُ الْمُؤْمِدُ الْمُؤْمِدُ الْمُؤْمِدُ الْمُؤْمِدُ الْمُؤْمِدُ الْمُؤْمِدُ الْمُؤْمِدُ ال شناسائی بست فتراگر حاسمان تبگایوی خویش بیشته وست زبان از کوند و دست بیت منتور ومقري ويتنازن *ڴۅٳڹڸڮ؞ٳڹڹڒڴؽۯٳۮۄۛٳۅڎؠٳڹٳ؈ٛٳۄٳؠ*ؙڔڛٳۺ*ۮڛۺۺؠڰڛۏڎڲڕۅڮؽ*ڿ؈ڶٳڰ۠ڕ۠ڡۿ حيرت افزا وفترنا برسازند وجيفائح روزكا بنوك نبركينه جيت نقلا بجتره إن رسدوسالها وازنشا والمرابعة المرابعة المرابعة پایداری گیرونبائیکه براینکه کاری نها ده آیرفراز ایوش بانگره نفته آم پیزند و بنیا دی که رفاعه و این وير المرين و The state of the s أنفاق فتد مگروشه فع مراه ولانی مدان اونیا میشه هرخرای سرعل مین که روزگارینور خرام میشد باركا وكسرى له بيبت كدازاورك نشينان والاشكورا شانى حزامهاى كالأكامان في مياوكا نانده و بخبروات انفهای گدیمرین فن سایان نیک بنگال نشانی نیست وارسالخودگی گزنیستی نیا^{ند} ازبلن إلگي آل ويه حزنه اسبح خامه صابي وعلبي ضرى ميد مدوارم کارم ملوک غرنه بغيراز نواورو و S. S. Hilliam Co. وعنصري وعلية نميخوا ندفقنه ومي بساكا خاكر محروش نباكرد كداز فعت سرشه را كاساكرد بن زان بمه کین خشت برای نباح عنصری اندست بریا و سرط قام طلب مرتومت دی وافسور State Constitution of the خروثروي ديا مدواين تفرخيال وجا دوى حلال تبناسداين قدر اندكه مراا نديشار نشت كداريع يأتي Change of the Control والاستى الهي نتيام بنشابي دورونزد كيب لاا گاه گرداند و ساسن و لت جا و پيراگزين بنيا دي جيم Contraction of the second of t بطفيل آن گانده دازين خزاين نيدي اتب تقر گرود و بهره فراوان ازخوان فضال بردار دستو The state of the s باین ماموزامهٔ دریاز باندم روام اورا داز نبکشس ازان کردم این مدرا کزرین کفین بله میرانده میراند To the state of th ا وخامه را واگر زنیزگی خوبنی مرین سرنگا و نینته دانین یج قدسی برویوشیدهٔ داین پیشنا سانی و بست فقد وانتقد رسرايه بنيائي سابخام ليدكر وست أويز خاطر نامد برواز و وهبت خيرسكال Side of the second seco سعادت نِرْوي عموم مروم و دولت! فرا كي حمه ورعا لم ستنخستيه إنّه بي كا زما مدًا كا بني ساساني في ا The state of the s Constitution of the state of th

گردانه که سیاری اقده مهتبی و ساحت آن فرسوده شد و کاری رنساخت ندویس نیام که کارگام و برکر دای لاکه این قبال امر الاهال از وست دیا بداز سیم آمین فت و و ب خانه نشناسه واردوگی چها طِلا تِي ندگى رِساز دواز بِمِصرورَ و نبادى كهِشِ آمدِ چون ازگذ نتنگان نشانى ندميند بخو جزا ئي لا Still and the still state of the state of th ند بدوا گرعی کردخاطرا برم ن انظائران در اسلات اُتری پدیراشدخود اوت فرسو داه ان کردانده پيوسته دينر كساديهاى دز كار رنطح اكني شه سته تياييش مينازمند جي دايها ل كرايدوار عاجري د ما نه گی تنومندان گذشته نناسای نیمروی دست قدرت برکمال ننودین گنگ زبان شورید و آرد دا خاطر کی دیا مان تن گزاری وکلته بیرایی کمایشی ثبینا ن حول گزین ابا وف گزاران ادسالیا ن افرای چىبىت توكىنندگان سخ كالاي دائير لا بارايندگان كاسدتناع چيرناسىت شعرمنم كدره منظر خودست و گرندگروسلان رواج میطلبند شکرفکاری روزگاراچه نور فیزنگساز په در اله و در دان و در منفوان کهی از بازشت در نگان عم بسرید و جایی شریف و زمانهای بیتر ينعتن سونه عنصري دريوز وكروى ناكاه علاقه خاطر مراكشا ن شيان بسياني نش ثرومي برؤ ورا فن دل كه دوم را با وارگی روم ارو در معیت آمداه درش رسی کشودند و بسیار مرات نساسالی ورشیگاه مرین نشایی نیزین می میشودند و این میشود My Constitution of Constitutions Ordinal Forts July 18 Trada de Co لنشين أمركه ومي أرسه حال ببرون نبانت حسين لبدكوسري وجاتعبسرا يندقان دريوس فبروم اقادن وأسوى انيان ملازختن ست دوم معادت بيم فنيك الديشي كفط وزال زانيم مرونتوا region introduction white تشاده روأياً له في فواخ ونهني ديا فت عالميازا بذكمه أي ما وكنند سوم الاثبتي ومبندياً في كـازان مجردٍ تما Spirit Parket Parket رودصاحب ان ارسترگ منگی مردم ایا ذکمت تا بنکی و مدی سیر غیری بشهرستان خاطرا در آهر نواز المرابع ا وبمواره درسدارنكا ضميرويش فنش وارى كندولبيبها ي حرورسديده بجارد كزني نشيندك نيكوئياي فتنقصفة مكده بإطن إبيارا يشايدكه برستا ويزان بوازاطلاق نرل كيردكوسا

٢٠٠١ من المراق ، ولت جا دیدگر د دحو^ن از نزداگه این ش وایت رای دلفریب برخواند قدری ازان عنو ون برغا وروى درزة الشراع دوروست ازمه ما دوم شد تكبير خويين وثبنا نداشه في كاشتن بايدارا Singal Confession of the Confe عبوب ونون كالورث ورتو بيشكا بنتالي وخيان شدكه يك گامرش تن مي ايست وعياز ماخوشي حيند كه وعنفوا حال رشيمر الشتري إ The state of the s مى انديشيدازانجا كمرنبرتلى يت بقطرون قدرى ألمى بودره زدو نفس نيا مذاكر روسيه رفت روران خستين ننزل نابو ذمر و وامد وسي اوليبي في نوع خريت ساليد نهر وناسي المولاي هو والآ وبسیاری خونه ی کومهده را گاه تشدوران شاکتش ر^{وا}نی دنیسانی واشوب و نوورونی از كوشهٔ انزط بإمده بيرگاه بها يون سيد تنا زهنمتندي برا فق مرا د اليش و او آزونو توجه كيها ج الشايشها روى أوروبول صويت وعني جيره وتى ما فتسكنجو كأخينه هقيقت متاليد مقال گردانیدنه خیانچه دخاته دفتراول و دوم جملی نکاشته شهٔ و آن خالی کرد کام رویند نامتیج وكالبدكفية جانى برومية بسيائي أن أمان عناكه روائي أن وزنطر حقيقت ثروة الطائي بسنديره باشترك سرواني وثبت ازانجيره كهن مامها بنطورامه وبوسرائيفزوني ربيتاني تصبحكا بروركا وصفرت نورد يوره ضيائي سكردويد إيط وشنوا كشاميطلب ازاج كاخت ورول بيدار بغوفر فوغ نيرا قبال برنواندا خيث ان معاى مربع كشا د گشت و بيدا امركه روزي گروم سلطاني دخدت كزيني نبدكان بياس كزارت چارنجذ نبذي زيرني مباوي خرين فتركزارش آ ةُ كُفت تراً كدسرخِداً بِنَكْتَجِروكه بِالوسر مشته اندنوان زان جيش ميكومني واندنشه افزايش أمكى صوية ننرد الشريع ووللشرخ متاليشك غذا وماية توميند كرسعا دت بركاريد وازكر ولزكوناكون سأ وست أكشيد في كارسا لله بي تكرافزود بو تعلقها في سن لو دكرسيج تقدس إمون طول ا كارد شب از روز علا نساخته برد أن طارشت ازانجا كداين بيت السال استرايه زند

يبافت وازارماني وقت بزيان في أورواز خاليًا ووريسها يكال المطنت بخاطنمير بياندبشه ضميع ووجيان ازماصيك ول رمينجواندكه ألراين كشووة الزدام رون وفسور a service of the serv وانموده بازايت وخوشيتر كازيركا رسترك بركماره كيرفوازين وكغيبط فيكتني ضداوند وشيل وفو درابه John Miles July بوارش فرمتی گزید است کردما ای کن نشد که ازان فرمه در ترا میزنی مرین اندنشه ا فا دکهشه را دیمهٔ ^م The state of the s The state of the s المجاد ومع المراد ومع المراد ومع المراد المر Washing the state of the state ارددر بسنع آحال مبت گاو دبیلائی ران یکرونتی ساز جا و بخش درست سازی ارگا خلافت ایرددر بسیع آحال مبت گاو دبیلائی ران یکرونتی ساز جا و بخش درست سازی ارگا خلافت A Continue of List all weight المرابعة الم To la constitue de la constitu

Comparate Constitute Const مه ای افترات ۱۲ Action of the second of the se John Chickery Child To the Child The second secon الشوضاى ادرين فرشير خيال عيت نظروالاي وكحاافها دوبرجا سخيل وي كأورد بيتي Charles of the state of the sta شددرد تهته وجانعمآمود وافزوني علق

· 4 -

رهنت زوگی وا ویزشیر^ن ونی وی^و نی پرت ازان کاشتر با^ن زنمید شهت فوقوری وزمین او فوت ونفه نف سيميت النيوسي وبكر مديدي أمد أورجي أنكوت أوابشة يتنمود وكشاكش ظامر بإطن مي أو. ود تأاكد نوحقيقت البرقم مودوكر مبسيرتنا بنزيا فيت غوائر فبار لفتس سيكيها ن حديونباز كي خاطرت آمدودك ويده انورى ببيع فروگرفت ونكاشته خرد بروان باشانی فتی حقیقت حولیش را است كارکرد ورين خراب ل يبجى كرائخ شو د كزاره في إنش بروا ن شيد أنست كه قافليه الاطاك تقدير كيجيره برخواص عوامها شدونرة بتكا وباطن ظا براز برتوعاطفت أن تأياى جها تأكهي آبادي نبير يردكاركا صويت اكدبإني طن مراكِّن كيهاى جهان ز نبزال فحلائق بريكيتْ والرحيمكيّ ا دميان وبطوت فرا ا وباشندلئكين طابلزيان حكم و دوون لها را ذيا بدود گريكنا كيان ملك آگهي جزيراواطن صافي دست تسلط برشانيد خيانجه اطوام ومع وليا وسائراصفياازان گهي خشد ووث پيش و نان رسي م وكان آرایان روزگا برزوزل عامه کاری نتوانند ساخت نا ثیرانفاسشان جزرا ج نیز بدیدید. A Park Bay Bally Me Salvier ازانجا كه اوزنگ نشین مان ما لا فوما زوای ملامعنی نیرگرد انید ها ندنفسفس می مین کیج تجی آباک بیا و of the first of رميج را خيين نيزلك مازي نطبه أورد وأنبيض كاهبات برفرازجاي فيقت ربياند فنوف بنرنيخ فالى وفيروز شدى سخرج اوادم ازولت بلندى طرازا فرين ستمطرط زدم زبام فبنت ورم را سنستديها وري ما بيداسها في در فرائم أورد الحال الدي لت جا ويرطران اشام فري وكوشي in Charles in the second برون ازريم وعادت بحاربر دمآآ نكد بنتشار حوالنها بمجي ليشريكا رشايافت ودبسياري وانح خود ويراعجا مكمه printed the poly division بود واغوم صن وخفایای مطنت اِیا کراموجه سِدگهی رکمال ثبت ازانجاکه وسوس سخی گریا بن و مسلم المرابع مل تعلیق المرابع الم خاطر گرفته بو درجا فطهٔ خو دعما فمیسکرداز زرگان دولت ونوئینان والانسکو و دیگر قدیما تشمنید The same of the light of the same of the s بيس شهائ ختلف نمود و ترتقريه لاى متنوع اكتفاكر ده نبكاشتن ب سيطانمود و وسرسانحه The state of the s ولاه والبيت و ورسيه لحتياطاً دين أبثتها برفت ازهالانهاى شرك دار بيند كان واخ The state of the s To say in the say in t

والمنافع المنافع المنا Similar of the contraction of th Silverie Complete م مموش سريد وشگفت زا اقعادود شواريهاي شتر وي آورد وزگا رکشک نيذيرونه کارر دازان کان و Estate shirt of the state of th وانتع عاضوصاحه مقالكه مبستدامه وكارى ومن ثيم بنيش كشاه ونطار كي فيدين خلاف ي كاور in the same of the بميامه إقبال فزافزون بجإرة كرئ كأبي يهت فشروه درسوانجام آن بدريونه ألشست كاز The Company of Myspane City? كشاكيش يلفت وسركرداني وسي دامه شآ ورد بهعان نطوقا مل كزين سيجه بشتري مبك ط in the state of th اتفاق وتنتز بركرفة فشاط افرو وليمك كزارند كان عن اختلاب تتنز كارا برايية بمند في لست كوني World Common Windship willing حرم انشي كذشه في وان يكيد لنجتي راسود ساخة كدازم دوط ف كزيده م بودند ما خالف أكني حبير The State of the second of the ائبوش سيد آزار قيف وص بإيون تأثيرة طرافان گردانيداز مركات دوليت روزا فزون م O Proposition of the second of شابنشاه ونشل ندوروب بديا كمي اضايص ترويتنده ويا ورشت بيدار كاميا فحيا بشركه ورزاد برنه وديون ازين كريوره وشواره بوربعا فيت گذشت كما بي سترگ انتظام ما فت كمكن حوك يرنزل مولياك وترتيب وانح يندين اربك بني زفته بود وسال وسه لمسار سجاه السسة وثبت الزاروا يتخن بسازدراور ذنوتتن دازسرگرفت وشخ بسيار كرشيدناه ، دِرتواشخ الهي ساعي حميا ينزطه واً لأكتا لەرىپىتىنان دىلاع دىلايدىودنداين كارنىز أبسانى گرائىدىيەت بىلىمەە ھېرە خەھوررا فروخت يول ر عيب بيام طرح نو گه بش بيونس درامدان آن شيدن اگرنسبيد توالاضلعت مازه با ېمت درپوشا نیدو پنیروی دا دارخن کو به ښگر*ت کا د* شوارنانیر وی دا نجام آور د گوناگول معصرة تحتندى را فرونية و دوجون أنتونجا نُكتتي عامى بودن أكافه أميية خاصر كردي الأ اسعادت اندورورنقاب حفا وازبهب پاسان كارنشنا سن كارنه ودل از گدینی برب طرفر ورزم مروز اخزین ایامتن مردی و جزیدا بنچه فور <u>مشارسید</u> یکارآیذ میر داختی بدین و حالی بستوت راه رقتی و کارآ شمروه ولنوا نتطنا منافتي وحيون بسنوشت سأني هشكة وزرندكي مافت بأرحها م كارادس رُفت وروی دارتهام نها داگر چینفه ان تکا بو درن منگام ان بود کرنقش کرارای کموسیده می 7

Single State of the State of th C. Francisco وروالطَّنَ شَا وابي كيروليكن سانجامي أن مورگي غطود الدوبدائي صلاح يافت فيون نوسفر ورا اندوه فرا دا ف گرفت که آجیدین وا دوما چها احتیاط چندین افزش فس و ایروه فرا دا ف گرفت که آجیدین وا دوما چها احتیاط چندین افزش فس چندرخطا ناموه ارشدهال عکیونینوا مربود و کا کلجا خوا مرانجامیند آبر به مربیره بازی اغازنها و وارغه ان نظامهای مازه بارفیت اگریتیگی ساعی شکورای همواریافتن مقاص دانتظام اول ن مطا بر دیکن لا نجا که بخن سرایاین دیره و رنظر را نکدان شرشارند در اور دن ابیات مناسسته برین ازن بهم بناك باشد نتر مفصور و و و و و و كوت شرف او ان فت و تسرد ن و اورد ن ب يارشد قطع نظر ازان يخود وفرز ندخواش حشيم نويت مبسل بنيائي لاعلاج نيار ستماند شيد كيك بازيج كرازيج كانداواز وطرزازه جهان لافرو كرفت اخوان زلان بنيروى وگر دې خيانت منظا مرنشا طرساختند ونظرفر شرط د ان بس في دراور و ئرفتندار بشدآن شت كەترىئىت ئىنىز خاطروسوسلەر داختى خالى گرداندوايىن ورمنى كېيىپىد الريخ بين من المريخ الم بحاربروكيك أفزوفي طلب كشونوامي وصت آن مدا والأربهان كانتثني ين ابيشيكا فظ آوردم پرائیسعادت جاویدگذون فکنوی گومهازین شرنه کان داد نا دره خیدین زبان که زاد ورته مر جهانی نهان عرصهٔ برنقطه جهان درجهان مرد این درسر دوستر از گذشناسی نوعرامت کراین المعتاد المعتد المعتاد المعتاد المعتاد المعتاد المعتاد المعتاد المعتاد المعتاد The William Park of the Market اميد كه بهيام قرستي نعيت وتباليسكة إن كار مكي مين نها وضمير سايس كرار بوونيز راكسترا ميني سرانجام بك آدم ناگوسر مقد سنتا بهنا به محلی دستنه و کاکت تقیق شد وازا غاز بدیدار شدن حضرت نا بنشای المارد والمراد والمرا المرابع المراب www.c.v.z.v. بير وه إلى المراد ं दें हुई रिप्या के कि

كه خيرو بجائ كل كمياله فراجيها وتكيها ي طراف زراي با دشا وخودُ ندلاف أسيدكه تكاش in the state of th احدا لصدوبست الأكشوخ اي كيها تون اشدجها د فترانجام له مرواد گاری برای گهی طلبا البلاي أدر أنت وارمي وي انصات گوبىلىتىغامگىرد قايينهاى قىدىن بىشاسى لاخرىنى قىراندىشىد دىدىن نىچ دقىرانجا كەنگى is been billing in the دخيال وروبا ورى كارساز تحقيق تنه فترانجام سيد وسيار إزاي كأبي گفته شد گونجهاى فقيقت ala far has a fresh of سنته امر شده تنتی زدرون حکمت اگاه از بهرخزانه خانه تا ایو که مرا برنشس وا د گه گه بضریشه دیم The Workship Jake امدرا رمتهاع اضلاص گرد د بقبول نبدگی خاص ایز دبر توجا دلا ویش مقبولی جوهط ا はらずればではり ولاوش باوش فاماج ندى ازسائها قربابندى ازامة والوجب روباد وينجيشه كا ازوبلود اكزرا نهنيركسها ومعلتي شدوروزكا بوقلمون وصتى مإن دودفة رانيز لكرشه رقشاكا برد ونامئه اعمال اسعادت مود گردانه واگرنه د گیران اتوفیق مناگرد دوخت یاورآیه که سال سال احوال بي وات ابتوين متى عالى وتشفى فوا وان فهمى وسيت ومتى والا وخاطرى أزا ويكاشك خاندوين ودنباأبا دكروا نندوساريستان صويت تومني ايشا داب سازند فويوم وباويتحراني ليأ أورندودران سعادت المئة خوزنت من يدكه سرت أين ولت جاويط از ابروي كارأورو آيين سنوي رأيي ربت او داكرت خواطرنا جي خوا مندك وايني ماز ان ورگارار سه اغاز رسلم الساخ دولت الميك أعويا ساخته باشنافي و أسالين كانات إدايارب وساييضردولت اكتباه افرنشگرفها مداجهان دیسافها ده که انتوانسانها ایای قدسی ونجی از نیزگی اطوار خود کوشت رسالهٔ حداگا به سانفام د مروه کیمبرت دیده وان دویاب گرداند کیکرنتی خل گوناگو خاصه تو آن كَمَا سَلَّهَى مِلازمِه لِهِ : وَتُسْتِ و بِن أَنا بِيامُ إِنْ عِينِي حِينًا ن كُرُارِشْ لْمُو وَكُمُ عِياً روزُكارًا لِ بِين تدارد كه فهرست جزأ يزشكه بين اطوار رفزار تحرير شتنا ببسراوا وفت أنست كنحتى ازان بين أقبال برگود و در چند جانبذی کزاره مگزیره میکند مگار دیدین نوید قدسی برخی المان برنوشت و لی خالی کرد Start Cooling

ب*ىراشدن از تهيدىشى باستغ*ان نيا كان بازرگانى نبود قى كالاى ناوانى بازار آورد وارتثوريده فنزى ببنبز كليان مازس كرون أمهوى حولين ويدني نيوست كدالان شطري طراح Signature of the state of the s وفها ندكزاى كنددين باويولاخ بإبناسا يحائى زسارا ببارى انتساب متوروز وتركا ومعيى بكارياً يوننوي چوناداناك مدر بنديه راش پر رگذارو ورزيز نهراش چودود از و نبوزشاند To Continue of the Continue of جيحاصل لأنداقش سبت فززمه ومحاولت وزكارنسيها تبغيمه ذثرا ذنوات ومثال وتعبيزانينه Sold State of the آزابعالی وسافل کمی نبگر و ب رشیارا گاه ل اند که این نباز رو که از این آن او کی مفرو شروت طام الإنشناسا أي عنيفت جبره وتنى ما فتدونهام القب ما حرفه ميهكن شهرت گرفته وگرنه هامه كه مروم زا دلاز فرزیدان وصفی تمزید معنت وگدی و ستان کاران ک نهاده تنال مگراراه ندم نه خطام کر و بینعالماز دوری راه از یا انداز ند و ران گوهرگرامی اعتبار گمیه زریس داسعا دی گرین مبدا دل مرفی آ بنواب ودوران كليفرده أرهيقت بتروي رست الركير دايينوح لازايز ثبناسي بدرج سوتوا برميم والمنافية المنافية ال ظيل لازيت پرشي صل كدام راين شعر بندر عشق شدى تركنسب كرجامي كردرين را ولاك المية الرائم المية ا ابن فلان جزئ ميت كيكن بسرنوشت أساني درمريان صورته يرستك فما وه فإطا كفهرته أشركه نسب برسب گرنینه ناگزیخی ایان برگویدائد مرزا آن گرو گسنتر نومار وایای کرام و سان دراز ۼؙۼڿڂ؆ٵؽٵؗؠۯٙۼڮڲؠڹؙڗٷ ۼ مِيُّه وَيُرامِي نَفَاسَ ابْنَا ٱلْسِيْتُ قَت بفروشد رَجِي درلباسُ لايت گرويي دعلوم بري وطالغه ورزر المتارقين أيمر للميال والأراق المالي الارت وعلى درمعامله گزاری طبقه درتجرد و نهائی بسه سرده انداز در کا ه زمین من طنگا دا بن لانزاد ا ٩٤ تونيو المرابع المر بيداردل دونتيني موتى مي مناس المراري التي ويندكي أخلق رودا دوترك خانمان نمود وترت كزيير المرابع المراب وبهري علموهما معمورتهان لبابي عبرت زوشت دائته اسعه وصدريا كزرته كابي ستاوشا بسنوشت آسانى غرلت كزيرواز بيوند وقرى خلكيشان تقيقت بروه كدخدا شداكر جاز صواتمة A Joseph State Control of the للكن أترهر و تعلق نشاقت برمان بطع ألمي بود دانفاس كرامي إدرا وبين حوليش كاربرو

الله المائن وم وقد الموقوم الما وم المرادة يبرك والمراب المرابع ا ای را در این از این ماهم و این این از این از از این این این این این وي المنازي و المناون و الم وزندگی می ل رابه پیس ترنیس رقبلون مصرف گردانیدی فرزندان و نبا رُسعاوت امروسیور pichia verity by آمین اوبوده خرستندی و تامند رنیش عمانی و بانی می اند خوتند و فیفه آن ما تدنیا شریخ خفیرا Andrew Street Street أرزوى ديرن بني اولياى مهند ومين مبريا حجازو ديدن الوس خود مبه فراور دياجي ارتيوان Span Ticher John L. Co. ووستان بصوب بندأ وبشعة ناكواز مستيحى نجاري أجي كه نشين محدوم حمانيان بونو وازولا معنوى جروا وشيمندو فيتنج عبدالزاق فأدرى بغيدادى الاولاد كرامي اسوه اوليا بزرك Jan John Strate Control عبالقاد جني وتيني يوسف سندي كه ميرصورت وعنى وموده بوذيد بساكما لايت ميقى واسم أوقره وكر Lygger feet Williams ارشاه ورتباني طق بسرية وجهانيان ازرة اورداو ذحيره لم برگرفتي از گرخه ني ووليجوني اين بزرگاك واخاك وتلكية بنكا وروز كارخوره آن ركم ايء بت توطن كزيد وربال بهصيره باز ويم بحبري ثينخ مباك اززتهگاه المرتبين مدوليك ان سى بردوش گفت بيروي دم گيراد جهارشا اگهي وزافزون هېرهٔ ت و خست و در ناری سالگی سرایی شرک بیدا کرژ و چهار د نه مالگی غلوم شدا ولد اندوخت و و سر میسیم تنینے یادگرفت اگرچینمایت ایزدی قافله سالا آن سیدا بخت بود د مکوی بسیار از برگان ریوزه فرموم که بین ا بلاً رست بنج عطن شینه رسسر^ی و تشکی اطن آلامونیشرا^ه افزو دی شیخ ترکه ژاوست فشدو عمافت وزيان ملطان مكندريو و دان شهروانگا مهاخت و درستشخ سالازاگوری بايروالآ Contraction of the second نناخت سیت ورونیین و رونین و رونیان برن الکتسان مؤه بولقص نین خضر بعدوت بازگردیدگی ابنتها خداشاسی ا آن بود کربزی زدیکا زلاران ملادخت بابن مارا و روزگارا و درفعرسیری شد و درو دناگور محطی سرگانفانی Charles College واوي منفرت بناخت وعيازا دفروالديمة اروز كارسيري شدّ پرز رگوار آمواره فزمت جماكن كازها نوالكين سربرده وديدن ركان برسُرم في نيز في فيل نردي و دن برجو شيد كيان كه بانون ما ندان Contract of the second خصة فيبيدا دوسرشى دخياط سعادتنم شنبود دريث كشاكش بطان ملازست شيخ فياضني تفيي سروييو ڵٷڔۺڲؗ؈۬ؾؙۧۺ<u>ڗ</u>ۊؚڒٳڔٳڗۧٳۼٲڗڰؠڹڟڔؠڲٳؽۺٙؠۄٲۑڗۅٳڨٙٳ؞ۅڗؿؽ۬ڷ؈ۄٳڝؗٷڲڗؽؖ The Man with the state of the s State of the state Chi. Carried Control Contro

Signal State of the state of th جيند كا أبلى ما رويكنن عبيلان الم م ارداً العي لقيام خارج اجوابه او بتنطاران بن كام ما يوام ا برازين خواجد ان به کا مالدما ی عرصه کا بوی بو دندود ترجی جا ن وی ختیفی فی او ثبته ندجون فیسی St. Collection of the Collecti بلان بايوالاسترواز مافت لوقيد خير الريسي دورگرفت گمنامي اضوت وومونده بقعيني ميشا و قرر سخوا A College Coll نواصه طار مرزو تبسير ولوين كا دور كار اميزان دور جباسال دريارها بشار دورون وردين كا وشت تنها بی اندونت صنیبیت ساع گرانی رستید بود؟ آنا گری دونی بیجیا یا فرایشه داشت شی پیزیرگوا تنها بی اندونت صنیبیت ساع گرانی رستید بود؟ آنا گری دونی بیجیا یا فرایشه داشت شی پیزیرگوا وان تقرولادت بين ي انضائيان معاويني يروتان حقيق ينكيفت وبسائها في الفروز فررانط وي ناگاهٔ اواز ایمی گمنوس سده از وکالهی شرشد بسرهندان دنته فرت نشان مایفتندر وزر گرزیگایوی نحیت وجو بسي*ارشوش كه دخانه كلالي أن ركه منوى غز*نت گزين تشازنورارا دخا فرط ني ل _{ال}و دخاطر مرزه بازار بييت يهاط وسعادت فزود ننزفوكه سروزا فزون اوعيار ميكرفتند ولان نزديكي سفركات تقدب And the state of t بدية مدودل لاكمزا كوت من لبود وزنوا كي جديندگان حقيقت لشارت فيت بخون لي وانع البارت المريخ الفاتي المرابعة ربستنده دان دميني تقاوقه والم عصمتك رببت مير بزرگوا فرردي كان يناكيا فنا أي و دريوسايها ولوالا بقتر مريد المرابع ا انداخت بررزرگوا بایمنج د بصوب یای شو گامتمت برونهت بگی بسیج آن بود که ازان اهماز تواوی The soil of the state of the st المن عالم نيري وآيد وازگر و ناگر و مرد و خش فيصني رگرفته شو د دار آمان الای است بوالانجار پر در بيتوند و در اعلان ا الله وردور برفن زرگ جالی مرت دور دارین کاک شافعی ابونیفه ونبل گوناگون افت اصلودور The sould be a first of the second بهرة ووندوته كابوسي خت بياجتها ورنم و داكرجها قنفائ باكان رگ بروس بوعنيفه نتسانستوزكين مهاره کردارا باحط آرانشد^{دا} دمی ماسنی نفس^ا و شوارا نیزگرفتی وارسعاد میشندی شروش رکی اعلمطالیخوا که موجو المالية والمراد المعامة والمعتمل المعامة المعتمل المعت گذار فتد نزدته کا صوتر زنامی ملک حقیقه گیشت بساکت تصوف نتراق رجواند ندوا دا کی نظرونا گدیده Part of Windler خاصة هائت بينج بيم بي بي في خار بي خار من شيخ صد الديمي في مي بسياري صحاعيا في بيا بي نظر عاطفت م المان الما الم معنون المراس المناس المنابع المرافعة المرافعة المنابعة الم

or Charles and Miles in the second of the se The state of the s . Willy to sale with the land Side in the state of the state David West State of S in the second second White was his property of the *گازرونی شرف خصاص مت بنداواز قدر ایی واو شهاسی بقرزند برگرفت و به امورگاری گوناگون* ونبشن سيئه كماشت مراتب تجريد وبسيار غوم صن شفا وانتا ات وقائة نذكره مجسطي رآيذ كا فرمرو فهو The standard of the standard o سابستان کت اطراونی دیگر مدر آرا مینی ش لاردان مایی دیگر آن فروشیده مرد در در و دستمانوا مُجِرات أرشيراز بدينْ الأسراب تنان *شناستاك ل* فرفعي نازة أورد واز گرو^ماگر و فرانشو إن روز گارم بذو in the will be still ! الكى كرد وبودكيكن وعلوه ختيقى عقل شاڭر دمولاناجلال لديرجي واني ست جناب ولوي خست نرووا غوداوا كامقدات لاندوخت وبس الان شيراز دروس مولانامحى الديب لشكبا وخواجش بقا A CONTRACTOR OF THE PARTY OF TH برنش آموزی سیم این برگ از سامتر لا مذه شینسر نعیت جرحانی اندوستی در په تا معی لانابهام گلشاری كه بطوالع مهنسيه مفيدًار دَاهُ رفت نمونو جرانع ديا فت فروخت وارتفت ت^نموني اول كنايشهائ عربيب روداد وكشب كمت له بغرسيه مطالب زابشيوازيا آرالين ادخياني لفنا بران ولالت كن ومحمدت برگويد وم وران ميئه فيض بدير فرگواير شيخ عربوي كدازا كا براديا ي زانه بودسعادت مالارست دوا دآن گوسرشیانی و زینلیگا و بیار مندی تمام بافته آبین بزرگ مستر Carlle God Carlle وسرك داماني الطرك ويتقين ومودوبسيارات انى سلال اشطار يرطيفويه وشيتيه مورة ويافته فيض بذيرآ مدندويم دان محصابك بنمشيني شيخ يوسف كدائيشياران شرست وربود كاك آگاهٔ ل دورسیدندوسرایهٔ دیگراگهی اندوختند برواز شهرک یای شهوبودی وسرگزادبی ازادا Cray Constitution of the C عبودت ازدست نرفتی ازبر کات گرامی صب آرزدی آن شدند که نقوش علمی ارساستیم سید تشروآ يروست ازرميات ابروشته محرجا اصطلق گر دندان خوانای رموصفو گاه ل شناسا م الان غزميت ما زختيت نباك وملمو ولاتن وكه مقروبا راديب ته نديصه والعلافة اگره كالم بايدزد والرانجا كام كبشا يرقدم بصوب ايران توان بثيت وسرط اشارت رو دفون مان Contract of the second

قلوب وخفايات فيوا كامهى وثهت لنفاق صحبت فتا دايشان ازان سي بهشياري أمد في محتوَّو مُركم نومان ایزدی مینانست که دمین تصلیقال وقعت افتد وترک گرمشه نما مدوکزین نومدیا رسا وخاط سفرگرارآام شنخت يدند برماص درياي خون رجوآر تير فع الدين صفو تي تسيني فوور فرند وبابكى ازدودان كوشيركع باعلم وعمل آرتيكى دشت نسهب ابل زودا دومدان كرزان محله آشنانى بروستى كشديم آن داناى حققت كمووه عامل نوبا ونهناساني دامغتن ثمره ومكرم خوني وكشا وميشا بميش كمدجون كسباب تروت ولوان وثبت جناك خوست مرمودكه بلون كباس فرايي ارزم وي تناره وياورى توفق نه نيرفيت مندواستا ئة توكل ضائيلان مت بى نياز گردى مراقد درونى ومباه رقبي يا سعادت فبشروندمياز سادات زرك نتح ميني المختى حال نيا كالي وورصنفات بيني سفاوي كورست اكر فيطنكا وايشان قربيانك شيارت ازديوا رسرحار غايند وتموار تميندى ورين وجابسر زرز وكاسر ، بريان الموسالة المالية المال افاضت ستنفاضت گرمن ارزدگر میقول نوشوان بیش نیا یان درسی نها دانه خوت کیکن تام دولانا جلاا روانی حلای مگریا فت در زیر عظر انواع علوم نقلی ارشیخه خاوی مصرفام ری لمی نشیخ استجر و المجارية والمراجع المراجع المراجع عسقلاني بركرفت وعون بوصدونياه وجها رخت منزلكاه قدسي كشيري الدزركوا يتنزم زاوير ين تعربن الله المعربية المربعة خود شدیمواره شسسهٔ شوی کم طن و با کیزه و شتن گوم نظام جرمت گماشت و بجار ساخقیقی و نگاز الميان المالية أورد وببرس كوناكون علمة تبغال ومود گفتگوى بستانى دار دينيرط ل نو دگرزب وينوش زان زدا وش ر مرازال ارادت گروی حتیاط گزیر ساه ت آمودا گرمعه وی برسه ماخلاص آو دی لخرال ننریقی و قدور سیت گرفتی نویگیرمرد مرامعذر تگفتی و دستیمت بالنا لودی تر و قتی شده گاه طابته استال عربیان ۱۲

The state of the s المراجعة ال المراجعة ال The state of the s The state of the s Wife of the Wife of the said of the sold with the sold of t يا ه ونتولان وجاى أبِشت بزرگ و كوعك الداره مدنجمنها براحتند واردوتی خلوتها آراستندنه ازن Not the second second اندوه راه یافتی و نهر پین شادی شیرخان تا پیم خان د گرزگا در قام آن شدند کداز و جو پیلطان خرجی في والمرابعة المرابعة برگيرند وتيولى درخور قرايا براز نجاكه بهت ماندىو دونطرعالى سرماز زود پرائيا و اېنيومنرلت كشت نیخ^ت بنائی مرده نیمها وسرسنت بودندوا (ورگاه اینردی فرمان است گزاری و ش^ی اثبارها پا This deplection زمان ما دو محدا نی بوا دان روزا فزون تمواره بآیندگا مجلس جویندگا نگهی مره گوئی و دوجی بر a principle of the principle of خوی تا مرد مهر شور کردن استان جیتن وست سنج زدگشتی داندیشهای مامنالم وی فو Casilla di biologica السبخ المأراني وسيويد اخديد وغزميت معركه كيري ودكان داري ببارمون طركلت يندوس وُنادِسْنِ مِهِكَا لِآتَ غَيْفِ إِنَّى مُوجِهَا وَسُكَالَى شِيدِكُا لَنَّ مِنْ جَبِي تُوجِيرِ كَمَاشَى والمَهِ عَيْ الْمِيكُالَ ووسان صفة منش فأفرزوان معادت كزين لامت فيمو داكرجه بموارة مم كفتكوى عمر لمي الامى اوقات گزارش فتى ليكن خوان فناتان فتاشها چقتى كتربيبيان آمدى وچو جا بياتا جهانبانی جنت کثیانی تبازگی مهدوستان فروش و گیششید چندی توانی وایرانی برستان آن شناسای موالف وافاقی پیستند و آمرنی مایی او تقی دیگرید آمدوشنگان خشک آن شاکی را و تقی دیگرید آمدوشنگان خشک آن کرد و می مبارک ۱۱ رونان جهان ۱۱ بید مینرلهها لبریز شد و روسیالان اندلیشدگرای در نزمهنگا ه آرامش جا گرفت نه بنورمهنگامه گرسم مینرلهها لبریزشد و مطلق State of the state نه بود که شیم رحمی سیدهٔ نمو دست چیرگی برکشا دیکان روزگار مگردشهٔ مول درسار مر نا کامی بین گرفت زیر برزرگوا ار نیروی ل در بان آه پیخرکت نبات پائی ومو د آنامید آیزد بيموكارديد كان فرستاده معذرت وست ارسفارش ن سكال بسياري أرسكاني ښرته کاه شادی درآورند تورسیال حلوستا مبنتای براو نگ خلافت خابخه مبند بروو افروزنه ودفع عين الكمال انتكار ترقعط سالى شرك بديداً مد وكر ومن وبلناري كرفت أعني خراب شدوعيرازخا ندميندا ترى ناندوه بإي عام مباری کن شورشی بی اندازه رجهانیا Residence of the second Grand Control of the E Comment of the Comm Service Contraction of the Contr

To the state of th مهت افشد و گروفتوی بان صفو نکزخ ست اق شگرفنامه دان بنگام در این مرود نیرانی میا 57.00.180 بریشطان نیش می افت کیشرح آن بر کالبرگفت گمنی دواگر دراید پنگنای شنوانی را نیا انشود بریشطان نیش می افت کیشرح آن بر کالبرگفت گمنی دواگر دراید پنگنای شنوانی را نیا انشود والنفي الني بخاطرد ارد واكهي ديده وإن ديكر سعاف آن تحقي روز كارغاندا نها برقكند وكرونا كرو مردم فروشدندران كانتانه غنادك التذكوروانات وخرد وبزرك في باشت اغوان روز كارانوا Single State of the state of th حال ونشاط درون صحیرت افزو دی وکیمیاگری و تحرط ازی گمان بردی گاه کار میشند. Control of the state of the sta بهمرسيری وَان لربگيهای سقالين جشانيدی واتفسيد و بربن مرقبهمت في في و نشيگفتي نگه غمروزی دران مزن بود مخراند شدر میش نیزدی خری خاطراه نمیگرفت و مخرمی سیفسانی مطالعه استفادی مطالعه استفادی مطالعه استفادی مطالعه استفادی مطالعه استفادی میشود با مطالعه استفادی میشود میشود در در میشود د برافروخت كالبيجيرات شابئ بيشابي رتيوانداخت جهان إلىبعدلت روزافزون شزنياي خاص بنح شابكا خرو د بالشّ آمر و کالاتی گهی ایهای نزرگ نها د ندفنه اینکت وانواع د مشر درمیان شد و بازیا in the state of th كازه دوراسي وبالى لندود باقتها كزيد وسدا كوف كوتاكون مرد مازخ زيتقل فوالميكرا The action of the second برفتلند وطاوكدركان نواني سرت مجمع دنشيان فيت كشو أروس لبندي كراشا صالمي All in the state of the state o برا فروخت نا توان بی برگومران فزایش پاینت داوبرآید جو کیش سرگرم بود واره یم نسیری ور در المرابع المراب بيحة الشستداه درايست بشافتي وردم كمركذا ركوتا وبين بتاب شده اوافترابيز بدبشترى كأرفه بيوندوادي وأركفنارين اخ سنانها بروج وسا ده لوطائ وزگارا براغاليدي وخيال تباه برل زاري المرابع المراب تكاروزوى كى يوستاً ويرتيان بيجي إيان المنتشخ علايت كروي دوند بالم ميري الموتي رامدي

مران المران الم المالية وتفلا إذا كالماء بمريان الله أوراد Notice to the state of the stat فأبر ووالم الأول المانين الم White hours of مرا المرابع ال اختيارتيم وبديدن ببرنرر كواركم فتندانه وزان بهانه جورازمان مرزه سرائي واشتر سوائي كفتك مديدً مرعلما الله المالية ا زان زادان ان انش فروشه وزر سرایی نوش کان کبین و سبتی ندر خوش به نظر می او منگامها المناها والمعانية الستن وعلما درست كردنديد بزرگوار بدلشان موفقت نمود وقاص فقار لمعاض نال في يشكا مرطين نهدو بعركة الستندوبانديشه تباه ديشراه كونشها بينزند موسنداراي كوسيانش ش روز گارا و هم آور و و و ترسیحی کا کم شرحی گاپونمو نه په رز گواراینز داخم طلب ستاندچون خن ایشا assi Color Wind Salverice برسي برخلاف حرف سرايان جاه طلب خيانه داد ندازان وركركير نب بدبيرك بدمتهم گردانيدند ور W. Son chicky? Popler بنده معامله كه وجو ومحصر ولن خار حاوسته محض عنا درنيان وشش مع وند كه كا اوسيري شد وبرجي نيرس A STATE OF THE PARTY OF THE PAR اين يعد لاكمنون ميرند شهر تداره نكوش پروند ونداستن كيشنا ساني د گيست ونڍيراي كوس خاصة دين بنگام كلي از اله وات مراق إكريجائه زماند بود وعلم بعم ام قرون و است و گفت ابا ALIGAMA. اردار متنا نئ خث يدى ومن كوتومت كروانيدندار توحبشا مبغشا ہى دست باس اونم يرسيد روز وتيفل عايون كزاش فودندكه بيزنا زيم سرزني ست كسركاه كوامي ومردو دباشدا فتدارا جاميزانو بود *وروایتی چیدا دخفی نامهای بیشانی بیتهشها دا و دند کدانشرات عراق راشها دت نتوان ش*ینو^ژ كاربسرد شوارشه جون ابطراخوت أشت قيقت ابارنبو دييز گواربساسفنان وشل فزا وروده وادندو بكفت وكوى بارسكالان وليرتركر وانيدند وليسخ آن قل جنان بزريان كوبرآمو ولذب كمعنى كالح واليت ففهميذا ندائج وركمتب مسنفه ازين بالبقل آورد هاندعواق عرم وايت عواق عجم بنيدين جابدين عنى تصريح رفته ونيزمينه نكرده اندورسيا ال نشرف انتراف واشارف فيمرا ياد شن ومان نيريان اجها رُكونه ساخته النِّحستين شوف شرف بين حكما عِلما وسادا في انقيادوم J. Commission of the Commissio تهراف أرعبارتست الامراوكشا وراق اشال ن باشد سوم وساط وال درمتر فدوابل ال استحسرت جها و آوانی کدبیائیان سنطن باچیان منره گردان مهرکیا با دافراه جدا انگاشته The contract of the contract o Shirt Ging

پار بازشا براه معدلت کیسوکر د ماشند میرازین گای ببالد وگوناگون نشاطاند وخت از ای بالدا خود ذا شناسائی حال میگومهران نکاشهٔ شیخ شخیر بهایون درا ورواین خیره ویان مرژه سادر گوهرا افنادندوجون معلوم شدكه ازكحا بركرفتها فودبيت حسارسا ختند وشل لين ياوريها چنربارط وسرائبته وششناسند كالشت سجان العدبا أكمد والكروه مردماتفاق دارند دين كمهيجيش لأنجالت كدمك امرطلان وافع نداردونة إيين كديم لطلان المؤدوا بمعنى أكريكي ازتناساني در سکه نجاه ف آمیر حیافیته تبسیر نبا مدیستران زسند و کبین ن نیمیزند و لیان درازی خن ازان مکو^ت بازتیشیع مسوب گردانید نامکرانه حابتالهی ، گولیج سنگر دشرساری بروسسی نشویرزده پایان عمکشتی دازمدگوسری و نابینا اُی عبرت نگرفتی و بربهان مرسگالی پایانه و تی باانگه نیزگی زاینه وبواجبي روز گانقشی شگات درميان آور دو تفتر که شرک چروعبرت او وخت سال جارد بمالهي مطا الإصاران المناسان المراجع المر نهصنه مفتا ووخبت بلالي مدر بزركوا إز كونسك نز والمدوخها يع بيب رواور وحي انان رأويث عِرت نامئدگریداگرچهموارهٔ نتوخار ساز شوش فراشت و مارسوران توسنی درجوش و شب آنی دو بيفرفرع وسيكان روز كارول دريدي لبتشه وريكائلي ابزكر داه دندخيا بنجه إياني كزارسته فاخت ليكن كابرته لان مور كار تاريخ بري دين بكام كربايولش بليندى كرفت وبزركان روز كارة زكارتا فشروند وبشكامه مردم كرى بدير 1 Just a De Wind وبدر زرگوار تابیغ میش خوای کومیده نرتیمردی و دوستا ن نکخوا با ن ازان بازدشتی علمای نیم مر المرابعة ال وشائنج روز كاكه ذات جمسته امرأت عيوب و دو آي بتها وسكالي وجار واندوز ن سافيوول بمازيجاند بشهائ باهافند وانو دويان أورد ندكه أكاندوجي لبشين شهربا بيوالت ثيروه كرد د برنون فرنو برنود و المراق ا المراق المرا كه أعتبا ليى ماراجة آبروخوا بوانه وابحام كار كمدام النكوبب ه قرارا برايال عمرواندوه The proving the safe بمین توزی شستندو بهتان سرائ کام فراخ برختهند د بیتان گزاری حِلیه اندوزی بسیار Comment of the State of the Sta المائي المسيح المنالة Ties festers all المامارة المراجعة الماماروي المناوع والمراكزة المراي في المرابع المر

المراجعة الم المراجعة الم زريكان عتبه بهايون را مكفتا رائ كرية لو دازاه بروند بعض مركوم ري ا يعصب وفروخه بشور وروز دار المصار وربازط زاسته وهاين بودليكن سراني باورى تن گزاران معادت آمو دارو بث برگومران براگنده شیرو درین بهنگام آن گروه رستی میشد درست بیوندد و زرشد سرار دون بسرایا Continued a stand of the stands نرمها بون كبيرا كأن شست تها مشتان بي آزم و ديونزادان ايا ساگو سرفابو يافت نزم Constant Particular States بننرل دبتي الهي شريف برده بو دندوس سعادت بمرابي خرستم كءنت فروش عُرورا فزاك خ المرابع المراب اندان عمر في فرشدور ف سارى مين گفت مراى و شور مناب دير بود واز مرو به عالم جا كا West of the state برند شهر وراثي مرفر كويهاى اوازمان كشو ذروض ابجائي رساني وم كه وتجالت فيت ونظار كما سچة فرونندندالآنرونونتقا م يذنتي م يجم اشت آن گروگه ستام پلتنز گردانيژ پرزرگوارا تو ينافع غول وي وري الهي عبر المستين ن بدينان نياييت بدينا توسان سون بالجاري ودين ألائي شه سته المجمنه اسانتنن وفررون ازمندان شبخون كرده بسياري بهيغول جاييتي وسّا دندسِّركا فصيوعالم انضيرسگالي دنيانسيج معامليتيُّوس از شَصْر موا د ابرگروين يكيفا كمنيشة بنا وغود طيلسان بى توجى رووش گرفته عى گويان رېتى منت را بازار كاسد باشد ۇيوكىشان ن نارست رووبزرگان وات به نشتی حیارگریا دیانند نعصب اروزیا راجابی ست کهاندانیه است Contract of the second ٔ وناموسی انمام آبا ، گرد جینین میشوشی که برگویران تباه کارینکی نام رشتهه با مذعرمه یی که میشونیر کی جینی وغرزن رايدودنيا داران لي أزم دريسره وي وننگ جنيان دلكور مكر و و دوستداران مواخواه وز Official Control of the وست كزان ننج كزين ونظامرت شرسك ونيان كرم وزيان بالدكر تجمير بالكوني ساختند خا ول لارئ ازمردانيدندي از دوريان د ه دادم او تشييل افسون نيرنگ اکدازو باه از درد ا يدر بزرگواريه بيكوني خريد وادو د بان گرون رست يكر وني ديكما كي شبت بيداكرد ندوافسون ازار وسانيهوى بروانه مني وتا وزكن شبه كارنيرك سازدون اركب شب لي اردان State of the state

Signature of Change of the Control o . ني امهاخت ان نشار کرون دازجار ولاصيخ آنگزرگان ان دريگان و دري شدني اند و کم عيال ناسياس بى ازمى مروّط بويا فته يبحوم نمود واندب بارى ازاراب عائم راشه و درجى را رعى قرار داده و Conference of the Conference o اِنشخ عِيمَ فَيْ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ عَلَيْهِ اللَّهِ عَلَيْهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللّ إِنْشِخ عِيمَ فِي اللَّهِ اللَّهِ عَلَيْهِ عِيمَةً النَّهُ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهُ اللَّهُ الل وبای گرمهازای خود پیرزوازمردم ازمیان شدهت دوچته کاریهای زبردبت نمودندهیری دخلوت اليثان فنهتم درين يمشب مرالكه في او ومن ميابان بنها رسانيده م بادار ورشو و كال علاج كذر داكنون رای بهت کیمین ان بی داری کوکسی اگایی ما میکوشه بریدو وزی چند برکناره باشید تا دوتنان غوامبرًا بند وحقيقت حال معرص بها يون ساكان ميكذات الواهمة فروكرفت وبصديتيا بي مجلوكا وي فِ وَاجِرَالُوارِينْ نَمُودُومِ وَمِنْ وَمِنْ وَمِنْ وَمِنْ مِنْ النَّهِيرِهِ وَتَى دَارْنَالِيرُ وَمِهَالَ الكافي إدْتِهَا عَادِلَ مِرْوَدُافَا يَا ورجا ضرار مشتري كروبدين ويانت رائبستى حسدني أرام دانسته بإشد درست بياتي رجابي خودست ومیب شرط دفیرگتبه اندونیزاگر سرنوشت ایز دی برازا دا نرفته ست گریمه برآنید آس ٩٥ من الماري نتوانندسا نيدوتباه كارى بإرزاخت ويجلونه كزندى بازسدوا كرغوة شرحا كأفرين بريسط نيز بمشاه وميشانى ة نازه رونى نقدزندگى اميسيا بيم ودست ازخاك بينجى بازميداريم يحويج قل راده و اجود عرافزود وتشقت طازي لافسانه سالى وسورا كينرى السوكواري وستنه وت حربركشا وكدكارها وكرست وداشان تصوف وكراكزمرويرين ونشتن آبين ان قصرتكنم وكرشا دانيدس ووباركه روزگازا کامی اندمنجاز بیوندیکر وعاطفت ابوت پدیر اخرات شد ندلفرموده آن برزوانی من نیزا The start of the s نشدهٔ اگزیدران ماری شب این ستن باده فرامهٔ ندندار مبری مین و نه زفارله ی متوار مبر بزرگوار در شا نیرگی تقدر بود خوشی شده میان من و بادر که در کار ملک شوخل محالله دران میکام از خود نا دان تری نیرگی تقدر بود خوشی و شده در نیاه هاسخ فیت سرااه پیدایسا منابخ من دم سرار میشیم در میآود برفی گمان شرایم گفت و گوشد و در نیاه جاسخ فیت سرااه پیدایسا منابخ من دم سرار میشیم دم آود برفی

Syrrich of separation where the يعيارها لألهما تونيع المرابعة والمرابعة والمراب Alahanik sahiring A Control of the Cont قطعه دشمنان دست كين راوردند وتتي مطاب نمي يايم يكما أدمي بمي منينم مردي دريان نبيابم مهم يتبرق ون زيرم الأك إى از دوشان في يايم الزرية إدان ما يوى خاري A CONTRACTOR OF THE PROPERTY O ازمرده كهتقيقت شي اونقيس بإدرم بودون نشتاى سبح وجو وزيا نحاعنصري زارتركبب را كماني ثم Sand State of the ورسيده شدا ولازويدن اين نبه گان آسوه و وزگارول أجابي فيت واز برامه ن نشيان شدوير Danivist Propinitional روى د طانه ناگزير جانى بلرى بود ال ختيار كروچوني ال شوريد ، كان فته شديريشان تراز خاطراً ويو المراز ال شرف حالی میش آمروط فداندوی سارایی گرفت محصین برادر درس کی وخت که با وجو د فروتن اسالی غلط فیت و توبدان کم اخلاطی درست اندایشیدی اکنون جارهٔ کاچیست و را داند نشید کداه و وم اسایش کیا توان برگرفت خیان پسخ داده که مهنوزیدی زفته ست برگشته زاویینو و رقت و مرا ناشخن اسایش کیا توان برگرفت خیان پسخ داده که مهنوزیدی زفته ست برگشته زاویینو و رقت و مرا ناشخان محروانيداميدكيطيلسان انيان براشتا يدوكا زواستكشوده كرد دبيرم وين فم ووه ريين الرويد وراده بها تأمين سرمارزه وكمفت ازين سركرشت تراخبرى بيت ازمرا ندوري وبارد بينتي این مردماً کهی خاری ازین ادمی مگذر علی مراه مگویا انکه دریا دیگارمون نهیمیوده بو درسوفرزیان تحرار مردم رنگرفته بالقابی لی کی اسخاط آورده گزارسشد منو دکر بینان بیشیگا ه باطن رتیومی افت که اگر کا د شوانشو د مها ما یا وری تواندنمو د کسی نه گام خت گیری سب د شوار که بمیانی نماید حون زمانه نگی د ثبت د شوانشو د مها ما یا وری تواندنمو د کسی نه گام خت گیری سب د شوار که بمیانی نماید حون زمانه نگی د ثبت وخاطر ريشان بوب او كام روشته آمد باللباني وركزا رائ انج خرم شرم من وارث فكارى رودكارعسرت ى اندوشت وعروه وثقاى توكل ازدست رفتدراه مبدلي مين گرفته عالم إجرياي و Control of the Contro انحاشته گامی بدننواری برومشته میشد دفعه پیخت جا یی میز د وعریب ل گرانی وزدیکی روزیها میز The state of the s بركوم ان روبروی صبح صادق بردرا درسیده شاز ترکی گهی گرم خونی عییش گرفت و شایسته خاد کده معين گردانيوعمهاي گوناگوك تي بركناره شدورين ام كده لپه كنه دوروزاگهي آمركيف و لاحسد إيرونة أزم مرد اشته كمنو فط طرخب اليرج وإبطااندافتندويا بين سي كالان وبأه فاصلت The state of the s

The Control of the Co والى بي متصول ايشان صورت نميا باين خود كارز مرب ملت متا الجام أن خاص مريشان شانشاسی اراغالیه بطلب فرساد نده بن جنبیت کا رکهی ختیند در سداساختن کوششها نود The state of the s وبدكالان شرارت اندليش لهمرا وسأعتندهون نجانه نيافقند كفيا بيفير وع راستى لاوست اندليشيد 15 Continue of Car نا نه لاگر و تنبه و ابوانجر برا درا دران منزل ما فته بعتب اتبال بردند و به آب اب استا^ن پنهان شُدُن رَا بَارِمنو دَير وَا زَاحِت حَنانُ أَرْمِ انْدِيثِيدِ نَدَارْبِا كُعْ مَايِداتِ ٱسانی الالحِ بِمُ كُونا وطاز بهزره سازئ شهرايرويه في زنسناسا لي مذيريف وباسنح دادكداين بميخت گييري دركار درلوشي كونستين ود از ننشی باصنت کیشریت و چندین وزش به بود و براینه مکنندیج مهوار پستربرد اکنوانیم تباشا رفته بإشدان خروراباي حبأوره مايدوننزل إحياقوق كروه وساعت نخروسال الأكرة وازكروخا ندبرخاستن نسيه عافيتني البرنزل آمر وأزابخا كه قدري الحامي ورا وبوووا بمهير ودى وثبت وحبرائ تعنف نقيض نهبرب باوريث تدداختفا كوشيدند بركومران فرواجهل زوة المنافعة ال المنافعة الم ورين خيال افيا وزركد امروز كد بنجانان شده اندجار واین كاربا بیهاخت و سد پرونان نیرولن کا باليكماشت ابرطاكنشان مانبداز مركذ لاندمها داازيجا أأكمي ما فتدخو وابعتبه بايون سانبنه Charling Control بهر كامه دا د بفرخ و زنشن ویش بهایایند ماسنی شامه نشامی اینهان کرد توخنا دستیت دانش کلیم والمنابئة الماء والمواجدة المنابئة المن ازبان تقدين ميان انداختند وتهشنايان ما ده بوء وتنان دورگاراييم افزو دندست أوترا The state of the s رنگین رمی با فتند مردم دراند بیشهٔ درازمی افیا دند و دست از با وری مخیل با زمید شته ند منفته چرین سیر ت صاحب خان نزاز دست رفته راه بی از ری گرفت ملادان اوامین شه نانی برگردانی در مقل زريب والمرتب والمراء وخاطرس ويرانفين شدكه أن حكايت شين تسلى مدارة وبأوشاه ورثيوب Kinds ithing lines , with

الريادة الموادة الموا Silvery of the state of الدارة والمعادمة ورود July of Whating Phillips Fig OT 4. Ville All Marie Ma And Evilored Signification of the state of t بفرناه بمينون وتعتارت المراد خانگرفته ميها واندوى بولعب سرايا خاطرگرفت واندنشه in the contract of the contrac . فتمازنا جرای درباخو دانیقد و انم که حکایت رستی دار دوگر نه برادر انامیکرد spiron travelly ومروم آذكروخانه ببخاستندا ليمتني كدبخاطر سييطام انباشد سركاه درزان إني مرزومه المراق المرادة في المراق المرا مجوشرسير يدوكزيده مردم فرميب دومكبين بربيجاستن المروزا كرفي المثل فعدايوخا نه درجمة رارفهم الأيل الدار بالغام بالم المراج A SHOUNT AND COME رابه بدوا ولاالان بارخاط براويم تفتى بيجال آمه بهجايه نهيجي روآ و رديم د شوارزا رشك آسيام كا je do jimboon is in his پدیدامدودژیم روز کاری رونمو دران شنا سانی شستیون بهها ن^{ها} میشیدنیو د^و دوروس شهارمون س*يده عن استندكه و مكرخلات لهي اشو دحو*ات. De la companya della companya della companya de la companya della ورميره وميننه رخم الدور فوطري گران باعم ازان عمکه ه چشت فزايا بيرون نصاويم نهاور The state of the s وخاطروندا يئ ستوارونديناه جانئ ببيدا ونذران تأصيده ناگاه دران بولاخ ظلمت آمريج في منرخه نشاطي ميروا فروخت يكي آركا مذه امنزل بديدان دلختي ومآسايش گرفته آمد مهرخپذ خائدا وسنگ تزاز E. C. C. ول او دول وساه ترارشنخستين لکين قدري راسودي وارسرگر داني بي Service Continued to the service of بديد نيامد وطينا ن روي اور دين آراست هال بتسرين ويستان دورين ترين شاگردان م محاترين مريدان وزمين خيدر وزيوز طهو إنداخت اكنون صلاح ديه قوت است كهازين شهر نفاق Contract of the Contract of th ت فیت برون شیم داری شنایان دارد و و ای مای را Sec. Sec. كهايكه وفا دارى كيث ن را وجهارت ورشتاً بإيدارى رسل تنذرو دركت وشويم اس TO COLLEGE OF THE PARTY OF THE كبخ طوتى بيبدأ بدوبيكا نأسعاوت أموة بينيا زحووكيردودا بنابحا اجهند يوروز كاستناساني Color of a Cr E. Clay in the second

Ches Constitution of the C The state of the s Con Marketin The state of the s Chile Land Ward 6 Parks of the State Townson Block يبست افقد وانداز كاطف وقهر كرفته أيداكر كنجائي ومشته بإشدا بزى انزنيك اندلشا ل نصافيات The state of the s حرفی درسیان *آورده شو در تا شامی از مالج زمانه نموده آیداگر قت یا وری نماید و زمانترخت*یاری دیز عله روع نخر شود وگرنه فراخ ما على لم را نگ نساخته اند مرغ را مرشاخ و کنیم شنیه ای مهت ورایت Seil Control of the C Control of the Contro ا قامت أى بدين صرّى كال نامرة رحوالي شهرفلان ميز حصت قطاع بافته فرود آمرة في توريرا ازروزناميكراهوال اوخواندة شيعو دوبومحيتها زومشاعقان ورآندكث منسريسالكون بيت أزعمه أفزأ TO COMPANY OF THE PARTY OF THE بدونياه بريم باشد كلختي وان جائن في نشان أساليشي ما فتهشو والرحية شنا في دنيا دارات المرار وتباتى نباشدانتفارست كاولامنيرشي دمكرمان مردغيشو درادركرامي تغيرلباس مودة فارم درابهك ومانصه يسرعت نموه أوارتن كهي نتاداني اندنيت كنشا دومينياني مقدم منتهز تنم والانجا كدرويه بهما و دتر کی چند را بمراه اور دکه در را همزندی نرساز با بند نرویه ندگان مرکو منزگر دیم وتر يزوست اكا دل سد ونويد آسو دگى ماندوسيام آراميش آور د بهازنان لباس گرداندهت مردس نها دهآمد ونظرق مختلف بآباق ورسده شدنشانشي تشرك وحدثتي گزين محاآور دوآم اثني تزرك نردهٔ سعادت داده روز بدان سرنسزل آرسیدگی بودواز عربه هاکی روزگاردرنیاه که کمیبارگی بیشیانی سخت رازانجه رودا و رابودا راسان تقدر فروبارید بها ما آن مردا بر را طلب شهندوازان با ده که Strate Strate Contract Contrac دومین روبهرششد در کاراین ساده لو*ته کردند و مربوش ترانخستین گشته و رق انسنانی کیبار*یک Charles in the state of وزور ويشبى ازانجا برامه مدوتن بيوشه شدا ومقدم گرامى المبنعتنم شمروه الانجاكه دم المعالية ال المعالية ا شورنه منشي حابثهت سرسهمكي تشرك رأوور دوجيري في اندازه كاليويها خت جون مرد منحواب تورنع Party of the Comment بقصه گاه انجین گاه صرت بردن آرمیداندیشد کا فرت آباز جا آبار امگای پزیر یا مناصر باد کی راشوب و خاطری عمر آمو دران سرمنزل رفته بنت گفت را کدمردم آن ناویراگهی از ناچار باد کی راشوب و خاطری عمر آمو دران سرمنزل رفته بنت گفت را کدمردم آن ناویراگهی از Selven beginning نَهْ تَهْ نَهْ ذِنَا كُلِي اللَّهِ مِنْ مُنْ يَعْدِيدُ تُوكُلُ سَالِينْ كُوفت مُدوازان بِاللَّهُ كَى بِكَارِثِ مُنْ مُراى براوراً نَهُ O Single State of the State of الزوانية المرازر

المين المراق ال Harry to be properly of the المرابع المراب 37 in philosoph all فيركن فيركم إن بتامية فمنز للن District Property of the State S. Wiring to Both of P. Ares Sould be sound to be a so را مدن الشيخ المجمولة مديوه زيعت أن خروسر حند كرايش فت كديو فلمو في احوال ومنموسيت رشون مثلا وضاع الناك وليست بياسود منه أمد وبيعلاات كافي افزان واشت طاره وكرية المنون المرازة والمام والمرازة النحامة بون آن سكيد كواعقل داريداد ميكاين فبأحث فهان تسنيكيشونه وميدا وإخالي ميسازم Said James Control of The روزرون في آئي صلاح كونه زندوحوت آشا في برزيان لاند كوچه مود وزر بندگا نج يسيان كرده واقد ا كرورا جه حاكة زدكي اينخاس اشه بورث سه مانديم وشكرت حالتي پديداً مرجاري بودون وي وي Aliginatives of the feeth فترج ننبردهٔ دمیان زم طرف اشایان دورو و در منان صدرگ و ما دیدگان شه میشانی و فعد Jas Estil Wyndrassy نا يا مدار وژگا مدوا در ژنت بی پا ه رخاک جارگی شدند. رؤگاری ژمه در دی کاری براگند ه مدازامی آبدهٔ ونتديم به جال برخاستر مع عابي گام رفيتن ناگر ينود در ان شكامهٔ بديسگالان کره ميه ويم حراستالهی پره و بنیم و مرفر و زشت با وری پاسانی ایزدی از ان بیگا ه را مونوشت خانه به این میسواری مکنان برسلگا ونها د دازگوش بیگا گان وخیراواشنایان سِنگار به باغیداتفاق اقیاد و پیابی رونموومرو رفته بازار وول راقوتی شرک رووا و اگاه و بدیگشت کرچنه بی از نیروم ندگان نافرها مرکذاره و ارتدان Part of the second of the seco تعايد بسته أوروزا كمي النيت كيزيد فونداول شرحة شرحه فطاهري بأكث بيرون يربه جاكه زفته ميشد بلا Section of the sectio ٔ اگها نی بیایی *میکر دوگرمهٔ ناکرده جا گِیر*ای ما دی<u>ه ط</u>را ناکر می شتیم ماانگرد ان وا دومتیایی وزا و کورانه اعجا بْنناخت وطال دُلُون گشت نزد کم بود که فالب بهی گرد و دنقد زندگی سپیرده آیدان سعادت نزیکن اگو مها بن ل فِته لا بارًا و دوازاه مکوئی نجائهٔ خود رونغخوارگی نشست اگرچه برادرگرامی اران مکومید وگ بیرون نشه ؤ دان زمان زمان زمار او دکر گون شکه کیکی مرا برخلات آن سرت افزودی وا نارو دی آثار Consider the second sec ا حوال آن لابگر برخواندی میروز کواخه و بالیز دمهال بو و برنطعاً کهی خرمشه قرم و دی ونیزگی تقدیرا آنا The state of the s كردى ختى اُرتُب گذشته بو دكه خدا و نداويميت سبدلدې آمد و بان بغاره دراز كر د كه با د جرول من د وى ارادت گزین بیشخ ترکا کمجابسر روه ثینه دوه من ارمن حیار گرفیه بودیدانچه نحاط نمیرسیدآن رگزیده مجود الاستروية المراد المران المنازية المنازية المنازية

Constitution of the second Service Control of the Control of th Market Contraction of the Contra Surviva Contraction of the Contr The death willing یا سنج گزاروم که درمین طوفان شون کامی ارتبمهٔ شنایان نگزیگ ومواخوا بان نکیدل و ورحبت امرکهمباد ا ازین رکوزازاری ربشیان رسرلختی بشگفتگه درا مروگفت اگر گوشته مراخوش نمیکنید از ریشه بها رس نهانخانهائ من انشاق وآثار وتتى ازگفنا إو بديداً مدخوم شاول بذرفة تمول جاي گرند في واديم چناپزد امنجورت صفوتگای بست اقیا دازان سرنترک تامعای حقیقت طرز بسیاد میشاک نصالود و آشایان استی اندوزارسال مافت و سرکریشناسای ک ننده مجاره گری درامدواعری اطبیان وا کمیاه وكسري در آني له شرح البسرية وشد وآن براد گراهی آماگر بفتچيوشتافت ا دران ارد وی بزرگ بيو ايمار مرايان لسوراگر م ترکز داند طبح آن نام مهردو انداش به نزاران و تونه م آمدو ميام روز کارخيد آورد وبها یا کیی از زرگان وات آن سقالوی بارگا خطافت ازاگهی اسان طراری حا وشده بی کا آمین نیاز مندی ش گیرد و آواب نبدگی بسید بخدیوعا لم بیشتی میش است آخرمشه دوروز ستخرنز دیک کدرین دولت مدکاران شوریع بننه فراعتها دارندوم دم مک این چاگیدیت که جامی آمدوخیاسپاسی که رومید بدان سرد از آزرم دوست بزیکونی اونجشوده گزار^ن در در امیگونی وازیش چیکس مغوابی خواب دید وایمغزیشونیدی شولیدگی را ه یا فتد جون نام خرجر بركيح لافئ ورأشفتنه وبزرمان آوردندكه عكى اكابروقت بالشكرشي وجانكزا في اومهت ل وست كرده زاني مرآلسا فيترنس يهندو بآا كمهياني كثيني درفلا نجاست ونشال بن حلوت واو نويوم The state of the s دېنت بغافاس رودو ترکي لازېنې فروينشانم و توناد نې ته پيخو وښي د بازانداز و بېرون نهي ساکت رود تنه پي ساکت رود ترخ اصر کرداند و ترخ اصر کرداند و ترخ اصر کرداند و کې کې د شوار زارې کې پاست کې که د د ارسانيد و کې کې مردم از بيين پيښ بلېاس کې که رايد و د اي شديم و ترفتکي د شوار زارې کې ما کا المارية والمراب E John John شوش بلن فزود لرفيتي روش شدكه مردم كالجام اه اندو باهما رداد كرجها كرارش نبوده اندو غيب ان راجيًو نه جال ألى سالين بين بي خت رُسُورُ مِن آور د بياً كُني فتن أن مشر مراق المراجع المراجع الأرق الموقع الم

المعادن المبارية المرادية الم 3637-1 ر چی دری کریم _{درا}ن بگاهس*آوارگی گرفته آمدنورس*تان قنامی ایکیان برگهرو بحرم رود بداین شکافته زمان راکدامهروناگزر مابسه همگرگه ناگون تفرا پروآ ورژبه کوی ارشوشتهم و . تنمنان *بالسوم الانجاك نوارش گيها ن خايو تبازگي معلوم شده او دايها چ*ان گرفت كه بي چن ८५५ हेर्_ड हेर्ड हेर्ड سامان نمودة أروازان خابيدان مقراقبال شآفته شود برشكا وفلاني كرسه تسازي برين درميا ट्रे. इंग्रेग्ट्रि زفتة أبدبا شدكه انزعوغا ونثوبيندويا ونتباء سبت نجشا بينز سركيشا يزاكز برايين تحيكان سأمان لا المناس المراجع كالان ود ازترازا فسانها بهو دسراً مَا نَ بَلَّهُ دَرَاهِ بِم بأَخَاسِكَا بِهِا يَ فَلا وَ Service Control of the Control of th وكحروبهاى اود زوركا وحرى مإن سيرطبى ميره وتسأن ماشنا ساأگرجها رجا نمغز مداما جندان حانثم برخداند كمنفت ورنيا يدوازاه محد ما بني برزان أو در كاكنون وقت گذشتهت خاطرا قد فل ري ellowed a *ن گەرامىشەنگەزندى ئىيىرسىد و گابسانى كارونندوارساختە مىشەندورىن دېڭى د*ىشادار) ولگا وا بایسبررد باطرمقدس شامنشاهی شوارش گرایژ درگرد نی نشانه S. C. انصب بردانيه مكبؤماكون ندوهم اغوشي وستثراد جون بخاشديم ماناكشا وزيكه باميداو فرسادود Solver . فييت وان حرائب موري فروش يم اروغه البحاندان ساحتياج افيا د وآثار داناني درنواي يافته طلب فترسه الانجاكة على وقت بود را هانخارتنا فته شد و دُرْسِرَ را ني مَدْ بدَا مركه ابن فرينسو ينكم ت وارساً د ولوی بدنجا وشاد وبصناتاً بی واندو های خود راازان شرطانبا وامبرى ماشناسا گرفته مدې اردا الخلافة أگر د که بوی اشنا از انجامی آمدر ه نو د پیمآ روه برا منشافته مان عزبيتگاه بيوتيم آن مكوخصال مردميها نطه واو ركيك يد شد كه دانجا كاذارة دوندكاه يرفعه بالناونمايز نتنیم و توی مارانخلافته اگره درآ مرزاویه دستی بیست آورده نیمد وختی دل^ق

بمكة نشة بو وكدازان خيرورويان ضراأ زاو كامرگزاران بى أزم برزيان فيت بها ما كه ديژ چند ناراستان مفتدل شور بدکاری رشیان مغزمیات ساحت میراعملازه گرفت کردآ شگون روآور دازانجا که قدم از گایوی وسرازاً نبگ تبکیه وگوش از بانگ دای وشیماز سان بخوا انديشه رامه وصليوخا نذنيز ببيداني حاكام بمت بروثهت دور فريدبن كشاكش مروني بسبر دوجة زمان را واسپین انفاس دانسته روز گاری سپرنجی شد تا انگه شعاد تنششی نجاط مقدس آن مراد را أرثت وكموث نتصاهجا نهويتبوي خت اويركشت مبراران فزوه عافيت أور دركوي ا بنكامي سنريست وركما كي تونكري منموه و درنگدشي كشادگي دباييزالي بزاكي از ناصيهال اويتنا خلوتی دلگه تن پیست قاد و بازار زامه نویسی شیا و شد و حاره گرائی میش آمد د و با و در بن اسانین آفامت شدود تقصد وكشايش ليفت خيرسگالان حق نسيج به ما ورى برخاستند و كافزاما ن يسيار المتأولة والمواتدة بمدوكا ي نشسته يتجستني بيسنا م علافزاي دونتي وكمفنا دلاويزاشنا كي فت ينها لاح المهمَّ .संकारीयाः जिल्लाम् وكم عياران ما بنيريه كاراجاره قرمود ند وبيان ن وستان مكو أي ينغ را بديشيكا وخلافت النيد وبطرز د لات وأبي على طفت افزاعرضه وثهتندا وتيك نشيرا قبال المقتضاي ووبيني وقد تناسي « پینیار، نزیرایان « پینوری نوریان بإسنهائ محوامو وگزارش نمع دوازاه مردی و نزر گی طلب تنت هیچون استر علق فرونیا مری تجرا Ni Para تكزيدهم ن برنوراني اجهين ادروي بازبرركا وبهايون أورد ومكونا كون وارش بادشا نانه بايروالآ وكمبارى زنبوذا زاساسان فموشد وعالم بم خود والم كرفت بنكا مردر وخطوتكا وتقدم

ازار سال که مدارانی افته طراح ماست ازاخت دران زادیه نوانی چیندان تمانسای عالم علوی ش منشة ناحال بي تفصيراً لنست *كور اواست حرى ك*ول ما سان بيوسه بو برنطع نيا *نيزك منها زمنيدى* مه فيت درميان حواب ومبدار غواح قطب لدين وتسيخ نظا مرا لدين ادليا منوداً رُشْمنند وبسياري فرا ةٍ بين اينتان بِداختَا مِيدِ زَرِيُوا رَجِلَوْ كَان سعادت فرجام حفظ ظاهر يَفْرمود كم تتلع افاني و فيزكن ارتشينم يبراخت ووحدوماعيكه درميان صوفية نيوع دار دمني كبيب نديم خداوندان فطرزرا اطعنه زدى وتنم واره بزران كوبهراس وكنه شتى كه رتقه ير برابرغني وقيير وستايش كورتس وخاك كەزىشرائىطردائى اين كارىت سېسىرى لىوين باخو دار د ولغرىشىگا ۋا كا ۋ لان ئىمۇرى وترمېز وْمودى وكناره گرفتى دوشان لازان ماز دُنتهى جاناً درین شب این غنودگان نبستان کمی کتب كردار شفرواليب بنبع د ماندار دستري نبيت دراستي كردار خيين بنروم شرقع مودندو ول من سرايز دمير إربووند دركن سفرسعادت بربسيار أرضكان آسكل رمين عبول قاد ونولو درل ابن فيضهاريه اً الرسرگذشت له بفعید نویسه مجعانیا ن فسانیدارند توبیگانی و ان الای عصیان ایند ما انگه لاایاقا ستجو بالركا بعلق بوندو وزولت كشو وندفويائيا عتها بوالايافت حال مربنيا ن حيض رو و گان صليع شده اول بيروامه وبريلكند كيانيا ن الحاطر بشوه بالزديها اليان دريت دبست باخو قوازاد كم

MAI زيان كارى اين اينايان كرب لغ بي نورون ن بي نشان اندازر سته خاطر درست كا -برفيز دو در را رايخ ننکو يې بهل را ونيا بد بېا وري توفيق ايز دي ربين اندينه چ<u>ر س</u>ې تي يافت^{م ا} بشاط دنگر مدید آمد و تمهت را نیروی ماز و مردم از تباه گاری عشیرت گزید ند و د مآسالیش رگزفتن يدرزرگواريا ندزرگوني ريشست آزرم سپرۍ کج گرائی فاحق گونی فارسانۍ مردم گزارش نوځ ودر شرای مرکالان بهام قرمه و توخی و افشای آن لاز سرب ته کشیده عنان بودواز یا سخان ولى نعمت شرنىد كى بثت آخرالام ناگزيرسرگذشت خولس بموقعت عرض سانيد وجيش و تو اوا چاره گرشد وصد گرخاط کشو و فاسوکین واسم ارانقصه بطولها چون ایات معایو آن دارا لامزيمت صالح ملى توقف ومو دخاطراز حدائى أن بيضقت سرامكى زنت وال ي ودوا مطابق نهصندنو دمینج ملالیالتا ستقدم گرامی نمود آن شناسای نیس وا فاق آرزو نیرفیم ، وسوم خردا و أوالهي ال سي ودوم وافق شنبة شم حِب ال مذكوبيا ليماطفت بن لركي وصن لأبين الذاخت ومكوناكون لوارش سرطبندئ خشبيديم وارود كوشه از واخرسندى آوود ودست ارعمه از دشته با داره نویسی وزگا زود بیرا کیفسل بولبدا نع روزگا گذران ی اگر دیعلی Se Joseph Jelle ظا *سرکته روخ خی لیکن به دار*ه در زات وصفات ایندی بخن فرمودی وعبرت را ما پیرگرفتی د *نبار* Windows Christin أرادى شستى و دامن شكارى فتى مازكمراج قديم فتى ازاعتدال تماشيجى وگركونى أپرير وَيُرْزُونُونُ وَيُرْدُونُ وَيُرْدُونُ وَيُرْدُونُ وَيُرْدُونُ وَيُرْدُونُ وَيُرْدُونُ وَيُرْدُونُ وَيُرْدُونُ هرمندازین م محبوری بسیان براز سفره آسین با از سفره آسین کهی نیوٹریت دواین شوریده ما بر سناك بهوشه لفزا بزراب ومت اوازه وواع نطه وأرحيا بخديم واره درير ديخن ميرفت وكي Christial and a service of the servi . دسن گمان برده رازگردان مه بودندر نبخ ک فروخه روخونتیتن رابصه میابی قدر نگیمها د نِنسر گهرای آن بیشوای ملک نقد سر گنتی آرمید رسید از مهفت روز کلمال اگلی عن حضو بیست و جهارم مردا د ما دالهی غدیمی زقیعت به زارومکت ریاض قدسی خرامیدند نیرخیرسانی William Carlo

م مورود المرابع ye place of the property of وعاب شدود پی^عقل ایز دشناس ، ر*یک شنت بنیث* نبش و تا ای گرفیت داماً بی را در کا پیسری Michigan . مشترى رداار ببرخفا وعطار وكافرنكست تشعر رفت أكمه فيليسون جهان بودورجهان ورلمي كسأ organista regularization معانی کشوده بود بی اوتنبی ومرده داندا قرابی او گوادهٔ قبلیا عیسی دوده بود خیابیده داخی The state of the s الفي كزارد مآمد وحين برخى احال گرامي نيا كان هر دانجاشت لحتى از خود مگورد ا خال مكيندون اربى مىيدىد وزبان لبندى مى كشايدنف صبى مرابيدن عنصرى دسال جدارص ومبغنا و ودوم جا Mind Market مطابق بهصائيجا وونفت الالي يوندو ورشب بست ونفتم دى اوسال حهار صدوم فعال وما ېزه د ماري اي د الله و او د الله او الله و الله موافق شب كيشنيد شتم مرم منهصد ونجاه ونتبت بلالي أمثيه بديشري نبزة كاه ونياخه شاه ، سال م كسترى شيواز مانى كرامت ومو در و در بنج سالگی اگایسهای عیر متعارف روآورد و در من المالية الم اسوا دکشووندود یا ننده مهالگی خزائن کوشس پدربزرگوا راگنجو آمد وهوا سرعانی را پاسژار داش وبإبرسركيخ نشست وكفت تراكماز كردشس بهربوقلمون بمواره خاطرا علومكتسبي ورموم رما فی امیره وخوبهش رسیده طبعه درگریز او بنتیشتری اوقات کمتری نهمید بدر برمط خواییژ افسان الگهدمیدی ودر برخی مختصت را لیت نوموده بیا د دا دی دمرا اگرچه موشر ل فرد دی امااز A COLOR OF THE PARTY OF THE PAR وبشأن علم خيري نوشيرنيا مدى كالم مطلقا دنيامري دراني تشبابهها بينزرا ، گرفتي دربان ا ورى مكردى كرازا بركويد عاب الكني آوردي إنتومندي خن گزاري برشت دران منب الم The state of the s ا قا دی و به کموش خرو د ژیدی دیران نا مرابکی اربطا به کردی علاقه خاطری بیآندول ازا کم مینی و كوتهن خت ازاندروري چند برين گذشته بود كهمرا في بهشيني وجويامي مترشه گردانيهٔ خاطر سرّاب مبيده لأبانخا فرودا ورد زازنيركي نقديركميا كي مرار تورو گري اورد ندريا عي درويزوم چضری آوروند بعنی رشراب ماغری آوروند کیفیت اومازخو دیخو دکرد بروندمرا و دیگری آورد تعان على وقائق ابساني سر يوطه وآماضت كما بي كه نيطرنه درآمانه وروشس ازخوانده كايش فراد ٥ كشراا كا مودين ما الحسال مودور الحسال ومرسا

الرهبرمونتى خاص بووكه ازعوش تقديز ولصعودي فرموه يجبل نفاسر كرامي يمرز كوا وببادان نقاوه بای علم و که مستنبشدن بی سله با دری شرگ نمودگرین سباب شایش کشت و میما از گ نتروات كردانيه ومالاي صلاكر درع منسارات وي زيشت عير السيب شهوى والبطريكي حزي في أشايا طبعت ازنكه وروروسه روسيري مشدوخذا داروني أمذف وانس اندورا برمول بميث سچرت دری افعاد ندواعتقا دی افز دوندها نایسخ داد که تبیعاً دازالفتْ عادت برخاسته بیار اطبیعت بمعارضَهُ مِن عَلَيهِ ذارْخُرون وت بازمبدارُ وَ عَلِينَ سَكُفِت بني آيداً گرتوجه عنوى لفرامونني سجويجا إ الثيمتة اولات اربسيا كفتن شينود ن اركشت مطالب الأركهن اوراق تبارة منعي دل أورو : مشير الأنكه كشالينشه بل مدواد خصيص منيم الرام شناسائي بزوان دينجنان ميني بنيان ميا ومي وفريسا كأديا فتهسر فازمنه ذمر وخاطر بشورمدى ول ناكزمون برج نسيدى كميارگى درما وي كاحا شيخوا لايقاً برمطول أوونداني برطا وسرمكيفت برخي دوستان سوده كردى دانجايا فته شدوحياني نهسناي نطاركيان آمروست ازان الحارماز فترتم وبنظر دكم دييران گرفتند وروزن نايافت براوروند و وزاسا نا وندوو وراستین میکام در سیط شیده ای خطاعی بطر در ایرکه ارتصف بیشتر دیوک ورده بودود (م رسته فا ده ناامید ورق کرم زده و در ساختم و کاغذ سغید بپوندوا دم در نورستان حری با ندک تا مى مبدار منتنى سركدام ديافته ما ندازة آن سود مربوط كاست تدربياض وم درين أناآن درست بديدآمه حيون مقابله شده وحاتفير وللتراوف وسهيا رحاايا وبالمتفارب شدمو وبكانك بشكفت القادند يرحندان سبت فوادي افزودي فرفع ديكر بإطرب اافرختي دسيسالكي نويم اطلاق سدودل لازاولين ميوندگرفت وسر آگئے شين اور دار آگئ فنون نوبا و چوانی شورل ود مناع فياخ وامياجها نكى د نهن مؤيش مرتبه والمطائد جنوال ومكوش ميدن گفت و دستنمود

Wind by the state of the state ر المحال فالرث أن المراز المرا مراد المراد الم المراز والمراز المراز بالمراد المراد ا ورفع المراب عالم المرابع المرا ابزة تتن آویزشنم و دوان مهٔ گام شام نشا ه فرینگ ای اورنگ نشین مرایا د فرمه و ازگو شدخمول بركرفت جنا بخالفتي وخواتم ورخى تبقاريب آوروه نيايشكرى نمودا يجالقه مراعيا ركفتن ذكراسنجي والمنافعة المنافعة ال للازاريد يدآمه وطنيان نظو كمرنكريت فندج كفت كواروداد وحيفرتها جروا فروست إمروزكه أفرا of the free for the first سال حیل د و مالهی ت مازول تی در گیسلاندو شویش ننی دیاطن ما اه شده و و مرح لیان S. W. S. Hall Carlo تغمه واوونداند الأوكنندش كمة نبزع قفس ستاين نميه انفركه كالجعانوا بإنجامية وكدام سيفرو لهيبين خوابيشاليكن لأغاريه شئ احال آواته آلائني آلتي مرآ وكنف حايت هو دكرفته است المرام ال اسيرت كآخين بفسرم ونيامندي مصروت كرور وكبدوش خود لأ إمكاه جاويد ساندوارا تجاكه نعرانی*دی یک گونسپ*اس *زالسیت بختی ازان مینویسنده ل اینر دی خشنخست بنتی که و خوای فت^{رو}اد* الميلا فول في الميلية بزرگ دو کیترون انگسریل کی نایمان چاره گیرشود وگزین دا وی علاج ننوسِت درونی آمد جهانجی^{درو} لماروولتش لآب وكرم لابسرد وعاشق لابديار دوم عاوت رو كارونيني زان سركا وبزركان Sicolar, باستاني مبعدات بنكائيلان بفاخر نليندمن أكربنبروسي إدنيا وصورت وعني نازش كنم فرسكفت مأ Carrie Co سومطالع سعودكه ورفيدخ ستدوز كارام شيمة لقدير بإور دظلال فدسي ملطنت رس افتاد بي*هٔ آج شريفيا لعلوفير از بدريخي گزايش نم*ودازان كدما نوى دو دما عفت جينولسيدَ کارم طال از مهم وخت دعواره قت گرامی ب توگی عل ارمیش دی زم را بنیروی کی جاکرده بودگر دار الگفتار بيونكيمة ي داؤة خب سلامتي عضا واغتيال قوملي وناسب ت تششير اننداد ملازست اين وكراني San Carrier Contraction قدى مصارى بودازا فتهاى درونى وبيرنى ويابى ازحوادت نفسرة أفاقي مفتر بسياري سحشه بوشكرة تنديتنى شتم نزل ايستهم غمي ازوزي وحريني بحال وتم شوق روزا فرون ضاجو كي والدين ما زو Control of the second عاطفت بدركة بشرانه حصله روزكا يعباتها ي كواگورنع ختى وبإبدالاً بائى دودما فالاختصاص عالم ووازدیم نازن ی درگاه اردی نیرویم در اوز نها و پذشینان شی گرین فروژ وای ورست عیسا Silon Contraction of the Contrac Sie Constitution of the Co Str. Charles Sold States The Control of the Co

The State of the s Sec. Sec. ونعديم فمشيذان معادت فراتهنيرويم عشق صوبي كشوريشر خاندانها وزمين كزباب يتها بانسافراكر بمنزلكاه كمال مازنيركى بولعجب بمظ كمطة تسكفك نوبرا ندوزوزمان مانتجير فروشود نوزيم لمات Control of the contro لیها ن خدیو که ولاد تی دیگر بود وسعا دنی تا زه تشمیرامدن از تخونت میاسن طازمت گیتی حث او فد بهت و کم سدین بصلے کل برکات النفات قدی کنی ازگفت خمریتی آمدورجی برگانگان مرفق بارشان ا بشتی نمود آخریدان اعذر بذر فته طرح مصالحت از اخت اسد نعالی از ادامع آگری نقش مدنی ا St. St. St. سازدلست دومارادت خدادگانان تسبت سنوم را نفتر اعتبار خشو دن و زنگ نشید می تاکیا سازدلست دومارادت خداد کان تسبت سنوم را نفتر جماعت از می نشاد می است. بی سفارش مردم و کانوی من نسبت جهام را دران انش آمو دسعادت کزین نزاجری کوکار از محصین مرا درخو دچه گوید که با ک کمالات صوری موشوی بی ضای ن شورید قدمی بزیریت و غەداوقف دلېوكىمن كرەپىيەدگى ليام د توقدى دىپك اندلىشى لادىر EN TO THE PROPERTY. چان رمی سارید که مراتوا نائی سپاسنسیت چانکد در قصید رفحن پیمیفاریدهم جائكارلبندي نيشي عن والأسان لبندر أواكترم وف مفتحة وكرامي رادم المرابع المراب مديهالدسيان والوسيكال راز درجت گل زشاخ عرعرا كالمراباة والمرابعة المرابعة ینجاه وچهار پیج بست محرت اورانکدام زبان نولسه لتی درین نامیز کامث ته ودر دولی بیرون داده Lift of the state of المنافية والمبان فوانده وبلاب لانتك يتكوينيا في لا المروشة والمانيف الحالم الم گوما ئى دېنيا ئىت ورغرا روغان بېتان ن مرحت سرائى كنيند و بېگال اوگويند وياتما كل و المتربي والمتراكن والمتركن والمتراكن والمتراكن والمتركن والمتراكن والمتراكن والمتراكن والمتراكن والمتراكن الله المالية ا Slavides Transfer of January of a

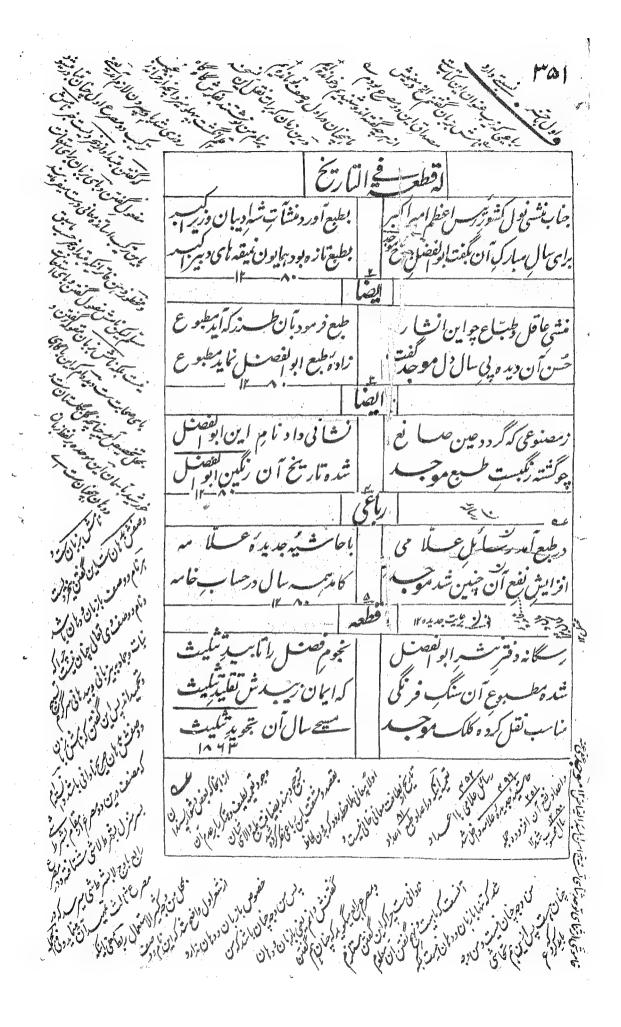
والمرة المراد المراد المرادة ا 5/2, (5/1) (5/1) instrict Wint. مفديم شوال نهصد قصت قمرى أكرحيابيك والاى آليي مينية قوت ليكي بحصره فرادان دار تومشية آرائي وكارشناسي زميش قعسان شارند ودرنيكذاتي ودرموثين سريستي وخير كالياميا تتافراق 150 37 AVE 181 دىگەتتىنچ ابولىغىيرولادت اودرآ بان دېم اسفندارندسال جهارم الهي معاض. د ټوننه پسب مطان ۱۱ سال بهصد شصت منهم للإلى مكارم إخلاق وشرالك اوصاف وى ستود او Circle stricts نيك نشأب وزيان لابسان مائراعضا بفرمان حرد دارد دكميشينح ابوالم كام ولادت او درش District Control غرهاردى بشبت سال جهاردهم طابق شب ووتنبياست وسومشوال بهصدوم فتا أوتش office of the second انخته بشورشس شدنف گهرای مدر نرگوا را ورا برجادهٔ درشی و نها را در دب یاری ارمعقول و ً بیشر آن ای رموزنفهی وا فاقی گذرانید دختی میش ندکرره کمامی میشیس میست اندیشرازیل منوه و مبرل له داردامب كه بساحل مقصو د كامياب گردد د گریتین ابوتراب ولادت اورزر آخ ٔ هندر بهم همروط مهال بست بوتم الهي موافق جمعه بسبث سوخ *جي الجنه صد بنوشا د بوشت فريالة* والدرا ووكرست كبكن سعاوت دبالرذارد كبوب كمالات نشغول دمكر شينح ابوحا مدولادت اورون خردا وششهرى ما چى وشت الهي موافق د شونبه سوم جع الاخر نېرار و دوم د مگر شيخ اتورش ولادت اوداسفندار ندینج مهمر بط واله یال می وشبت مطابق د ژوند بنو و جا دی الاول سال فرک این ونوا و هٔ خاندان سعادت اگر حیاز قما را نه کیر آبا راصالت ارجبین بیشان سیب وان میرنورا ازمقدم ایشان خرداد نام مقر گردانیده بودنیشتران طورانها خت ستی بسبت امید که ازانها ا گرامی او دولت نم شین کیا روزی گرزها نکوئیها گو ناگون وایم آمداگر چیر برانجر شین خت میشی مرا وعالم رادعهم انداخت ميدكه دنگر نونهالان برونسدرا دنشاط وكامراني سعاوت وجها بي وازع ونجيات صورى توننوى نوني تبنيوى بالمريدي نبشا د وسبت غم سيذر كه خدا في نجازا ن أرم

The state of the s 200 A STORY OF THE STO ی وایرانی تومیب بین نشاط خاطرگشتند تست و ششرگرامی فوزندسعا دیه افزای روز ولادت اودشب بیش مینیردیم دی ما مهال شاز دیم این موافق شب د توننبه دواز دیم مراد بین میزایس بیرسی میزایش The state of the s Gibble designation of the second يونينا د ونهم ميزرگوا اول يحبالرص موسوم گردانيداگر چينه دوستاني ژا دست امشيوني نی پونينا د ونهم ميزرگوا اول يحبالرص موسوم گردانيداگر چينه دوستاني ژا دست امشيوني نی شرمى اندوزو وارسو دوزيان روز كاروا واتأكهي ندوخته وآنائيكبغتي ازماصيا وسيت خەليووالاقدراورا كموكەي خۇنتىب گردانىدىسىنىۋىم دىدارىيروشىيەنىيران سى انىم رداد^{كا} ۋاڭنى ت سال *ین ش*ششر لهی مطابق حمیه پرونفیجی نهرصد و نو دونه *لا*لی درساعت سعادت افرافزند نيك نته پږيمآمه وغناميت ايزوي رواورو گهتي ضاوندان نوخهال ساربيتيان معادت رانشوتنام نها داميد كة محلائل كمالات ديني و ذبيوي فائز گرد د ولسعا دت جاويد نشاطاندوز و تست تستم دويتي مطالع كرتب خلاق تبت ونهما كهي أفتن إنفس ناطقه سالها مي ازمِقدمات بياني عياني Jesting Juliane طلبنكا يودوإصاحبان ين وروش كميزين بسيار شدولائل دوقي وشهوي كتسابي فيظري طر والمعالم المعالم المعا ولامراه شبه بهشكي تبافت وخاطرًا لم مُكُرفت؛ بامن عقيدت گرهاين شو دند ولوشين آمر كفي طقيم Or White State of the State of لطيفهيت بأن سلوي بن ورست فعلقي خاص الهين بكر عنصري في إيم أنداز إساكو تهري شكوة "بريكان صورت ملازگفتا رق مازندشت و دنش مينش ه وزي را آمزن نيام ويم ازندمالي وج اللي تمريز وميا أيرو بها المريد المري واسترى ففرقدورين فرميت نينداخت ورقمأراب كردار جرماري كروشي وكلم زميلي لباعتبا على المراج ا المراج تشيء وم توفيق كاشترل ين گرامي امرياكه يينى فواق ين كيا بالهي مُرت ايز ديست كنز باين كي اقبال مؤلفة ون مسر*كد و سياس نعمت شيدگي زيان فلم ميگزار دليكن مركونة ا*گهي اشير بهارت ا A State of the Sta وگروناگروهٔ انش امعدن مشکل کارار ارتبیونی ونه ل تسرایا ن خده نو وشش افعید فردان راسرائيدنشاط دحيوا مان راسباب عونت وسران تحارب دورگا ران مجايا بندوشند كا Carried Strain Strain

الانتام في المان ا : 1,12,1,16,16. Och 11. 13. "Sire is a line in the series of the series مالادا مراز و المالاد المالية المالية و المالية الم المناه المناد ال زروتم این مرد مانیان شناسندگو سرمنا می لاوز کا چسند مراکمیای ازا دی لازمین ترور د چیج سعاد نا بلونده بنځېرنال د د من پرون و دنیدادان عن نیرو ه برگیرانی نامایحال ششرت اندوزید مازرگا ما ن مرساع آبین سو درگیرید جوان المرابع المراب مازن وشش كراآمين كيوكارى ازوزارند عرصه كذا وري لوحهمت أموزي ازورخو روارش كزنيان زنتكا وحيقت بإوري *جلاصطرانان غب أو از د دخائر بينتهي و* William . أن كامياب فويش كروز منتوى كي ارا مرسكفت كرمردنتى روتوان بركفت Sirya Francisco de d بنان گفتماین امه نغرا که روشن کنده مزل أزين متهاى كوناكون فردهان ود وابدی سادت با وری تا بداگریم ميرسدودل سامعا فروزميشو دكهفاتمه كاربر يوم ارك امروزموردا ضداد وعبرت استجها ، دہنگا محصای مهروکین ازودر شور ايزدىييت ان حقيقت يژوه ابوالوحدة كوين بده اورسمال مشسمارند وكذاوران عرصنه دلاورى ابوالهمة نام نهند وازكتيائيان ن اندگیشتندوخرویموارهٔ بولفظرومی كاشونجاندي منزى ست رسنع واز گزیده مردم این دوده این ای شناسدو درد عندارندوطا نفدادنهما فالحك ستان بولعب آربردی کار حیرا أكارند واذكوب فسراش تحنها برمازرة شوندگردوسه حنی فیم کهنم مساخد کدازین مرا نائ شگرفکاری روزگار بیمرن تیمود To Control of the Con 'و ، وزبان و ول نفرينُ آ وَين بحالاً وببرنكوببند كان ومدحت سرايا ن أرفيرسسكالي ب نْ الشّ بسبت محشى كدان علامة مين لينداوي فتي عقل كان

MA يعوواليه حدراتضمه جارد وأعلما رامتي كانبيا بني اسائيل نعت لالتزام أرداعتي اين ز فضاى كشوريندا رعلوم اسلاميدياك رفته شدسيا انشاروانشا وبارسي ربان گفته شد گوکهی مند کرد یا یا ن شبخه تعظلمت زدائی را دساکمند کی ازان حضرت مولاً محيريا دي على منشري فضا كمن عَلامِ عالوم عربيه فها م فنون فارس C بطق برلي کالعربان صرب ساه مان کلام بلیان صربر وخيل خامهُ دوزبان وسِخْن سهُ بان آرنج رامخرها بجاعت و الله ن مروقت المام صف صبح صادق قسه نصدق مقالت خررد و تُنَيِّرُ و دُوْقُ آنَّ الله علائت محرره و تبت المعمد ليطن لا زملها تبنيني قدسيا في مطوات كعرب ل الرفضال leviling.

10. المنابخ والمراد والم 4.51/18/1 مصلاله باطاف تلخي كام عيران وبرصبر به زماني نقيا دُنگي ول خربئ رُسكر ركس كمشارشي مفردن بروائه خلوت واخبن بمبلى دراشان بتيزيرى كلى بنتاخ ازبرك برى وبين اوان فتخ صرن اوقات گامی نمود وآرسرنو تحث پیرم کاتبات علامی و وآری سرکه حاست یقدیمه را نوبی شد تخبر و بعاشية قديمة منزاوا راوست وأنكه أرجامي مبتى بروتصرف بشرح الملكي تبي جدد شوار وارواح الشه قالب طبع ارمفرحات ِ جان اروى تشيخش تقومت بافته وموالي سيًّا نُه عالم سِيَّسه أُوفيضانِ آبائ علوى انطاسية ترمبت يافته ذهينه معنيه كدويطن فائل زميزها ببب بوداز كأوش بشهو ذاورده اند فونس طلبي كه ديريث مخاطب اتبوم عدم شده زنا ننج واشي بوجو دوره اند به فقره کدائه نموداز موت گانی از کتایت اگره از رلفن کرتاب کتایت اگره از رلفن کرتاب کتایت مین ان گیسوی شکین بی تدمین ان گیسوی شکین مربه کاک شدموج ک ارتا به آن آشاو تا محشّى شد درگریشیخ الوانفنان به همچیب دیون کفیسلسل المالية المالي العجال بكام دوستان درككنو إد وصلة ازاى طبع برزور حنباب منشي ثول كشو ترطبع اين تباب تهام المغ فرمونوازا فلأثر غبرا مبلغ فرسود نعاليا يستنكش بمرتك تكين بليان كا د ويتجالب طبع ما نند تخت جم روا نأ د المال المراد الا المي المنطق المال وكريد المي كم المعامل إنها باكريد برود وكري أيدانها مال ويوم كون طلب وروند الوجرون



اشرب على انتر	قطعة بالنج ازسة تا وكامل نسخ وستعليق شاعر بلنه فكرمشي
ما يثير نيرنگ اولفضل بي ل مم	اين غير طبوع طبيع أمرة المراسي ورشع والممالية المراسي ورسوا ورشع والممالية المراسي والمراسي والمراسية المراسية
دفترمشور نتر نکته دان	شرعلای هیزیب طبعث اشتری از نقادل شدکی ا
مايد السايم	طبغا وخوشنو ليوالان أسخ وستعلق فنكوى
ادا شد نارشارندارشدین قر رین نده نامه مه نوسه	العساطف يخت في الني الله الله الله الله الله الله الله الل
كرنفسية ربطرق مشرشي بودا مرائي شرطلام يتند وبمسلك الوام	واه آدعاً من آب ایر کن خارد ایر کردی کا در دری کا شدی کا بیشتری کا دری کا خدری باشد که پیچیندگرد ایری طبیع می سایم
ن بن ا وقعا	لبغراد حوست وسامى شكريز نطن شيرين -
نهدرسرآسانشن ا	يا ي شي ما لي بسسم المشدخاتم كريت ميكين الفك بيش في الم
وضاما ل جنش إلى	ندسنع از نبرل محاج طی جمع عمر عمر این جمین کی ایا بولهمه زمیری دیم عیسوی مقطی فصاحت نرین
نامن و لي	لمعزاد ثاء زلس طبع منف عامح
ز د نواد فی روز و میرمرات ک	شرعلامی ارتی این این این این این این این این این ای
على شيخ	لبغاد مكناى روز كارد راصلانقش سنگ منشي بيرشمت
مطبوع سد فقرانی ا مطبوع سد فقرانی ا مطبوع سه ۱۸ ۲۲	موده وطبع این تما بانفی انتیان کشوفهام و ذکی ایا نیج سیمیش و مشمت

يخطع إلى كرخا كا كاري شار المستان عفر الله و

المنافع المنا

> 1 > -The second * : Y: () 1 2/5 av Al (0) 6 -C •(4 ع) 1 (e (2) 10 6.0 م حرب

لرحضرت مولانا محمرلا ديع خدايا توفيقي كواكرخا كرخشك كشروستي برفع نقاب خريديؤسياس بسراوا رجلب ندا ردنيمين لأومى تحديرار وكدورزمرُ وسعاً دُت بيّرولا بن سناً غاز شايستانجام طرفي أرستو بندو ونيل مبين وعظيم آن داندنشهٔ ويم اروا وص كنَّا خور كاسل كلام المبغ لنظام بندو ونيل مبين وصوت بصورت اليفي سرائيزيان گرديد و سرد الحاكم لندرب العالمين تركوار ايكر تبصفو عِبا وت اير فاضلها دنيك عاد وآيب لايدي كدا گرطوطي نطق از و فترخط و ال وحربه يرحسن جال ملام نعت وسانى بحروت قالبى بم نتيوا ندرونبرگا نوانى أتحيت بريك وکررس منرغتان مزحر وسرمن قالشانى رشاخسار سنركارى نهد وبال شائى درمواى این سكرستان آ

taa وثنتي ميسربا شدكهاز طوطي ليرأ يأمرطبيل القدر ترائه صلوة وسلام باوگرفته بهصفيري وثنوايا التكريتفال وشيرين ادايا ت فوخد فال راست آسنگے را ور مردِ ، گوشهای شتا تی لپروشای آستاهم مضحتم سل كمبتونه جرضة كجب نهينه رحمت كرد كاربر خار باو ورآل وجديات الما بعد درين عرض را ن كرُّ كسا دبروشا لمره يهاى عن شسته وتحاب او اي برگط قياب تتق *بسته يرنيانش إگرېمة نشريغي با شد رخت كه ن*ه خو د مدان *نېڅش كلن*ند د آين نيينې زرارور جامئة ورست يدراا وسهن ازنسبي عنكبوت واكيرند وحرمداري شيرين باف بازرجا متدلج كساب كه جزيره ومُهيكاً لكي نتوانيه وضبن فاحث من انستجين رابر واندازند تبسكه طوفان بي تميزي ﴾ الأگفته وكشتى تباتئى اتل كما آل را روى ساحل ديدن و نشوارا فما دوشعرترى آبدارى ورنجا سنگلخ رسانیدن میراآب نگ سودن نینکارند و چین کورسوادیها چا وظلمانی وژونه ورسیدن بحرف روشن بیانان محال گردیده مرای نشرنش شاری هم بر کا غذراندن میگونه ما ښاب گڼزېيو د ن ندميندارند ښت ماسح سر نا بولت آلا نمروزخواب نارست رتونا کې از کومپارگ خامه کړميجو په وصب تا نشام زانها بيا فه دراز وگوشها برمېزره ماز دندان بغاري کډسه گذارو پيښېدال یضه ۱۱ می این می از این می این این این این می این س لاقدم ما نرائه فرسودن لفحسب ورگلوسوختن لارم حیگفته آید درسوا دروس متدا ولات كرمعانيش اندك خفاني داروويردگيان باغنج و دلات انرومي حياشوخ مي را تندتي مخاباتيهب بؤامحوان ميكشاب ببشاني ممت بداغ فصنوشا نمندم بالثعثم The Control of the Co فروغ دید منبیش سخ نشستانسی زمرگر قدرشناسان خود برونسیاه سفت دیرین زمانه کسان بالبت دالائی نموده اندازین شاخ وستها کوتاه نمود واندازين شاخ وستهاكوناه و المائية الما غوده إبنشآت علامي الولفضاكا فيست كهار جهب بلمي ماننداش جون دواخير بيلا

نمى پردوطائرا ولم م ماكنگرها داکشتن نمى سدېروپس وزار بيرنستين فياعت و تركا باميد صدرت بني زم اشا خوش اقدا واز و ما بنسري ميد و تنه سواي كه سبب و تنه سواي كه سبب و تنه سواي كه سبب و تنه و ان و ما زيان بروقيان ادم كه نوورا ٢٠٠٠ : المنظمة ارحصد سوم گذران که بکنیها جوی شیرآم دول پر دیان تا انظم پرت میشدن اسا رفت وبدین کارخلیان وست بینه دوستش کشیدن پاسته اب دا دن آغازها دارخیآ كخواب ورويده كيسوم ومهاسيندوار وكستس تناه فالها بوزع بأكر برون عال ولاونيشترى الان نداييمه وي مانيا كا إنظاكيا ن ف الزينا ما قاق شن برون م ، از کارت تان و جی باین از او عن بت کرد و از من ان بسائید را آلات موران وزاک نقاب از دخسا گلگون وافیت رای زین انظر دو بین من گاه در و دستگاه HINADIAN منتى تول كشور عين برقيض راز صنيع نسافان وظابر آرايان بإطابين نیافت قصیالباع ناشناس فی دی دروب ان تنزایج روان ناکرد و شل شک ازهشيمها ن افتاه و رابعته واني برد وشنة دا قشا كه و که این امگرامی انگاک شباخهٔ تصعيع ومضاي توضيس سده وطرازطيع حديديا وكاصفحه يزوزكا راند تهرجند سراغا المجاله وروكشا يش عقده لاازاخن الكارت مان يوند تيزم وشان كوبشه را قد بموا ك زنند وكهبته اطينان كلي ت تا نااسشنايان كند بصيرور و خيزگوناگون شو كرنكينه حوداز ديابرون ورون تواندج سدما اكداز وست ويازني ترايند وازيا وتيماكي حاب اساسروازون در کارآب کننه فا مانطف از دی ماخدای زور ق مانگی خود و تر Ole Marie Control of the state of the s

.

en from the Library stamped. A fine of god for each day time.

CALL No.	•	गड कर्कें	ACC. No	o. 1 Mary Ublibal
Class No. Author Title	ANS 200 211 A	Acc. No.1 Book No.) <u> </u>	Jed Later Jest Land
Borrower's No.	FIF I SLIE		Issue D	The Tille



MAULANA AZAD LIBRARY ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

RULES:-

- 1. The book must be returned on the date stamped above.
- 2. A fine of Re. 1-00 per volume per day shall be charged for text-books and 10 Paise per volume per day for general books kept over due.

		. •